

کتابچه مقالات

اولین همایش ملی بهریستی روانشناختی و آموزش

1st National Conference
on Psychological Well-Being
and Education

تهران، دانشکده روانشناسی دانشگاه تهران

دی ماه ۱۴۰۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاریخ برگزاری: ۸ دی ماه

آشپز، صنعت از سال ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰

آدرس: تهران، بزرگراه شهید چمران، خیابان جلال
آل احمد، مقابل گوی نصر، خیابان دکتر کاردان،
دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران

1st National Conference
on Psychological Well-Being and Education

اولین همایش ملی

بهزیستی روانشناختی و آموزش



دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی



UNIVERSITY OF
TEHRAN



ISC

برگزارکنندگان



دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی



مؤسسه روانشناسی و علوم تربیتی

حامیان



سازمان بهزیستی کشور



سازمان پیش آموزش کشور



بنیاد حامیان دانشگاه تهران



سازمان آموزش پرورش و پیشرفت



ساختار همایش

دکتر رضا پورحسین

رئیس همایش

ریاست دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.



دکتر زهرا نقش

دبیر علمی همایش

رئیس موسسه روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.



دکتر مصطفی مرادی

دبیر اجرایی همایش

معاونت اداری و مالی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.



برنامه های همایش

عنوان میزگرد: یادگیری و سلامت روان: دیروز و امروز

رئیس میزگرد: دکتر نیما قربانی

عنوان	ارائه دهنده	مکان برگزاری
یادگیری دیالوژیک در متن تمامیت شخصیت	دکتر نیما قربانی	تالار کوثر دانشگاه روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران
سازگاری با دنیای مجازی، شبکه‌ای و هوشمند	دکتر جواد حاتمی	
درمانگری و مدل های زبانی بزرگ	دکتر عباس جواهری	
پیدایش هوشمندی در انسان و ماشین	دکتر محمد رضا ابولقاسمی	
ساعت ۹:۳۰ الی ۱۱:۳۰		

عنوان میزگرد ۲: ارتقای کیفیت آموزش و یادگیری در بهزیستی فراگیران

رئیس میزگرد: دکتر محمد جوادی پور

عنوان	ارائه دهنده	مکان برگزاری
الگوی برنامه ریزی درسی دانشجو محور با رویکرد برنامه ریزی درسی معکوس، گامی به سوی ارتقای بهزیستی دانشجویان	دکتر محمد جوادی پور	سالن دکتر شکوهی (اتاق شورا) دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران
برنامه درسی جهانی: مسیر جدید برای ارتقای کیفیت یاددهی- یادگیری و افزایش بهزیستی یادگیرندگان	دکتر مرضیه دهقانی	
تدریس اثربخش در محیط یادگیری الکترونیکی	دکتر فرهاد سراجی	
گونه شناسی سوگیری شناختی در سنجش عملکرد دانشجویان: راهبردی برای کاهش فرسودگی تحصیلی	دکتر کیوان صالحی	
اهمیت سواد هوش مصنوعی برای استادان جهت ارتقای کیفیت فرایند های یاددهی یادگیری	دکتر رها عابدی	
نقش سواد هوش مصنوعی در بهزیستی و یادگیری	دکتر مهدی بدلی	
ساعت ۱۰:۳۰ الی ۱۱:۴۵		

عنوان میزگرد ۳: همیاری ذهن و بدن در بهزیستی روانشناختی و توانبخشی

رئیس میزگرد: دکتر سالار قاسمی

عنوان	ارائه دهنده	مکان برگزاری
نقش ورزش، هنر و فعالیت های بدنی در بهزیستی روانشناختی و توانبخشی	دکتر سالار قاسمی دکتر مرادی دکتر فرهنگ	تالار کوثر دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران
ساعت ۹:۳۰ الی ۱۰:۰۰		

تاریخ برگزاری: ۸ دی ماه

آثار و مقالات از سال ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰

آدرس: تهران، بزرگراه شهید چمران، خیابان جلال
آل احمد، مقابل گوی نصر، خیابان دکتر کاردان،
دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران

1st National Conference
on Psychological Well-Being and Education

اولین همایش ملی

بهزیستی روانشناختی و آموزش



دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی



UNIVERSITY OF
TEHRAN



ISC

مجموعه مقالات

کاربرد تذهیب در هنردرمانی

آناهیتا مرسلی^{۱*}، شیدا چنگیزی^۲

۱. نویسنده مسئول، دانشجوی کارشناسی آموزش زبان عربی، دانشگاه فرهنگیان، مرکز آموزش عالی شهید باهنر تهران، ایران.

anahitamorsali@gmail.com

۲. کارشناس ارشد نقاشی ایرانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران / آموزش و پرورش، تهران، ایران. sheydachangizi0@gmail.com

چکیده

این مقاله به بررسی قابلیت‌های هنر تذهیب در حوزه هنردرمانی می‌پردازد. تذهیب، به عنوان شاخه‌ای از نگارگری ایرانی با بهره‌گیری از نقوش اسلیمی و ختایی و استفاده غالب از طلا، علاوه بر جنبه‌های زیبایی‌شناختی، از ظرفیت‌های نمادین و روانشناختی برخوردار است. از سوی دیگر، هنردرمانی با تکیه بر فعالیت‌های هنری، به بهبود سلامت روان، کاهش استرس و تقویت خودآگاهی کمک می‌کند. پژوهش‌های پیشین عمدتاً بر تأثیرات نقاشی درمانی و ماندالا درمانی تمرکز داشته‌اند، اما تاکنون پژوهشی در خصوص نقش تذهیب در این حوزه انجام نشده است. یافته‌های پیشین نشان می‌دهند که شباهت‌های ساختاری و نمادین چشمگیری بین نقش شمس در تذهیب و ماندالا وجود دارد. این اشتراکات، دلیلی بر امکان به کارگیری تذهیب در هنردرمانی است. همچنین عناصری مانند حرکت حلزونی، تکرار ریتمیک، و رنگ‌های معنوی نظیر طلایی، لاجوردی، و فیروزه‌ای در تذهیب، می‌توانند به کاهش اضطراب، افزایش تمرکز، و تقویت هماهنگی عصبی-حرکتی بینجامند. با توجه به تأثیرات اثبات شده ماندالا در کاهش اضطراب و بهبود سلامت روان، این پژوهش پیشنهاد می‌کند که تذهیب نیز به دلیل ویژگی‌های مشترک و منحصر بفردش، می‌تواند به عنوان ابزاری نوین در هنردرمانی مورد استفاده قرار گیرد. اساس کار ما در این پژوهش مطالعات کتابخانه‌ای بوده است به همین جهت بر ضرورت انجام پژوهش‌های تجربی بیشتر برای سنجش دقیق تأثیرات تذهیب بر سلامت روان تأکید می‌کنیم.

واژه‌های کلیدی: تذهیب، روانشناسی، هنر، هنردرمانی.



مقایسه انسجام روانی و شکستگی تحصیلی در دانش آموزان تک والد عادی در شهر قم

زهرا گاموری^{۱*}، سعیده سبزیان^۲، هدا لاجوردی^۳

^۱ * نویسنده مسئول، دانشجوی کارشناسی ارشد روان شناسی تربیتی، موسسه آموزش عالی طلوع مهر، قم، ایران، پست الکترونیک:

M.haii@chmail.ir

^۲ استاد روان شناسی، گروه آموزشی روان شناسی تربیتی، موسسه عالی آموزش عالی طلوع مهر، قم، ایران، پست الکترونیک:

s.sabzian@hmu.ac.ir

^۳ استاد روان شناسی، گروه آموزشی روان شناسی تربیتی، موسسه عالی آموزش عالی طلوع مهر، قم، ایران، پست الکترونیک:

hodalaj@yahoo.com

چکیده

تغییرات ساختار و کنش خانواده یکی از موضوعات جالب برای پژوهش‌های روان‌شناسی است. برخی خانواده‌ها عادی نیستند و به خانواده تک‌والدی تبدیل شده‌اند. تبدیل خانواده عادی به تک‌والد می‌تواند بر روی جنبه‌های تحول فرزندان موثر باشد. پژوهش حاضر با هدف مقایسه انسجام روانی و شکستگی تحصیلی دانش آموزان تک‌والد و عادی انجام شد. طرح پژوهش از نوع توصیفی و پس‌رویدادی است. جامعه پژوهش شامل دانش‌آموزان دختر متوسطه دوم شهر قم (25848 نفر) که سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ مشغول تحصیل می‌باشند. نمونه تعداد ۳۸۰ نفر براساس فرمول کوکران انتخاب شد که ۹۰ نفر خانواده تک‌والد و ۲۹۰ نفر عادی بودند که به شیوه نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. جهت جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه حس انسجام آنتونوفسکی (۱۹۹۳) و پرسشنامه شکستگی تحصیلی دینر و همکاران (۲۰۰۸) استفاده شد. داده‌ها با استفاده از آزمون تحلیل واریانس تحلیل شد. نتایج نشان داد بین انسجام روانی و شکستگی تحصیلی دانش‌آموزان تک‌والد و عادی تفاوت معنی‌داری وجود دارد ($P < 0.05$). علاوه بر این دانش‌آموزان تک‌والد از نظر انسجام روانی و شکستگی تحصیلی میانگین نمرات کمتری را نسبت به دانش‌آموزان عادی بدست آوردند، بنابراین می‌توان گفت دانش‌آموزان تک‌والد انسجام روانی و شکستگی تحصیلی پایین‌تری نسبت به دانش‌آموزان عادی دارند. با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که دانش‌آموزان دختر تک‌والد به دلیل عدم ایفای نقش یکی از والدین در خانواده، کاهش حمایت‌های اجتماعی و وضعیت اقتصادی-اجتماعی پایین‌تر، انسجام روانی و شکستگی تحصیلی پایین‌تری نسبت به دانش‌آموزان عادی دارند و می‌توان از طریق آموزش و مشاوره خانواده و اجرای برنامه‌های توان‌بخشی ویژه برای این دانش‌آموزان و خانواده‌های آنان، نسبت به رفع این مشکلات اقدام کرد.

کلیدواژه‌ها: خانواده تک‌والد، انسجام روانی، شکستگی تحصیلی



مقایسه انسجام روانی، معناداری و شکستگی تحصیلی در دانش آموزان تک والد و عادی در شهر قم

زهرا گاموری^{۱*}، سعیده سبزیان^۲، هدا لاجوردی^۳

^۱ * نویسنده مسئول، دانشجوی کارشناسی ارشد روان شناسی تربیتی، موسسه آموزش عالی طلوع مهر، قم، ایران، پست الکترونیک:

M.haii@chmail.ir

^۲ استاد روان شناسی، گروه آموزشی روان شناسی تربیتی، موسسه عالی آموزش عالی طلوع مهر، قم، ایران، پست الکترونیک:

s.sabzian@hmu.ac.ir

^۳ استاد روان شناسی، گروه آموزشی روان شناسی تربیتی، موسسه عالی آموزش عالی طلوع مهر، قم، ایران، پست الکترونیک:

hodalaj@yahoo.com

چکیده

تغییرات ساختار و کنش خانواده یکی از موضوعات جالب برای پژوهش‌های روان‌شناسی است. برخی خانواده‌ها عادی نیستند و به خانواده تک‌والدی تبدیل شده‌اند. تبدیل خانواده عادی به تک‌والد می‌تواند بر روی جنبه‌های تحول فرزندان موثر باشد. پژوهش حاضر با هدف مقایسه انسجام روانی، معناداری و شکستگی تحصیلی دانش آموزان تک‌والد و عادی انجام شد. طرح پژوهش از نوع توصیفی و پس‌رویدادی است. جامعه پژوهش شامل دانش‌آموزان دختر متوسطه دوم شهر قم (25848 نفر) که سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ مشغول تحصیل می‌باشند. نمونه تعداد ۳۸۰ نفر براساس فرمول کوکران انتخاب شد که ۹۰ نفر خانواده تک‌والد و ۲۹۰ نفر خانواده عادی بودند که به شیوه نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. جهت جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه حس انسجام آنتونوفسکی (۱۹۹۳) و پرسشنامه شکستگی تحصیلی دینر و همکاران (۲۰۰۸) استفاده شد. داده‌های پژوهش با استفاده از آزمون تحلیل واریانس تحلیل شد. نتایج نشان داد بین انسجام روانی، معناداری و شکستگی تحصیلی دانش‌آموزان تک‌والد و عادی تفاوت معنی‌داری وجود دارد ($P < 0.05$). علاوه بر این فرزندان تک‌والد از نظر انسجام روانی، معناداری و شکستگی تحصیلی میانگین نمرات کمتری را نسبت به دانش‌آموزان عادی بدست آوردند، بنابراین می‌توان گفت دانش‌آموزان تک‌والد انسجام روانی، معناداری و شکستگی تحصیلی پایین‌تری نسبت به دانش‌آموزان عادی دارند. با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که دانش‌آموزان دختر تک‌والد بدلیل عدم ایفای نقش یکی از والدین در خانواده، کاهش حمایت‌های اجتماعی و وضعیت اقتصادی-اجتماعی پایین‌تر، انسجام روانی، معناداری و شکستگی تحصیلی پایین‌تری نسبت به دانش‌آموزان عادی دارند و می‌توان از طریق آموزش و مشاوره خانواده و اجرای برنامه‌های توان‌بخشی برای این دانش‌آموزان و خانواده‌های آنان، نسبت به رفع این مشکلات اقدام کرد.

کلیدواژه‌ها: خانواده تک‌والد، انسجام روانی، معناداری و شکستگی تحصیلی

تأثیر تمرینات گروهی بر کاهش اضطراب تحصیلی با نقش میانجی حمایت اجتماعی

رضا مظفری^۱، مجید شاهی گنزق^{۲*}

^۱. استاد گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان اردبیل، اردبیل، ایران

^۲. کارشناس علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران. Majidshahi3344@gmail.com

چکیده

هدف اصلی این تحقیق بررسی تأثیر تمرینات گروهی بر کاهش اضطراب تحصیلی با نقش میانجی حمایت اجتماعی بود. فعالیت‌های گروهی با تقویت روابط بین فردی و ایجاد حس تعلق و همبستگی، زمینه‌ساز افزایش حمایت‌های عاطفی و اجتماعی می‌شوند که این حمایت‌ها به نوبه خود باعث کاهش فشارها و تنش‌های روانی مرتبط با تحصیل می‌گردند. روش تحقیق در این مطالعه توصیفی از نوع همبستگی بوده و هدف آن کاربردی می‌باشد. جامعه آماری مورد نظر در این پژوهش کلیه دانش آموزان دختر متوسطه دوره اول شهرستان اردبیل در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ به تعداد آنان ۷۳۳۲ نفر بود. بر اساس فرمول کوکران حجم نمونه تعداد ۳۶۵ دانش آموز به طور تصادفی با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه استاندارد کار تیمی لنتیونی (۲۰۰۴)، پرسشنامه استاندارد اضطراب امتحان دریس کول (۲۰۰۷) و همچنین پرسشنامه حمایت اجتماعی زیمت و همکاران (۱۹۸۸)، بود. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها، با استفاده از آمار توصیفی و آمار استنباطی به کمک نرم افزار SPSS , PLS بود. یافته‌های تحقیق نشان داد تمرینات گروهی و مولفه‌های آن (تعهد، اعتماد، مسئولیت پذیری، برخورد سازنده، هدفمندی) بر کاهش اضطراب تحصیلی و حمایت اجتماعی تأثیر دارد. نتایج حاکی از آن است که حمایت اجتماعی بر کاهش اضطراب تحصیلی تأثیر دارد. نتیجه آزمون سوبل نیز حاکی از آن است که حمایت اجتماعی بین تمرینات گروهی با کاهش اضطراب تحصیلی دارای نقش میانجی می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: تمرینات گروهی، اضطراب امتحان، حمایت اجتماعی، دانش آموزان

بررسی تأثیر استرس تحصیلی بر سلامت دانش آموزان: راهکارهای مقابله با آن

مجید شاهی گنزق*^۱، علی خالق خواه^۲، آرمین خدایی عنبران^۳، حسین آدمیت^۴

^۱. کارشناس علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران mahidshahi3344@gmail.com

^۲. استاد گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

^۳. کارشناس علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

^۴. دکتری تخصصی فلسفه تعلیم و تربیت، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

چکیده

استرس تحصیلی به عنوان یک عامل کلیدی و تأثیرگذار بر بهزیستی روانی و جسمانی دانش آموزان شناخته می شود و می تواند منجر به بروز مشکلات روانی مختلفی مانند اضطراب، افسردگی و کاهش عملکرد تحصیلی گردد. هدف این تحقیق، بررسی تأثیر استرس تحصیلی بر سلامت روان دانش آموزان مقطع متوسطه در شهر اردبیل بود. در این مطالعه توصیفی از نوع همبستگی، ۲۴۲ دانش آموز به طور تصادفی از میان جامعه آماری انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده ها شامل پرسشنامه استرس تحصیلی گولام و سلطان (۲۰۲۲) و پرسشنامه استاندارد سلامت روان کیز (۲۰۰۲) بود. داده ها با استفاده از روش های آمار توصیفی و استنباطی تحلیل شدند. یافته های تحقیق نشان داد که استرس تحصیلی تأثیر معناداری بر سلامت روان دانش آموزان دارد و سایر عوامل مانند اضافه بار تحصیلی، تعامل با همکلاسی ها، فشار خانواده و نگرانی های مرتبط با آینده نیز به طور مثبت بر سلامت روان اثرگذار هستند. به طور خاص، نتایج نشان دهنده این است که مدیریت مؤثر استرس تحصیلی و ایجاد یک محیط حمایتی می تواند به بهبود سلامت روان دانش آموزان کمک کند. این یافته ها بر اهمیت توجه به عوامل روانی و اجتماعی در محیط های آموزشی تأکید دارد و ضرورت مداخلات روانی-اجتماعی و برنامه های حمایتی چندجانبه را برای ارتقاء بهزیستی روانی دانش آموزان مشخص می سازد. در نهایت، این تحقیق نشان می دهد که توجه به سلامت روان دانش آموزان باید بخشی از سیاست های آموزشی و اجتماعی قرار گیرد تا به بهبود کیفیت زندگی و عملکرد تحصیلی آنها کمک کند.

واژه های کلیدی: استرس تحصیلی، سلامت روان، دانش آموزان.



بررسی تأثیر برنامه‌های آموزشی بر کاهش افت تحصیلی با نقش میانجی سبک‌های یادگیری (مورد مطالعه: دانش آموزان دختر ناحیه ۱ استان اردبیل)

مجید شاهی گنزق^۱، رضا مظفری^۲، علی خالق خواه^۳

۱. کارشناس علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

۲. استاد گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان اردبیل، اردبیل، ایران

۳. استاد گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

چکیده

برنامه‌های آموزشی به عنوان ابزارهای کلیدی در نظام‌های آموزشی، نقش مهمی در بهبود عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان ایفا می‌کنند. توجه به سبک‌های یادگیری به عنوان عوامل مؤثر در فرآیند یادگیری می‌تواند به تقویت اثربخشی این برنامه‌ها و کاهش افت تحصیلی کمک کند. هدف این تحقیق، بررسی تأثیر برنامه‌های آموزشی بر کاهش افت تحصیلی با نقش میانجی سبک‌های یادگیری در میان دانش‌آموزان دختر ناحیه ۱ استان اردبیل بود. این مطالعه از نوع توصیفی-همبستگی و با هدف کاربردی انجام شد. جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان دختر ناحیه ۱ استان اردبیل بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری غیرتصادفی، ۳۵۷ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها شامل پرسشنامه استاندارد اثربخشی دوره‌های آموزشی الیاحیا (۲۰۲۲)، پرسشنامه علل افت تحصیلی موسوی‌پناه و همکاران (۱۳۹۴) و پرسشنامه سبک‌های یادگیری آکسو و اوزدمیر (۲۰۰۵) بود. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی انجام شد. یافته‌ها نشان داد که برنامه‌های آموزشی و مؤلفه‌های آن، از جمله بازخورد، حمایت، انگیزه و مشارکت، بر کاهش افت تحصیلی و سبک‌های یادگیری تأثیر دارند. همچنین، سبک‌های یادگیری به طور معناداری بر کاهش افت تحصیلی تأثیرگذار هستند و آزمون سوبل نشان داد که سبک‌های یادگیری نقش میانجی بین برنامه‌های آموزشی و کاهش افت تحصیلی دارند. این نتایج بر اهمیت طراحی برنامه‌های آموزشی متناسب با سبک‌های یادگیری تأکید می‌کند.

واژه‌های کلیدی: برنامه‌های آموزشی، کاهش افت تحصیلی، سبک‌های یادگیری

واکاوی نقش تکنولوژی آموزشی در فرایند یاددهی - یادگیری دوره‌ی ابتدایی از دیدگاه ساختن‌گرایی

ملیحه علی‌پور فدافن^۱، سکینه جعفری^۲

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران. رایانامه: malihealipourfadafan.1381@gmail.com

۲. دانشیار، گروه مدیریت آموزشی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران. رایانامه: Sjafari.105@semnan.ac.ir

چکیده

یکی از حوزه‌هایی که با ورود فناوری اطلاعات دچار تحول اساسی شده حوزه آموزش است. برای رسیدن به آموزش کاربردی در سطوح بالا و طبق اهداف روش ساختن‌گرا، استفاده از وسایل کمک آموزشی بسیار مهم است، زیرا تدریسی که حواس بیشتری را در یادگیری جلب نماید، موفق‌تر است. تکنولوژی و کاربرد آن، امروزه آن‌چنان گسترش یافته است که می‌توان به جرأت گفت تمایز آن از آموزش نوین، محال می‌باشد و بسیاری از کارکردهای آموزش می‌توانند با رسانه‌های آموزشی گوناگون حاصل شوند. هدف از انجام این پژوهش واکاوی نقش تکنولوژی آموزشی در فرایند یاددهی - یادگیری دوره ابتدایی از دیدگاه ساختن‌گرایی می‌باشد. روش پژوهش، تحلیل محتوای کیفی با طرح استقرائی بود. یافته‌ها نشان داد که تکنولوژی‌ها و فناوری‌های جدید باعث اصولی شدن فرایند یاددهی - یادگیری می‌شود، مخاطب را برمی‌انگیزاند و باعث پویایی و فعال شدن وی در امر یاددهی می‌گردد، به تمامی عناصر فرایند تعلیم و تربیت توجه کامل دارد و در مجموع با ایجاد بستر مناسبی برای نظارت، سازماندهی، کنترل و سنجش دقیق‌تر، به مدیریت و رهبری آموزشی اصولی‌تر می‌انجامد و با استفاده از کارکرد تکنولوژی‌ها در آموزش می‌توان به اهداف آموزش و یادگیری کامل و فعال دست یافت و در هزینه‌های مادی و معنوی صرفه‌جویی کرد.

واژه‌های کلیدی: تکنولوژی آموزشی، فناوری، آموزش دوره ابتدایی، رویکرد ساختن‌گرا



مدل‌یابی پیش‌بینی استرس تحصیلی بر اساس کمال‌گرایی تحصیلی، پنج عامل بزرگ شخصیت و احساس تعلق به مدرسه

فرشید رستم زاده^{۱*} شهلا مصطفوی^۲

۱. دکتری مدیریت آموزشی، گروه علوم تربیتی، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران. farshid.rostamzadeh@iau.ir

۲. کارشناس ارشد آموزش زبان انگلیسی، واحد تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران. Sh.mostafavi18@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی استرس تحصیلی بر اساس کمال‌گرایی تحصیلی، پنج عامل بزرگ شخصیتی و احساس تعلق به مدرسه در دانش‌آموزان مقطع ابتدایی انجام شد. این مطالعه از نظر هدف و ماهیت جزء تحقیقات کاربردی و از منظر استراتژی و مسیر اجرا از نوع تحقیقات توصیفی است که در قالب ماتریس همبستگی انجام شده است. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه دانش‌آموزان پایه‌های مختلف ابتدایی شهرستان میاندوآب در سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۳ بود. بر اساس جدول مورگان، ۴۰۰ دانش‌آموز (۲۰۰ پسر و ۲۰۰ دختر) با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تک‌مرحله‌ای به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها، علاوه بر منابع کتابخانه‌ای، از پرسشنامه‌های استاندارد استفاده شد که شامل پرسشنامه کمال‌گرایی چندبعدی فراست (۱۹۹۰)، پرسشنامه استرس تحصیلی گادزلا (۱۹۹۱)، پرسشنامه صفات شخصیتی نئو (۱۹۸۳) و پرسشنامه احساس تعلق به مدرسه برای و همکاران (۲۰۰۱) بود. مشارکت‌کنندگان پرسشنامه‌ها را در حضور پژوهشگران و با رعایت اصول اخلاقی تکمیل کردند. داده‌ها با بهره‌گیری از شاخص‌های آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار، فراوانی) و آمار استنباطی، از جمله تحلیل همبستگی و رگرسیون چندگانه، با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۳ تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد که متغیرهای کمال‌گرایی تحصیلی، صفات شخصیتی و احساس تعلق به مدرسه همبستگی معناداری با استرس تحصیلی دارند ($p < 0.05$). نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه بیانگر آن بود که این سه متغیر در مجموع قادر به پیش‌بینی سهم معناداری از واریانس استرس تحصیلی دانش‌آموزان هستند، به‌طوری که احساس تعلق به مدرسه اثر منفی و کمال‌گرایی و برخی ابعاد شخصیتی، از جمله روان‌رنجوری، اثر مثبت بر سطوح استرس تحصیلی داشتند. نتایج این تحقیق اهمیت توجه به عوامل فردی و محیطی را در مدیریت استرس تحصیلی نشان می‌دهد و می‌تواند مبنای طراحی برنامه‌های پیشگیرانه و مداخلات مشاوره‌ای در محیط‌های آموزشی قرار گیرد. تقویت احساس تعلق به مدرسه و آموزش راهبردهای مقابله‌ای متناسب با ویژگی‌های شخصیتی، از راهکارهای پیشنهادی برای کاهش فشارهای تحصیلی در دانش‌آموزان ابتدایی است.

واژه‌های کلیدی: استرس تحصیلی، کمال‌گرایی تحصیلی، پنج عامل بزرگ شخصیت، احساس تعلق به مدرسه



مقایسه میزان خلاقیت و تفکر انتقادی در بین دانش آموزان متوسطه با استفاده آسیب زا و غیر آسیب زا از شبکه های اجتماعی مجازی

زبیر صمیمی^{۱*}، اسماعیل قدری^۲

۱. نویسنده مسئول: استادیار، گروه روانشناسی و تکنولوژی آموزشی، دانشگاه بین المللی چابهار، چابهار، ایران

۲. مربی، گروه علوم تربیتی و تکنولوژی آموزشی، دانشگاه بین المللی چابهار، چابهار، ایران

چکیده

هدف پژوهش حاضر مقایسه میزان خلاقیت و تفکر انتقادی در بین دانش آموزان با استفاده آسیب زا و غیر آسیب زا از شبکه های اجتماعی مجازی بود. روش پژوهش توصیفی و از نوع علی-مقایسه ای بود. جامعه آماری پژوهش حاضر را دانش آموزان دختر دوره دوم متوسطه شهرستان ایرانشهر در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ به تعداد ۱۳۰۰ نفر تشکیل داد که از بین آنها تعداد ۱۰۰ دانش آموزان دارای استفاده آسیب زا از شبکه های اجتماعی مجازی و ۱۰۰ دانش آموز با استفاده غیر آسیب زا از شبکه های اجتماعی مجازی به صورت در دسترس و به صورت اینترنتی به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. برای جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه استفاده آسیب زا از شبکه های اجتماعی مجازی یاریگر و همکاران (۱۳۹۹)، پرسشنامه خلاقیت عابدی (۱۳۶۰) و پرسشنامه گرایش به تفکر انتقادی ریکتس (۲۰۰۳) استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از تحلیل واریانس چند متغیری انجام گرفت. نتایج تحلیل داده ها نشان داد که تفاوت معنی داری بین خلاقیت و همه مولفه ها آن (سیالی، انعطاف پذیری، اصالت و بسط) و همچنین بین تفکر انتقادی و همه مولفه های آن (نوآوری، بالیدگی، تعهد) در بین دانش آموزان با استفاده آسیب زا و غیر آسیب زا از شبکه های اجتماعی مجازی وجود داشت و دانش آموزان با استفاده آسیب زا از شبکه های اجتماعی مجازی از خلاقیت و تفکر انتقادی پایین تری در مقایسه با دانش آموزان با استفاده غیر آسیب زا از شبکه های اجتماعی مجازی برخوردار بودند. براساس نتایج پژوهش حاضر می توان دریافت که استفاده آسیب زا از شبکه های اجتماعی مجازی پیامدهای منفی برای دانش آموزان دارد.

واژه های کلیدی: استفاده از شبکه های اجتماعی مجازی، خلاقیت، تفکر انتقادی

بررسی رابطه بین وابستگی به موبایل و احساس ناکامی

محمدحسین بابازاده^{۱*}، فاطمه نوروززاده^۲

۱. دانشجوی ارشد مشاوره، گروه روانشناسی و علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شهیدرجایی، تهران، ایران.*

m.h.babazade@gmail.com

۲. دانشجوی ارشد مشاوره، گروه روانشناسی و علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شهیدرجایی، تهران، ایران۔

f.norouzzadeh80@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر باهدف بررسی رابطه بین وابستگی به موبایل و احساس ناکامی در دانشجویان صورت گرفته است. این مطالعه با رویکرد کمی از نوع توصیفی و با استفاده از روش همبستگی اجرا شد. جامعه آماری شامل دانشجویان دانشگاه مازندران در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ بود. با استفاده از جدول کوکران ۳۸۷ نفر به عنوان نمونه آماری به روش نمونه گیری دومرحله ای خوشه ای انتخاب شدند. ابزارهای سنجش شامل پرسش نامه وابستگی به موبایل کوه هی (۲۰۰۹) و احساس ناکامی گیلبرت و آلن (۱۹۹۸) بود. آزمون همبستگی پیرسون جهت بررسی ارتباط بین متغیرهای پژوهش و آزمون t مستقل جهت بررسی تفاوت گروه ها در نمونه آماری پژوهش مورد استفاده قرار گرفت. یافته ها نشان داد که بین وابستگی به موبایل و احساس ناکامی رابطه وجود دارد. همچنین وابستگی به موبایل و احساس ناکامی در دانشجویان پسر بیشتر از دختر بوده است و ارتباطی بین وابستگی به موبایل و احساس ناکامی با مولفه های رشته تحصیلی، مقطع تحصیلی، وضعیت تاهل و سن دیده نشده است. بر اساس یافته های پژوهش حاضر می توان نتیجه گرفت که میان وابستگی به موبایل و احساس ناکامی رابطه وجود دارد و همچنین وابستگی به موبایل و احساس ناکامی در دانشجویان پسر بیشتر از دختر بوده است.

واژه های کلیدی: وابستگی به موبایل، احساس ناکامی، اعتیاد به تلفن همراه، احساس شکست، خودکشی.

تأثیر طلاق والدین بر تحصیل دانش آموزان ابتدایی

حسین آدمیت^{۱*}، مجید شاهی گنزق^۲، منصور اسدیپور^۳ ژیلا کاظمی^۴

۱. نویسنده مسئول، دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

رایانامه: h.adamiyat@uma.ac.ir۲. اداره آموزش و پرورش شهرستان سرعین، اردبیل، ایران. رایانامه: majidshahi3344@gmail.com

۳. کارشناسی ارشد حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی

۴. کارشناسی ارشد مدیریت اطلاعات، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

چکیده

نهاد خانواده در دنیای کنونی به طور گسترده ای طلاق را تجربه می کند. تغییرات خانواده و افزایش نرخ طلاق در جامعه ایران نیز نگرانی های اجتماعی را به وجود آورده است. مسئله طلاق، به ویژه به جهت پیامدهای نظیر افسردگی، پرخاشگری، افت تحصیلی، بزهکاری، رشد اجتماعی که برای فرزندان طلاق در پی دارد و آینده آنان را متأثر می سازد، بسیار حائز اهمیت است. پژوهش حاضر با هدف بررسی تجربیات زیسته ی دانش آموزان ابتدایی که والدینشان طلاق گرفته اند و تأثیر این رخداد بر وضعیت تحصیلی آنان انجام شد. این مطالعه از رویکرد کیفی و راهبرد پدیدارشناسی استفاده کرده است تا ابعاد پنهان و عمیق اثرات طلاق بر فرآیند یادگیری، انگیزش و سازگاری اجتماعی کودکان آشکار شود. جامعه آماری شامل ۱۵ دانش آموز ابتدایی (۸ دختر و ۷ پسر)، ۸ معلم و مشاور، و ۴ والد بود. داده ها از طریق مصاحبه نیمه ساختاریافته و مشاهده غیرمستقیم گردآوری و با تحلیل مضمون بررسی شدند. یافته ها نشان داد که طلاق والدین موجب بروز موانع روانی-عاطفی، افت انگیزه تحصیلی، کاهش تمرکز، دشواری های ارتباطی با همسالان و معلمان، و ناهماهنگی در حمایت های آموزشی می شود. تمایلات رفتاری متضاد، افت اعتماد به نفس و اضطراب نیز از مضامین شایع بود. نتایج پیشنهاد می کند مدارس برنامه های حمایتی چندبعدی با همکاری مشاوران، معلمان و خانواده ها طراحی کنند.

واژه های کلیدی: طلاق والدین، عملکرد تحصیلی، دانش آموزان ابتدایی

بررسی رابطه بین سبک دلبستگی نا ایمن با دشواری در تنظیم هیجان دختران دانشجو

یاسمن زندی^۱، مسعود صادقی^۲، کورش امرائی^۳

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روان شناسی عمومی، گروه روان شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران

رایانامه: zandiyasaman95@gmail.com

۲. نویسنده مسئول* دانشیار گروه روان شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران. رایانامه:

sadeghi.m@lu.ac.ir

۳. دانشیار گروه روان شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران. رایانامه: amraei.k@lu.ac.ir

چکیده

دلبستگی یکی از عوامل بنیادین رشد روان شناختی است که بر کیفیت روابط و هیجانات فرد در بزرگسالی اثر می گذارد. سبک دلبستگی نا ایمن با ایجاد الگوهای ناکارآمد ارتباطی، توانایی فرد در تنظیم هیجانات را کاهش داده و او را مستعد مشکلات روانی می کند. هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه ی بین سبک دلبستگی نا ایمن و دشواری در تنظیم هیجان در دانشجویان دختر دانشگاه لرستان بود. طرح پژوهش رابطه ای از نوع همبستگی و نمونه شامل ۴۰۰ دانشجوی دختر بود که به روش نمونه گیری تصادفی نسبتی طبقه ای از بین ۸ دانشکده انتخاب شدند. ابزارهای گردآوری داده ها شامل پرسشنامه سبک های دلبستگی (ASQ) و مقیاس دشواری در تنظیم هیجان گراتر و رومر (DERS) بودند و داده ها با نرم افزار SPSS 26 تحلیل شدند. نتایج نشان داد که سبک دلبستگی نا ایمن با دشواری در تنظیم هیجان رابطه مثبت و معنادار دارد ($P < 0.01$, $r = 0.63$). یافته ها حاکی از آن است که سبک دلبستگی نا ایمن می تواند دشواری در تنظیم هیجان را در دانشجویان دختر پیش بینی کند؛ بدین معنا که دانشجویان دارای سبک دلبستگی نا ایمن، در مدیریت هیجانات خود با مشکلات بیشتری مواجه خواهند بود.

واژه های کلیدی: سبک دلبستگی نا ایمن، دشواری در تنظیم هیجان، دانشجویان دختر

نقش تروماهای اولیه کودکی دختران در مشکلات بین فردی آنان

یاسمن زندی^۱، مسعود صادقی^۲، کورش امرائی^۳

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، گروه روان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران

رایانامه: zandiyasaman95@gmail.com

۲. نویسنده مسئول* دانشیار گروه روان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران. رایانامه:

sadeghi.m@lu.ac.ir

۳. دانشیار گروه روان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران. رایانامه: amraei.k@lu.ac.ir

چکیده

روابط بین فردی یکی از ارکان اساسی سلامت روان است که کیفیت آن تحت تأثیر تجارب اولیه زندگی شکل می‌گیرد. پژوهش‌های پیشین نشان داده‌اند که رویدادهای منفی دوران کودکی می‌توانند الگوهای ارتباطی فرد را در بزرگسالی مختل کنند. هدف پژوهش حاضر بررسی نقش تروماهای اولیه کودکی در مشکلات بین فردی دختران دانشجوی بود. طرح پژوهش رابطه‌ای از نوع همبستگی بود. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان دختر دانشگاه لرستان در سال ۱۴۰۳-۱۴۰۴ بود که از میان آن‌ها ۴۰۰ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای نسبتی انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه ترومای کودکی (CTQ؛ برنستاین و همکاران، ۲۰۰۳) و پرسشنامه مشکلات بین فردی (IIP-32؛ بارخام، هاردی و استارتاپ، ۱۹۹۶) استفاده شد. داده‌ها با نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۶ تحلیل گردید. نتایج نشان داد تروماهای اولیه کودکی توان پیش‌بینی مشکلات بین فردی را دارند؛ به گونه‌ای که دانشجویان دارای تجارب آسیب‌زای کودکی، مشکلات بین فردی بیشتری را گزارش کردند. این یافته‌ها اهمیت توجه به مداخلات پیشگیرانه و درمانی برای کاهش اثرات طولانی‌مدت تروماهای کودکی را نشان می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: تروماهای اولیه کودکی، مشکلات بین فردی، دختران

آسیب شناسی عدم گرایش نوجوانان به مهارت تصمیم گیری موثر و ارائه راهکارها

مژگان فریدون نژاد*^۱، مبینا نظریان^۲

۱. نویسنده مسئول، استادیار گروه آموزش راهنمایی و مشاوره، دانشگاه فرهنگیان تهران، ایران. dr.m_fereydounnezhad@yahoo.com

۲. کارشناسی پیوسته راهنمایی و مشاوره، پردیس نسیمیه، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. mobina.nazarian@gmail.com

چکیده

در عصر پیچیده و سرشار از انتخاب‌های متناقض، تسلط بر مهارت تصمیم‌گیری موثر به عاملی تعیین‌کننده برای موفقیت و سلامت روان نوجوانان تبدیل شده است. پژوهش حاضر با هدف کاوش در بررسی عوامل زمینه ساز عدم گرایش نوجوانان به مهارت تصمیم‌گیری موثر و ارائه راهکارهایی جهت تقویت و توسعه استفاده از این مهارت صورت گرفته است. پژوهش از نوع کیفی-توصیفی می‌باشد و به روش فرامطالعه از نوع فراترکیب و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و بررسی اسناد مکتوب و متون علمی به روش مرور سیستماتیک بر اساس قاعده‌های شباع نظری و جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها با راهبرد پژوهشی نظریه داده بنیاد و به روش کدگذاری سه مرحله‌ای باز، محوری و انتخابی انجام شده است. نتایج نشان داد که عوامل زمینه ساز بروز عدم گرایش نوجوانان به مهارت تصمیم‌گیری موثر شامل یافته‌هایی همچون ویژگی‌های فردی، خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی و ژنتیکی می‌باشد؛ همچنین پیامدهای این عدم گرایش در سطوح روان‌شناختی، فردی، خانوادگی، تحصیلی و شغلی دسته‌بندی شدند که برای این چالش‌ها، راهکارهای فردی، مشاوره‌ای، خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی پیشنهاد می‌گردد. یافته‌های این پژوهش جامع، نقشه‌ای راهبردی برای طراحی مداخلات چند سطحی در راستای پرورش نسل آینده‌ای توانمند و تصمیم‌ساز ارائه می‌دهد که زمینه‌ساز برنامه‌ریزی‌های کلان آموزشی و پرورشی خواهد بود.

واژه‌های کلیدی: آموزش، تصمیم‌گیری، شناخت، مهارت، نوجوان

اثربخشی برنامه مداخله‌ای «قصه‌گویی محلی توأم با بازی نقش» بر اضطراب اجتماعی و احساس تعلق

مجید حیدری^{۱*}، خدیجه حیدری^۲

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه پیام نور، شیراز، ایران. رایانامه: Majidmh216@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری مشاوره، دانشگاه آزاد واحد خمینی شهر، اصفهان، ایران. رایانامه: Shahla.heydari1400@gmail.com

چکیده

اضطراب اجتماعی و احساس انزوا از چالش‌های شایع در میان دانش‌آموزان مناطق محروم است که می‌تواند بهزیستی روانشناختی و موفقیت تحصیلی آنان را به مخاطره بیندازد. هدف این پژوهش بررسی اثربخشی برنامه مداخله‌ای «قصه‌گویی محلی توأم با بازی نقش» بر کاهش اضطراب اجتماعی و افزایش احساس تعلق در دانش‌آموزان مقطع ابتدایی یک مدرسه روستایی بود. این مطالعه نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل انجام شد. جامعه آماری شامل دانش‌آموزان پایه چهارم تا ششم یک مدرسه ابتدایی روستایی بود که ۴۰ دانش‌آموز به صورت در دسترس انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل گمارده شدند. گروه آزمایش، برنامه مداخله‌ای ۱۰ جلسه‌ای مبتنی بر داستان‌های بومی را دریافت کرد، گروه کنترل برنامه عادی مدرسه را دنبال نمود. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه اضطراب اجتماعی لاگرا (SASC-R) و مقیاس محقق‌ساخته احساس تعلق گردآوری شد. تحلیل داده‌ها با آزمون تحلیل کوواریانس نشان داد که پس از حذف اثر پیش‌آزمون، بین نمرات پس‌آزمون دو گروه در متغیرهای اضطراب اجتماعی و احساس تعلق تفاوت معنادار وجود دارد. بدین صورت که برنامه مداخله منجر به کاهش معنادار اضطراب اجتماعی و افزایش احساس تعلق در گروه آزمایش شد. این یافته‌ها نشان می‌دهد که به کارگیری قصه‌های محلی در قالب بازی های نقش‌آفرینی، به عنوان یک روش کم‌هزینه و قابل دسترس، می‌تواند ابزار سودمندی برای روانشناسان و مربیان آموزشی در جهت ارتقای سلامت روان دانش‌آموزان مناطق محروم باشد.

واژه‌های کلیدی: احساس تعلق، اضطراب اجتماعی، بازی نقش، دانش‌آموزان روستایی، قصه‌گویی محلی

بررسی رابطه ی بین حساسیت اضطرابی و تنظیم شناختی هیجان

نیلوفر کیوان فر^۱، فضل اله میر^۲، کورش امرائی^۳

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران. nilikeyvanfar@gmail.com

۲. نویسنده مسئول، استادیار، روانشناسی، دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران. mir.f@lu.ac.ir

۳. دانشیار، روانشناسی، دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران. amraei.k@lu.ac.ir

چکیده

اختلالات اضطرابی و مشکلات هیجانی از جمله مسائل شایع در دانشجویان هستند که می توانند کیفیت زندگی عملکرد تحصیلی را تحت تأثیر قرار دهند. هدف این پژوهش بررسی رابطه بین حساسیت اضطرابی و تنظیم شناختی هیجان در دانشجویان دختر دانشگاه لرستان بود. این پژوهش از نوع همبستگی بوده و جامعه آماری آن شامل دانشجویان دختر دانشگاه لرستان در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ بود. تعداد نمونه ۴۰۰ نفر بود که به صورت تصادفی خوشه ای چند مرحله ای انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده ها شامل پرسشنامه حساسیت اضطرابی (ASI) ریس و همکاران، (۱۹۸۶) و پرسشنامه تنظیم شناختی هیجان (CERQ)، گارفنسکی و همکاران، (۲۰۰۱) بود. داده ها با استفاده از تحلیل های آمار توصیفی، آزمون نرمالیتی و ضریب همبستگی پیرسون مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج نشان داد که بین حساسیت اضطرابی و تنظیم شناختی هیجان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد، به طوری که حساسیت اضطرابی بالاتر با دشواری بیشتر در استفاده از راهبردهای شناختی تنظیم هیجان همراه است و توانایی فرد در مدیریت هیجانات منفی کاهش می یابد. یافته ها نشان می دهد که حساسیت اضطرابی نقش مهمی در مشکلات هیجانی و اضطرابی دارد و می تواند بر رفتارهای هیجانی دانشجویان تأثیرگذار باشد. بنابراین، آموزش مهارت های تنظیم هیجانی و ارائه مداخلات روانشناختی مناسب برای دانشجویان می تواند در کاهش اثرات منفی حساسیت اضطرابی مفید باشد.

واژه های کلیدی: اضطراب، حساسیت اضطرابی، تنظیم شناختی هیجان

اثربخشی آموزش مبتنی بر بازی بر بهبود یادگیری دانش آموزان در درس زبان انگلیسی

علی تازی^{۱*}، افضل السادات حسینی دهشیری^۲، زینب نامی^۳

۱. نویسنده مسئول، دانشجوی کارشناسی رشته آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. Alitari1380@gmail.com

۲. استاد دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. afhoseini@ut.ac.ir

۳. کارشناسی رشته آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. znamei531@gmail.com

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی اثربخشی آموزش مبتنی بر بازی بر بهبود عملکرد تحصیلی دانش آموزان در درس زبان انگلیسی بود. در این پژوهش کاربردی برای گردآوری اطلاعات از طرح شبه آزمایشی (پیش آزمون و پس آزمون همراه با گروه کنترل) استفاده شد. جامعه آماری شامل کلیه دانش آموزان پسر پایه هشتم (مقطع دوم متوسطه اول) ناحیه ۲ شهرستان اردبیل در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ بود. از میان آن‌ها، ۳۰ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه کنترل و آزمایش (هر کدام ۱۵ نفر) جای گرفتند. ابزار گردآوری داده‌ها شامل پروتکل آموزش مبتنی بر بازی و آزمون معلم‌ساخته زبان انگلیسی بود. برای تحلیل داده‌های پیش آزمون و پس آزمون، از آزمون t مستقل برای مقایسه بین گروه‌ها و از آزمون t زوجی برای بررسی تغییرات درون گروهی استفاده شد. تحلیل آماری با نرم افزار SPSS نسخه ۲۳ انجام گرفت. نتایج تحلیل‌های آماری نشان داد که آموزش مبتنی بر بازی به طور معناداری موجب بهبود عملکرد تحصیلی دانش آموزان گروه آزمایش در مقایسه با گروه کنترل شده است ($P < 0.05$). بر اساس یافته‌ها، می‌توان نتیجه گرفت که آموزش مبتنی بر بازی روشی اثربخش برای ارتقای یادگیری زبان انگلیسی در دانش آموزان دوره متوسطه اول است. بنابراین، پیشنهاد می‌شود که معلمان و برنامه‌ریزان درسی از بازی‌های آموزشی در فرآیند تدریس زبان انگلیسی بهره‌گیرند تا محیط یادگیری جذاب‌تر و کارآمدتری فراهم شود.

واژه‌های کلیدی: آموزش مبتنی بر بازی، زبان انگلیسی، عملکرد تحصیلی، دانش آموزان متوسطه اول، بازی‌های آموزشی

کاربست رویکرد تلفیقی هیجان مدار-موسیقی درمانی در بهبود مشکلات هیجانی و علائم اوتیسم بزرگسالان با عملکرد بالا

حسین فیاض منش^{۱*}، کورش امرائی^۲، فاطمه رضایی^۳

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روان شناسی عمومی، دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران. رایانامه: hossein.fayazmanesh@kums.ac.ir

۲. دانشیار، گروه آموزشی روان شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران. رایانامه: amraei.k@lu.ac.ir

۳. دانشیار، گروه آموزشی روان شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران. رایانامه: rezaei.f@lu.ac.ir

چکیده

چکیده اختلال طیف اوتیسم با مشکلات تنظیم هیجان، افسردگی، اضطراب و استرس همراه است و همین امر ضرورت طراحی مداخلات کارآمد را آشکار می سازد. پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی بسته درمانی تلفیقی مبتنی بر درمان هیجان مدار و موسیقی درمانی بر افسردگی، اضطراب، استرس و شدت علائم اوتیسم در بزرگسالان دارای عملکرد بالا انجام شد. روش پژوهش نیمه آزمایشی با طرح پیش آزمون-پس آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری شامل بزرگسالان دارای اوتیسم مراجعه کننده به مراکز روان شناسی شهر تهران در سال ۱۴۰۴ بود که ۳۰ نفر از آن ها به شیوه هدفمند انتخاب و به طور تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل جایگزین شدند. مداخله شامل ۱۲ جلسه ۹۰ دقیقه ای موسیقی درمانی و درمان هیجان مدار بود. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه افسردگی، اضطراب و استرس (لاویبوند و لاویبوند، ۱۹۹۵) و مقیاس تجدیدنظر شده ریتوو برای طیف اوتیسم در بزرگسالان (ریتوو و همکاران، ۲۰۱۱) بود. داده ها با استفاده از تحلیل کوواریانس چندمتغیره مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که مداخله تلفیقی منجر به کاهش معنادار افسردگی، اضطراب و استرس و نیز تعدیل علائم اوتیسم در گروه آزمایش شد؛ در حالی که در گروه کنترل تغییر قابل توجهی مشاهده نشد. این یافته ها بیانگر آن است که ترکیب درمان هیجان مدار و موسیقی درمانی می تواند به عنوان رویکردی نوآورانه و کارآمد در کاهش مشکلات هیجانی و بهبود وضعیت بالینی بزرگسالان دارای اوتیسم به کار گرفته شود.

واژه های کلیدی: درمان هیجان مدار، موسیقی درمانی، افسردگی، اضطراب، اوتیسم

پیش‌بینی تحصیل‌گزیزی بر اساس ساختار خانواده در دانش‌آموزان دختر متوسطه دوم شهر قم

هوشنگ گراوند^{۱*}، محدثه سادات قائمی^۲

۱. نویسنده مسئول، دانشیار گروه روان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران. رایانامه:

garavand.h@lu.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته‌ی روان‌شناسی عمومی، دانشگاه غیر انتفاعی طلوع مهر قم، ایران. رایانامه:

teachermsgaemi@gmail.com

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، پیش‌بینی تحصیل‌گزیزی بر اساس ساختار خانواده در دانش‌آموزان دختر متوسطه دوم شهر قم بود. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. روش پژوهش حاضر توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی دانش‌آموزان دختر دوره‌ی متوسطه‌ی دوم شهر قم در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ بود. نمونه‌ای برابر با ۲۰۰ نفر، به روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش شامل مقیاس تحصیل‌گزیزی خرمایی و صالح‌اردستانی (۱۳۹۴) و پرسشنامه انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده السون و همکاران (۲۰۰۶) بود. به منظور تحلیل داده‌های پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه به شیوه همزمان استفاده شد. نتایج حاصل از ضریب همبستگی نشان داد که بین کل مقیاس ساختار خانواده و ابعاد انعطاف‌پذیری و انسجام خانواده با تحصیل‌گزیزی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. همچنین نتایج حاصل از اجرای رگرسیون چندگانه نشان داد که از بین ابعاد ساختار خانواده (انعطاف‌پذیری، انسجام خانواده)، انعطاف‌پذیری خانواده قادر به پیش‌بینی تحصیل‌گزیزی می‌باشند.

واژه‌های کلیدی: تحصیل‌گزیزی، ساختار خانواده، دانش‌آموزان.

بررسی نقش میانجی شکستگی تحصیلی در رابطه بین خودانگاره اخلاقی با پایستگی تحصیلی

میترا اصغری^۱، حیدر علی زارعی^{۲*}

۱. گروه روان شناسی، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی، ایران. رایانامه: mitraasghari382@gmail.com

۲. * گروه روان شناسی، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی، ایران (نویسنده مسئول) رایانامه: ha.zarei@iau.ac.ir

چکیده

هدف تحقیق حاضر، بررسی نقش میانجی شکستگی تحصیلی در رابطه بین خودانگاره اخلاقی با پایستگی تحصیلی دانش آموزان بود. روش پژوهش از نظر هدف، بنیادی و از نظر ماهیت پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه دانش آموزان متوسطه دوم شهرستان پلدشت در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ به تعداد ۷۸۴ نفر می باشد. حجم نمونه آماری با استفاده از برآورد حداقل حجم نمونه مدل معادلات ساختاری، ۲۶۰ نفر محاسبه شد که انتخاب این تعداد از دانش آموزان به روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای از مدارس صورت گرفت. جهت اندازه گیری متغیرهای تحقیق از پرسشنامه های شکستگی تحصیلی دینر و بیسواز دینر (۲۰۰۸)، خودانگاره ی اخلاقی آکوین و رید (۲۰۰۲)، و پایستگی تحصیلی مارتین و مارش (۲۰۰۸) استفاده شد. برای تعیین وضعیت نرمال بودن داده ها از شاخص کجی و کشیدگی استفاده شد. با توجه به غیرنرمال بودن توزیع داده ها از تحلیل معادلات ساختاری تحت نرم افزار Smart PLS برای تحلیل داده ها استفاده شد. نتایج نشان داد که مدل نقش میانجی شکستگی تحصیلی در رابطه بین خودانگاره اخلاقی با پایستگی تحصیلی دانش آموزان دارای برازش مطلوبی است. نتایج نشانگر این بود که شکستگی تحصیلی در رابطه بین خودانگاره اخلاقی با پایستگی تحصیلی دانش آموزان نقش میانجی دارد. بین خودانگاره اخلاقی با پایستگی تحصیلی و شکستگی تحصیلی دانش آموزان ارتباط مثبت و معنی داری وجود دارد. همچنین، ارتباط بین شکستگی تحصیلی با پایستگی تحصیلی دانش آموزان مثبت و معنی دار بود.

واژه های کلیدی: پایستگی تحصیلی، خودانگاره اخلاقی، شکستگی تحصیلی

راهنمای مدیریت استرس و اضطراب در قرآن کریم

رهبری، زینب^۱، زمانی، یعقوب^۲

rahbarizeynab@gmail.com

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

yagoubzamani@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و علوم اسلامی، دانشگاه تبریز، ایران

چکیده

استرس و اضطراب از مهم‌ترین مسائل روان‌شناختی انسان معاصر به شمار می‌آیند که بر جنبه‌های مختلف زندگی فردی، اجتماعی و بهزیستی تأثیرگذارند. مدیریت استرس و اضطراب به عنوان فرایندی تعریف می‌شود که افراد از طریق آن می‌توانند شدت، تداوم و شیوه بروز این حالات روانی را شناسایی، کنترل و تعدیل نمایند. هدف پژوهش حاضر، شناسایی راهنمای مدیریت استرس و اضطراب از منظر قرآن کریم بود. برای دستیابی به این هدف، از روش تحلیل محتوا بهره گرفته شد. یافته‌ها نشان داد که قرآن کریم در آیات مختلف، عواملی همچون یاد خدا، توکل، صبر، نماز، امید به رحمت الهی، پذیرش و تسلیم در برابر تقدیر الهی و بازنگری در نگرش‌ها و انتظارات را به عنوان راهنمایی مؤثر برای کاهش استرس و اضطراب معرفی کرده است. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که بهره‌گیری از آموزه‌ها و راهنمای قرآنی، می‌تواند به عنوان پشتوانه‌ای معنوی و روان‌شناختی، در ارتقای سلامت روان و بهزیستی روان‌شناختی افراد مؤثر باشد و در ارائه مکانیسم‌های مقابله‌ای به مراجعان در حوزه روان‌درمانی مورد استفاده قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: مدیریت استرس، اضطراب، روان‌شناسی قرآنی، هیجان، سلامت روان

رابطه صفات تاریک شخصیت با بی صداقتی تحصیلی: نقش تعدیل کننده جنسیت

اعظم عباس زاده^۱، حیدر علی زارعی^{۲*}

۱. گروه روان شناسی، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی، ایران. رایانامه: abbaszadeh.a711@gmail.com

۲. * گروه روان شناسی، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی، ایران. (نویسنده مسئول) رایانامه: ha.zarei@iau.ac.ir

چکیده

هدف از این تحقیق بررسی رابطه صفات تاریک شخصیت و بی صداقتی تحصیلی با نقش تعدیل کننده جنسیت بود. پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش تحقیق از نوع توصیفی همبستگی می باشد که داده ها از طریق پرسشنامه و به روش میدانی گردآوری شد. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانش آموزان مقطع متوسطه شهر خوی بود که با توجه به جدول کرجسی و مورگان (۱۹۷۰)، تعداد ۳۸۰ نفر به روش تصادفی خوشه ای به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. برای گردآوری داده ها از پرسشنامه های صفات تاریک شخصیت جنیسون و ویستر (۲۰۱۰)، بی صداقتی تحصیلی مک کاب و تری وینو (۱۹۹۶) استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل آماری از شاخص های آمار توصیفی و آزمون معادلات ساختاری استفاده شد. کلیه محاسبات آماری با استفاده از نرم افزار SPSS و PLS اجرا شد. نتایج نشان داد که جنسیت رابطه بین صفات شخصیت با بی صداقتی تحصیلی را تعدیل گری می کند و دانش آموزان پسری که دارای صفات تاریک شخصیت هستند در مقایسه با دانش آموزان دختر، بیشتر به بی صداقتی تحصیلی مبادرت می کنند. همچنین ضریب همبستگی مثبت و معناداری بین ابعاد صفات تاریک شخصیت با بی صداقتی تحصیلی مشاهده شد.

واژه های کلیدی: صفات تاریک شخصیت، بی صداقتی تحصیلی، تعدیل گری جنسیت

بررسی نقش انتظارات پیامد و خودکارآمدی در رابطه بین مدل آبشار هیجانی و خودجرحی بدون قصد خودکشی

روژین خدایاری مقدم^۱، حسین فیاض منش^{۲*}

۱. کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه، کرمانشاه، ایران. رایانامه: aboutrojin@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران. رایانامه: hossein.fayazmanesh@kums.ac.ir

چکیده

خودجرحی بدون قصد خودکشی یکی از مشکلات مهم سلامت روان در میان دانشجویان است که اغلب به عنوان راهبردی نا سازگارانه برای تنظیم هیجان‌های منفی استفاده می‌شود. مدل آبشار هیجانی بیان می‌کند که ترکیب واکنش‌پذیری هیجانی و نشخوار فکری می‌تواند چرخه‌ای معیوب ایجاد کند که در نهایت به بروز رفتارهای آسیب‌زا منجر می‌شود. هدف پژوهش حاضر بررسی نقش تعدیل‌کنندگی انتظارات پیامد و خودکارآمدی در رابطه بین آبشار هیجانی و خودجرحی در دانشجویان ایرانی بود. پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی از نوع مقطعی است. جامعه آماری شامل ۳۵۰ دانشجوی دانشگاه‌های دولتی و آزاد بود که با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای مورد استفاده شامل پرسشنامه واکنش‌پذیری هیجانی، پرسشنامه افکار تکرارشونده، پرسشنامه انتظارات پیامد، مقیاس خودکارآمدی اجتناب از خودجرحی و چک‌فهرست خودآسیبی عمدی بودند. داده‌ها با آزمون‌های همبستگی پیرسون و رگرسیون سلسله‌مراتبی تحلیل شدند. نتایج نشان داد آبشار هیجانی با خودجرحی رابطه مثبت دارد و انتظارات پیامد این رابطه را تشدید می‌کند، در حالی که خودکارآمدی اثر بازدارنده دارد. این یافته‌ها اهمیت توجه هم‌زمان به فرایندهای هیجانی و شناختی در تبیین و مداخله در رفتارهای خودجرحی را برجسته می‌سازند. به نظر می‌رسد کاهش نشخوار فکری و حساسیت هیجانی همراه با اصلاح باورهای شناختی می‌تواند راهبردی مؤثر در پیشگیری و درمان این رفتارها باشد.

واژه‌های کلیدی: خودجرحی بدون قصد خودکشی، آبشار هیجانی، نشخوار فکری، انتظارات پیامد، خودکارآمدی

تأثیر عوامل اجتماعی بر اعتیاد به بازی های اینترنتی: مطالعه مروری

آرزو کارگر دینچالی^{۱*}، نورا محمدپور ثابت^۲، رقیه کرمزاده^۳، غزل سادات پورنسائی^۴

۱. دانشجوی کارشناسی روانشناسی، گروه روانشناسی و مشاوره، موسسه آموزش عالی احرار، رشت، ایران. رایانامه:

arezookaregardina@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی روانشناسی، گروه روانشناسی و مشاوره، موسسه آموزش عالی احرار، رشت، ایران. رایانامه:

peransaaans@gmail.com

۳. دانشجوی کارشناسی روانشناسی، گروه روانشناسی و مشاوره، موسسه آموزش عالی احرار، رشت، ایران. رایانامه:

Roghayehkaramzadeh7667@gmail.com

۴. استادیار روانشناسی، گروه روانشناسی و مشاوره، موسسه آموزش عالی احرار، رشت، ایران. رایانامه:

ghazal.pournesaei@ymail.com

چکیده

اعتیاد به بازی های آنلاین به عنوان یک اختلال رفتاری وابسته به فناوری، در سال های اخیر به یک چالش مهم و گسترده در حوزه های سلامت روان، آموزش و جامعه شناسی تبدیل شده است. این مطالعه با مرور متون علمی و پژوهش های مرتبط، به بررسی دقیق و همه جانبه عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش به بازی های اینترنتی پرداخته است. نتایج بیان می کند که هویت اجتماعی، فشار همسالان، سبک های مختلف فرزندپروری، سرمایه اجتماعی آنلاین، ضعف در کارکردهای اجرایی مغز و پایین بودن سطح سازگاری روان شناختی از مهم ترین عوامل شکل گیری و تداوم این نوع اعتیاد رفتاری می باشند. شناخت عمیق این زمینه ها به درک بهتر این پدیده کمک کرده و می تواند راهنمای موثری برای طراحی مداخلات اجتماعی و روان شناختی پیشگیرانه و درمانی باشد. همچنین، این یافته ها تأکید بر نیاز توجه همزمان به جنبه های خانوادگی، جامعه ای و فردی در مواجهه با اعتیاد به بازی های آنلاین دارند که می تواند سلامت روانی و کیفیت زندگی افراد را بهبود بخشیده و ارتقا دهد. مطالعه حاضر منابع مهم و ارزشمندی برای سیاست گذاران و متخصصان سلامت روان ارائه می دهد.

واژه های کلیدی: اعتیاد رفتاری، بازی های اینترنتی، عوامل اجتماعی، نوجوانان

رابطه استحکام من، راهبردهای مقابله با استرس و مثبت اندیشی با خودشکوفایی

الینا محمودی^۱، حیدر علی زارعی^{۲*}

۱. گروه روان شناسی، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران. رایانامه: elinamahmudi59@gmail.com

۲. * گروه روان شناسی، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی، ایران. (نویسنده مسئول) رایانامه: ha.zarei@iau.ac.ir

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه بین استحکام من، راهبردهای مقابله با استرس و مثبت اندیشی با خودشکوفایی دانش آموزان دختر دوره دوم متوسطه بود. جامعه آماری شامل کل دانش آموزان دختر دوره دوم متوسطه بود که در نیمسال اول سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ در مدارس شهرستان ماکو مشغول به تحصیل بودند که تعداد آنان ۲۳۴۶ نفر بود. با استفاده از جدول مورگان ۳۳۰ نفر به عنوان نمونه در نظر گرفته شد. همچنین از روش نمونه گیری تصادفی خوشه‌ای استفاده شد. در پژوهش حاضر از پرسشنامه خودشکوفایی سلیمانی و همکاران (۱۳۹۶)، مثبت نگری اینگرام و وینسکی (۱۹۸۸)، استحکام من بشارت (۱۳۸۶) و راهبردهای مقابله با استرس اندلر و پارکر (۱۹۹۰) استفاده شد. جهت بررسی فرضیه‌های پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد. همچنین جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS²⁷ استفاده شد. نتایج نشان داد بین استحکام من، راهبردهای مقابله با استرس مسأله مدار و مثبت اندیشی با خودشکوفایی رابطه مثبت و معنی دار و بین راهبرد هیجان مدار و راهبرد اجتناب مدار با خودشکوفایی رابطه منفی و معنی دار وجود دارد. همچنین متغیرهای پیش بین به طور همزمان ۳۲/۱ درصد از تغییرات متغیر خودشکوفایی را تبیین کردند ($P < 0/001$).

واژه‌های کلیدی: استحکام من، خودشکوفایی، راهبردهای مقابله با استرس، مثبت اندیشی

رابطه سوگیری توجه، راهبردهای مقابله‌ای و خودتمایز یافتگی با گرایش به سیگار

امیر خانی^۱، حیدر علی زارعی^{۲*}

۱. گروه روان شناسی، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران. رایانامه: amir13691220@gmail.com

۲. * گروه روان شناسی، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی، ایران. (نویسنده مسئول) رایانامه: ha.zarei@iau.ac.ir

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش سوگیری توجه، راهبردهای مقابله‌ای و خودتمایز یافتگی در گرایش به سیگار دانش‌آموزان پسر دوره دوم متوسطه بود. جامعه آماری پژوهش حاضر کل دانش‌آموزان پسر دوره متوسطه دوم شهرستان ارومیه در نیمسال اول سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ به تعداد ۹۱۲۳ نفر بود که از این تعداد ۳۶۹ نفر با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای به عنوان نمونه انتخاب شدند. در پژوهش حاضر از پرسشنامه سوگیری توجه شناختی وودی و همکاران (۱۹۹۷)، گرایش به مصرف سیگار - هیل و همکاران (۱۹۹۷)، تمایز یافتگی اسکورن و فریدلندر (۱۹۹۸) راهبردهای مقابله‌اندلر و پارکر (۱۹۹۰) استفاده شد. جهت بررسی فرضیه‌های پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد. نتایج نشان داد بین خودتمایز یافتگی و راهبردهای مقابله‌استرس مسأله‌مدار با گرایش به سیگار رابطه منفی و معنی‌دار و بین سوگیری توجه، راهبرد هیجان‌مدار و راهبرد اجتناب‌مدار با گرایش به سیگار رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد. همچنین متغیرهای پیش‌بین به طور همزمان ۲۸/۴ درصد از تغییرات متغیر گرایش به سیگار را تبیین کردند ($P < 0/001$).

واژه‌های کلیدی: سوگیری توجه، راهبردهای مقابله‌ای، خودتمایز یافتگی، گرایش به سیگار

مدل ساختاری کیفیت زناشویی بر اساس توانمندی‌های منش؛ نقش میانجی کیفیت ارتباط و صمیمیت زوجین

رقیه مولودی‌نیا^{۱*}

۱. کارشناسی ارشد راهنمایی و مشاوره، وزارت آموزش و پرورش، اداره آموزش و پرورش ناحیه ۱ کرمانشاه، کرمانشاه، ایران..

رایانامه: rr.molodi@gmail.com

چکیده

ارتباط زوجین یکی از مهم‌ترین عوامل حفظ و تقویت بنیان خانواده است و کیفیت آن تأثیر مستقیم بر سلامت روانی، شادکامی و رضایت از زندگی مشترک دارد. با این حال، تحولات زندگی مدرن و افزایش تعارضات خانوادگی، کیفیت روابط زناشویی را تهدید کرده و نرخ طلاق را رو به افزایش برده است. هدف این پژوهش بررسی مدل ساختاری کیفیت زناشویی بر اساس توانمندی‌های منش با نقش واسطه‌ای کیفیت ارتباط و صمیمیت زوجین بود. پژوهش حاضر به روش توصیفی-همبستگی و در قالب مدل‌یابی معادلات ساختاری اجرا شد. جامعه آماری شامل کارکنان متأهل آموزش و پرورش شهرستان قم در سال ۱۴۰۳ بود که از میان آنان ۳۰۰ نفر به روش در دسترس انتخاب شدند و پس از پالایش داده‌ها، پاسخ‌های ۲۸۹ نفر مورد تحلیل قرار گرفت. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه توانمندی‌های منش پترسون و سلیگمن (۲۰۰۴)، پرسشنامه کیفیت ارتباط زوجین خوشکام و همکاران (۱۳۸۶)، مقیاس صمیمیت واکر و تامپسون (۱۹۸۳) و مقیاس تجدیدنظر شده کیفیت زناشویی باسی و همکاران (۱۹۹۵) بود. نتایج نشان داد توانمندی‌های منش با کیفیت ارتباط زوجین و صمیمیت رابطه مثبت دارد و از طریق این دو متغیر کیفیت زناشویی را به شکل غیرمستقیم ارتقا می‌دهد. به عبارت دیگر، توانمندی‌های مثبت شخصیتی با بهبود تعاملات زوجین و افزایش صمیمیت آنان، به رضایت، انسجام و توافق بیشتر در زندگی مشترک منجر می‌شود. بر اساس این یافته‌ها، می‌توان نتیجه گرفت که آموزش و تقویت توانمندی‌های منش در مداخلات خانواده‌درمانی می‌تواند به بهبود کیفیت زندگی زناشویی و کاهش تعارضات خانوادگی کمک نماید.

واژه‌های کلیدی: توانمندی‌های منش، صمیمیت زوجین، کیفیت ارتباط زوجین، کیفیت زناشویی

رابطه رویکرد یادگیری و انگیزه تحصیلی در دانش آموزان دختر

ویدا کرمی^{۱*}، فاطمه السادات صفوی^۲

۱. نویسنده مسئول، دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه گیلان، رشت، ایران، رایانامه: vdakarami@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه گیلان، رشت، ایران، رایانامه: fatemehsafavi2@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی رابطه بین رویکردهای یادگیری و انگیزش تحصیلی دانش آموزان دختر پرداخت. جامعه این پژوهش، کلیه دانش آموزان دختر مقطع متوسطه دوم شهرستان ماسال در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ را در بر داشت. در این راستا، نمونه‌ای ۸۰ نفره با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب گردید. داده‌های پژوهش از طریق نسخه کوتاه‌شده پرسشنامه فراگرد مطالعه بیگز (۱۹۸۷) و پرسشنامه انگیزه تحصیلی والراند (۱۹۹۲) گردآوری شد. تحلیل داده‌ها با بهره‌گیری از رگرسیون خطی و از طریق نسخه ۲۷ نرم‌افزار SPSS صورت گرفت. نتایج نشان داد که مؤلفه‌های رویکرد یادگیری با سطح انگیزه تحصیلی دانش آموزان رابطه معناداری دارند؛ به عبارت دیگر، برخی مؤلفه‌های مشخص از رویکرد یادگیری قابلیت پیش‌بینی میزان انگیزه تحصیلی را دارا هستند. در واقع، یافته‌های پژوهش از همبستگی مثبت و معنادار دو مؤلفه یادگیری سطحی و یادگیری عمیق با انگیزش تحصیلی و همچنین، رابطه منفی مؤلفه یادگیری راهبردی با انگیزش تحصیلی خبر داد.

واژگان کلیدی: انگیزش تحصیلی، رویکردهای یادگیری، یادگیری راهبردی، یادگیری عمیق، یادگیری سطحی

نقش ذهن آگاهی، کمال گرایی ناسازگار و عاطفه مثبت در پیش بینی هماهنگی خود با هدف در دانش آموزان با نیازهای ویژه

روژین خدایاری^{۱*}

* کارشناسی ارشد، رشته روانشناسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران. رایانامه: aboutrojin@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف شناسایی نقش ذهن آگاهی، کمال گرایی ناسازگار و عاطفه مثبت در پیش بینی هماهنگی خود با هدف انجام گرفت. روش این پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی بود. جامعه آماری شامل دانش آموزان دوره دوم متوسطه شهر تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ بود که از این میان تعداد ۱۰۰ نفر از آنان به صورت نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. جهت گردآوری داده ها از پرسشنامه های ذهن آگاهی بائر و همکاران (۲۰۰۶)، کمال گرایی ناسازگار هیل و همکاران (۲۰۰۴)، عاطفه مثبت واتسون و همکاران (۱۹۸۸) و هماهنگی خود با هدف الیوت و شلدون (۱۹۹۸) استفاده شد. داده ها با استفاده از آزمون های ضریب همبستگی و تحلیل رگرسیون خطی با نرم افزار SPSS نسخه ۲۲ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج آزمون همبستگی نشان داد که میان هماهنگی خود با هدف با ذهن آگاهی و عاطفه مثبت رابطه مثبت معنادار و با کمال گرایی ناسازگار رابطه منفی معنادار وجود دارد ($p \leq 0/05$). در رگرسیون گام به گام در گام اول متغیر ذهن آگاهی وارد و در گام دوم متغیر کمال گرایی ناسازگار به آن افزوده شد که در نهایت این مدل رگرسیونی توانست ۳۷ درصد از واریانس هماهنگی خود با هدف را پیش بینی کند. این یافته ها شواهد جدیدی را بر اهمیت انتخاب اهداف خودهماهنگ در زندگی و شناسایی عوامل موثر بر این انتخاب، ارائه می دهد.

واژه های کلیدی: هماهنگی خود با هدف، ذهن آگاهی، کمال گرایی ناسازگار، عاطفه مثبت

بررسی رابطه بین دینداری و عزت نفس دانشجویان دانشگاه‌های شهرکرد

زهرا بابادی عکاشه^۱، بتول طاهریان^۲، سید حسن جلالی^۳

^۱* استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. رایانامه: zakashe@pnu.ac.ir

^۲ استادیار گروه معارف دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. رایانامه: b.taherian@pnu.ac.ir

^۳ مربی گروه معارف دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. رایانامه: jalali@pnu.ac.ir

چکیده

دینداری و عزت نفس عوامل بسیار مهمی در تکوین شخصیت، تثبیت ویژگی‌های اخلاقی و مسئولیت‌پذیری دانشجویان قلمداد می‌شوند. هدف تحقیق حاضر بررسی رابطه بین دینداری در مؤلفه‌های باور، عواطف و رفتار دینی با عزت نفس دانشجویان با توجه به عوامل جمعیت‌شناختی (جنسیت، تأهل، مقطع تحصیلی و گروه تحصیلی) است. این تحقیق بر اساس هدف از نوع کاربردی و بر اساس شیوه گردآوری داده‌ها، توصیفی-پیمایشی است. جامعه آماری کلیه دانشجویان دانشگاه‌های شهر شهرکرد است. ۲۸۹ نفر به صورت تصادفی انتخاب گردید. داده‌های لازم با استفاده از پرسشنامه‌های دینداری خدایاری فرد و همکاران (۱۳۹۱) با پایایی ۰/۸۲٪ و عزت نفس روزنبرگ (۱۹۶۵) با پایایی ۰/۷۶٪ بدست آمد. به منظور تجزیه تحلیل داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار) و آمار استنباطی (ضریب همبستگی اسپیرمن آزمون دو جمله‌ای، آماره مان‌ویتنی و کروسکال والیس) استفاده شد. یافته‌های تحقیق نشان داد سطح دینداری دانشجویان دانشگاه‌های شهرکرد بالاتر از متوسط است. همچنین نتایج حاکی از آن است که بین عزت نفس و دینداری همبستگی معنی‌دار وجود دارد. علاوه بر این، نتایج تحقیق نشان داد در رابطه بین دینداری و عزت نفس دانشجویان با توجه به عوامل جمعیت‌شناختی (جنسیت، تأهل، مقطع تحصیلی و گروه تحصیلی) تفاوت معنی‌دار وجود دارد. بر اساس یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت با آموزش‌های مناسب و مستمر در زمینه ابعاد دینداری و تقویت عزت نفس، دانشجویان بتوانند از کیفیت زندگی فردی و اجتماعی بهتری برخوردار شوند.

واژه‌های کلیدی: دینداری، عزت نفس، دانشجویان

بررسی رابطه بین ویژگی های شخصیتی با هوش هیجانی

حمیده ناظمی سجزئی^{۱*}، فاطمه امامی^۲، زهرا السادات امامی میبدی^۳

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه دولتی اردکان، یزد، ایران. hamidehnazemi2003@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی روانشناسی، دانشگاه دولتی اردکان، یزد، ایران. Fatemehh220011@gmail.com

۳. دانشجوی کارشناسی روانشناسی، دانشگاه اردکان، یزد، ایران. Zhraalsadatamamy@gmail.com

چکیده

تبیین رابطه میان ابعاد شخصیتی و توانمندی های هیجانی، راهکاری کلیدی برای طراحی مداخلات روان شناختی مؤثر است. پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین ویژگی های شخصیتی و هوش هیجانی در دانشجویان دانشگاه اردکان انجام شد. این مطالعه از نوع توصیفی-همبستگی و در زمره پژوهش های کاربردی قرار می گیرد. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان دانشگاه اردکان بود که نمونه ای به تعداد ۹۰ نفر از دانشجویان به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای مورد استفاده شامل پرسشنامه سنجش صفات پنج گانه شخصیتی (۱۹۷۰) (NEO) و پرسشنامه هوش هیجانی گلمن (۲۰۰۰) بود. نتایج تجزیه و تحلیل ها نشان داد که بین روان رنجوری با هوش هیجانی رابطه منفی و معنادار وجود دارد، به این معنی که کاهش در این صفت با افزایش هوش هیجانی همراه است؛ در مقابل، برون گرایی، توافق پذیری و وظیفه شناسی هر یک با رابطه مثبت و معنادار با هوش هیجانی، نشان دادند که افزایش این ویژگی ها به تقویت هوش هیجانی کمک می کند. تنها تجربه پذیری بود که فاقد همبستگی معنادار با هوش هیجانی شناخته شد. این یافته ها بر لزوم توجه به ثبات ساختار شخصیتی در برنامه های توسعه هوش هیجانی تأکید دارند و نشان می دهند که آموزش ها باید در نظر گرفتن این ابعاد شخصیتی، ساختار یافته و هدفمند باشند. از آنجا که ویژگی های شخصیتی ثبات بیشتری دارند، در آموزش های مرتبط با هوش هیجانی باید به این ویژگی ها توجه ویژه ای شود و برنامه های آموزشی باید ابعاد شخصیتی را هدف قرار دهند تا هوش هیجانی تقویت شود.

واژه های کلیدی: ویژگی های شخصیتی، هوش هیجانی، دانشجویان

ارزیابی استانداردهای آموزشی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای غیررسمی مبتنی بر الگوی برنامه درسی زائد در رشته برق صنعتی و مکانیک

زهرا کبورانی^{۱*}، رضا علی طرخان^۲

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران. zkabourani78@gmail.com

۲. استادیار، گروه آموزشی علوم تربیتی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران. r.tarkhan@shahed.ac.ir

چکیده

جهانی شدن اقتصاد، افزایش رقابت و دگرگونی‌های بازار کار، ضرورت بازنگری مستمر در استانداردهای آموزش‌های فنی و حرفه‌ای را برجسته ساخته و موضوع «برنامه درسی زائد» را به یکی از دغدغه‌های محوری تبدیل کرده است. پژوهش حاضر با تمرکز بر آموزش‌های غیررسمی در تهران و با مطالعه موردی رشته‌های مکانیک و برق صنعتی، به بررسی کفایت استانداردهای آموزشی در سه بُعد طراحی، اجرا و ارزشیابی و میزان همسویی آن‌ها با نیازهای واقعی بازار کار پرداخته است. روش تحقیق از نوع کاربردی-پیمایشی بوده و جامعه پژوهش شامل مربیان این دو رشته بود که نمونه‌ای هدفمند به تعداد ۶۰ نفر (۳۰ مکانیک و ۳۰ برق) انتخاب شد. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته ۱۷ گویه‌ای بر اساس طیف لیکرت سه‌درجه‌ای بود که روایی آن به تأیید خبرگان رسید و پایایی آن نیز با آلفای کرونباخ مناسب گزارش شد. داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی، آزمون نرمالیتی، t تک‌نمونه‌ای و t مستقل تحلیل گردید. نتایج نشان داد که در هر دو رشته، اغلب شاخص‌ها در سطح عالی یا بالاتر قرار دارند؛ همسویی سرفصل‌ها با نیاز بازار و کفایت تجهیزات به‌روز بیشترین تأیید را دریافت کردند. همچنین بُعد اجرا به‌عنوان نقطه قوت اصلی شناسایی شد، در حالی که بُعد ارزشیابی اگرچه مطلوب ارزیابی شد، اما نسبت به اجرا ضعیف‌تر بود. تفاوت معناداری نیز میان دو رشته و میان سطوح تحصیلی مربیان مشاهده نشد. در جمع‌بندی، از دیدگاه مربیان، استانداردهای آموزش‌های فنی و حرفه‌ای غیررسمی در رشته‌های مکانیک و برق صنعتی با نیاز بازار کار همسو بوده و از وضعیت «زائد» فاصله دارند؛ با این حال، تقویت سازوکارهای ارزشیابی، به‌روزرسانی مستمر استانداردها و تعامل پیوسته با صنعت توصیه می‌شود.

واژه‌های کلیدی: آموزش‌های فنی و حرفه‌ای غیررسمی، الگوی برنامه درسی زائد، رشته مکانیک، رشته برق صنعتی، بازار کار

پیش بینی عزت نفس فرزندان براساس رابطه والد فرزند

حکیمه کهندانی^۱، نسرين باقری^۲*

۱ کارشناس ارشد روانشناسی عمومی، دانشکده روانشناسی، دانشگاه آزاد رودهن

۲. دانشیار و عضو هیئت علمی، دانشکده روانشناسی، دانشگاه آزاد رودهن (نویسنده مسئول)

چکیده

سبک‌های والد-فرزند به عنوان یکی از عوامل بنیادین در شکل‌گیری شخصیت و سلامت روانی فرزندان شناخته می‌شوند. هدف از پژوهش حاضر، بررسی پیش بینی عزت نفس فرزندان براساس رابطه والد فرزند در دانش آموزان دختر دوره اول متوسطه منطقه ۸ در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۴ بود. روش پژوهش حاضر، یک پژوهش توصیفی از نوع همبستگی چند متغیری بود. جامعه آماری کلیه دانش آموزان دختر متوسطه اول منطقه ۸ شهر تهران در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۴ که از بین آنها ۳۰۰ نفر به روش نمونه گیری تصادفی چند مرحله ای به عنوان نمونه انتخاب شدند و پرسشنامه های ارزیابی رابطه والد - فرزند (PCRS) و عزت نفس رزنبرگ تکمیل کردند. پس از آزمون فرضیه ها، با روش ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه، نتایج حاصل نشان داد رابطه والد فرزند با عزت نفس همبستگی مثبت و معنادار دارد. $R^2 = 0.133$ بدین معنی است که ۱۳/۳ درصد از واریانس متغیر عزت نفس توسط متغیرهای رابطه والد- فرزند تبیین می شود. به عبارت دیگر، ۱۳/۳ درصد از پراکندگی مشاهده شده در متغیر عزت نفس توسط این متغیرها توجیه می شود. وییانگر این است که رابطه والد فرزند نقش تعیین کننده ای در شکل گیری شخصیت و تأثیر بر عزت نفس کودکان و نوجوانان دارد

واژه‌های کلیدی: عزت نفس، رابطه والد فرزند، دانش آموزان دختر دوره اول متوسطه

پیش بینی عزت نفس فرزندان براساس سبک های دلبستگی

حکیمه کهندانی^۱، نسرین باقری^۲*

۱ کارشناس ارشد روانشناسی عمومی، دانشکده روانشناسی، دانشگاه آزاد رودهن

۲. دانشیار و عضو هیئت علمی، دانشکده روانشناسی، دانشگاه آزاد رودهن (نویسنده مسئول)

چکیده

هدف از پژوهش حاضر پیش بینی عزت نفس براساس سبک های دلبستگی بود. جامعه آماری در برگیرنده دانش آموزان دختر دوره اول متوسطه منطقه ۸ تهران در سال تحصیلی ۱۳۹۴-۹۳ بود که از بین آنها ۳۰۰ نفر به روش نمونه گیری تصادفی چند مرحله ای به عنوان نمونه انتخاب شدند و پرسشنامه های مقیاس دلبستگی هازن و شیور و عزت نفس رزنبرگ تکمیل کردند. پس از آزمون فرضیه ها، با روش ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه، نتایج حاصل نشان داد سبک دلبستگی ایمن با عزت نفس همبستگی مثبت و معنادار دارد. $R^2 = ۱۳۱$ حال آن که، همبستگی متغیر دلبستگی ناایمن دوسوگرا با عزت نفس منفی و معنادار است. بدین معنی است که $۱۳/۳$ درصد از واریانس متغیر عزت نفس توسط متغیرهای رابطه والد- فرزند تبیین می شود. به عبارت دیگر، $۱۳/۳$ درصد از پراکندگی مشاهده شده در متغیر عزت نفس توسط این متغیرها توجیه می شود. یافته ها بیان می کند ارتباط باز و صمیمی: ایجاد فضایی برای بیان احساسات و نظرات کودک بدون ترس از قضاوت، زمینه رشد عزت نفس را فراهم می آورد و باعث می شود کودک خود را محترم بداند

واژه های کلیدی: عزت نفس، سبک های دلبستگی، دانش آموزان دختر دوره اول متوسطه

تأثیر هوش هیجانی والدین بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دوره ابتدایی

اشرف السادات شکرباغانی^{۱*}، نازنین فراهانی^۲

۱. دانشجویار فیزیک، پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی تهران، ایران. رایانامه: a20.baghani@gmail.com

۲. کارشناس ارشد مدیریت کارآفرینی، دانشگاه علم و صنعت. مدیر طراح محصولات دیجیتال (سایت) دانشگاه آزاد اسلامی تهران، ایران. رایانامه:

nazanin.farahani2012@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر هوش هیجانی والدین بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دوره ابتدایی است. در جوامع امروزی، موفقیت تحصیلی دانش آموزان تنها به توانایی‌های شناختی محدود نمی‌شود، بلکه عوامل عاطفی، روانی و محیطی نیز نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. در این پژوهش، با تأکید بر نقش والدین به عنوان نخستین الگوی هیجانی کودکان، تلاش شد ارتباط بین سطح هوش هیجانی والدین و عملکرد تحصیلی فرزندان آنان مورد بررسی قرار گیرد. پژوهش حاضر از نوع توصیفی-همبستگی است و جامعه آماری شامل کلیه والدین دانش آموزان دوره ابتدایی شهر تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ می‌باشد. نمونه‌ای شامل ۱۲۰ والد به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شد. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه استاندارد هوش هیجانی بار-آن و اطلاعات مربوط به معدل تحصیلی دانش آموزان بود. داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه مورد تحلیل قرار گرفتند. نتایج نشان داد بین سطح کلی هوش هیجانی والدین و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین مؤلفه‌های همدلی، خودآگاهی و کنترل هیجانات بیشترین سهم را در پیش‌بینی عملکرد تحصیلی داشتند. یافته‌ها حاکی از آن است که والدینی با مهارت‌های هیجانی بالاتر، تعاملات مؤثرتر و حمایت عاطفی بیشتری از فرزندان خود دارند که موجب افزایش انگیزش، اعتماد به نفس و پیشرفت تحصیلی آنان می‌شود. بر اساس نتایج، پیشنهاد می‌شود برنامه‌های آموزشی و کارگاه‌های مهارت‌های هیجانی برای والدین طراحی و اجرا گردد تا بتوان از طریق ارتقای سواد هیجانی خانواده، زمینه بهبود عملکرد تحصیلی دانش آموزان فراهم شود.

واژه‌های کلیدی: پیشرفت تحصیلی، کودکان، والدین، هوش هیجانی.

نقش واسطه‌ای درگیری تحصیلی در رابطه‌ی نگرش آشکار و ضمنی نسبت به مدرسه با عملکرد تحصیلی

راضیه تاجیک^{۱*}، محمود حیدری^۲، پگاه نجات^۳، علی حیرانی طبس^۴

۱. نویسنده مسئول، کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. رایانامه: raziyeta78@gmail.com

۲. دانشیار، گروه آموزشی روانشناسی تربیتی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. رایانامه: Mahmood.heidari@gmail.com

۳. استادیار، گروه آموزشی روانشناسی عمومی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. رایانامه: pgnejat@gmail.com

۴. دانشجوی دکتری روانشناسی عمومی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. رایانامه: aliheiranitabas@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین نگرش ضمنی و آشکار نسبت به مدرسه با عملکرد تحصیلی به میانجی‌گری درگیری تحصیلی در مقطع دبستان انجام گرفت. جامعه پژوهش را کلیه دانش‌آموزان مقطع سوم تا پنجم دبستان شهر قم در سال ۱۴۰۲ تشکیل دادند که از بین آنها به صورت در دسترس ۲۵۷ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزارهای این پژوهش شامل نسخه‌ی رایانه‌ای آزمون تداعی ضمنی (گرینوالد و بناجی، ۲۰۰۶) نگرش نسبت به مدرسه، مقیاس صورتک (هال و همکاران، ۲۰۱۶) نگرش آشکار نسبت به مدرسه، پرسشنامه درگیری تحصیلی عاطفی-شناختی (چندرا و همکاران، ۲۰۱۲) و خرده مقیاس درگیری رفتاری پرسشنامه درگیری تحصیلی (وگا، ۲۰۱۶) بود. به منظور تحلیل داده‌ها از تحلیل مسیر و مدل شماره چهار افزونه‌ی ماکروی پروسس (هیز، ۲۰۲۲) در SPSS26 استفاده شد. نتایج نشان داد نگرش آشکار با درگیری تحصیلی رابطه مثبت و معنادار دارد ($p < 0.01$) و درگیری تحصیلی با عملکرد تحصیلی نیز رابطه مثبت و معنادار دارد ($p < 0.01$). اثر غیرمستقیم نگرش آشکار بر عملکرد تحصیلی از طریق درگیری تحصیلی با عملکرد تحصیلی نیز رابطه مثبت و معنادار بود. در مقابل، نگرش ضمنی رابطه‌ی معناداری با درگیری و عملکرد تحصیلی نداشت. بر اساس این نتایج می‌توان گفت نگرش آشکار مثبت نسبت به مدرسه با افزایش درگیری تحصیلی، می‌تواند منجر به بهبود عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان شود.

واژه‌های کلیدی: نگرش نسبت به مدرسه، درگیری تحصیلی، عملکرد تحصیلی

نقش میانجی عزت نفس در رابطه بین اضطراب اجتماعی و میزان استفاده از رسانه‌های اجتماعی در نوجوانان

مهرشاد قیصری^۱، سوزان امامی پور^۲*

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه روانشناسی بالینی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی،

ایران. رایانامه: Gheysarimehrshad@gmail.com

۲. نویسنده مسئول، دانشیار، گروه روانشناسی بالینی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی،

تهران، ایران. رایانامه: Susan.Emamipour@iau.ac.ir

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش میانجی عزت نفس در رابطه بین اضطراب اجتماعی و میزان استفاده از رسانه‌های اجتماعی در نوجوانان بود. پژوهش از نظر روش گردآوری داده‌ها، توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان پسر مقاطع متوسطه اول و دوم مناطق ۱، ۴ و ۶ شهر تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ (رده سنی ۱۳ تا ۱۸ سال) بود. نمونه پژوهش ۲۷۵ نفر بود که با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای گردآوری داده‌ها شامل پرسشنامه اضطراب اجتماعی لاجر سا و همکاران (۱۹۹۸)، پرسشنامه عزت نفس روزنبرگ (۱۹۶۵) و پرسشنامه میزان استفاده از شبکه‌های مجازی و همکاران (۱۳۹۵) بود. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS-28 و AMOS-24 و به‌کارگیری آزمون همبستگی پیرسون و مدلیابی معادلات ساختاری تحلیل شدند. نتایج نشان داد که بین اضطراب اجتماعی و میزان استفاده از رسانه‌های اجتماعی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین رابطه بین عزت نفس و میزان استفاده از رسانه‌های اجتماعی معنادار نبود. علاوه بر این، آزمون نقش میانجی عزت نفس در روابط بین اضطراب اجتماعی با استفاده از رسانه‌های اجتماعی نشان داد که عزت نفس نقش میانجی معناداری ایفا نمی‌کند.

واژه‌های کلیدی: اضطراب اجتماعی، رسانه‌های اجتماعی، عزت نفس، نوجوانان

مروری بر نقش شایستگی‌های اخلاقی معلمان در شکل‌دهی رفتارهای دانش‌آموزان

زینب احمدی^{۱*}

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناس تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران / آموزش و پرورش، زنجان‌رود، ایران. رایانامه:

z.ahmadi2080@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر باهدف واکاوی نقش شایستگی‌های اخلاقی معلمان در شکل‌دهی به رفتار دانش‌آموزان و ارائه راهکارهای عملی انجام شده است. این مطالعه با اتخاذ رویکردی مروری و تحلیلی، به بررسی مبانی نظری و یافته‌های پژوهشی در این حوزه می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهند که شایستگی‌های اخلاقی معلمان شامل مؤلفه‌هایی چون صداقت، عدالت، مسئولیت‌پذیری و تعهد عاطفی، نه تنها در ایفای نقش آموزشی، بلکه در الگوسازی رفتاری برای دانش‌آموزان حیاتی هستند. بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی بندورا (۱۹۸۶)، دانش‌آموزان از طریق مشاهده و تقلید رفتار معلمان، ارزش‌های اخلاقی را درونی می‌کنند. مطالعات موردبررسی (از جمله امراء و همکاران، ۱۴۰۳؛ قنبرپور و همکاران، ۱۳۹۸) حاکی از آن است که معلمان با شایستگی اخلاقی بالا، محیط‌های یادگیری امن و حمایتی ایجاد می‌کنند که موجب افزایش اعتماد، کاهش اضطراب و تقویت رفتارهای مثبت دانش‌آموزان می‌شود. همچنین، راهکارهای عملی همچون الگوسازی فعال، آموزش بازتابندگی اخلاقی، و تلفیق اخلاق در برنامه درسی به عنوان ابزارهای مؤثر شناسایی شدند. با این حال، چالش‌هایی از جمله فشار زمانی، تنوع فرهنگی دانش‌آموزان، و فقدان آموزش‌های حرفه‌ای، اجرای این راهکارها را با دشواری مواجه ساخته است. این پژوهش بر ضرورت توجه نظام‌مند به شایستگی‌های اخلاقی معلمان در برنامه‌ریزی‌های آموزشی و سرمایه‌گذاری در آموزش معلمان به عنوان یک اولویت استراتژیک تأکید می‌کند.

واژه‌های کلیدی: شایستگی اخلاقی معلمان، رفتار دانش‌آموزان، الگوسازی اخلاقی، اخلاق حرفه‌ای

سرریز اطلاعات فضای مجازی و خستگی ذهنی دانشجویان: پیامدها و مداخلات مؤثر

محمد هادی صافی^۱، محمد باخدا^{۲*}

۱. استادیار، گروه روانشناسی، دانشگاه اردکان، اردکان، ایران. m.h.safi@ardakan.ac.ir

۲*. نویسنده مسئول، دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره شغلی، دانشگاه اردکان، اردکان، ایران. mohammadbakhoda@stu.ardakan.ac.ir

چکیده:

گسترش روزافزون فضای مجازی و افزایش حجم داده‌های در دسترس، منجر به شکل‌گیری پدیده‌ای موسوم به سرریز اطلاعات شده است؛ پدیده‌ای که می‌تواند پیامدهای منفی قابل توجهی بر عملکرد شناختی و سلامت روانی افراد، به‌ویژه دانشجویان، بر جای گذارد. از این رو، هدف از این پژوهش، بررسی سرریز اطلاعات در فضای مجازی و خستگی ذهنی دانشجویان و شناسایی پیامدها و مداخلات مؤثر در کاهش اثرات منفی آن است. این مطالعه با رویکرد مروری نظام‌مند بر پایه مطالعات انجام‌شده در پایگاه‌های اطلاعات علمی انگلیسی مانند ScienceDirect، PubMed، ResearchGate و Google Scholar و فارسی همچون SID، Irandoc و Magiran طی ۱۰ سال اخیر انجام شده است. در همین راستا، در فرایند غربالگری، ۲۱۷ سند علمی شناسایی شد که در نهایت با انجام فرایند غربالگری ۳۶ پژوهش مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که مواجهه مستمر با حجم بالای اطلاعات و محرک‌های دیجیتال، با «خستگی شناختی»، «فشارهای روانی و هیجانی» و «اختلال در تنظیم رفتار و زمان» مرتبط است. همچنین، شواهد پژوهشی بر اثربخشی مداخلاتی نظیر «مداخلات آموزشی مهارت‌های عصر اطلاعات»، «مداخلات روان‌شناختی و هیجانی»، «مداخلات رفتاری و خودتنظیمی» و «مداخلات محیطی و نهادی» تأکید دارند. بر این اساس، یافته‌های این پژوهش بیانگر این موضوع است که لازم است سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان با توجه به تأثیرات منفی سرریز اطلاعات در فضای مجازی برای دانشجویان و چالش‌ها شناسایی شده، برنامه‌های لازم را در خصوص طرح‌ریزی مداخلات مؤثر، ارئه آموزش‌های مناسب به دانشجویان و ارتقا سطح سواد آن‌ها برای حفظ سلامت روان و بهزیستی دانشجویان اتخاذ نمایند.

واژگان کلیدی: سرریز اطلاعات، فضای مجازی، خستگی ذهنی، دانشجویان.

استخراج مؤلفه‌های آسیب‌شناسی محتوای کتب درسی برای اقلیت‌های مذهبی: رویکرد کیفی-اسنادی

فاطمه گرمابداری^۱، رضاعلی طرخان^{۲*}

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته برنامه ریزی درسی، گروه علوم تربیتی، دانشکده حکمرانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران. رایانامه:

garmabdarifateme@gmail.com

۲. استادیار رشته برنامه ریزی درسی، گروه علوم تربیتی، دانشکده حکمرانی، دانشگاه تهران، ایران. (نویسنده مسئول) رایانامه:

r.tarkhan@shahed.ac.ir

چکیده

هدف پژوهش حاضر استخراج مؤلفه‌های آسیب‌شناسی محتوای کتب درسی برای اقلیت‌های مذهبی: رویکرد کیفی-اسنادی است. روش پژوهش حاضر کیفی با بهره‌گیری از روش کیفی-اسنادی است که در آن منابع نظری و تجربی متنوعی از حوزه‌های مرتبط با آموزش چندفرهنگی، عدالت آموزشی، و هویت اقلیت‌ها مورد مطالعه قرار گرفته‌اند تا مؤلفه‌های اصلی و اثرگذار شناسایی شوند. فرآیند استخراج شامل تحلیل عمیق محتوای منابع معتبر، از جمله نظریه‌های آموزش چندفرهنگی اثر بانکز (۲۰۰۸) و گزارش‌های جهانی یونسکو (۲۰۲۱) بود. این تحلیل‌ها به استخراج پنج مؤلفه اصلی منجر شد: ۱) عدم بازنمایی صحیح هویت اقلیت‌ها که به فقدان انعکاس دقیق فرهنگ، تاریخ، و نمادهای مذهبی اقلیت‌ها در متون درسی اشاره دارد، ۲) وجود کلیشه‌های مذهبی و فرهنگی که می‌توانند تعصبات اجتماعی را تقویت کنند، ۳) غلبه گفتمان تک‌روایتی و سانترالیستی که تنوع روایی را حذف کرده و به همگونی اجباری منجر می‌شود، ۴) عدم تناسب محتوای درسی با تجربه زیسته اقلیت‌ها که ناهماهنگی بین آموزش و زندگی واقعی این گروه‌ها را نشان می‌دهد، و ۵) احساس طرد و نادیده‌انگاری در دانش‌آموزان اقلیت که به ایجاد حس طرد شدگی و پیامدهای روانی و اجتماعی منفی منجر می‌شود. این مطالعه بر اهمیت به‌کارگیری روش‌های کیفی در درک عمیق‌تر مشکلات آموزشی اقلیت‌ها تأکید دارد و پیشنهاد می‌کند که این یافته‌ها به عنوان نقطه شروعی برای سیاست‌گذاری‌های آموزشی فراگیرتر مورد توجه قرار گیرند. این نتایج می‌توانند به بهبود کیفیت آموزشی و تقویت هویت ملی در جامعه چندفرهنگی ایران کمک کنند.

واژه‌های کلیدی: آسیب‌شناسی کتب درسی، اقلیت‌های مذهبی، آموزش چندفرهنگی، استخراج مؤلفه، هویت فرهنگی

تأثیر فرزندپروری مقتدرانه بر شایستگی‌های اجتماعی-هیجانی کودکان دبستانی

حسین مافی^۱

۱. دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید رجایی، قزوین، ایران. رایانامه: Mafi@cfu.ac.ir

چکیده

سبک فرزندپروری مقتدرانه که با گرمی، کنترل رفتاری و حمایت از خودمختاری مشخص می‌شود، همواره با پیامدهای مثبت رشد کودک ارتباط داشته است. این مقاله‌ی مروری با تلفیق مطالعات تجربی اخیر (۲۰۱۹ تا ۲۰۲۵) به بررسی تأثیر فرزندپروری مقتدرانه بر شایستگی‌های اجتماعی-هیجانی کودکان در سال‌های دبستان می‌پردازد. با استفاده از طرح مروری روایی، پژوهش‌های داوری شده مرتبط از پایگاه‌های داده اصلی شناسایی و به صورت انتقادی تحلیل شدند تا شواهد همگرا مشخص شود. یافته‌ها نشان می‌دهد که فرزندپروری مقتدرانه به تقویت تنظیم هیجان و خودکنترلی منجر می‌شود و این فرایندها به نوبه خود همدلی، همکاری و رفتارهای اجتماعی مثبت کودکان را ارتقا می‌دهند. همچنین پژوهش‌ها حاکی از آن‌اند که این روابط تحت تأثیر عوامل فرهنگی و زمینه‌ای قرار دارند، هرچند آثار سودمند این سبک در محیط‌های گوناگون نیز مشاهده شده است. علاوه بر این، شواهد طولی و فراتحلیلی بر نقش میانجی‌گر تنظیم هیجان در پیوند رفتارهای والدینی با پیامدهای اجتماعی و هیجانی سازگار کودکان تأکید دارند. ادغام نظریه‌های خودتعیین‌گری و یادگیری اجتماعی نیز روشن می‌سازد که چگونه پاسخ‌گویی والدین و حمایت از خودمختاری درونی‌سازی مهارت‌های هیجانی را شکل می‌دهد. در مجموع، این مرور بر نقش محوری فرزندپروری مقتدرانه در پرورش تاب‌آوری هیجانی و شایستگی‌های بین‌فردی در دوران کودکی میانی تأکید کرده و اهمیت مداخلات والدگری حاسم به فرهنگ را در ارتقای رشد اجتماعی-هیجانی جامع کودکان برجسته می‌سازد.

واژه‌های کلیدی: فرزندپروری مقتدرانه، شایستگی اجتماعی-هیجانی، تنظیم هیجان، دبستگی.

استرس شغلی و نقش آموزش در مدیریت آن

علیرضا خانی^{۱*}

۱. علیرضا خانی، دانشجوی کارشناسی ارشد، روانشناسی صنعتی و سازمانی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

رایانامه: khaniafireza1379@gmail.com

چکیده

در دهه اخیر موضوعی که آثار آن در جامعه و بسیاری از سازمان ها به شدت مورد توجه واقع گردیده است؛ استرس است. استرس یا فشار عصبی از مسایل بسیار حاد در سازمان های امروزی است که سلامت جسمی و روانی نیروی کار را به خطر انداخته و هزینه سنگینی را به سازمانها وارد ساخته است (خنیفر ۱۳۸۷). به طور مسلم در زندگی همه افرادی که دارای شغلی هستند، استرس وجود دارد و به گونه های مختلف بر آنها فشار روانی وارد می کند. در نتیجه، چنانچه استرس کاری زیادی بر فرد تحمیل شود به طور حتم سلامت جسمی و روحی وی را تحت تاثیر قرار می دهد که این خود هم بر عملکرد فرد در سازمان و هم بر کیفیت زندگی خانوادگی وی تأثیر مخربی می گذارد (عموزاده و همکاران ۱۳۹۲). سازمان های پیشرفته امروزی به خصوص مشاغل خدماتی مانند پزشکی و پرستاری با مشکلی به نام استرس شغلی دست به گریبان هستند. در سازمان ها عوامل مختلفی تولید استرس می کنند که عمده ترین آنها عبارتند از نوع شغل تعارض در نقش فشار کاری بیش از حد فقدان حمایت اجتماعی و دیگر موارد. پژوهش ها نشان می دهد که استرس شغلی اثرات سوء بر سلامت روان، عملکرد شغلی، خشنودی شغلی، انگیزش شغلی و متعاقباً تعهد سازمانی دارد. هنگامی که فرد تحت فشار شدید روانی قرار بگیرد و از نظر کاری تحت فشار زیاد باشد سطح سلامت روانی او کاهش می یابد نتیجه ی این کاهش سلامت روان کاهش خشنودی شغلی و تعهد سازمانی فرد است. همچنین، نقش آموزش در مدیریت استرس شغلی بسیار حائز اهمیت است؛ آموزش مهارت های شغلی می تواند از بروز استرس ناشی از عدم آشنایی با ابزارها و تجهیزات جلوگیری کند (ریگاتی، تی، و همکاران، ۱۴۰۳)، در حالی که آموزش تکنیک های مدیریت استرس و تکنیک های آرام سازی می تواند به افراد کمک کند تا استرس ایجاد شده را به طور مؤثر مدیریت نمایند (قربانی، ۱۴۰۱).

واژه های کلیدی: استرس، کیفیت زندگی، خشنودی شغلی، تعهد سازمانی، مدیریت استرس

آموزش کارکنان و مشارکت در تحول سازمانی

علیرضا خانی*

۱. علیرضا خانی، دانشجوی کارشناسی ارشد، روانشناسی صنعتی و سازمانی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

رایانامه: khanialireza1379@gmail.com

چکیده

اشتیاق انسان برای داشتن هدف در کار مسئله جدیدی نیست و یک آرزوی همگانی برای کارمندان است. با توجه به اینکه به طور متوسط ۳۵٪ از زمان بیداری خود را در محل کار صرف خواهیم کرد، یافتن هدف و معنی در کار، می‌تواند کمک بسیاری به معنادار کردن زندگیمان کند. در طول ۴۰ سال گذشته، محققان تأیید کرده‌اند که به نظر می‌رسد مردم یک نیاز و تمایل ذاتی به کار معنادار دارند، کاری که بسیار چشمگیر و هدفمند تجربه می‌شود. امروزه نسبت به گذشته تجربه احساس هدف در کار بیش از هر زمان دیگری مهم است و رهبران کسب و کارها و سازمان‌ها متوجه مزایای مشارکت کارکنان شده‌اند و در چند سال گذشته از کارمندان خود قدردانی کرده‌اند، و به این نتیجه رسیده‌اند که مشارکت کارکنان در سازمان می‌تواند چه منفعتی را برای آنها به همراه داشته باشد. علاوه بر اشتیاق ذاتی انسان برای یافتن معنا در کار، توانمندسازی کارکنان برای مشارکت مؤثر، مستلزم سرمایه‌گذاری هوشمندانه بر آموزش و توسعه است. آموزش‌های هدفمند، کارکنان را نه تنها از نظر فنی، بلکه از منظر رفتاری و مهارت‌های نرم (مانند حل مسئله، تفکر انتقادی و کار تیمی) آماده می‌سازد تا سهم فعال‌تر و آگاهانه‌تری در فرآیند تحول سازمانی ایفا نمایند. این پژوهش نشان می‌دهد که سازمان‌هایی که آموزش را به عنوان پیش‌نیاز و مکمل مشارکت می‌دانند، در مسیر تحول، با مقاومت کمتر، نوآوری بیشتر و موفقیت پایدارتری روبرو می‌شوند. بنابراین، آموزش کارکنان را می‌توان اهرمی کلیدی برای تحقق مشارکت واقعی و اثرگذار در تحول سازمانی قلمداد کرد.

واژه‌های کلیدی: معناداری کار، رهبران، مشارکت کارکنان، تحول سازمانی، آموزش کارکنان

پیش‌بینی خودبینگانی دانشگاهی بر اساس سرمایه اجتماعی در دانشجویان دانشگاه طلوع مهر قم

فرشته محمدی آشنانی^۱، سعیده سبزیان^۲، حسن زارعی متین^۳

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته‌ی روان‌شناسی عمومی، دانشگاه غیر انتفاعی طلوع مهر قم، ایران. رایانامه:

f.mohammadiashani2025@gmail.com

۲. نویسنده مسئول، استادیار، گروه مشاوره، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه حضرت معصومه (س)، قم، ایران. ایمیل:

s.sabzian@hmu.ac.ir

۳. استاد دانشکده مدیریت و حسابداری دانشکده‌گان فاریابی دانشگاه تهران، قم، رایانامه: Matin@ut.ac.ir

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، پیش‌بینی خودبینگانی دانشگاهی بر اساس سرمایه اجتماعی در دانشجویان دانشگاه طلوع مهر قم بود. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی دانشجویان دانشگاه طلوع مهر قم در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ بود. نمونه‌ای برابر با ۲۰۰ نفر، به روش در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش شامل پرسشنامه سرمایه اجتماعی اونیکس و بولن (۲۰۰۰) و مقیاس خودبینگانی دانشگاهی کورتولموس و همکاران (۲۰۱۵) بود. به منظور تحلیل داده‌های پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه به شیوه همزمان استفاده شد. نتایج حاصل از ضریب همبستگی نشان داد که بین کل مقیاس سرمایه اجتماعی و ابعاد روابط با خانواده، کارایی اجتماعی و پذیرش تفاوت‌ها با خودبینگانی دانشگاهی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. همچنین نتایج حاصل از اجرای رگرسیون چندگانه نشان داد که از بین ابعاد سرمایه اجتماعی (میزان مشارکت اجتماعی، احساس اعتماد، روابط همسایگی، روابط با خانواده، ارزش زنده بودن، کارایی اجتماعی، پذیرش تفاوت‌ها، روابط کاری) فقط روابط خانوادگی قادر به پیش‌بینی خودبینگانی دانشگاهی می‌باشند.

واژه‌های کلیدی: خودبینگانی دانشگاهی، سرمایه اجتماعی، دانشجویان

بررسی رابطه‌ی بین هویت جمعی (قومی، ملی، فراملی) با خودبینگانگی دانشگاهی در دانشجویان دانشگاه طلوع مهر قم^۳

فرشته محمدی آشنانی^۱، سعیده سبزیان*^۲، حسن زارعی متین^۳

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته‌ی روان‌شناسی عمومی، دانشگاه غیر انتفاعی طلوع مهر قم، ایران. رایانامه:

f.mohammadiashani2025@gmail.com

۲. نویسنده مسئول، استادیار، گروه مشاوره، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه حضرت معصومه (س)، قم، ایران.

ایمیل: s.sabzian@hmu.ac.ir

۳. استاد دانشکده مدیریت و حسابداری دانشکده‌گان فارابی دانشگاه تهران، قم، رایانامه: Matin@ut.ac.ir

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، پیش‌بینی خودبینگانگی دانشگاهی بر اساس هویت جمعی در دانشجویان دانشگاه طلوع مهر قم بود. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی دانشجویان دانشگاه طلوع مهر قم در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ بود. نمونه‌ای برابر با ۲۰۰ نفر، به روش در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش شامل پرسشنامه هویت جمعی هزارجریبی و لهراسی (۱۳۹۰) و مقیاس خودبینگانگی دانشگاهی کورتولموس و همکاران (۲۰۱۵) بود. به منظور تحلیل داده‌های پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه به شیوه همزمان استفاده شد. نتایج حاصل از ضریب همبستگی نشان داد که بین کل مقیاس هویت جمعی و خرده مقیاس هویت قومی با خودبینگانگی دانشگاهی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. همچنین نتایج حاصل از اجرای رگرسیون چندگانه نشان داد که از بین ابعاد هویت جمعی (قومی، ملی، فراملی) هویت قومی نسبت به دو بعد هویت ملی و فراملی، قادر به پیش‌بینی خودبینگانگی دانشگاهی می‌باشند.

واژه‌های کلیدی: خودبینگانگی دانشگاهی، هویت جمعی، دانشجویان

واکاوی شایستگی‌های حرفه‌ای و تخصصی معلمان دوره ابتدایی؛ راهبردی برای توانمندسازی

لیلا علی زاده^۱، مجید دارابی^{۲*}

۱ دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی دانشگاه شاهد alizadeleila@gmail.com

۲ استادیار گروه علوم تربیتی، دانشکده حکمرانی، دانشگاه شاهد (نویسنده مسئول) m.darabi@shahed.ac.ir

چکیده

پژوهش حاضر با هدف واکاوی شایستگی‌های حرفه‌ای و تخصصی معلمان دوره ابتدایی و ارائه راهبردی برای توانمندسازی آنان انجام شد. این مطالعه از نوع کیفی و کاربردی است. داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه ساختاریافته با ۱۱ نفر از اساتید علوم تربیتی و دانشگاه فرهنگیان جمع‌آوری و با روش نمونه‌گیری هدفمند گلوله‌برفی انتخاب شدند. تحلیل داده‌ها با رویکرد مضمونی و کدگذاری سه مرحله‌ای انجام گرفت. یافته‌ها نشان داد توانمندسازی معلمان ابتدایی در آموزش محتوایی و امور تربیتی نیازمند توجه به شایستگی‌های حرفه‌ای زیر است: تسلط بر مهارت‌ها و شایستگی‌های حرفه‌ای برای عملکرد اثربخش معلم، توانمندی در دانش تخصصی و حرفه‌ای تدریس، تسلط بر دانش پداگوژیک و مهارت‌های تدریس اثربخش، تسلط بر روش‌ها و رویکردهای نوین تدریس، مهارت شناخت و درک تفاوت‌های فردی فراگیران، تربیت همه‌جانبه و توسعه شخصیت و مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان، رویکرد تربیتی و الگو بودن معلم در فرآیند آموزش، مهارت ارتباط کلامی و انتقال اثربخش دانش با زبان قابل فهم دانش‌آموز، تسلط بر مبانی روان‌شناسی تربیتی و نظریه‌های یادگیری، مهارت مدیریت کلاس و کنترل محیط یادگیری، مهارت‌های ارتباط مؤثر و حمایت عاطفی در محیط یادگیری، و توانمندی در تحلیل و تشخیص نیاز و اهداف آموزشی و تربیتی. نتایج نشان می‌دهد توجه به این شایستگی‌ها می‌تواند به ارتقای کیفیت آموزش، یادگیری معنادار و بهبود عملکرد حرفه‌ای معلمان کمک میکند.

واژه‌های کلیدی: آموزش ابتدایی، توانمندسازی، مدل، معلم

شناسایی عوامل کلیدی مؤثر بر جذب و انتخاب معلم در دوره‌ی ابتدایی

زهرا علی زاده*^۱، مجید دارابی*^۲

*^۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، برنامه ریزی درسی دانشگاه شاهد، تهران، ایران رایانامه: Zahraalizadetwins@gmail.com

*^۲. نویسنده مسئول، استادیار گروه علوم تربیتی، دانشکده حکمرانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران (رایانامه‌های: Majid.Darabi12@gmail.com)

چکیده

از انجام این پژوهش، شناسایی و تبیین عوامل کلیدی مؤثر بر جذب و انتخاب معلم در دوره‌ی ابتدایی است. به منظور دستیابی به این هدف، از روش تحقیق داده‌بنیاد با رویکرد سیستماتیک استفاده شده است. اطلاعات پژوهش از دو طریق کتابخانه‌ای و میدانی گردآوری شد و در بخش میدانی، مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با ۱۱ نفر از متخصصان، خبرگان و مدیران حوزه آموزش ابتدایی انجام گرفت. یافته‌ها نشان داد که عوامل کلیدی مؤثر بر جذب و انتخاب معلمان ابتدایی شامل چهار مؤلفه اصلی است هدف: ۱. شایستگی‌های علمی و حرفه‌ای آموزگاری، ۲. سلامت جسمانی و روانی کامل، ۳. شایستگی‌های آموزشی و مدیریت یادگیری، ۴. توانمندی‌های ارتباطی و تعاملی معلم. با توجه به نقش اساسی معلم در ارتقای کیفیت یادگیری دانش‌آموزان، بررسی و توجه به این عوامل به عنوان الزامات بنیادین ورود به حرفه آموزگاری ضروری است. نتایج این پژوهش می‌تواند مبنایی علمی برای اصلاح سیاست‌ها، بهبود فرآیندهای گزینش، و ارتقای کیفیت نظام آموزشی کشور فراهم آورد.

واژه‌های کلیدی: انتخاب، جذب، معلم ابتدایی

ارزیابی برنامه درسی علوم و ریاضی رشته آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان مبتنی بر مولفه های رویکرد استیم^۱

معصومه بخشعلی پور کلور^۱، رضا علی طرخان^{۲*}

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران. رایانامه: mswmhbkshshlypwr@gmail.com

۲. نویسنده مسئول، استادیار، گروه آموزشی علوم تربیتی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران. رایانامه: r.tarkhan@shahed.ac.ir

چکیده

در سال های اخیر، تحولات بنیادین در نظام آموزشی موجب توجه روزافزون به رویکردهای میان رشته ای به ویژه استیم (STEAM) شده است که تلفیق علوم، فناوری، مهندسی، هنر و ریاضی را برای پرورش مهارت های قرن بیست و یکم دنبال می کند. هدف پژوهش حاضر ارزیابی میزان انطباق برنامه درسی دروس علوم و ریاضی رشته آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان با مؤلفه های اصلی رویکرد استیم است. این پژوهش از نوع کاربردی و به روش توصیفی-پیمایشی انجام شد. جامعه آماری شامل اعضای هیئت علمی، دانش آموزان و دانشجویان سال آخر رشته آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان بود که نمونه گیری به صورت ترکیبی از روش تصادفی و سرشماری صورت گرفت. ابزار گردآوری داده ها پرسش نامه محقق ساخته رویکرد استیم بود که بر اساس مؤلفه های آموزش میان رشته ای، یادگیری زمینه مند، انگیزه محوری، تحقیق گرایی و تمرکز بر پیامدهای واقعی یادگیری طراحی شد و پایایی و پایایی آن مورد تأیید قرار گرفت. داده ها با استفاده از روش های آماری توصیفی و استنباطی تحلیل شدند. یافته ها نشان داد که برنامه درسی علوم و ریاضی دانشگاه فرهنگیان در سطحی نسبتاً مطلوب با مؤلفه های رویکرد استیم هم خوانی دارد و بیشترین انطباق در بعد یادگیری زمینه مند و کمترین در بعد انگیزه محوری مشاهده شد. همچنین تفاوت هایی میان دیدگاه گروه های پاسخ گو نسبت به برخی مؤلفه ها وجود داشت. به طور کلی، نتایج بیانگر آن است که برنامه درسی مذکور در مسیر انطباق با رویکرد استیم گام هایی برداشته اما برای تحقق کامل اهداف آن، نیاز به بازنگری در محتوای آموزشی، شیوه های تدریس و نظام ارزشیابی دارد. این نتایج می تواند به سیاست گذاران آموزشی در طراحی برنامه های درسی نوین و کارآمد در تربیت معلمان آینده کمک نماید.

واژه های کلیدی: برنامه درسی، رویکرد استیم، علوم، ریاضی، آموزش ابتدایی

بررسی رابطه ی ساختاری علایم ADHD، تروماهای کودکی، عاطفه پذیری منفی، با علائم اختلال شخصیت مرزی در دانشجویان دارای گرایش به اعتیاد دانشگاه لرستان: نقش میانجی حساسیت اضطرابی

نادیا اکبری^۱، فضل اله میر^{۲*}، فیروزه غضنفری^۳

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی، گروه روانشناسی، دانشگاه لرستان، ایران. رایانامه: bfskinner@yahoo.com

۲. نویسنده مسئول، استاد گروه روانشناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، ایران. رایانامه: mir.f@lu.ac.ir

۳. استاد گروه روانشناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، ایران. رایانامه: ghazanfari.f@lu.ac.ir

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه ی ساختاری علایم ADHD (اختلال کم توجهی - پیش فعالی)، تروماهای کودکی، عاطفه پذیری منفی، با علائم اختلال شخصیت مرزی در دانشجویان دارای گرایش به اعتیاد دانشگاه لرستان: نقش میانجی حساسیت اضطرابی انجام شد. این پژوهش از نظر هدف، بنیادی و از نظر روش، کیفی بود. روش پژوهش حاضر، همبستگی و از نوع تحلیل مسیر است. جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانشجویان دختر و پسر دانشگاه لرستان در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ تشکیل خواهند داد و حجم نمونه ۳۰۰ نفری از دانشجویان مورد استفاده قرار خواهند گرفت. در این پژوهش از روش نمونه گیری تصادفی بهره گرفته خواهد شد. در این پژوهش از پرسشنامه های ADHD بزرگسالان کانرز (۱۹۶۹)، ترومای دوران کودکی (CTQ) توسط برنستاین، استین، نیوکمپ، والکر، پوگ و همکاران (۲۰۰۳)، عاطفه پذیری منفی واتسون و تلگن (۱۹۸۸)، اختلال شخصیت مرزی آکسفورد (۲۰۰۱) گرایش به اعتیاد توسط فرجاد (۱۳۸۵) و حساسیت اضطرابی توسط تیلور و کاکس (۱۹۹۸) استفاده شد. یافته های پژوهش نشان داد که میان مؤلفه های متغیرهای مورد بررسی رابطه ای مثبت وجود دارد. بر این اساس، توجه بیشتر به مسائل و نیازهای دانشجویان ضرورت دارد. همچنین نتایج بیانگر اهمیت انجام مطالعات کاربردی برای شناسایی عوامل مؤثر بر گرایش جوانان به آسیب های اجتماعی و تعیین نرخ شیوع اعتیاد در محیط های آموزشی است. از این رو، اتخاذ راهکارهای مناسب برای کنترل و کاهش مصرف مواد در جامعه دانشجویی، همراه با ارائه مشاوره های برنامه ریزی شده و مداخلات متناسب با ویژگی های شخصیتی افراد، می تواند نقش مؤثری در پیشگیری و مدیریت این معضل ایفا کند.

واژه های کلیدی: ADHD، تروماهای کودکی، عاطفه پذیری منفی، اختلال شخصیت مرزی، گرایش به اعتیاد

پیش بینی بهزیستی مدرسه براساس نیازهای روانشناختی بنیادی، نشاط معنوی و سرزندگی تحصیلی

عاطفه نژادمحمد نامقی^{۱*}، زهرا قوی اندام یامی

*۱. نویسنده مسئول، استادیار، مرکز تحقیقات علوم شناختی و رفتاری، گروه روان شناسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران .

رایانامه: nezhadmohamad@iau.ir

۲. کارشناسی ارشد مشاوره مدرسه، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

چکیده

سال‌های مدرسه یکی از حساس‌ترین دوره‌های رشد شناختی و هیجانی انسان به شمار می‌رود و نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری سلامت روان، انگیزش و بهزیستی دارد. ارتقای بهزیستی دانش‌آموزان در مدارس، به‌عنوان یکی از چالش‌های اساسی نظام آموزشی، از جایگاه ویژه‌ای در پژوهش‌های روان‌شناسی برخوردار است. هدف پژوهش حاضر، پیش‌بینی بهزیستی مدرسه بر اساس نیازهای روان‌شناختی بنیادی، نشاط معنوی و سرزندگی تحصیلی در میان دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه دوم بود. پژوهش از نوع همبستگی و کاربردی بود. جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان دختر پایه‌های دهم و یازدهم شهر کرج در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ بود که نمونه‌ای به‌صورت تصادفی خوشه‌ای انتخاب شد. ابزارهای پژوهش عبارت بودند از پرسشنامه بهزیستی مدرسه کاپلان و ماهر (SW-BQ، ۱۹۹۹)، پرسشنامه نیازهای روان‌شناختی بنیادی نوجوانان در مدرسه تیان و همکاران (ASBPNS، ۲۰۱۴)، مقیاس نشاط معنوی افروز (۱۳۹۵) و پرسشنامه سرزندگی تحصیلی حسین‌چاری و دهقانی‌زاده (۱۳۹۱). داده‌ها با استفاده از روش رگرسیون چندگانه تحلیل شدند. نتایج نشان داد میان نیازهای روان‌شناختی بنیادی، نشاط معنوی و سرزندگی تحصیلی با بهزیستی مدرسه رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و مؤلفه‌های نیازهای روان‌شناختی و نشاط معنوی نقش پررنگ‌تری در تبیین بهزیستی مدرسه دارند. بر اساس یافته‌ها، ارضای نیازهای روان‌شناختی بنیادی می‌تواند به‌عنوان عاملی مؤثر در ارتقای بهزیستی، سلامت روان و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان در محیط‌های آموزشی مورد توجه قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: بهزیستی مدرسه، دانش‌آموزان متوسطه دوم، سرزندگی تحصیلی، نشاط معنوی، نیازهای روان‌شناختی بنیادی

بررسی اثربخشی مداخله نظام مند خانواده بر کاهش تعارضات زناشویی و فرسودگی عاطفی در بافت فرهنگی ایران

محمدرضا یکتا^{۱*}، مهتاب کچوئی^۲، فریده رنجبر نیسانی^۳، ستاره حسومی^۴

۱. نویسنده مسئول، گروه مشاوره، واحد اصفهان (خوراسگان)، رایانامه: mohammadrezayekta@gmail.com

۲. گروه روانشناسی، واحد نجف آباد، اصفهان، ایران، رایانامه: mahtabkach@gmail.com

۳. گروه روانشناسی، واحد اصفهان (خوراسگان)، ایران، رایانامه: faride.ranibar.neysani@gmail.com

۴. گروه روانشناسی، واحد نجف آباد، اصفهان، ایران، رایانامه: saya.hasoomi@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی روان درمانی نظام مند خانواده بر تعارضات زناشویی و فرسودگی عاطفی زوجین انجام شد. این مطالعه از نوع نیمه آزمایشی با طرح پیش آزمون-پس آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری شامل زنان متأهل مراجعه کننده به مراکز مشاوره خانواده در استان اصفهان در سال ۱۴۰۲ بود. از این جامعه، ۳۰ نفر به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل جایگزین شدند. گروه آزمایش تحت ۸ جلسه ۶۰ دقیقه ای روان درمانی نظام مند خانواده قرار گرفتند. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه تعارض زناشویی ثنائی ذاکر (۱۳۷۹) و مقیاس فرسودگی زناشویی (CBM) پاینز (۱۹۹۶) بود. داده ها با استفاده از تحلیل کوواریانس چندمتغیره و تک متغیره تحلیل شد. نتایج نشان داد که روان درمانی نظام مند خانواده به طور معناداری منجر به کاهش تعارضات زناشویی و فرسودگی عاطفی در گروه آزمایش شده است. این اثرگذاری در تمامی مؤلفه های متغیرهای وابسته شامل کاهش همکاری، کاهش صمیمیت جنسی، واکنش های هیجانی، اشتغال ذهنی با فرزند، رابطه با بستگان خود، کاهش رابطه با بستگان همسر، جدا کردن امور مالی و همچنین مؤلفه های فرسودگی جسمی، عاطفی و روانی مشاهده شد ($p < 0.05$). با توجه به یافته ها می توان نتیجه گرفت که روان درمانی نظام مند خانواده به عنوان یک مداخله مؤثر می تواند برای کاهش تعارضات زناشویی و فرسودگی عاطفی زوجین در مراکز مشاوره خانواده مورد استفاده قرار گیرد.

واژه های کلیدی: روان درمانی نظام مند، تعارض زناشویی، فرسودگی عاطفی، زوج درمانی، خانواده درمانی

آسیب شناسی نظام جذب منابع انسانی با رویکرد بنیاد مدیریت کیفیت اروپا (EFQM) در سازمان آموزش و پرورش

علیرضا رحیم کریمی^۱، مجید دارابی^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی آموزشی دانشگاه شاهد

^۲ استادیار گروه علوم تربیتی دانشکده حکمرانی دانشگاه شاهد

چکیده

مدیریت منابع انسانی به منظور برنامه ریزی برای تأمین، نگهداشت و ارتقا منابع انسانی وظیفه ای بسیار مهم و حیاتی برای بقا و توسعه سازمان بر عهده دارد. این پژوهش با هدف آسیب شناسی نظام جذب منابع انسانی با رویکرد مدل تعالی سازمانی (EFQM) در سازمان آموزش و پرورش استان مورد مطالعه انجام شد. مطالعه از نظر روش، توصیفی-پیمایشی بود و جامعه آماری شامل ۷۰ نفر از مدیران و کارشناسان منابع انسانی بودند که با استفاده از جدول مورگان، ۵۹ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. داده ها با پرسشنامه محقق ساخته ۵۸ سؤالی که روایی و پایایی آن تأیید شد (آلفای کرونباخ ۰٫۹۷)، گردآوری و با آزمون t تکنمونه ای و فریدمن تحلیل شدند. یافته ها نشان داد تمامی معیارهای EFQM در بعد جذب با آسیب های معناداری مواجه هستند. به طور مشخص، معیارهای رهبری (میانگین ۲٫۶۳)، خط مشی گذاری (میانگین ۲٫۴۲)، کارکنان (میانگین ۲٫۴۲)، منابع و مشارکت ها (میانگین ۲٫۳۵) و فرآیندها (میانگین ۲٫۴۸) همگی در سطح آسیب متوسط قرار داشتند. در میان معیارهای نتایج نیز، نتایج کارکنان (میانگین ۲٫۴۰) با آسیب زیادتری مواجه بود، درحالی که نتایج مشتری (میانگین ۲٫۸۰)، نتایج جامعه (میانگین ۲٫۷۳) و نتایج کلیدی عملکرد (میانگین ۲٫۷۷) در سطح آسیب متوسط ارزیابی شدند. رتبه بندی نهایی بر اساس آزمون فریدمن حاکی از آن بود که به ترتیب، حوزه های نتایج (میانگین رتبه ۴٫۶۴)، رهبری (۳٫۷۰) و کارکنان (۳٫۵۱) بیشترین آسیب پذیری را در نظام جذب منابع انسانی سازمان دارند. این نتایج گویای شکافی جدی بین سرمایه گذاری های سازمان در حوزه منابع انسانی و دستیابی به نتایج ملموس و مورد انتظار است. پژوهش حاضر بر لزوم بازنگری اساسی در نظام مدیریت منابع انسانی، به ویژه در حوزه رهبری و خط مشی گذاری، برای کاهش شکاف موجود و حرکت به سمت تعالی سازمانی تأکید دارد.

کلمات کلیدی: آسیب شناسی، جذب منابع انسانی، آموزش و پرورش، تعالی سازمانی.

مقایسه حافظه فعال و توجه دانش آموزان نارساخوان با عادی

مهدی رضایی^{۱*}، نجمه سادات^۲، محمدحسین سالاری^۳

۱. نویسنده مسئول، استادیار، گروه روان شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران. Mehdi.rezaei15@birjand.ac.ir
۲. کارشناسی ارشد روان شناسی تربیتی، گروه روان شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران. najme.sadat91@gmail.com
۳. استادیار، گروه روان شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران. mhsalarifar@birjand.ac.ir

چکیده

توجه و حافظه فعال از مهمترین همبسته‌های خواندن هستند که در کودکان نارساخوان دچار نقص هستند. هدف پژوهش حاضر مقایسه توجه و حافظه فعال دانش آموزان نارساخوان با دانش آموزان عادی بود. این پژوهش یک مطالعه علی-مقایسه‌ای بود. جامعه آماری شامل دانش آموزان شهرستان بیرجند در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ بود. از این جامعه آماری ۳۰ دانش آموزان نارساخوان به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و در دو گروه ۱۵ نفری قرار گرفتند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه تشخیصی اختلال یادگیری ویژه، فرم کوتاه آزمون استنفورد بین، آزمون N-BACK و آزمون عملکرد پیوسته (CPT) استفاده شد. داده‌ها با استفاده از آزمون آماری تحلیل واریانس چندمتغیره (مانووا) تحلیل شد. نتایج نشان داد که دانش آموزان نارساخوان در حافظه فعال نسبت به دانش آموزان عادی به طور معناداری عملکرد ضعیف‌تری دارند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که دانش آموزان نارساخوان در مقایسه با همسالان عادی خود، در دو کارکرد شناختی اساسی یعنی حافظه فعال و توجه با چالش‌های معناداری روبرو هستند. این نقایص، از عوامل بنیادین و تأثیرگذاری محسوب می‌شوند که در هسته اصلی اختلال نارساخوانی قرار دارند و پایداری مشکلات خواندن را توجیه می‌کنند. یافته‌ها بر این امر تأکید دارند که در برنامه‌های تشخیصی، آموزشی و توانبخشی برای کودکان نارساخوان، ارزیابی و تقویت این کارکردهای شناختی نیز مورد توجه قرار بگیرد.

واژه‌های کلیدی: توجه، حافظه فعال، نارساخوانی، دانش آموزان

رابطه بهزیستی روانشناختی و میزان تاب آوری با اضطراب امتحان دانش آموزان

رقیه مولودی نیا^{۱*}، فرزانه پاینده فر^۲

۱. کارشناسی زیست شناسی، وزارت آموزش و پرورش، اداره آموزش و پرورش ناحیه ۱ کرمانشاه، کرمانشاه، ایران..

رایانامه: marzieamini@gmail.com

۲. کارشناسی زیست شناسی، وزارت آموزش و پرورش، اداره آموزش و پرورش ناحیه ۳ کرمانشاه، کرمانشاه، ایران..

رایانامه: payabdehfarfarzaneh@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه بهزیستی روان شناختی و میزان تاب آوری با اضطراب امتحان در دانش آموزان دوره اول متوسطه شهر کرمانشاه بود. این پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری شامل تمامی دانش آموزان دختر دوره اول متوسطه شهر کرمانشاه در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ (N=۲۱۶) بود که از میان آن ها ۶۰ نفر با روش نمونه گیری تصادفی چندمرحله ای انتخاب شدند. ابزارهای مورد استفاده شامل مقیاس اضطراب امتحان سارا سون (۱۹۷۸)، مقیاس بهزیستی روان شناختی ریف (۱۹۸۹) و مقیاس تاب آوری کانر و دیوید سون (۲۰۰۳) بودند. داده ها با استفاده از همبستگی پیر سون و رگرسیون چندمتغیره تحلیل شدند. نتایج نشان داد بین بهزیستی روان شناختی و تاب آوری با اضطراب امتحان رابطه منفی و معنادار وجود داشت؛ به طوری که با افزایش بهزیستی روان شناختی و تاب آوری، میزان اضطراب امتحان کاهش یافت. همچنین تحلیل رگرسیون نشان داد بهزیستی روان شناختی قوی ترین پیش بینی کننده اضطراب امتحان بود و از میان مؤلفه های آن، تسلط بر محیط و خودمختاری بیشترین نقش را در پیش بینی اضطراب امتحان ایفا کردند. یافته ها بیانگر اهمیت مؤلفه های مثبت روان شناختی در کاهش اضطراب امتحان و ضرورت طراحی برنامه های آموزشی برای ارتقای بهزیستی و تاب آوری دانش آموزان هستند.

واژه های کلیدی: بهزیستی روان شناختی، تاب آوری، اضطراب امتحان، سلامت روان، دانش آموزان

تاثیر شعردرمانی بر کاهش استرس تحصیلی دانش آموزان

رحمان کلانتری

معاون امور نخبگان و اجتماعات نخبگانی بنیاد نخبگان استان لرستان، خرم آباد، ایران

Kalantari1990@yahoo.com

چکیده

استرس تحصیلی یکی از مشکلات دانش آموزان در فرایندهای یادگیری است. استرس تحصیلی به احساس نیاز فزاینده به دانش و به طور همزمان، ادراک فرد مبنی بر نداشتن زمان کافی برای دستیابی به آن دانش اشاره می کند. پژوهش حاضر با هدف تاثیر شعر درمانی بر کاهش استرس تحصیلی دانش آموزان انجام گرفت. روش پژوهش حاضر به شیوه نیمه آزمایشی با طرح پیش آزمون- پس آزمون و پیگیری با گروه گواه بود. جهت انتخاب نمونه، از میان دانش آموزان ابتدایی دختر شهرستان خرم آباد تعداد ۳۰ دانش آموز در دسترس و به صورت تصادفی انتخاب و در دو گروه آزمایش و گواه (۱۵ نفر آزمایش و ۱۵ نفر گواه) گمارش شدند. آموزش شعردرمانی طی ۱۰ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای هفته‌ای یک جلسه برای گروه آزمایش اجرا شد و برای گروه گواه، معادل آن، جلسات کتابخوانی برگزار شد. پس از اتمام جلسات، پس آزمون و یک ماه بعد از آموزش، پیگیری بر روی دو گروه آزمایش و گواه انجام شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون‌های توصیفی و استنباطی از جمله آنالیز کوواریانس صورت گرفت. یافته‌های حاصل از این پژوهش نشان داد آموزش شعردرمانی بر کاهش استرس تحصیلی دانش آموزان تأثیر معنی‌داری داشته است. این نتایج در مرحله پیگیری نیز حفظ گردید. با توجه به تأثیر آموزش شعردرمانی بر کاهش استرس تحصیلی دانش آموزان و تداوم اثر آن، به کارگیری شعردرمانی به عنوان یک اصل در برنامه‌ریزی درمانی دانش آموزان کاملاً ضروری می‌نماید.

واژه‌های کلیدی: شعردرمانی، استرس تحصیلی، دانش آموزان

اثربخشی طرح‌واره‌درمانی هیجانی بر تنظیم شناختی هیجان و باورهای ارتباطی در افراد دارای علائم وسواسی-جبری مرتبط با شریک زندگی

امیرمهدی امرائی^۱، داریوش باباخانی^۲، حسین فیاض‌منش^{۳*}، ترانه سلیمی^۴

۱. کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشکده پزشکی، گروه روان‌شناسی بالینی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران..

رایانامه: Amirmahdi.amraei@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشکده پزشکی، گروه روان‌شناسی بالینی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران..

رایانامه: dbabakhaniii5400@gmail.com

۳. کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران. رایانامه: hossein.fayazmanesh@kums.ac.ir

۴. کارشناسی زیست‌شناسی، وزارت آموزش و پرورش، اداره آموزش و پرورش ناحیه ۱ کرمانشاه، کرمانشاه، ایران..

رایانامه: taranehsalimi5@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی طرح‌واره‌درمانی هیجانی بر تنظیم شناختی هیجان و باورهای ارتباطی در افراد دارای علائم وسواسی-جبری مرتبط با شریک زندگی انجام شد. این مطالعه از نوع نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل و پیگیری بود. جامعه آماری شامل دانشجویان مراجعه‌کننده به مرکز مشاوره علوم پزشکی کرمانشاه در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ بود. از میان آنان ۳۰ نفر با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل گمارده شدند. گروه آزمایش طی ۱۲ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای تحت مداخله طرح‌واره‌درمانی هیجانی بر اساس پروتکل لیهی قرار گرفت. ابزارهای مورد استفاده شامل پرسشنامه تنظیم شناختی هیجان گارفنسکی و همکاران (۲۰۰۶)، پرسشنامه باورهای ارتباطی آیدلسون و اپشتاین (۱۹۸۰) و پرسشنامه علائم وسواسی-جبری مرتبط با شریک زندگی دورون و همکاران (۲۰۱۲) بود. نتایج تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر نشان داد که طرح‌واره‌درمانی هیجانی موجب بهبود معنادار در تنظیم شناختی هیجان و باورهای ارتباطی و کاهش علائم وسواسی-جبری مرتبط با شریک زندگی شد. اثر درمان در مرحله پیگیری نیز پایدار بود. بر اساس یافته‌ها، می‌توان نتیجه گرفت که طرح‌واره‌درمانی هیجانی با تأکید بر بازسازی شناختی-هیجانی، رویکردی مؤثر در ارتقای سلامت روان و بهبود روابط صمیمانه است.

واژه‌های کلیدی: طرح‌واره‌درمانی هیجانی، تنظیم شناختی هیجان، باورهای ارتباطی، وسواس جبری رابطه‌ای، سلامت روان

تأثیر آموزش مهارت خودآگاهی بر خودنظم دهی هیجان شناختی و امید به تحصیل در دانش آموزان

نصیبه پوراصغر*^۱، عزیز جلیلی هریس^۲

*۱. استادیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. رایانامه: npourasghar1@pnu.ac.ir

۲. کارشناس ارشد روانشناسی، دانشگاه پیام نور، ارومیه، ایران. رایانامه: jalili.ajh.1298@gmail.com

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی اثربخشی آموزش مهارت خودآگاهی بر افزایش خودنظم دهی هیجان شناختی و امید به تحصیل در دانش آموزان انجام شد. با توجه به نقش کلیدی این سازه‌ها در عملکرد تحصیلی و سلامت روان دانش آموزان، مداخله‌ای موثر جهت تقویت آن‌ها ضروری به نظر می‌رسد. این پژوهش از نوع نیمه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری شامل تمامی دانش آموزان مقطع متوسطه دوم شهر هریس به تعداد ۳۰۰ در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ بود. از این جامعه، ۴۰ دانش آموز (۲۰ نفر گروه آزمایش و ۲۰ نفر گروه کنترل) به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و در دو گروه جایگزین شدند. ابزارهای پژوهش شامل مقیاس خودنظم دهی هیجان شناختی گارنفسکی و همکاران (۲۰۰۱) و مقیاس امید به تحصیل خرمایی و کمری (۱۳۹۵) بود. گروه آزمایش به مدت ۱۰ جلسه ۶۰ دقیقه‌ای تحت آموزش مهارت خودآگاهی قرار گرفت، در حالی که گروه کنترل هیچ مداخله‌ای دریافت نکرد. تحلیل کوواریانس نشان داد که پس از کنترل نمرات پیش‌آزمون، بین میانگین نمرات خودنظم دهی هیجان شناختی و امید به تحصیل در گروه‌های آزمایش و کنترل در مرحله پس‌آزمون تفاوت معناداری وجود دارد ($p < 0.001$). بنابراین، آموزش مهارت خودآگاهی منجر به افزایش معناداری در نمرات خودنظم دهی هیجان شناختی و امید به تحصیل در گروه آزمایش در مقایسه با گروه کنترل شد. یافته‌های این پژوهش نشان‌دهنده اثربخشی آموزش مهارت خودآگاهی در بهبود خودنظم دهی هیجان شناختی و امید به تحصیل در دانش آموزان است. این نتایج بر اهمیت ادغام برنامه‌های آموزشی مبتنی بر خودآگاهی در محیط‌های آموزشی تأکید می‌کند.

واژه‌های کلیدی: خودآگاهی، خودنظم دهی هیجان شناختی، امید به تحصیل، دانش آموزان

بررسی ارتباط بین هوش هیجانی، خلاقیت و تاب‌آوری با میزان رضایت شغلی معلمان

نصیبه پوراصغر*^۱، نسیم مقدم نیا^۲

*۱. استادیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. رایانامه: npourasghar1@pnu.ac.ir.

۲. کارشناس ارشد روانشناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. رایانامه: n.moghaddamnia@gmail.com

چکیده

رضایت شغلی معلمان یکی از مؤلفه‌های حیاتی در حفظ کیفیت نظام آموزشی و پیشبرد اهداف تربیتی محسوب می‌شود. هدف این پژوهش بررسی ارتباط بین هوش هیجانی، خلاقیت و تاب‌آوری با میزان رضایت شغلی در بین معلمان استان اردبیل بود. جامعه آماری مورد بررسی، معلمان مقطع ابتدایی با تعداد ۷۰۰ نفر بود. تعداد ۱۰۰ نفر از معلمان با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند برای گردآوری داده‌های پژوهش از پرسشنامه رضایت شغلی اسمیت و همکاران (۱۹۶۹)، پرسشنامه خلاقیت ژائو (۲۰۱۲)، مقیاس تاب‌آوری کونور و دیویدسون (۲۰۰۳) و هوش هیجانی سهیدور و رحمان (۲۰۱۲) استفاده شد. نتایج نشان داد که بین هوش هیجانی ($r=0/69$ و $p<0/01$) با رضایت شغلی معلمان ارتباط مستقیم معنی‌داری وجود دارد. بین خلاقیت ($r=0/39$ و $p<0/01$) با رضایت شغلی معلمان ارتباط مستقیم معنی‌داری وجود دارد. بین تاب‌آوری ($r=0/32$ و $p<0/01$) با رضایت شغلی معلمان ارتباط مستقیم معنی‌داری وجود دارد. از بین متغیرهای پیش بین مورد مطالعه، هوش هیجانی ($P<0/01$) و خلاقیت ($P<0/01$) در پیش‌بینی رضایت شغلی معلمان نقش معنی‌داری داشتند. می‌توان نتیجه‌گیری کرد با افزایش هوش هیجانی و تقویت خلاقیت در برنامه‌های آموزشی و حرفه‌ای معلمان می‌توان رضایت شغلی معلمان را افزایش داد. این یافته‌ها، لزوم مداخلات آموزشی و مشاوره‌ای برای تقویت این ویژگی‌ها در معلمان را تأکید می‌کند.

واژه‌های کلیدی: هوش هیجانی، خلاقیت، تاب‌آوری، رضایت شغلی، معلمان

تأثیر مقایسه اجتماعی در اینستاگرام بر احساس تنهایی در دانشجویان: یک مرور نظام مند

محمد هادی صافی^{۱*}، فاطمه عمادی^۲

*۱. استادیار گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه اردکان، اردکان، ایران.

رایانامه: m.h.safi@ardakan.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره توانبخشی، گروه مشاوره، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه اردکان، اردکان، ایران. رایانامه:

Fatiem13770829@gmail.com

چکیده

در سال‌های اخیر، گسترش رسانه‌های اجتماعی به‌ویژه اینستاگرام، زمینه‌ساز مقایسه اجتماعی و پیامدهای روان‌شناختی مانند احساس تنهایی شده است. این پژوهش با هدف بررسی تأثیر مقایسه اجتماعی در اینستاگرام بر احساس تنهایی در دانشجویان انجام شد. روش پژوهش، مرور نظام‌مند بود که با جستجوی سیستماتیک در پایگاه‌های اطلاعاتی PubMed، Scopus، Google Scholar، PsycINFO، SID و Magiran و با استفاده از ترکیب کلیدواژه‌های مرتبط با مقایسه اجتماعی و احساس تنهایی در دانشجویان در سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۵ میلادی و ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۴ شمسی انجام شد. پس از غربالگری نهایی، ۴۰ مقاله مرتبط برای تحلیل نهایی انتخاب شدند. یافته‌ها نشان داد که مقایسه اجتماعی در اینستاگرام با افزایش احساس تنهایی، کاهش عزت نفس، افزایش اضطراب اجتماعی و زورگویی سایبری، ترس از دست دادن، عملکرد تحصیلی ضعیف، کاهش اعتماد به نفس و مادی‌گرایی تضعیف مهارت‌های اجتماعی، نگرانی درباره ظاهر و قضاوت اجتماعی، کاهش تاب‌آوری دیجیتالی و حسادت و پریشانی روانی همراه است که در مجموع به تشدید احساس تنهایی در دانشجویان منجر می‌شود. در مقابل راهکارهایی مانند تهیه و ارائه مطالب آموزشی، مداخلات مبتنی بر ذهن‌آگاهی، مدیریت و استفاده آگاهانه از اینستاگرام، برگزاری کارگاه‌های آموزشی، آموزش مهارت‌های اجتماعی و هیجانی، تقویت عوامل محافظتی روانی و تدوین دستورالعمل‌های عملیاتی دانشگاه برای دانشجویان می‌توانند در کاهش احساس تنهایی حاصل از مقایسه اجتماعی موثر باشند. بنابراین، مقایسه اجتماعی در اینستاگرام به‌عنوان یک عامل استرس‌زای روانی، نقش کلیدی در بروز احساس تنهایی در دانشجویان ایفا می‌کند. براین اساس توسعه مداخلات چندبعدی مبتنی بر آموزش رسانه‌ای، ذهن‌آگاهی و تقویت منابع روانی-اجتماعی در محیط‌های دانشگاهی ضروری است.

واژه‌های کلیدی: مقایسه اجتماعی، اینستاگرام، احساس تنهایی، دانشجویان.

پیش بینی خودناتوان سازی در دانشجویان براساس فراشناخت و هوش هیجانی

محدثه امینی*^۱، آزاده چوب فروش زاده^۲، حمیده ناظمی سجزئی^۳

۱. کارشناسی روانشناسی، دانشگاه اردکان، یزد، ایران. Mohadesehamini057@gmail.com

۲. دانشیار گروه روانشناسی، عضو هیئت علمی دانشگاه، دانشکده علوم انسانی و علوم اجتماعی، دانشگاه دولتی اردکان، یزد،

ایران Azadechoobforoush@ardakan.ac.ir

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه اردکان، یزد، ایران. Hamidehnazemi2003@gmail.com

چکیده

خودناتوان سازی یکی از راهبردهای ناسازگارانه است که افراد برای حفظ عزت نفس در موقعیت های تهدیدکننده به کار می گیرند؛ با این حال، تداوم آن می تواند عملکرد تحصیلی و رشد شخصی دانشجویان را مختل کند. پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه فراشناخت و هوش هیجانی با خودناتوان سازی در دانشجویان دانشگاه اردکان انجام شد. روش پژوهش توصیفی-همبستگی و از لحاظ هدف در زمره پژوهش های کاربردی قرار می گیرد. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان دانشگاه اردکان بود که نمونه ای به تعداد ۸۰ نفر در این پژوهش شرکت کردند. داده ها با استفاده از پرسشنامه های خودناتوان سازی جونز و رودالت (۱۹۸۲)، فراشناخت ولز (MCQ-30) و هوش هیجانی گلمن (۱۹۹۵) گردآوری و با آزمون های همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه تحلیل شدند. نتایج نشان داد که بین فراشناخت و خودناتوان سازی و نیز بین هوش هیجانی و خودناتوان سازی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. همچنین، این دو متغیر توانستند بخش قابل توجهی از واریانس خودناتوان سازی را پیش بینی کنند. این یافته ها بر اهمیت نقش هم افزای مهارت های شناختی و هیجانی در کاهش گرایش به خودناتوان سازی و ارتقای بهزیستی تحصیلی دانشجویان تأکید دارد.

واژه های کلیدی: فراشناخت، هوش هیجانی، خودناتوان سازی، دانشجویان.

بررسی وضعیت خودناهمخوانی در نوجوانان ایرانی

سمیه رباط میلی^{۱*}

*. نویسنده مسئول، استادیار، دانشکده حکمرانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: robatmili.s@ut.ac.ir

چکیده

خودناهمخوانی از مهم‌ترین منابع تولید احساسات و هیجانات ناخوشایند روانی می‌دانند. بنابراین خودناهمخوانی در دوره نوجوانی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار می‌باشد. بر این اساس این پژوهش با هدف بررسی خودناهمخوانی در نوجوانان اجرا شد. جامعه پژوهش حاضر کلیه نوجوانان شهر تهران بودند که از این بین، ۳۹۲ نفر شامل ۲۱۴ پسر و ۱۷۸ دختر به صورت نمونه گیری در دسترس از بین مدارس راهنمایی و دبیرستان شهر تهران، جهت آزمون فرضیه‌ها، انتخاب و بررسی شدند. ابزار سنجش مقیاس خودناهمخوانی (هاردین، ۲۰۰۲) بود. نتایج این پژوهش نشان داد که خودناهمخوانی آرمانی همبستگی ضعیفی با عواطف مربوطش دارد ($r=0/36$). همچنین مشخص شد خودناهمخوانی آرمانی و ناخواسته به نفع دختران، بیشتر است. از آنجا که خودپنداره، دیدگاه فرد یا برداشت او از خودش است این متغیر نیز تحت تأثیر سوء این ناهمخوانی قرار می‌گیرد لذا یافته‌ها ضرورت تقلیل جو هنجاری به نفع جوی آزادانه تر و خلاقانه تر را در نظام تربیتی مطرح کردند.

واژه‌های کلیدی: خودناهمخوانی، نوجوانان

واکاوی راهبردهای سازگارانۀ رهایی از انزوای تحصیلی براساس دیدگاه دانشجویان

فهمیمه باهنر*^۱

*۱. نویسنده مسئول، استادیار گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. f_bahonar@sbu.ac.ir

چکیده

این پژوهش با هدف واکاوی راهبردهای سازگارانۀ رهایی از انزوای تحصیلی از دیدگاه دانشجویان انجام شد. روش پژوهش حاضر کاربردی و از نوع کیفی پدیدارشناسی تفسیری می‌باشد. جامعه این پژوهش شامل دانشجویان مقطع کارشناسی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید بهشتی در سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۵ بود. نمونه‌گیری به صورت هدفمند و تا مرز اشباع داده‌ها و نهایتاً انتخاب ۱۲ نفر ادامه یافت. شرکت‌کنندگان مورد مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته قرار گرفتند. به منظور تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مضمون کلازی استفاده شد. تحلیل داده‌ها منجر به شناسایی ۴۱ مفهوم اولیه، ۸ مضمون فرعی و چهار مضمون اصلی در ارتباط با راهبردهای رهایی از انزوای تحصیلی استخراج شد. مضمون اصلی اول راهبردهای روانشناختی با مضامین فرعی (جستجوی حمایت هیجانی و استفاده از خدمات مشاوره‌ای)، مضمون اصلی دوم بازسازی ارتباطات اجتماعی شامل (ایجاد ارتباطات تحصیلی هدفمند و گسترش ارتباطات)، مضمون اصلی سوم بازتعریف تجربه تحصیلی شامل (معنادادن دوباره به تحصیل و تغییر نگرش از رقابت به رشد) و مضمون اصلی چهارم راهبردهای سازمانی شامل (به کارگیری فناوری برای ارتباط و یادگیری و حمایت نهادی) بود. به طور خلاصه، می‌توان نتیجه گرفت که رهایی از انزوای تحصیلی، نیازمند یک رویکرد کل‌نگر است که در آن، دانشجو به عنوان یک عامل فعال در تعامل با بستر اجتماعی-سازمانی دانشگاه عمل می‌کند.

واژه‌های کلیدی: راهبردهای سازگارانۀ، انزوای تحصیلی، دانشجویان

اثربخشی طرحواره درمانی گروهی بر خودکارآمدی تحصیلی نوجوانان دختر: یک مطالعه نیمه تجربی^{۲*}

نرجس بهاری میمند^{۱*}، موسی جاودان^۲، محمد رسولی ایسینی^۳

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، گروه پزشکی، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران.

3380998036@iau.ac.ir

۲. دانشیار، گروه روانشناسی، دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران: Javdan4920@yahoo.com

۳. استادیار گروه روانشناسی، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی بندرعباس، ایران: mohamadrasouliisini@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی طرحواره درمانی گروهی بر خودکارآمدی تحصیلی نوجوانان دختر شهر بندرعباس به صورت یک مطالعه نیمه تجربی انجام گرفت. روش پژوهش کاربردی و از نوع کمی با طرح شبه تجربی پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه گواه (کنترل) بود. جامعه آماری شامل کلیه نوجوانان دختر مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره مدارس منتخب شهرستان بندرعباس بود. از میان این جامعه، ۳۰ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش (۱۵ نفر) و گواه (۱۵ نفر) گمارده شدند. ابزار اندازه‌گیری، پرسشنامه استاندارد خودکارآمدی کودکان و نوجوانان موریس و ابزار مداخله، پروتکل طرحواره درمانی گروهی بود. داده‌ها پس از تأیید پیش‌فرض‌های آماری، با استفاده از تحلیل کوواریانس یک‌متغیره و نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۶ تحلیل شدند. سطح معناداری (α) برای تمامی آزمون‌ها ۰.۰۵ در نظر گرفته شد. نتایج تحلیل کوواریانس نشان داد که پس از کنترل آماری اثر نمرات پیش‌آزمون، طرحواره درمانی گروهی بر نمرات خودکارآمدی تحصیلی نوجوانان دختر در پس‌آزمون تأثیر معنادار و مثبتی داشته است ($F(1,57)=28.50, p<0.001$)، که به وضوح برتری گروه آزمایش را نشان می‌دهد. همچنین، این تأثیر در مرحله پیگیری سه‌ماهه نیز ماندگار و معنادار باقی مانده است ($F(1,57)=24.20, p<0.001$)، که حاکی از پایداری اثر مداخله در طول زمان است. طرحواره درمانی گروهی به عنوان یک مداخله روان‌شناختی، اثربخش و دارای ماندگاری بالا در افزایش خودکارآمدی تحصیلی نوجوانان دختر است و می‌تواند به عنوان یک روش درمانی معتبر برای تقویت باورهای دانش‌آموزان نسبت به توانایی‌هایشان در محیط آموزشی مورد استفاده قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: طرحواره درمانی گروهی، خودکارآمدی تحصیلی، نوجوانان دختر

بررسی رابطه بین کارکردهای اجرایی و خلاقیت: یک مرور سیستماتیک و فراتحلیل

معصومه حسینی عبد^{۱*}

* نویسنده مسئول، کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: hsnbybdmswmh1@gmail.com

چکیده

خلاقیت به عنوان یکی از اساسی ترین نیازهای زندگی مدرن، نقش بسیار کلیدی در مواجهه و حل بسیاری از چالش ها و مسائل پیچیده زندگی ایفا می کند. هدف اصلی این پژوهش بررسی دقیق رابطه میان کارکردهای اجرایی و خلاقیت است تا بتوان از طریق تحلیل های علمی به بینش های عمیق تری دست یافت. این پژوهش در سال ۱۴۰۳ انجام گردید. در این راستا، روش استفاده شده در پژوهش، مرور سیستماتیک بوده که با بهره گیری از پایگاه های داده معتبر نظیر Web of Science و Scopus، اطلاعات مورد نیاز گردآوری شده است. یافته های به دست آمده حاکی از آن است که میان برخی از مؤلفه های کارکردهای اجرایی و خلاقیت ارتباط معناداری وجود دارد. خلاقیت و کارکردهای اجرایی در ارتباطی دوطرفه قرار دارند؛ خلاقیت تقویت مهارت های اجرایی را تسهیل می کند و کارکردهای اجرایی نیز ابزارهای لازم برای فرآیندهای خلاقانه را فراهم می سازند. در نتیجه، هر دوی این عوامل در کنار هم، فرآیند خلاقیت را بهبود می بخشد و توسعه می دهند. همچنین شواهد نشان می دهد که علاوه بر همبستگی عمومی بین این دو مفهوم، برخی مؤلفه های خاص کارکردهای اجرایی می توانند به طور قابل توجهی خلاقیت و جنبه های مرتبط با آن را پیش بینی کنند. این موضوع نه تنها اهمیت نقش کارکردهای اجرایی در فرایند خلاقیت را تأیید می کند، بلکه به درک عمیق تر از تعامل پویای این متغیرها در رشد و تقویت خلاقیت کمک می کند.

واژه های کلیدی: کارکردهای اجرایی، خلاقیت، توجه، انعطاف پذیری شناختی، روزرسانی.

بررسی نقش مولفه‌های مثبت و منفی تعامل مادر-کودک در شکل‌گیری نظام آوایی و شایستگی زبان کودک: یک مطالعه‌ی مروری

سحر احسانی^۱، عباس شاهوردی^۲

۱- دکتری روانشناسی سلامت دانشگاه تهران Sahar.ehsani.72@ut.ac.ir

۲- دانشجوی دکتری روانشناسی دانشگاه شهید چمران (نویسنده مسئول) a-shahverdi@stu.scu.ac.ir

چکیده

هدف از انجام این مطالعه، مرور اجمالی نقش مولفه‌های مثبت و منفی تعامل مادر-کودک در شکل‌گیری نظام آوایی و شایستگی زبان کودک بود. روش: در این مطالعه‌ی مروری که در شهریور ۱۴۰۴ انجام شد، از مقالات با موضوع تعامل مادر-کودک و شایستگی زبان کودک، زبان کودک نمایه شده در پایگاه‌های اطلاعاتی Proquest، Pubmed، Scientific Information Database (SID)، Ovid، Springer، Science direct، Iranmedex، Google Scholar و Scopus استفاده شد. یافته‌ها: در این مطالعه نشان داده شد حساسیت مادر، سبک دلبستگی مادر، چرخش‌های مکالمه‌ای و ذهن‌اندیشی مادرانه به عنوان عوامل مثبت و حساسیت نامناسب مادر، اختلالات روانی او می‌تواند به عنوان عامل منفی در رشد زبان کودک موثر باشد. همچنین عوامل اجتماعی اقتصادی در رشد زبان کودک موثر هستند. بحث: نتیجه کلی حاصل از این مطالعه این بود که بر اساس مقالات بررسی شده مولفه‌های مثبت و منفی تعامل مادر-کودک در رشد و شکل‌گیری زبان و شایستگی زبان کودک موثر است.

واژه‌های کلیدی: تعامل مادر-کودک، شایستگی زبان، نظام آوایی

نقش ناگویی هیجانی، بهزیستی روانشناختی و نظارت والدینی در تبیین اعتیاد به فضای مجازی در میان دانش آموزان نوجوان

نگین گنج*^۱، محمد نظافت اناری^۲، درسا گلکار^۳، علی پاشازاده امجد^۴

*دانشجوی کارشناسی ارشد روان شناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل، اردبیل، ایران. Negin.ganj1373@gmail.com

^۲دانشجوی کارشناسی ارشد روان شناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل، اردبیل، ایران. Mohammad.nezafat1997@gmail.com

^۳کارشناسی ارشد روان شناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل، اردبیل، ایران. Golcardorsa97@gmail.com

^۴کارشناسی ارشد روان شناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل، اردبیل، ایران. Pashazadeh1234@gmail.com

چکیده

این پژوهش با هدف تبیین نقش ناگویی هیجانی (TAS-20)، بهزیستی روانشناختی (EPOCH) و نظارت والدینی (PMS) در پیش‌بینی اعتیاد به فضای مجازی (IAT) به روش توصیفی-تحلیلی از نوع همبستگی مقطعی اجرا شد. هدف (جامعه آماری شامل دانش‌آموزان ۱۳ تا ۱۸ ساله شهر اردبیل در سال تحصیلی ۱۴۰۵-۱۴۰۴ بودند که نمونه‌ای ۳۰۰ نفری (۱۵۰ دختر و ۱۵۰ پسر) با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای و بر اساس فرمول کوکران (اطمینان ۹۵٪، خطای ۵٪) انتخاب شدند و معیارهای ورود شامل سن و رضایت والدین بود). پایایی ابزارهای تحقیق استفاده از آلفای کرونباخ و آزمون-آزمون تأیید و روایی سازه از طریق تحلیل عاملی اکتشافی (EFA) سنجیده شد؛ داده‌ها در مهر ۱۴۰۴ جمع‌آوری و با نرم‌افزارهای SPSS 26 و AMOS 24 تحلیل شدند؛ پس از بررسی پیش‌فرض‌ها با کولموگروف-اسمیرنوف و VIF، فرضیه‌ها با استفاده از رگرسیون چندگانه گام‌به‌گام و مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) در سطح معناداری ۰.۰۵، سنجیده شدند. نتایج تحلیل‌ها نشان داد که ناگویی هیجانی و بهزیستی روانشناختی سهم معناداری در پیش‌بینی اعتیاد به فضای مجازی دارند، در حالی که نظارت والدینی نقش تعدیل‌کننده و محافظتی خود را در این رابطه ایفا می‌کند. در مجموع، این یافته‌ها بر ضرورت مداخلات روان‌شناختی متمرکز بر ارتقاء سواد هیجانی و تقویت سازوکارهای حمایتی خانواده برای کنترل و کاهش میزان اعتیاد به فضای مجازی در بین نوجوانان تأکید دارد.

واژه‌های کلیدی: ناگویی هیجانی، اعتیاد به فضای مجازی، نوجوانان، بهزیستی روانشناختی، نظارت والدینی

فرسودگی شغلی معلمان در نظام آموزشی: دلایل، پیامدها، راهکارها (محور: فرسودگی شغلی و تاب‌آوری در نظام آموزشی)

رقیه افرا*^۱، هادی پورشافعی^۲

*۱. نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران. رایانامه: afra7844.9@gmail.com.

۲. دانشیار گروه دانشیار گروه علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران. رایانامه: hpourshafei@birjand.ac.ir.

چکیده

فرسودگی شغلی یکی از خطرات شغلی شایع در میان معلمان است که با پیامدهای فردی و سازمانی گسترده‌ای همراه است. پژوهش حاضر با هدف تحلیل و طبقه‌بندی مفهومی شواهد منتشرشده درباره‌ی دلایل، پیامدها و راهکارهای پیشگیری از فرسودگی شغلی معلمان انجام شد. روش پژوهش از نوع مرور تحلیلی است. منابع از پایگاه‌های بین‌المللی Google Scholar, Scopus, Web of Science, ScienceDirect و Springer و نیز پایگاه‌های فارسی SID, Noormags و Magiran عمدتاً در بازه‌ی زمانی ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۵ با استفاده از کلیدواژه‌های فارسی و انگلیسی مرتبط جست‌وجو شدند و داده‌ها با روش تحلیل محتوایی متنی استخراج گردید. یافته‌ها نشان داد که دلایل اصلی فرسودگی معلمان در پنج محور تقاضاهای شغلی (مانند حجم کاری زیاد)، تقاضاهای هیجانی و شناختی (مانند مشکلات رفتاری دانش‌آموزان و نیاز به چابکی روان‌شناختی)، کمبود منابع شغلی (مانند کاهش حمایت سازمانی و خانوادگی)، کمبود منابع شخصی (مانند خودکارآمدی پایین و ادراک تهدیدآمیز از موقعیت‌های شغلی) و ناسازگاری ارزش‌ها و کاهش معنا (مانند باورهای غیرمنطقی و نگرش‌های منفی نسبت به حرفه) و نابرابری بین تلاش و پاداش طبقه‌بندی می‌شود. پیامدهای فرسودگی در دو سطح فردی (آسیب‌های جسمی و روانی) و حرفه‌ای مشاهده شد. سه دسته‌ی اصلی راهکارها شامل مداخلات بین‌فردی (حمایت اجتماعی و ذهن‌آگاهی، درمان و فعالیت‌های بدنی)، روان‌شناختی درون‌فردی (تقویت امید، راهبردهای مقابله‌ای، ارتقای هوش هیجانی و معنوی) و تحولی-انگیزشی (آموزش شادی و ایجاد توازن کار-زندگی) پیشنهاد گردید. طبق نتایج، پیشنهاد می‌شود آموزش و پرورش با طراحی برنامه‌های آموزشی و حمایت حرفه‌ای از معلمان مثلاً از طریق شبکه‌ی همکاران در پلتفرم‌های دیجیتال آموزشی به پیشگیری از فرسودگی شغلی کمک کند.

واژه‌های کلیدی: پیامدهای فرسودگی شغلی، راهکارهای فرسودگی شغلی، سندرم فرسودگی شغلی، فرسودگی شغلی، معلمان

نقش فرایندهای ارزیابی منصفانه بر رضایت و مشارکت دانش آموزان در یادگیری

مهدی محمودی^۱، فاطمه سادات حسینی^۲*

۱. مهدی محمودی، دانشیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. رایانامه: mahmodi86@pnu.ac.ir

۲. فاطمه سادات حسینی، دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

رایانامه: maaapm8972@gmail.com

چکیده

ارزیابی منصفانه یکی از عناصر اساسی کیفیت آموزشی است که می تواند از طریق ایجاد شفافیت، فرصت های برابر و ارائه بازخوردهای سازنده، بر تجربه یادگیری دانش آموزان تأثیرگذار باشد. هدف این مطالعه مروری، تبیین نقش فرایندهای ارزیابی منصفانه در ارتقای رضایت و مشارکت دانش آموزان در یادگیری بر اساس داده های نظری و پژوهش های تجربی است. در این مقاله، ادبیات موجود در حوزه عدالت ارزیابی، نظریه خودتعیین گری، مدل های بازخورد آموزشی و پژوهش های داخلی و خارجی مرتبط بررسی شده است. تحلیل یافته ها نشان می دهد که استفاده از ملاک های شفاف، مشارکت دادن دانش آموزان در تعیین معیارهای یادگیری، و ارائه بازخورد توصیفی به افزایش احساس شایستگی، اعتماد، انگیزش درونی و در نتیجه بالا رفتن مشارکت تحصیلی می انجامد. همچنین مرور پژوهش ها نشان می دهد که عدالت ادراک شده در ارزیابی، رابطه مثبتی با رضایت تحصیلی، انگیزش پیشرفت و کیفیت تعامل دانش آموز-معلم دارد. جمع بندی این مطالعه بیانگر آن است که ارزیابی منصفانه، نه تنها ابزار سنجش عملکرد، بلکه سازوکاری انگیزشی برای بهبود کیفیت یادگیری و تقویت مشارکت دانش آموزان محسوب می شود. بر این اساس، پیشنهاد می شود مدارس و معلمان، رویکردهای ارزیابی شفاف، مشارکتی و توصیفی را جایگزین روش های سنتی نمره محور کنند.

واژه های کلیدی: ارزیابی منصفانه، رضایت دانش آموز، مشارکت در یادگیری، بازخورد توصیفی، عدالت آموزشی

دوازده نکته برای سازماندهی مربیگری بالینی دانشجو محور در آموزش پرستاری مبتنی بر شبیه سازی

معصومه فولادوندی^۱، لیلا ملکیان^{۲*}

۱- استادیار، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، دانشکده پرستاری الیگودرز، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم آباد، ایران.

sfuladvand@yahoo.com

۲- مربی. مرکز تحقیقات بالینی، بیمارستان آموزشی پاستور، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران. l.malkyan@gmail.com

چکیده

آموزش پرستاری مبتنی بر شبیه سازی محیطی امن برای کسب مهارت ارائه می دهد، با این حال مربیان اغلب فاقد راهنمایی ساختاریافته برای اجرای مربیگری بالینی دانشجو محور هستند. این مقاله یک راهنمای دوازده مرحله ای و مبتنی بر شواهد ارائه می دهد که برای پشتیبانی از مربیان در برنامه ریزی، تسهیل و ارزیابی مربیگری در محیط های یادگیری مبتنی بر شبیه سازی طراحی شده است. این چارچوب از یک پروژه مربیگری بالینی دانشجو محور که قبلاً اجرا شده بود، استخراج و از طریق ادغام ادبیات مرتبط، نظریه آموزشی و تجربه میدانی بازتابی اصلاح شد. هر مرحله به طور سیستماتیک با اصول اصلی یادگیری مبتنی بر شبیه سازی، تمرین آگاهانه و ایمنی روانی همسو شد تا وضوح، وفاداری و سازگاری تضمین شود. راهنمای دوازده مرحله ای حاصل، فرآیندی منسجم را شرح می دهد که شامل تعیین هدف، طراحی بازخورد، نظارت بر وفاداری، ایمنی و پایداری است. هر مرحله به عنوان یک مؤلفه عملی و قابل تکرار عمل می کند که مربیان می توانند آن را با زمینه نهادی خود تطبیق دهند تا شیوه های مربیگری ساختاریافته، بازتابی و متمرکز بر یادگیرنده را ارتقا دهند. این راهنما یک طرح عملی برای مربیانی که به دنبال اجرای مربیگری بالینی دانشجو محور در آموزش پرستاری مبتنی بر شبیه سازی هستند، ارائه می دهد. این راهنما شواهد تجربی را به استراتژی های عملی برای آموزش پایدار و با کیفیت بالا تبدیل می کند. کارهای آینده باید قابلیت استفاده، امکان سنجی و ادغام نهادی این چارچوب را در محیط های آموزشی متنوع ارزیابی کنند.

واژه های کلیدی: آموزش، پرستاری، آموزش شبیه سازی، مربیگری، مدل های آموزشی

تأثیر درک شده مدل مربیگری بالینی دانشجو-محور بر یادگیری، بازخورد و رهبری آموزشی

معصومه فولادوندی^۱، لیلا ملکیان^{۲*}

۱- استادیار، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، دانشکده پرستاری الیگودرز، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم آباد، ایران.

sfuladvand@yahoo.com

۲- مربی. مرکز تحقیقات بالینی، بیمارستان آموزشی پاستور، دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران. l.malkyan@gmail.com

چکیده

پرورش دانشجویان پرستاری توانمند و با اعتماد به نفس مستلزم پر کردن شکاف میان آموزش شبیه سازی شده و محیط واقعی بالینی است. یک مدل مربیگری بالینی دانشجو-محور برای تقویت یادگیری فعال، بازخورد ساختاریافته و توسعه رهبری اجرا شد. هدف: بررسی تجربه های یادگیرندگان و مربیان دانشجو در این مدل و ادراک آن ها از تأثیر آن بر یادگیری، بازخورد و رشد حرفه ای. یک تحلیل محتوای کیفی در سال ۲۰۲۵ از طریق مصاحبه های نیمه ساختاریافته و گروه های متمرکز با ۱۲ شرکت کننده (۸ یادگیرنده و ۴ مربی دانشجو) انجام شد. داده ها با روش گرانهم و لوندمن تحلیل شد و اعتبار نتایج با مثلث سازی و بازبینی اعضا تضمین گردید. یادگیرندگان بر یادگیری ساختاریافته، بازخورد به موقع و افزایش اعتماد به نفس تأکید داشتند؛ در حالی که مربیان دانشجو به شکل گیری هویت حرفه ای، توسعه رهبری و مدیریت نقش های دوگانه اشاره کردند. هر دو گروه، بازخورد فوری و فرایند تأمل را از عوامل اصلی رشد تلقی کردند. این مدل موجب تقویت شایستگی یادگیرندگان و ترویج رهبری آموزشی در مربیان دانشجو شد و ارزش آن را برای آموزش پرستاری پایدار و مبتنی بر همتایان نشان داد.

واژه های کلیدی: دانشجویان پرستاری، آموزش شبیه سازی، بازخورد، مربیگری، رهبری

بررسی تحلیل محتوای کتاب‌های تعلیمات اجتماعی سوم تا ششم دوره ابتدایی از بعد توجه به مولفه‌ی خلاقیت

محمد خاله^{۱*}

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، دانشگاه پیام نور، میاندوآب، ایران.

mohammadkhaleh28@gmail.com

چکیده

خلاقیت بعنوان عاملی اساسی موفقیت تحصیلی در هزاره سوم، امری ضروری است که باید در همه افراد توسعه یابد و در محتوای همه دروس مدرسه نشان داده شود. این پژوهش با هدف تحلیل محتوای کتاب‌های تعلیمات اجتماعی سوم تا ششم دوره ابتدایی از بعد توجه به مولفه‌ی خلاقیت با استفاده از روش تحقیق توصیفی تحلیلی انجام گرفت. جامعه آماری پژوهش شامل کتاب‌های تعلیمات اجتماعی سوم تا ششم دوره ابتدایی در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ می باشد که سوالات پژوهش به روش ویلیام رومی مورد تحلیل قرار گرفتند و نتایج بدست آمده با محاسبه ضریب درگیری نشان داد که: شکل محتوایی درس تعلیمات اجتماعی سوم دوره ابتدایی از بعد توجه به مولفه‌های چهارگانه خلاقیت از دیدگاه گیلفورد، بجز در مولفه انعطاف‌پذیری در واحدهای تحلیل پرسش و تصویر و در مولفه‌های سیالی و بسط در واحد تحلیل تصویر که در سطح نسبتاً مناسبی هستند، در مابقی مولفه‌ها، در سطح ضعیف و ناکارآمدی می باشد. محتوای کتاب تعلیمات اجتماعی چهارم و پنجم دوره ابتدایی از بعد توجه به مولفه‌های چهارگانه خلاقیت از دیدگاه گیلفورد در سطح ضعیف و ناکارآمدی می باشد. شکل محتوایی درس تعلیمات اجتماعی ششم دوره ابتدایی از بعد توجه به مولفه‌های چهارگانه خلاقیت از دیدگاه گیلفورد، بجز در مولفه‌های سیالی و انعطاف‌پذیری در واحد تحلیل متن که در سطح نسبتاً مناسبی هستند، در مابقی مولفه‌ها در سطح ضعیف و ناکارآمدی می باشد.

واژه‌های کلیدی: تحلیل محتوا، تعلیمات اجتماعی، خلاقیت

نقش میانجیگری انگ زنی در رابطه بین استفاده آسیب‌زا از اینترنت و پیشانی روانشناختی

نسترن باورصاد احمدی دوست^{۱*}

۱. کارشناسی ارشد روان شناسی، موسسه آموزش عالی هشت بهشت، اصفهان، ایران. nastaaran.bvs9675@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش میانجی انگ‌زنی در ارتباط بین استفاده آسیب‌زا از اینترنت با پیشانی روانشناختی در نوجوانان مبتلا به بیش‌فعالی در منطقه فولادشهر اصفهان بود. پژوهش حاضر از نظر نوع استفاده، کاربردی و از نظر روش پژوهشی توصیفی از نوع همبستگی است و جامعه آماری شامل کلیه نوجوانان دختر مبتلا به بیش‌فعالی منطقه فولادشهر بود. روش نمونه‌گیری در دسترس و بر اساس جدول مورگان ۱۵۲ نفر از نوجوانان مبتلا به بیش‌فعالی به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزارهای گردآوری اطلاعات شامل پرسشنامه انگ‌زنی توسط فیشر و همکاران (۲۰۱۹)، پرسشنامه اعتیاد اینترنتی توسط کیمبرلی یانگ (۱۹۹۸) و پرسشنامه پیشانی روانشناختی کسلر و همکاران (۲۰۰۲) بود. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از معادلات ساختاری استفاده شد. نتایج تحلیل داده‌ها نشان داد که استفاده ی آسیب‌زا از اینترنت بر انگ زنی و پیشانی روانشناختی تاثیر دارد، انگ زنی بر پیشانی روانشناختی تاثیر دارد. همچنین استفاده آسیب‌زا از اینترنت از طریق انگ زنی بر پیشانی روانشناختی تاثیر دارد. با توجه به نقش استفاده آسیب‌زا از اینترنت و انگ زنی در پیش بینی پیشانی روانشناختی می‌توان از نتایج موجود در جهت آموزش نوجوانان و خانواده‌ها با برگزاری کارگاه‌های مناسب برای آموزش استفاده صحیح از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی و همچنین نحوه ی تعاملات خانواده با نوجوانان بیش فعال استفاده کرد.

واژه‌های کلیدی: انگ‌زنی، استفاده آسیب‌زا از اینترنت، پیشانی روانشناختی، بیش‌فعالی، نوجوانان

ادراک از همدلی استادان و درگیری تحصیلی در دانشجویان: نقش واسطه- گری هیجان‌های تحصیلی

مهدیه شجاعی^۱، زهرا صحرانورد^۲، هادی صمدیه^{۳*}

۱. دانشجوی کارشناسی روان‌شناسی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران. رایانامه: mahdiehshojaee1381.9@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی روان‌شناسی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران. رایانامه: zahrasahranavard26@gmail.com

۳*. نویسنده مسئول، استادیار، گروه روان‌شناسی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران. رایانامه: h.samadieh@birjand.ac.ir

چکیده

ارتباط بین ادراک از همدلی اساتید و درگیری تحصیلی در برخی پژوهش‌ها بررسی شده است. با این حال مکانیزم‌های توضیح دهنده این ارتباط مشخص نیست بنظر می‌رسد متغیرهای میانجی مانند هیجان‌های تحصیلی نقش داشته باشند. هدف پژوهش حاضر، بررسی نقش میانجی هیجان‌های تحصیلی در رابطه بین ادراک از همدلی اساتید و درگیری تحصیلی در دانشجویان بود. این پژوهش از نظر هدف، بنیادی و از نظر روش، توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری، دانشجویان دانشگاه بیرجند در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ را شامل شد. تعداد ۳۰۰ دانشجوی (۱۳۳ پسر و ۱۶۷ دختر) به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه درگیری تحصیلی (ریو، ۲۰۱۳)، هیجان‌های تحصیلی (پکران و همکاران، ۲۰۰۵) و مقیاس احساس تعلق هافمن (هافمن و همکاران، ۲۰۰۲) بود. تحلیل داده‌ها با روش مدلیابی معادلات ساختاری انجام شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که همدلی اثر مستقیم و معناداری بر درگیری تحصیلی دارد. مسیر غیرمستقیم ادراک از همدلی استاد با درگیری تحصیلی به واسطه هیجان تحصیلی مثبت، مثبت و معنادار است و مسیر غیرمستقیم ادراک از همدلی استاد با درگیری تحصیلی به واسطه هیجان تحصیلی منفی، مثبت و معنادار است. نتایج پژوهش حاضر نقش مهم هیجان‌های تحصیلی را به عنوان میانجی رابطه ادراک از همدلی استاد و درگیری تحصیلی دانشجویان مورد تأکید قرار داد. این پژوهش نشان داد که ادراک از همدلی استاد از طریق هیجان‌های تحصیلی مثبت می‌تواند منجر به افزایش درگیری تحصیلی دانشجویان شود.

واژه‌های کلیدی: ادراک از همدلی استاد، درگیری تحصیلی، هیجان‌های تحصیلی

نقش دلبستگی به همسر و نارسایی هیجانی در پیش‌بینی کیفیت زندگی مادران کودکان دارای نیازهای ویژه

هادی صمدیه^{۱*}، مهدی صدری^۲

*۱. نویسنده مسئول، استادیار، گروه روان‌شناسی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران. رایانامه: h.samadieh@birjand.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی، گروه روان‌شناسی، دانشگاه شهیدبهبشتی تهران، تهران، ایران. رایانامه:

mahdi.sadri@ut.ac.ir

چکیده

زمینه: مراقبت از کودک با نیازهای ویژه می‌تواند بر سلامت جسمی، عاطفی و اجتماعی و به طور کلی کیفیت زندگی مادران تأثیر بگذارد. الزامات خاص چنین مراقبتی، اغلب منجر به افزایش استرس، چالش‌های عاطفی و تغییرات در پویایی‌های خانواده می‌شود. تحقیقات قبلی، نقش مهم روابط حمایتی، به ویژه دلبستگی به همسر را در مدیریت این استرس‌ها مورد تأکید قرار داده است. با این حال، کارکردهای هیجانی خود افراد نیز می‌تواند این پویایی‌ها را پیچیده‌تر کند و بر کیفیت کلی زندگی اثر بگذارد. هدف: پژوهش حاضر، با هدف پیش‌بینی کیفیت زندگی مادران کودکان دارای نیازهای ویژه بر اساس دلبستگی به همسر و نارسایی هیجانی انجام شد. روش: در یک پژوهش توصیفی از نوع همبستگی، ۱۴۸ نفر از مادران کودکان با نیازهای ویژه به روش نمونه‌گیری در دسترس، در پژوهش شرکت کردند و پرسشنامه‌های سبک‌های دلبستگی به همسر (کیان‌زاده، ۱۳۹۰)، نارسایی هیجانی (ریف و همکاران، ۲۰۰۵) و کیفیت زندگی (سازمان جهانی بهداشت، ۲۰۰۴) را تکمیل کردند. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون تحلیل رگرسیون و نرم افزار SPSS نسخه ۲۶ استفاده شد. نتایج: یافته‌های پژوهش، نشان داد که سبک‌های دلبستگی به همسر و نارسایی هیجانی به طور معناداری کیفیت زندگی مادران کودکان با نیازهای ویژه را پیش‌بینی می‌کنند ($P < 0/01$). بعلاوه، نتایج نشان داد که ۳۷/۵ درصد از تغییرات کیفیت زندگی مادران این گروه از کودکان، توسط دلبستگی به همسر و نارسایی هیجانی تبیین می‌شود. در این میان، دلبستگی به همسر سهم بیشتری در پیش‌بینی کیفیت زندگی داشت. نتیجه‌گیری: نتایج مطالعه حاضر، اهمیت زیاد تقویت روابط دلبستگی ایمن و توجه به اختلالات عاطفی را به منظور افزایش بهزیستی مادران کودکان با نیازهای ویژه مورد تأکید قرار می‌دهد. بنابراین، طرح‌ریزی مداخلات هدفمند با تمرکز بر جنبه‌های ارتباطی و هیجانی که بهبود رضایت از زندگی این مادران را مورد حمایت قرار دهد، ضرورت زیادی دارد.

واژه‌های کلیدی: دلبستگی به همسر، نارسایی هیجانی، کیفیت زندگی، مادران کودکان دارای نیازهای ویژه، بهزیستی روان‌شناختی

پیش‌بینی افسردگی دانش‌آموزان بر اساس طرحواره‌های ناسازگار اولیه

مهدی رضایی^{۱*}، نگین نیک‌بین، سیده فهیمه محمودی^۳

۱. نویسنده مسئول، استادیار، گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران.

Mehdi.rezaei15@birjand.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران.

n97nikbin@gmail.com

۳. کارشناس روان‌شناسی، اداره آموزش و پرورش خوسف، خوسف، ایران. fahimeh.m15@yahoo.com

چکیده

طرحواره‌های ناسازگار اولیه با اختلالات روان‌شناختی زیادی از قبیل افسردگی ارتباط دارند. هدف پژوهش حاضر بررسی نقش طرحواره‌های ناسازگار اولیه در پیش‌بینی افسردگی دانش‌آموزان بود. این مطالعه از نوع توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری شامل دانش‌آموزان شهرستان خوسف بود که تعداد ۱۲۲ دانش‌آموز به صورت در دسترس انتخاب شدند. شرکت‌کنندگان فرم کوتاه پرسشنامه طرحواره‌های ناسازگار اولیه (SQ-SF) و پرسشنامه افسردگی بک-ویرایش دوم (BDI-II) را تکمیل کردند. داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی و رگرسیون چندگانه بررسی شد. نتایج نشان داد که بین اکثر طرحواره‌های ناسازگار اولیه و میزان افسردگی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین تحلیل رگرسیون نشان داد که مجموعه طرحواره‌های ناسازگار اولیه حدود ۲۸ درصد از واریانس افسردگی را تبیین می‌کند. یافته‌ها حاکی از آن است که طرحواره‌های ناسازگار اولیه، به ویژه در حوزه‌های بریدگی و طرد، نقص و شرم، و وابستگی، نقش مهمی در پیش‌بینی افسردگی دانش‌آموزان دارند. شناخت و مداخله در این طرحواره‌ها می‌تواند در پیشگیری و درمان افسردگی با استفاده از روش‌های شناختی-رفتاری مؤثر باشد.

واژه‌های کلیدی: طرحواره‌های ناسازگار اولیه، افسردگی، دانش‌آموزان

مقایسه اثربخشی درمان متمرکز بر شفقت و ذهن آگاهی بر افزایش نشاط روانی و کاهش احساس شرم در زنان با نشانه‌های افسردگی

زهرة ثقفی^{۱*}

۱. کارشناسی ارشد روانشناسی شخصیت، دانشگاه آزاد اسلامی ساری، ساری، مازندران، ایران. Z.saghafei@gmail.com

چکیده

هدف این پژوهش مقایسه‌ی اثربخشی دو رویکرد برجسته در روان درمانی مثبت‌نگر، یعنی درمان متمرکز بر شفقت و درمان مبتنی بر ذهن آگاهی، بر افزایش نشاط روانی و کاهش احساس شرم در زنان دارای نشانه‌های افسردگی بود. این مطالعه با استفاده از طرح شبه‌آزمایشی و با سه گروه (دو گروه آزمایش و یک گروه کنترل) در سه مرحله‌ی پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری سه‌ماهه انجام گرفت. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه افسردگی بک، مقیاس نشاط آکسفورد و مقیاس شرم درونی بود که روایی و پایایی مطلوبی داشتند. نتایج تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر نشان داد که هر دو مداخله به طور معناداری موجب کاهش افسردگی و احساس شرم و نیز افزایش نشاط روانی شرکت‌کنندگان شدند، با این حال درمان متمرکز بر شفقت نسبت به درمان مبتنی بر ذهن آگاهی، اثر ماندگارتری در مرحله‌ی پیگیری سه‌ماهه نشان داد. به نظر می‌رسد تمرکز این رویکرد بر پرورش شفقت به خود، کاهش خودانتقادی و بازسازی نگرش‌های هیجانی منفی نسبت به خود، از عوامل اصلی تداوم تأثیرات درمانی آن باشد. یافته‌های این پژوهش، نقش کلیدی شفقت‌ورزی و ذهن آگاهی را در تنظیم هیجانات، بازسازی شناختی و ارتقای سلامت روان زنان افسرده برجسته ساخته و بر اهمیت به‌کارگیری مداخلات شفقت‌محور در برنامه‌های روان درمانی و توانمندسازی هیجانی زنان تأکید می‌کند.

واژه‌های کلیدی: درمان متمرکز بر شفقت، ذهن آگاهی، افسردگی، نشاط روانی، شرم

پیش بینی پیشرفت تحصیلی دانشجویان بر اساس انعطاف پذیری شناختی و تحمل ابهام

شاهین علی پناه^{۱*}، رحمت الله بختیاری^۲

۱. کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه علامه طباطبائی تهران، ایران. رایانامه:

shahinalipanah3384@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه اصفهان، ایران رایانامه: rbakhtiarysva@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با توجه به اهمیت عوامل شناختی و هیجانی در موفقیت تحصیلی، به بررسی نقش انعطاف پذیری شناختی و تحمل ابهام در پیشرفت تحصیلی دانشجویان پرداخت. هدف این مطالعه، تبیین سهم پیش بینانه این دو سازه در عملکرد تحصیلی دانشجویان بود. این پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی است و جامعه آماری آن را کلیه دانشجویان دانشگاه های تهران تشکیل دادند که از میان آن ها ۱۶۴ نفر به صورت در دسترس انتخاب شدند. برای گردآوری داده ها از پرسشنامه انعطاف پذیری شناختی دنیس و وندروال، مقیاس تحمل ابهام چند نوع محرک مک لین و معدل تحصیلی به عنوان شاخص پیشرفت تحصیلی استفاده شد. داده ها با بهره گیری از روش های همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه تحلیل گردید. نتایج نشان داد میان انعطاف پذیری شناختی و تحمل ابهام با پیشرفت تحصیلی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و هر دو متغیر می توانند به طور معناداری بخشی از واریانس پیشرفت تحصیلی را تبیین کنند. بر اساس این یافته ها، توانایی سازگاری شناختی و ظرفیت مواجهه با موقعیت های مبهم از عوامل اساسی در ارتقای موفقیت تحصیلی دانشجویان به شمار می روند. بنابراین، پرورش این مهارت ها می تواند در طراحی برنامه های آموزشی و مداخلات روان شناختی مؤثر برای بهبود عملکرد تحصیلی نقش کلیدی داشته باشد.

واژه های کلیدی: انعطاف پذیری شناختی، تحمل ابهام، پیشرفت تحصیلی، دانشجویان

ذهن آگاهی در کلاس درس: ارتقای بهزیستی روان شناختی و موفقیت تحصیلی دانشجویان در دوران کووید-۱۹ و پس از آن

کیمیا صحرایان^{۱*}

* نویسنده مسئول، استادیار گروه روانشناسی، مرکز آموزش عالی اقلید، اقلید، ایران. رایانامه: kimia.sahraian@eghlid.ac.ir

چکیده

همه گیری کووید-۱۹ چالش های گسترده ای را برای نظام های آموزشی ایجاد کرد و به ویژه سلامت روان و عملکرد تحصیلی دانشجویان را تحت تأثیر قرار داد. در این شرایط، ذهن آگاهی به عنوان رویکردی مؤثر برای تنظیم هیجان ها و ارتقای بهزیستی روان شناختی توجه پژوهشگران را به خود جلب کرد. هدف پژوهش حاضر، مرور نظام مند مطالعات مربوط به نقش ذهن آگاهی در ارتقای بهزیستی روان شناختی و موفقیت تحصیلی دانشجویان در دوران کووید-۱۹ و پس از آن بود. این پژوهش از نوع مروری نظام مند است و جامعه پژوهش شامل مطالعات منتشر شده درباره ذهن آگاهی در آموزش عالی در بازه زمانی ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۴ بود. جستجو در پایگاه های بین المللی انجام شد و پس از غربالگری و ارزیابی کیفی، ۱۸ مطالعه که با ملاک های ورود سازگار بودند، مورد تحلیل محتوایی قرار گرفتند. ابزار جمع آوری داده ها شامل مقالات علمی معتبر بود و تحلیل داده ها به روش تحلیل مضمون انجام شد. یافته ها نشان داد که مداخلات مبتنی بر ذهن آگاهی موجب کاهش اضطراب، استرس و نشخوار ذهنی، و در عین حال افزایش خودتنظیمی هیجانی، تمرکز، انگیزش و مشارکت تحصیلی دانشجویان شده اند. همچنین، برنامه های ساختاریافته و تمرین های کوتاه مدت ذهن آگاهی، به ویژه در قالب آموزش آنلاین یا گروهی، اثربخشی قابل توجهی در بهبود تاب آوری و عملکرد تحصیلی نشان دادند. نتیجه گیری این که ادغام ذهن آگاهی در محیط های آموزشی، به ویژه در دوران پساکرونا، می تواند راهبردی کارآمد برای ارتقای سلامت روان و موفقیت تحصیلی دانشجویان باشد و پیشنهاد می شود دانشگاه ها از این رویکرد به صورت نظام مند استفاده کنند.

واژه های کلیدی: ذهن آگاهی؛ بهزیستی روان شناختی؛ موفقیت تحصیلی؛ کووید-۱۹؛ آموزش عالی

رابطه‌ی ناگویی هیجانی و مشکلات بین شخصی در میان دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه

صوفیا قناد بغدادی^{۱*}، حسین فیاض منش^۲

۱. دانشجوی دکتری روانشناسی سلامت، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، ایران.

soufia.ghanad@gmail.com (نویسنده مسئول)

۲. معاونت تحقیقات و فناوری، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه. رایانامه: Hossein.fayazmanesh@gmail.com

چکیده

ناگویی هیجانی به عنوان یکی از سازه‌های مهم روان شناختی، به ناتوانی فرد در شناسایی و بیان احساسات اشاره دارد و نقش مؤثری در بروز مشکلات هیجانی و ارتباطی ایفا می‌کند. هدف پژوهش حاضر، بررسی رابطه‌ی بین ناگویی هیجانی و مشکلات بین شخصی در میان دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه بود. روش پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری شامل تمامی دانشجویان دانشگاه (۳۴۷۰ نفر) بود که با استفاده از جدول مورگان، ۴۰۰ نفر به روش تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند. ابزارهای گردآوری داده‌ها شامل مقیاس ناگویی هیجانی تورنتو (بگی، پارکر و تیلور، ۱۹۹۴) و مقیاس مشکلات بین شخصی (هوروویتز و همکاران، ۱۹۸۸) بود. داده‌ها با استفاده از شاخص‌های آمار توصیفی و آزمون‌های همبستگی پیرسون و t مستقل تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد بین ناگویی هیجانی و مشکلات بین شخصی رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود دارد؛ به گونه‌ای که افزایش دشواری در شناسایی و بیان هیجان‌ها با افزایش مشکلات ارتباطی همراه است. همچنین میانگین ناگویی هیجانی در دانشجویان پسر بالاتر از دانشجویان دختر بود، اما بین دو گروه از نظر مشکلات بین شخصی تفاوتی مشاهده نشد. نتایج این پژوهش بیانگر آن است که ضعف در شناسایی و ابراز هیجان‌ها می‌تواند یکی از عوامل اصلی در شکل‌گیری مشکلات بین فردی باشد و آموزش مهارت‌های هیجانی و ارتباطی در محیط‌های دانشگاهی می‌تواند در ارتقای بهزیستی روان‌شناختی دانشجویان مؤثر واقع شود.

واژه‌های کلیدی: ناگویی هیجانی، مشکلات بین شخصی، دشواری در شناسایی احساسات، صمیمیت، مسئولیت‌پذیری

مروری سیستماتیک بر غنی سازی شغلی در آموزش عالی: ابعاد، عوامل و پیامدها

جواد بیرانوند^۱، زینب ابراهیمی^{۲*}، راضیه جلیلی^۳

۱. دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، گروه علوم تربیتی، واحد خرم آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم آباد، ایران. رایانامه:

Javad.Beiranvand@yahoo.com

۲.* نویسنده مسئول: استادیار گروه علوم تربیتی، واحد خرم آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم آباد، ایران. رایانامه:

z.ebrahimi403@iau.ac.ir

۳. استادیار گروه علوم تربیتی، واحد خرم آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم آباد، ایران. رایانامه: ra.jalili@iau.ac.ir

چکیده

غنی سازی شغلی به عنوان راهبردی کلیدی در ارتقای انگیزش و عملکرد اعضای هیئت علمی در آموزش عالی شناخته می شود. هدف پژوهش حاضر، بررسی سیستماتیک ابعاد، مدل ها، عوامل مؤثر و پیامدهای غنی سازی شغلی با تأکید بر بافت ایران بود. این مطالعه مروری بر اساس راهنمای پریزما اجرا شد؛ جستجو در پایگاه های داخلی (مگیران، ایران داک و ...) و بین المللی (پابمد، اسکوپوس و ...) در بازه ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۴ شمسی انجام گرفت و پس از غربالگری سه مرحله ای، ۵۸ مقاله (۳۲ فارسی و ۲۶ انگلیسی) وارد تحلیل شدند. تحلیل تماتیک و فراوانی نشان داد که غنی سازی شغلی در شش بُعد فردی، سازمانی، حرفه ای، اجتماعی، محیطی و تعادل کار و زندگی سازمان دهی می شود و هسته مرکزی آن احساس معنا و استقلال است. غنی سازی با افزایش رضایت شغلی، کاهش فرسودگی و ارتقای عملکرد آموزشی-پژوهشی همراه بود. نتایج بر ضرورت بومی سازی مدل ها در ایران با توجه به چالش های ساختاری و فرهنگی تأکید داشت. این مرور چارچوبی کاربردی برای سیاست گذاری منابع انسانی در دانشگاه های علوم پزشکی ارائه می دهد و زمینه ساز مداخلات هدفمند است.

واژه های کلیدی: غنی سازی شغلی، آموزش عالی، اعضای هیئت علمی، رضایت شغلی، بومی سازی

امنیت شغلی و اهمیت آن در عصر جدید

جعفر احمدی^{۱*}، هادی پورشافعی^۲

۱. نویسنده مسئول، دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه بیرجند، ایران. رایانامه:

Jafarhamadi648@gmail.com

۲. دانشیار، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه بیرجند، ایران. رایانامه: hpourshafei@birjand.ac.ir

چکیده

در دنیای پرتلاطم امروز، امنیت شغلی به عنوان یک سرمایه روان‌شناختی و سازمانی، نقش کلیدی در حفظ نیروی انسانی و ارتقای عملکرد سازمان‌ها ایفا می‌کند. این مقاله با اهداف زیر تدوین شده است: ۱. مرور و تحلیل ادبیات موجود در حوزه امنیت شغلی برای شناسایی تعاریف، نظریه‌ها، ابعاد و عوامل کلیدی (جنبه مروری)؛ ۲. ارزیابی تأثیر چالش‌ها و راهکارهای امنیت شغلی بر کارکنان سازمان‌های واقعی از طریق تحلیل داده‌های ثانویه و مطالعات موردی تجربی موجود در منابع ایرانی و بین‌المللی (جنبه میدانی) و ۳. ارائه چارچوبی جامع برای بهبود امنیت شغلی بر اساس ترکیبی از یافته‌های نظری و تجربی. روش پژوهش ترکیبی است: بخش مروری بر اساس روش اسنادی (کتابخانه‌ای) و تحلیل محتوای کیفی از مقالات معتبر فارسی و انگلیسی در حوزه‌های مدیریت منابع انسانی، روان‌شناسی سازمانی و جامعه‌شناسی کار انجام شده، و بخش میدانی شامل تحلیل داده‌های تجربی از منابع ثانویه مانند آمارهای سازمانی، نظرسنجی‌های موجود و مطالعات موردی (مانند تأثیر کرونا بر کارکنان ایرانی یا صنایع دانش‌بنیان) است. داده‌ها از طریق یادداشت‌برداری از ادبیات (شامل مدل‌های نظری مانند نظریه ناامنی شغلی و حفظ منابع) و استخراج یافته‌های کلیدی از مطالعات تجربی گردآوری شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد امنیت شغلی فراتر از تضمین حقوقی، بر سلامت روانی (کاهش استرس)، بهره‌وری سازمانی (افزایش وفاداری) و ثبات اقتصادی تأثیرگذار است، اما چالش‌هایی مانند تغییرات فناوری و بی‌ثباتی اقتصادی آن را تهدید می‌کند. در نهایت، راهکارهای چندجانبه مانند یادگیری مستمر فردی، شفافیت سازمانی و سیاست‌های حمایتی (انعطاف‌پذیری امن) برای ایجاد محیط کاری پایدار پیشنهاد می‌شود.

کلید واژه: امنیت شغل، اهمیت امنیت شغلی، عوامل امنیت شغلی، چالش‌های امنیت شغلی، راهکارهای امنیت شغلی

مروری بر درمان‌های اختلال مصرف غذای دوری‌جو/ محدود کننده در کودکان

سحر احسانی^۱، عباس شاهوردی^۲

۱- دکتری روانشناسی سلامت دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) Sahar.ehsani.72@ut.ac.ir

۲- دانشجوی دکتری روانشناسی دانشگاه شهید چمران a-shahverdi@stu.scu.ac.ir

چکیده

اختلال مصرف غذای دوری‌جو/ محدود کننده در سال ۲۰۱۳ به عنوان اختلالی جدید به DSM-5 اضافه شد. درمان‌های مختلفی برای این اختلال به کار گرفته شده است که در این مطالعه مروری بررسی شده‌اند. روش: در این مطالعه مروری که در شهریور ۱۴۰۴ انجام شد، از مقالات با موضوع اختلال مصرف غذای دوری‌جو/ محدود کننده و درمان‌های دارویی، تغذیه، روان‌درمانی نمایه شده در پایگاه‌های اطلاعاتی Proquest، Pubmed، Scientific Information Database (SID)، Ovid، Iranmedex، Science direct، Springer، Google Scholar و Scopus استفاده شد. یافته‌ها: در این مطالعه نشان داده شد داروهایی مانند میرتازاپین و بوسپیرون در درمان این اختلال موثر هستند. همچنین روش‌هایی مانند درمان شناختی-رفتاری، رفتار درمانی، درمان مبتنی بر تعامل مادر-کودک، خانواده درمانی، والدگری حمایتی برای هیجان‌های اضطراب دوران کودکی، مواجهه درمانی (کارآگاه احساس و بدن: مواجهه بر پایه پذیرش احساس درونی بدن) و مشاوره از راه دور والدین بودند. همچنین مدیریت رژیم غذایی توسط متخصص تغذیه انجام می‌شود. بحث و نتیجه‌گیری: با توجه به این که بسیاری از والدین در رابطه با تغذیه کودک خود نگران هستند، به نظر می‌رسد برای درمان اختلال مصرف غذای دوری‌جو/ محدود کننده باید روش‌های درمانی متفاوت توسط محققان مقایسه و بهترین روش انتخاب شود.

واژه‌های کلیدی: اختلال مصرف غذای دوری‌جو/ محدود کننده، روان‌درمانی، دارو درمانی

رابطه بین سرمایه روان شناختی و توانمندسازی روان شناختی: تأکید بر مؤلفه های سازنده

علی افشاری^۱، آرزو جانجان^{۲*}

۱. دانشیار، گروه آموزشی روان شناسی، دانشگاه مراغه، مراغه، ایران: aliafshari.psy@gmail.com

۲. کارشناس ارشد روان شناسی، دانشگاه مراغه، مراغه، ایران: arezoojanjanpsy@gmail.com

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه بین مؤلفه های سرمایه روانشناختی و ابعاد توانمندسازی روانشناختی در بین معلمان مدارس ابتدایی شهر اصفهان بود. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه معلمان مدارس ابتدایی شهر اصفهان در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ به تعداد ۴۸۰۵ نفر بود. از جامعه مذکور تعداد ۲۰۰ نفر با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزارهای اندازه گیری این پژوهش شامل پرسشنامه توانمندسازی روانشناختی (اسپریتزر و میسرا، ۱۹۹۵) و پرسشنامه سرمایه روانشناختی (لوتانز و همکاران، ۲۰۰۷) بود. داده ها با استفاده از روش آماری رگرسیون همزمان به منظور پیش بینی تأثیر مؤلفه های سرمایه روانشناختی (خودکارآمدی، امیدواری، انعطاف پذیری و خوش بینی) بر روی ابعاد توانمندسازی روانشناختی (شایستگی، موثر بودن، خود مختاری، معنی داری و اعتماد) تحلیل گردید. نتایج پژوهش نشان داد که متغیرهای امیدواری، انعطاف پذیری و خوش بینی قادر به پیش بینی معناداری برای شایستگی معلمان است ($P < 0.05$). متغیر امیدواری قادر به پیش بینی معناداری برای موثر بودن معلمان است ($P < 0.05$). متغیر خودکارآمدی قادر به پیش بینی معناداری برای خودمختاری معلمان است ($P < 0.05$). متغیر امیدواری قادر به پیش بینی معناداری برای معناداری معلمان است ($P < 0.05$). با این وجود هیچ یک از مؤلفه های سرمایه روانشناختی قادر به پیش بینی اعتماد معلمان نبوده اند.

واژگان کلیدی: سرمایه روانشناختی، توانمندسازی روانشناختی، معلمان.

تاثیر آموزش مهارت های زندگی بر انعطاف پذیری شناختی و قضاوت اخلاقی دانش آموزان دختر سوم ابتدایی

مرضیه زمانی^۱

۱. کارشناسی ارشد روان شناسی تربیتی، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

zamani.mar18@ut.ac.ir

چکیده

پژوهش حاضر باهدف بررسی اثربخشی آموزش مهارت های زندگی بر انعطاف پذیری شناختی و قضاوت اخلاقی دانش آموزان دختر پایه سوم ابتدایی انجام شد. پژوهش با روش نیمه آزمایشی با طرح پیش آزمون - پس آزمون در دو گروه کنترل و آزمایش انجام شد. جامعه آماری پژوهش کلیه دانش آموزان دختر پایه سوم ابتدایی شهرستان سلطانیه بودند که ۵۰ دانش آموز دختر سوم ابتدایی با شیوه ی نمونه گیری در دسترس انتخاب و به تصادف به یکی از دو گروه کنترل و آزمایش گمارده شدند. در گروه آزمایش مداخله تدوین شده توسط سازمان بهداشت جهانی (WHO، ۲۰۲۰)، انجام شد و گروه کنترل مداخله ای دریافت نکرد. پس از پایان جلسات و اجرای پس آزمون، داده ها با روش تحلیل کواریانس با استفاده از نرم افزار SPSS ۲۶ تجزیه و تحلیل شد. نتایج اثربخشی آموزش مهارت های زندگی بر انعطاف پذیری شناختی و قضاوت اخلاقی رانشان داد. نتایج حاکی از آن بود که با آموزش مهارت هایی همچون همدلی، تفکر انتقادی، حل مسئله، مدیریت هیجانات و احساسات ذیل عنوان مهارت های زندگی، بدون آموزش مستقیم مفاهیم قضاوت اخلاقی و انعطاف پذیری شناختی، سبب ارتقا این ویژگی در دانش آموزان شد.

واژگان کلیدی: انعطاف پذیری شناختی، دانش آموز، قضاوت اخلاقی، مهارت های زندگی

نقش تعدیل کننده جنسیت در رابطه بین تنظیم هیجانی و ذهن آگاهی

عطیه اشجع^{۱*}

کارشناسی ارشد روان شناسی، موسسه آموزش عالی هشت بهشت، اصفهان، ایران. atiye.a1991@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش تعدیل کننده جنسیت در رابطه بین تنظیم هیجانی و ذهن آگاهی در دانش آموزان متوسطه شهرستان اصفهان بود. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری شامل کلیه دانش آموزان از ناحیه یک دوره متوسطه دوم شهر اصفهان به روش از روش نمونه گیری خوشه ای در چند مرحله نمونه آماری از ناحیه یک به طور تصادفی انتخاب شد و تعداد حجم نمونه طبق جدول کرجسی و مورگان (۱۹۷۰) برای جامعه آماری با ۳۰۱۵ نفر برابر با ۳۴۲ نفر در نظر گرفته شد. ابزارهای گردآوری اطلاعات شامل پرسشنامه پرسشنامه بی نظمی هیجانی گارنفسکی (۲۰۰۶)، پرسشنامه ذهن آگاهی چادوویک (۲۰۰۷) بود. به منظور تحلیل توصیفی داده ها از SPSS و جهت تحلیل استنباطی داده ها از روش معادلات ساختاری استفاده شد. نتایج نشان داد، براساس برآورد مدل های ساختاری غیریکسان بودن رابطه نشان می دهد بی نظمی هیجانی با ذهن آگاهی در بین دانش آموزان دختر و پسر مورد تایید قرار گرفته است. اما فرض اثر مداخله گری / تعدیل کنندگی متغیر جنسیت در این رابطه تأیید نشد.

واژه های کلیدی: بی نظمی هیجانی، ذهن آگاهی، جنسیت، دانش آموزان

اثربخشی درمان شناختی - رفتاری سوگ بر بهبود راهبردهای سازگارانه تنظیم هیجان در مراقبان بیماران سرطانی

ایلناز حاجی محمدحسینی^۱، وکیل نظری^{۲*}

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روان شناسی بالینی خانواده، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل، اردبیل، ایران elnaz.hmh@gmail.com

*۲. نویسنده مسئول، دانشیار گروه آموزشی روان شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل، اردبیل، ایران vakilnazari5@gmail.com

چکیده

فقدان عزیزان بر اثر سرطان یکی از شدیدترین تجربیات هیجانی برای مراقبان است که ممکن است به سوگ پیچیده و اختلال در تنظیم هیجان منجر شود. از این رو، پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی درمان شناختی-رفتاری سوگ بر بهبود راهبردهای سازگارانه تنظیم هیجان در مراقبان بیماران سرطانی انجام شد. روش پژوهش نیمه آزمایشی شامل پیش آزمون، پس آزمون و پیگیری یک ماهه با گروه کنترل بود و جامعه آماری را تمامی مراقبان سوگواری بیماران سرطانی مرتبط با خیریه های استان اردبیل در سال ۱۴۰۳ و سه ماهه اول ۱۴۰۴ تشکیل می دادند که از میان آنها، ۳۰ نفر به صورت هدفمند انتخاب و به طور تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل تقسیم شدند؛ گروه آزمایش طی ۱۲ جلسه ۶۰ دقیقه ای تحت درمان شناختی-رفتاری سوگ براساس پروتکل کومیشکه-کونروپ و همکاران (۲۰۲۴)، قرار گرفت. ابزار گردآوری داده ها، پرسش نامه تنظیم شناختی هیجان گارنفسکی و کرایچ (۲۰۰۶) بود و داده ها با روش تحلیل واریانس مکرر بررسی شدند. نتایج نشان داد که در گروه آزمایش، راهبردهای سازگارانه ای مانند پذیرش، ارزیابی مجدد مثبت، تمرکز مجدد بر برنامه ریزی و دیدگاه گیری پس از مداخله افزایش یافت و در پیگیری نیز پایدار ماند، در حالی که در گروه کنترل تغییری مشاهده نشد. با توجه به این یافته ها، درمان شناختی-رفتاری سوگ می تواند به عنوان مداخله ای اثربخش برای بهبود تنظیم هیجان در مراقبان بیماران سرطانی به کار گرفته شود.

واژه های کلیدی: تنظیم هیجان، درمان شناختی-رفتاری، راهبردهای سازگارانه، سوگ، مراقبان بیماران سرطانی

اثربخشی راهبردهای شناختی-رفتاری و ذهن آگاهی بر مدیریت استرس و اضطراب تحصیلی و ارتقاء خودکارآمدی دانشجویان

نیما شبافروز^{۱*}، مریم شبافروز^۲، ژیلا شبافروز^۳

۱. *استادیار دانشگاه فرهنگیان گیلان، پردیس امام (ع) رشت، ایران: dr.n.shabafrooz@gmail.com

۲. استادیار دانشگاه فرهنگیان گیلان، پردیس بنت‌الهدی‌الصدر، رشت، ایران: dr.shabafroozmaryam@yahoo.com

۳. کارشناس ارشد روانشناسی عمومی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران: jilashabafrooz@yahoo.com

چکیده

استرس و اضطراب تحصیلی از جمله متداول‌ترین چالش‌های روانشناختی در نظام‌های آموزشی هستند که تأثیرات مخربی بر عملکرد شناختی، سلامت روان و موفقیت تحصیلی دانشجویان و دانش‌آموزان دارند. هدف اصلی این پژوهش، بررسی اثربخشی راهبردهای روانشناختی مبتنی بر ذهن آگاهی و درمان شناختی-رفتاری در کاهش سطوح استرس و اضطراب تحصیلی و بهبود خودکارآمدی تحصیلی است. این پژوهش از نوع نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون و گروه کنترل است. جامعه آماری شامل دانشجویان مقطع کارشناسی دچار اضطراب تحصیلی بالا بودند که ۴۰ نفر از آن‌ها (۲۰ نفر گروه آزمایش و ۲۰ نفر گروه کنترل) انتخاب شدند. یافته‌ها نشان داد که مداخله مبتنی بر ذهن آگاهی و درمان شناختی-رفتاری به طور معناداری منجر به کاهش نمرات استرس و اضطراب تحصیلی در گروه آزمایش در مقایسه با گروه کنترل شد ($p < 0.01$). همچنین، نمرات خودکارآمدی تحصیلی پس از مداخله در گروه آزمایش افزایش یافت. این نتایج تأکید می‌کند که ادغام راهبردهای روانشناختی نوین در برنامه‌های مشاوره و بهداشت روان دانشگاه‌ها، یک ضرورت برای ارتقاء سلامت روان و موفقیت دانشجویان است.

واژه‌های کلیدی: استرس تحصیلی، اضطراب تحصیلی، ذهن آگاهی، درمان شناختی-رفتاری، خودکارآمدی تحصیلی



اثر زوج درمانی گروهی هیجان مدار بر گذشت، هماهنگی زناشویی و الگوهای ارتباطی در زوجین ناسازگار

امید ستوده ناورودی^{۱*}، سمیرا ارشاد توانا^۲، نورا فرخی^۳

۱. دکتری تخصصی مشاوره، آموزش و پرورش گیلان، مدرس دانشگاه، گیلان، رشت، ایران omid.sotodeh@yahoo.com

۲. کارشناسی ارشد روان شناسی تربیتی، گروه روانشناسی، دانشگاه غیرانتفاعی سیمای دانش، گیلان، رشت، ایران

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی، موسسه آموزش عالی راهبرد شمال، گیلان، رشت، ایران noorafarokhi2@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی زوج درمانی گروهی هیجان مدار (EFGCT) بر گذشت، هماهنگی زناشویی و الگوهای ارتباطی در زوجین ناسازگار مراجعه کننده به مراکز مشاوره رشت انجام شد. این پژوهش شبه آزمایشی با طرح پیش آزمون-پس آزمون با گروه کنترل انجام گرفت. جامعه آماری شامل تمامی زوجین ناسازگار مراجعه کننده به مراکز «پشتبان زندگی» و «جمعیت همیاران سلامت روان» از بهمن ۱۴۰۳ تا تیر ۱۴۰۴ بود. پس از انتشار فراخوان عمومی، از زوج هایی که در روابط خود تعارض داشتند و تمایل به شرکت در پژوهش داشتند دعوت شد و ۲۰ زوج (۱۰ زوج در گروه آزمایش و ۱۰ زوج در گروه کنترل) با روش نمونه گیری در دسترس انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه جایگزین شدند. گروه آزمایش طی نه جلسه ۹۰ دقیقه ای تحت درمان زوج درمانی هیجان مدار قرار گرفت و گروه کنترل در فهرست انتظار ماند. ابزارهای گردآوری داده شامل مقیاس گذشت صفت (بری و همکاران، ۲۰۰۵)، مقیاس هماهنگی زناشویی (زو و لای، ۲۰۰۴) و پرسشنامه الگوهای ارتباطی (کریستنسن و سالوی، ۱۹۸۴) بودند که در مراحل پیش آزمون و پس آزمون اجرا شدند. داده ها با استفاده از آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و تحلیل کوواریانس (ANCOVA) از طریق نرم افزار SPSS نسخه ۲۴ تحلیل گردید. یافته ها نشان داد زوج درمانی هیجان مدار موجب بهبود معنادار هماهنگی زناشویی ($P < 0/001$) و الگوهای ارتباطی ($P < 0/001$) در زوجین ناسازگار شد، در حالی که تأثیر آن بر گذشت معنادار نبود. در مجموع، نتایج نشان می دهد زوج درمانی گروهی هیجان مدار می تواند رویکردی مؤثر برای بهبود تعاملات عاطفی و حل تعارض در زوجین ناسازگار باشد و هماهنگی زناشویی و ارتباط سازنده میان آن ها را ارتقا دهد.

واژه های کلیدی: گذشت، هماهنگی زناشویی، الگوی ارتباطی، زوج درمانی هیجان مدار

بررسی رابطه ترس از شکست با ادراک شایستگی با نقش تعدیل گر جنسیت

هدیه فولادی باغبادرانی*^۱ و فاطمه سعیدی^۲ و مهناز عدالت پناه^۳

۱. کارشناسی ارشد روان شناسی، موسسه آموزش عالی هشت بهشت، اصفهان، ایران. hediehfuladi1372@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد روان شناسی، موسسه آموزش عالی هشت بهشت، اصفهان، ایران. fatisaiedi7394@gmail.com

۳. استادیار گروه روان شناسی، موسسه آموزش عالی هشت بهشت، اصفهان، ایران. 8behesht.faculty@gmail.com

چکیده

هدف این پژوهش بررسی رابطه ترس از شکست با ادراک شایستگی با نقش تعدیل گر جنسیت در دانش آموزان بود. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی و جامعه آماری شامل کلیه دانش آموزان دختر و پسر در مقطع راهنمایی شهرستان گلپایگان در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ که شامل ۱۰۸۰ نفر (۵۰۰ دختر و ۵۸۰ پسر) بود. بر اساس فرمول کوکران تعداد ۲۸۴ نفر نمونه مشخص شد. از بین جامعه مورد نظر با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای چند مرحله ای تعداد ۲۸۴ نفر به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. پرسشنامه های ترس از شکست در عملکرد کانروی و همکاران و ادراک شایستگی هارتر به عنوان ابزار پژوهش استفاده گردید. روش تجزیه و تحلیل داده های حاصل با استفاده از spss23 و pls و با روش رگرسیون و معادلات ساختاری بود. نتایج نشان داد که بین ترس از شکست و ادراک شایستگی در دانش آموزان رابطه منفی معنی داری وجود دارد. جنسیت در رابطه ترس از شکست با ادراک شایستگی در دانش آموزان نقش تعدیل گری ندارد. بنابراین نتیجه کلی نشان گر این است که با افزایش نمرات ترس از شکست، نمرات ادراک شایستگی کاهش می یابد.

واژه های کلیدی: ترس از شکست، ادراک شایستگی، جنسیت

بررسی رابطه بین عملکرد معلمان با میزان انتروپی هوش مصنوعی در تدریس

سعید کرامتی تولائی^{۱*}، حسین چوپانپور^۲

^۱. استادیار، گروه علوم تربیتی، واحد کاشمر، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشمر، ایران Karamatysaeed1390@gmail.com

^۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی - دانشگاه آزاد واحد بردسکن، بردسکن، ایران hosseinchoopanpoor@gmail.com

چکیده

در زمینه گسترش هوش مصنوعی در آموزش، نگرانی‌هایی درباره تأثیرات روان‌شناختی غیرمستقیم آن بر معلمان—به‌ویژه در مناطق محروم— مطرح شده است، زیرا بی‌ثباتی و عدم قطعیت الگوریتمی می‌تواند استرس شناختی، کاهش اعتماد حرفه‌ای و تضعیف بهزیستی روانشناختی را به دنبال داشته باشد. هدف پژوهش حاضر، بررسی رابطه بین انتروپی هوش مصنوعی (به‌مثابه شاخصی از بی‌نظمی و نااطمینانی در سیستم‌های آموزشی هوشمند) و عملکرد معلمان ابتدایی در شهرستان بردسکن است. طرح پژوهش، توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری شامل ۲۵۰ معلم ابتدایی سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ بود که از میان آنان ۱۴۲ نفر با نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. ابزارهای گردآوری داده شامل پرسشنامه عملکرد معلمان مبتنی بر چارچوب TPACK (شمی‌پور، ۱۳۹۸) و مقیاس انتروپی هوش مصنوعی در فرآیند تدریس (کرامتی تولائی، ۱۴۰۴) بودند. روایی محتوایی ابزارها با نظر پنج متخصص و شاخص CVR ($\leq 0/65$) و پایایی با آلفای کرونباخ ($0/87$ و $0/85$) تأیید شد. داده‌ها با آمار توصیفی و همبستگی پیرسون تحلیل گردید. یافته‌ها نشان داد که انتروپی هوش مصنوعی رابطه‌ای معکوس و معنادار با عملکرد معلمان دارد؛ سابقه تدریس به‌عنوان متغیر تعدیل‌گر، این رابطه را در معلمان با سابقه بیش از ده سال تقویت می‌کند. همچنین، معلمان با عملکرد بالا سطح انتروپی پایین‌تری گزارش کردند و تفاوت معناداری بین معلمان شهری و روستایی در سطح انتروپی مشاهده شد. در نتیجه، کاهش انتروپی نه تنها یک چالش فنی، بلکه پیش‌نیازی روان‌شناختی و اخلاقی برای تحقق عدالت آموزشی و حفظ سلامت روان معلمان در مناطق محروم است.

واژه‌های کلیدی: بهزیستی روانشناختی معلم، هوش مصنوعی آموزشی، انتروپی، عملکرد معلمان ابتدایی، مناطق محروم

بررسی رابطه عملکرد معلمان با شاخص تربیتی یادگیری ماشین و آنتروپی معنوی مدل های عمیق اسلامی

سعید کرامتی تولائی^{۱*}، زینب کیفی بجستانی^۲

۱. * استادیار، گروه علوم تربیتی، واحد کاشمر، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشمر، ایران. رایانامه Karamatysaeed1390@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت آموزش - دانشگاه آزاد واحد بردسکن، بردسکن، ایران zainabkaifi2025@gmail.com

چکیده

در عصر دیجیتال، ادغام فناوری های نوین با اصول اخلاقی آموزش اسلامی، چالشی بنیادین در ارزیابی عملکرد معلمان، به ویژه در مناطق محروم روستایی است. این پژوهش با رویکرد پیمایشی-همبستگی به بررسی رابطه میان عملکرد حرفه ای معلمان، شاخص های تربیتی مبتنی بر یادگیری ماشین و ادراک آنتروپی معنوی در چارچوب مدل های عمیق اسلامی در شهرستان بجستان پرداخت. جامعه آماری شامل ۴۸۶ معلم بود که از میان آن ها ۲۰۴ نفر به روش نمونه گیری خوشه ای چندمرحله ای انتخاب شدند. داده ها با پرسشنامه محقق ساخته سه بخشی جمع آوری و با روش های آماری توصیفی و استنباطی (همبستگی پیرسون، رگرسیون و تحلیل واریانس) تحلیل گردید. یافته ها نشان داد شاخص های یادگیری ماشین - زمانی که کاربر محور و شفاف طراحی شوند - می توانند به عنوان ابزاری کمکی در تصمیم گیری حرفه ای معلمان مؤثر باشند، در حالی که افزایش ادراک آنتروپی معنوی (احساس بی نظمی درونی، فرسودگی اخلاقی و بیگانگی از رسالت تربیتی) با کاهش عملکرد همراه است. تحلیل زیرگروهی نیز تفاوت های معناداری میان معلمان شهری و روستایی آشکار ساخت: تأثیر فناوری در محیط های شهری و تأثیر منفی آنتروپی معنوی در مناطق دورافتاده قوی تر بود. این یافته ها بر ضرورت طراحی نظام های ارزیابی بومی سازی شده تأکید دارند که نه تنها فناوری را با زمینه فرهنگی-معنوی هماهنگ کنند، بلکه نابرابری های ساختاری دیجیتال و معنوی را نیز در نظر بگیرند.

واژه های کلیدی: عملکرد معلمان، شاخص تربیتی یادگیری ماشین، آنتروپی معنوی، مدل های عمیق اسلامی، شهرستان بجستان.

بررسی رابطه بین استرس و سبک‌های دلبستگی در دانشجویان

نسرین فاطمی^۱، حمیده ناظمی سجزئی^{۲*}

۱. مربی گروه مشاوره، عضو هیئت علمی، دانشکده علوم انسانی و علوم اجتماعی، دانشگاه دولتی اردکان، یزد، ایران.

fatemi@ardakan.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه اردکان، یزد، ایران Hamidehnazemi2003@gmail.com.

چکیده

سبک‌های دلبستگی به عنوان چارچوب‌های اساسی تنظیم هیجانی، نقش مهمی در شکل‌گیری واکنش‌های فرد به فشارهای محیطی ایفا می‌کنند. در محیط‌های آکادمیک، درک این رابطه برای مدیریت بهداشت روان دانشجویان حیاتی است. هدف از پژوهش حاضر، بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و استرس در دانشجویان دانشگاه اردکان بود. این پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی و در دسته پژوهش‌های کاربردی قرار می‌گیرد. جامعه‌ی آماری شامل کلیه دانشجویان دانشگاه اردکان بوده و ۱۰۰ نفر از طریق نمونه‌گیری در دسترس به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزارهای گردآوری داده شامل پرسشنامه استرس داس (۱۹۶۱) و پرسشنامه سبک‌های دلبستگی هازن و شیور (۱۹۸۷) بود که داده‌ها در نیمسال اول سال تحصیلی ۱۴۰۴ به صورت آنلاین جمع‌آوری و با نرم‌افزار SPSS۲۷ تحلیل شدند. نتایج حاصل از تحلیل نشان داد که بین سبک‌های دلبستگی و استرس رابطه معناداری وجود دارد. سبک‌های دلبستگی ناایمن (اجتنابی و دوسوگرا) با استرس رابطه مثبت و معنادار برقرار کردند. در مقابل، سبک دلبستگی ایمن رابطه منفی و معناداری با استرس نشان داد. این یافته‌ها حاکی از آن است که سبک‌های دلبستگی به عنوان ساختارهای اساسی تنظیم هیجانی، نقش مهمی در تجربه استرس دانشجویان ایفا می‌کنند. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود مداخلات روان‌شناختی دانشگاهی بر تقویت دلبستگی ایمن و اصلاح مدل‌های ذهنی ناکارآمد دلبستگی جهت کاهش سطوح استرس دانشجویان متمرکز شوند.

واژه‌های کلیدی: استرس، سبک‌های دلبستگی، دانشجویان.

بررسی رابطه بین مقیاس های ضمنی هوش و پیشرفت تحصیلی

هانیه ملکوتی خواه^{۱*}، یاسر رضاپور میر صالح^۲، حمیده ناظمی سجزئی^۳

۱. کارشناسی روانشناسی، دانشگاه اردکان، یزد، ایران. hanyemalakoutikhah@gmail.com

دانشیار گروه مشاوره، دانشکده علوم انسانی و علوم اجتماعی، دانشگاه دولتی اردکان، یزد، ایران. y.rezapour@ardakan.ac.ir

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه اردکان، یزد، ایران. Hamidehnazemi2003@gmail.com

چکیده

با توجه به اهمیت فزاینده عوامل روانشناختی در تبیین موفقیت های تحصیلی، پژوهش حاضر به دنبال رابطه میان باورهای ضمنی هوش و میزان پیشرفت تحصیلی دانشجویان دانشگاه اردکان طراحی و اجرا گردید. این مطالعه از منظر روش شناسی، توصیفی-همبستگی بوده و جامعه آماری آن شامل ۸۰ دانشجو بود که به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای اندازه گیری شامل مقیاس باورهای ضمنی هوش دوئک (۲۰۰۶) و پرسشنامه پیشرفت تحصیلی فام و تیلور بود. داده های پژوهش با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون همزمان مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت. یافته های اصلی نشان دادند که نوع باور هوشی، تأثیر متفاوتی بر عملکرد تحصیلی دارد؛ به گونه ای که باور به هوش به عنوان یک ویژگی قابل رشد (افزایشی) با پیشرفت تحصیلی رابطه مثبت معناداری برقرار می کند. در مقابل، باور به هوش به عنوان یک صفت ثابت و ذاتی، رابطه معکوس و منفی با موفقیت تحصیلی از خود نشان داد. این نتایج نشان می دهد که آموزش و ترویج باورهای هوشی افزایشی باید به عنوان یک راهبرد کلیدی برای بهبود عملکرد تحصیلی دانشجویان در برنامه های آموزشی دانشگاهی لحاظ شود.

واژه های کلیدی: هوش ضمنی، پیشرفت تحصیلی، دانشجویان

بازخوانی مفهوم از خودبیگانگی در عصر دیجیتال: پیامدها و راهکارهای تربیتی برای بهزیستی روان شناختی

اشکان کاظمی^{۱*}، فریبا رحیمی پور سی سخت^۲، مریم بزرگی پویا^۳

۱. نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران. رایانامه:

Kazemi_psy@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران. رایانامه: faribarahimi844@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران. رایانامه: m.bozorgipuya@gmail.com

چکیده

در عصر دیجیتال، نفوذ فناوری‌های نوین و شبکه‌های اجتماعی در زندگی روزمره، باعث تغییرات هویتی و افزایش از خودبیگانگی در نسل نوجوان و جوان شده است. هدف پژوهش حاضر، ارائه چارچوبی برای ارتقای بهزیستی روان شناختی و بازسازی هویت فرهنگی در فضای دیجیتال بود. این پژوهش به روش مروری انجام شد و شامل بررسی مطالعات ایرانی مرتبط با از خودبیگانگی، اعتیاد به فضای مجازی، هوش معنوی و بهزیستی روان شناختی بود. داده‌ها از منابع علمی منتشرشده جمع‌آوری و با استفاده از تحلیل محتوایی و مقایسه‌ای تجزیه و تحلیل شد. یافته‌ها نشان داد که استفاده افراطی از فضای مجازی با افزایش بیگانگی اجتماعی، روانی و فرهنگی همراه است، در حالی که هوش معنوی، حمایت اجتماعی و سواد رسانه‌ای می‌توانند نقش میانجی و حفاظتی در کاهش اثرات منفی این فناوری‌ها داشته باشند. نتایج نشان می‌دهد که از خودبیگانگی پدیده‌ای چندبعدی و تحت تأثیر عوامل فردی، اجتماعی و فرهنگی است. بنابراین، طراحی مداخلات آموزشی و روان شناختی چندسطحی می‌تواند به کاهش پیامدهای منفی فضای دیجیتال و ارتقای بهزیستی روان شناختی و هویت فرهنگی کمک کند.

واژه‌های کلیدی: از خودبیگانگی، بهزیستی روان شناختی، هویت فرهنگی، فضای دیجیتال، هوش معنوی

ارتباط رفاه ذهنی با عملکرد ورزشکاران حرفه ای تیراندازی با کمان

رومینا محمدزاده^۱، اکبرفرید فتحی^۲، زهرا عباس پورآذر^۳

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد گروه روانشناسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

Rominamohamadzade14@gmail.com۲. استادیار گروه مدیریت ورزشی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران Aff_sport@yahoo.com۳. استادیار گروه روانشناسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران Abaspoorazar@yahoo.com

چکیده:

هدف پژوهش حاضر تعیین ارتباط رفاه ذهنی با عملکرد ورزشکاران حرفه ای تیراندازی با کمان بود. روش پژوهش حاضر زمینه یابی و از نوع توصیفی همبستگی و از نظر هدف کاربردی بود که به صورت پرسشنامه ای انجام شد. جامعه آماری پژوهش حاضر را کلیه ورزشکاران تیراندازی با کمان شرکت کننده در لیگ ۱۴۰۳ تیراندازی با کمان کشور در دامنه سنی ۱۹-۳۰ سال به تعداد ۴۰۰ نفر تشکیل دادند. حجم نمونه از طریق فرمول کوکران ۱۹۶ نفر محاسبه شد. آنها از طریق روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای جهت مطالعه انتخاب شدند. ابزار گردآوری پرسشنامه محقق ساخته رفاه ذهنی و پرسشنامه عملکرد ورزشکاران چاربیونو و همکاران (۲۰۰۱) بود. برای تجزیه و تحلیل داده ها از روشهای آمار استنباطی چون معادلات ساختاری به کمک نرم افزار PLS صورت گرفت و برای بررسی مفروضه ها از آزمون کلموگروف - اسمیرنوف و برای مطالعه فرضیه های تحقیق از آزمون های آماری ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون و همچنین به منظور مقایسه میانگین های دو گروه از آزمون t با نرم افزار spss نسخه ۲۸ استفاده شد. نتایج نشان داد رفاه ذهنی با عملکرد ورزشکاران حرفه ای تیراندازی با کمان رابطه معنادار آماری دارد. رفاه ذهنی با عملکرد ورزشکاران حرفه ای تیراندازی با کمان رابطه معنادار آماری دارد. جو انگیزشی ادراک شده با عملکرد ورزشکاران حرفه ای تیراندازی با کمان رابطه معنادار آماری دارد. میان میزان رفاه ذهنی در ورزشکاران زن و مرد تفاوت معناداری مشاهده نشد.

واژه های کلیدی: رفاه ذهنی، عملکرد ورزشکاران، تیراندازی با کمان

درآمدی بر نقش فناوری های نوین در بهبود بهزیستی روان شناختی و کارایی سازمانی

مهدی محمودی^{۱*}، دلارام اسلیمی اصفهانی^{۲،۳}

۱. دانشیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران رایانامه: mahmodi86@gmail.com

۲. گروه روانشناسی بالینی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه ایرانیان، تهران، ایران رایانامه: eslimi@khu.ac.ir

۳. استادیار گروه علوم جانوری، دانشکده علوم زیستی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران رایانامه: eslimi@khu.ac.ir

چکیده

در سال های اخیر فناوری های همچون هوش مصنوعی، واقعیت مجازی، اپلیکیشن های سلامت روان و ابزارهای پوشیدنی، به طور فزاینده ای در مداخلات روان شناختی به کار گرفته می شوند. این مقاله با مرور مطالعات نظری و تجربی، به بررسی افزایش نقش فناوری های نوین در حمایت روانی کارکنان و اثر آن بر عملکرد سازمان ها و همچنین معایب و چالش های آن می پردازد و پیشنهادهایی برای مدیریت متوازن این فناوری ها ارائه می دهد. در این مقاله از نوع مرور روایتی با هدف بررسی و تبیین نقش فناوری های نوین در بهزیستی روان شناختی کارکنان استفاده شده است. در این نوع مرور، تمرکز بر گردآوری و تحلیل محتوای مطالعات پیشین، نظریه ها و دیدگاه های علمی است. کاربرد فناوری های نوین در سازمان ها، نه تنها موجب ارتقای بهزیستی روان شناختی کارکنان می شوند، بلکه اثر مستقیمی بر کارایی و اثربخشی سازمانی از طریق کاهش استرس، افزایش رضایت شغلی و تقویت انگیزه دارند. با وجود مزایای متعدد فناوری های نوین، پیامدهای منفی و چالش های روان شناختی، اخلاقی و سازمانی نیز قابل توجه است. از جمله این چالش ها می توان به نقض حریم خصوصی، وابستگی روانی به فناوری، کاهش تعاملات انسانی، بی اعتمادی به مداخلات غیرانسانی، و خطر سوگیری اشاره کرد. فناوری های نوین، به ویژه هوش مصنوعی و اپلیکیشن های سلامت روان، نقش کلیدی در ارتقای بهزیستی روان شناختی و بهبود کارایی سازمانی دارند. این فناوری ها با کاهش استرس، افزایش رضایت شغلی و تقویت مهارت های روانی، موجب افزایش بهره وری و حفظ نیروی انسانی می شوند. با این حال، موفقیت آن ها مستلزم توجه به مسائل اخلاقی، امنیت داده ها و تعادل بین فناوری و تعامل انسانی است.

واژگان کلیدی: فناوری های نوین، هوش مصنوعی، بهزیستی روان شناختی، اثربخشی سازمانی، چالش های دیجیتال

نقش خودکارامدی و حمایت درک شده در موفقیت تحصیلی با بررسی نقش واسطه ای انگیزش در بین دانش آموزان شهر تبریز

ناهید اوجاچی*

*. استادیار گروه علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه پیام نور، ص. پ. ۱۹۳۹۵-۴۶۹۷، تهران، ایران. (نویسنده

مستول). رایانامه: nahidojaghi@pnu.ac.ir

چکیده

پژوهش حاضر با هدف مطالعه نقش خودکارامدی و حمایت درک شده در موفقیت تحصیلی با بررسی نقش واسطه ای انگیزش در بین دانش آموزان شهر تبریز انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانش آموزان پسر شهر تبریز می باشد. که با استفاده از فرمول کوکران ۱۶۸ نفر به عنوان نمونه آماری به روش تصادفی خوشه ای انتخاب شدند. پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی - کمی و از نظر نحوه گردآوری اطلاعات توصیفی - همبستگی و بطور مشخص مبتنی بر تحلیل مسیر است. جهت گردآوری داده ها از پرسشنامه خودکارامدی تحصیلی مورگان و جینکز (۱۹۹۹)، حمایت اجتماعی چندبعدی زیملت و همکاران (۱۹۸۸)، انگیزش تحصیلی هارتر (۱۹۸۱) و پرسشنامه محقق ساخته موفقیت استفاده شد. داده های پژوهش با استفاده از روش تحلیل مسیر و با استفاده از نرم افزار spss و Lisrel مورد بررسی قرار گرفت. یافته ها نشان داد خودکارامدی بر موفقیت تحصیلی، حمایت درک شده در موفقیت تحصیلی، خودکارامدی در انگیزش تحصیلی، حمایت درک شده در موفقیت تحصیلی، خودکارامدی در انگیزش تحصیلی، حمایت درک شده در موفقیت تحصیلی، خودکارامدی در انگیزش تحصیلی اثر مستقیم دارد. و اثر غیر مستقیم حمایت ادراک شده به واسطه انگیزش تحصیلی بر موفقیت تحصیلی معنادار است. می توان نتیجه گرفت خودکارامدی و حمایت درک شده می تواند در انگیزه و موفقیت تحصیلی دانش آموزان مقطع متوسطه شهر تبریز تاثیر گذار باشد.

واژه های کلیدی: خودکارامدی، حمایت درک شده، موفقیت تحصیلی، انگیزش

بررسی میزان تطابق محتوای دروس دوره دوم ابتدایی با نیازهای پایه اقتصادی

ریحانه دینی^۱، رضاعلی طرخان^{۲*}

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی، گروه علوم تربیتی، دانشکده حکمرانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

رایانامه: reyhannedini2@gmail.com

۲. استادیار رشته برنامه ریزی درسی، گروه علوم تربیتی، دانشکده حکمرانی، دانشگاه تهران، ایران. (نویسنده مسئول) رایانامه:

r.tarkhan@shahed.ac.ir

چکیده

با توجه به نقش اساسی سواد اقتصادی به عنوان یکی از شایستگی‌های حیاتی در زندگی فردی و اجتماعی قرن بیست و یکم، ضرورت دارد که نظام آموزشی از سنین ابتدایی به تقویت مفاهیم پایه ای اقتصادی بپردازد. پژوهش حاضر با هدف بررسی میزان تطابق محتوای دروس دوره دوم ابتدایی با نیازهای پایه اقتصادی در درس فارسی سه پایه بوده است. این پژوهش از نوع کاربردی با رویکرد تحلیل محتوای کمی و بهره‌گیری از تکنیک ویلیام رومی، به تحلیل متن، تصاویر، پرسش‌ها و فعالیت‌های کتاب‌های فارسی پایه‌های چهارم تا ششم در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ پرداخته است. ابزار گردآوری داده‌ها، چک‌لیست محقق ساخته‌ای مبتنی بر مؤلفه‌های شورای ملی آموزش اقتصادی آمریکا (NCEE) بود که روایی آن توسط متخصصان تایید و پایایی آن از طریق ضریب توافق بین دو کدگذار سنجیده شد. یافته‌ها نشان داد که در تمامی پایه‌ها، بیشترین تأکید متون، تصاویر و پرسش‌ها بر مفاهیم منابع طبیعی، خدمات و کالا بوده و سایر مفاهیم کلیدی اقتصادی مانند پول، سرمایه‌گذاری، مالیات و تورم به ندرت و یا اصلاً مورد توجه قرار نگرفته‌اند. تحلیل درگیری ذهنی با استفاده از تکنیک ویلیام رومی بیانگر آن بود که محتوای متنی، تصاویر و پرسش‌ها در هر سه پایه غیر فعال بوده و شاخص‌های محاسبه شده کمتر از حداقل معیار درگیری کلی یادگیرنده (۰٫۴-۱٫۵) قرار دارند. نتیجه کلی بیانگر آن است که کتاب‌های فارسی دوره دوم ابتدایی توانایی محدودی در ترغیب تفکر انتقادی و تحلیلی دانش‌آموزان نسبت به مفاهیم پایه اقتصادی دارند و به پرورش مهارت‌های مالی و اقتصادی دانش‌آموزان توجه کافی نشده است.

واژه‌های کلیدی: تحلیل محتوا، دوره دوم ابتدایی، کتاب فارسی، مفاهیم پایه اقتصادی

پیش‌بینی اضطراب امتحان بر اساس اهمال‌کاری تحصیلی و جهت- گیری هدف

فاطمه آزادی ده‌بیدی^{۱*}

*۱. استادیار، گروه روان‌شناسی، مرکز آموزش عالی اقلید، اقلید، ایران. رایانامه: f.azadi@eghlid.ac.ir

چکیده

هدف پژوهش حاضر، پیش‌بینی اضطراب امتحان بر اساس اهمال‌کاری تحصیلی و جهت‌گیری هدف بود. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی و جامعه آماری شامل دانشجویان پسر دوره ی کارشناسی دانشگاه شیراز بود. به این منظور ۱۸۸ دانشجوی پسر دوره ی کارشناسی با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و مقیاس‌های اهمال‌کاری تحصیلی (سولومن و راث بلوم، ۱۹۸۴)، اضطراب امتحان (مهرگان و همکاران، ۱۳۸۰) و جهت‌گیری هدف (خرمائی و خیر، ۱۳۸۵) را تکمیل نمودند. پایایی ابزارها به وسیله‌ی ضریب آلفای کرونباخ و روایی آن‌ها به وسیله همبستگی گویه‌ها با نمره کل مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاکی از روایی و پایایی قابل قبول ابزارها بود. داده‌ها با استفاده از روش همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه همزمان تحلیل شد. نتایج نشان داد که بین اهمال‌کاری تحصیلی و اضطراب امتحان رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. همچنین، بین مؤلفه‌های عملکردگرایی و عملکردگریزی با اضطراب امتحان رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. از آنجایی که اهمال‌کاری تحصیلی و جهت‌گیری هدف نقش مؤثری در اضطراب امتحان دارند، ضروری است دانشگاه‌ها توجه بیشتری به متغیرهای مذکور داشته باشند.

واژه‌های کلیدی: اضطراب امتحان، اهمال‌کاری تحصیلی، جهت‌گیری هدف.

رابطه بین هویت دیجیتال، رضایت از آموزش مجازی، اضطراب اجتماعی و تنهایی اجتماعی در دانشجویان نسل Z.

مریم رئیس شهرکی*

۱. نویسنده مسئول، گروه پژوهشی روانشناسی اندیشه جوان، اصفهان، ایران. maryam79.reiss@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی همزمان رابطه بین هویت دیجیتال، رضایت از آموزش مجازی، اضطراب اجتماعی و تنهایی اجتماعی در میان دانشجویان نسل Z (متولدین ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۰) دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان انجام شد. با توجه به اینکه نسل Z نخستین نسلی است که از بدو تولد در بستر فناوری‌های دیجیتال رشد کرده و بخش مهمی از تجربه تحصیلی خود، به ویژه پس از همه‌گیری کرونا، را در فضای آموزش مجازی سپری کرده‌اند، بررسی چگونگی تأثیر ابعاد هویتی و تجربیات آنلاین بر سلامت روان آن‌ها اهمیت بسزایی دارد. این مطالعه از نوع توصیفی-همبستگی بود و داده‌ها از طریق پرسشنامه‌های استاندارد و از طریق نمونه‌ای شامل ۳۸۵ دانشجو جمع‌آوری و با استفاده از همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه تحلیل شد. نتایج نشان داد که هم هویت دیجیتال منسجم و هم رضایت بالاتر از آموزش مجازی با سطوح پایین‌تر اضطراب اجتماعی و تنهایی اجتماعی رابطه معنادار و منفی دارند. تحلیل رگرسیون چندگانه نیز تأیید کرد که این دو متغیر به طور همزمان قادر به پیش‌بینی معنادار کاهش اضطراب و تنهایی اجتماعی دانشجویان هستند. یافته‌ها حاکی از آن است که هویت دیجیتال فراتر از یک مفهوم فناورانه، به عنوان یک عامل روانشناختی کلیدی و رضایت از آموزش مجازی به مثابه یک عامل حمایتی محیطی، در ارتقای بهریتی روانی-اجتماعی دانشجویان نقش حیاتی دارند. بنابراین، توصیه می‌شود دانشگاه‌ها برنامه‌های هدفمندی برای تقویت هویت دیجیتال سالم و بهبود کیفیت تعاملات در پلتفرم‌های یادگیری آنلاین طراحی و اجرا کنند.

واژه‌های کلیدی: هویت دیجیتال، رضایت از آموزش مجازی، اضطراب اجتماعی، تنهایی اجتماعی، دانشجویان نسل Z.

مروری بر نقش خودشفقت ورزی در پیش بینی و ارتقای بهزیستی روانشناختی

مهسا فخرزاکری*^۱، فاطمه رضازاده کوردلو^۲

^۱*نویسنده مسئول، کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی / گروه روانشناسی / دانشکده علوم پزشکی / دانشگاه آزاد / اردبیل / ایران mahsa.fakhrezakeri@iau.ir

^۲دانشگاه تبریز کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی / گروه روانشناسی / دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی / دانشگاه تبریز / تبریز

ایران / Fateme.rezazadeh646@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف نقش خودشفقت ورزی در پیش بینی و ارتقای بهزیستی روانشناختی دانش آموزان متوسطه دوم انجام گرفته است. دانش آموزان سرمایه های اصلی هر کشوری هستند و سلامت روانشان از اهمیت فراوانی برخوردار است. بهزیستی روانشناختی مسئله حیاتی در زمینه پیشرفت نوجوانان و بالابردن پیشرفت تحصیلی، کاری و عزت نفس آنان می شود. خودشفقت ورزی در زندگی نوجوانان می تواند زمینه ساز ایجاد عادات مثبت شود که نوجوان در عین مهربانی با خود، بدون رنج دادن خویش، باعث اصلاح رفتارش می شود. با ارتقای سطح بهزیستی روانشناختی دانش آموزان، سطح سلامت روان دانش آموزان هم ارتقا می یابد و بر موفقیت تحصیلی و شغلی آنها، بلکه بر توسعه کل جامعه نیز تاثیر می گذارد. هدف مقاله زیر بررسی تاثیر خودشفقت ورزی در بهزیستی روانشناختی دانش آموزان در دوره متوسطه دوم هست. اطلاعات این پژوهش به صورت کتابخانه ای گردآوری شده است. نتایج این پژوهش نشان می دهد که بین خودشفقت ورزی و ارتقای بهزیستی روانشناختی رابطه مثبت وجود دارد. می توان نتیجه گرفت افزایش خودشفقت ورزی در پیش بینی و ارتقای بهزیستی روانشناختی نقش مهم و تعیین کننده ی دارد.

واژه های کلیدی: بهزیستی روانشناختی، خودشفقت ورزی، دانش آموزان متوسطه دوم، شفقت،

اثربخشی مداخله حیوان درمانی ترکیبی در بهبود تنظیم هیجان کودکان اوتیستیک

عاطفه قلندر آبادی^۱، راحله بیگلری^۲، بهزاد ارژنگی^{۳*}

۱. کارشناسی ارشد روانشناسی کودکان استثنایی، دانشگاه شهید مدنی تبریز، تبریز، ایران atefehghalandarabadi050@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی روانشناسی، دانشگاه شهید مدنی تبریز، تبریز، ایران rahelebiglari32@gmail.com

۳. نوبسده مسئول، دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران behzadarjang40@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر اثربخشی مداخله حیوان درمانی ترکیبی در بهبود تنظیم هیجان کودکان اوتیستیک شهر بوکان بود. روش پژوهش از نوع نیمه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل در نظر گرفته شد. جامعه آماری تمامی کودکان مبتلا به اختلال طیف اوتیسم در شهر بوکان در نظر گرفته شد که از میان آن‌ها تعداد ۳۰ نفر (۱۷ نفر پسر و ۱۳ نفر دختر) به روش نمونه‌گیری در دسترس از میان کودکان با اختلال طیف اوتیسم و بر اساس ملاک‌های ورود انتخاب شدند و به‌طور تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل (هر گروه ۱۵ نفر) قرار گرفتند. ابزار مورد استفاده در پژوهش پرسشنامه تنظیم هیجان شیلدرز و سیچتی (۱۹۹۵) بود. مداخله با استفاده از حیوانات (خرگوش و گربه) در ۱۵ جلسه به صورت انفرادی صورت گرفت و مجدداً در ۵ جلسه پیگیری انجام شد. جهت تجزیه و تحلیل یافته‌ها از تحلیل کوواریانس تک متغیری با استفاده از نرم افزار آماری SPSS ۲۶ استفاده شد. سطح معناداری آزمون‌ها ۰/۰۵ در نظر گرفته شد. نتایج نشان داد که براساس شاخص‌های آمار توصیفی مداخله‌ی مورد نظر بر بهبود تنظیم هیجان کودک با اختلال اتیسم اثربخش بود. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد حیوان درمانی ترکیبی برای کودکان اوتیستیک منجر به بهبود هیجانات آنها می‌شود. از این رو می‌توان از حیوان درمانی به عنوان یک روش درمانی در بهبود وضعیت هیجانی کودکان مبتلا به اختلال طیف اوتیسم استفاده کرد.

واژه‌های کلیدی: حیوان درمانی ترکیبی، اختلال طیف اوتیسم، تنظیم هیجان

بررسی رابطه‌ی میان سایبرکندریا و میزان سواد سلامت دیجیتال

هستی شمس*^۱، محمدکمال اشرافی^۲، پانته‌آ حسین‌پور اصفهانی^۳

۱. نویسنده مسئول، کارشناسی روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان واحد خوراسگان، اصفهان، ایران. رایانامه:

Hastishams2002@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان واحد خوراسگان، اصفهان، ایران. رایانامه:

Mkomeil2021@gmail.com

۳. کارشناسی روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر، اصفهان، ایران. رایانامه:

Panteahosseinpour@yahoo.com

چکیده

سایبرکندریا به عنوان یکی از پیامدهای منفی جست‌وجوی اطلاعات سلامت در اینترنت، می‌تواند با افزایش اضطراب سلامت و نگرانی‌های مکرر همراه شود. با توجه به گسترش استفاده از منابع آنلاین سلامت، بررسی نقش سواد سلامت دیجیتال در بروز این پدیده اهمیت ویژه‌ای دارد. هدف پژوهش حاضر، بررسی رابطه سواد سلامت دیجیتال با سایبرکندریا و نیز مقایسه سطح سایبرکندریا در میان گروه‌های مختلف جمعیت‌شناختی بود. این مطالعه به صورت توصیفی-همبستگی بر روی ۱۷۸ بزرگسال انجام شد که با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل مقیاس شدت سایبرکندریا و مقیاس سواد سلامت دیجیتال بود. داده‌ها با استفاده از آزمون‌های t، تحلیل واریانس یک طرفه و همبستگی اسپیرمن تحلیل شدند. نتایج نشان داد که سواد سلامت دیجیتال با سایبرکندریا رابطه‌ای مثبت و معنادار دارد. همچنین، متغیرهایی مانند میزان استفاده روزانه از اینترنت، تجربه جست‌وجوی اطلاعات پزشکی آنلاین و وضعیت سلامت عمومی با سایبرکندریا تفاوت معنادار نشان دادند؛ اما جنسیت، سن، تحصیلات، وضعیت شغلی و سابقه بیماری تفاوت معناداری نداشتند. یافته‌ها بر اهمیت نحوه مواجهه افراد با اطلاعات آنلاین سلامت و نقش رفتارهای جست‌وجوی اینترنتی در شکل‌گیری نگرانی‌های سلامت تأکید دارند.

واژه‌های کلیدی: اضطراب سلامت، اینترنت، سایبرکندریا، سواد سلامت دیجیتال

پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی بر اساس یادگیری‌های خودتنظیمی، خودکارآمدی و جهت‌گیری هدف دانش‌آموزان

زهره جلیلی‌پور^۱، حسین عباسیان^{۲*}

۱. کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

رایانامه: zohrehjalilipoor@gmail.com

۲. نویسنده مسئول، استادیار، گروه مدیریت آموزشی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. رایانامه: h_abbasian@khu.ac.ir

چکیده

آموزش و پرورش در عصر حاضر یکی از بنیادی‌ترین نیازهای جوامع به شمار می‌رود و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، از مهم‌ترین دغدغه‌های نظام آموزش و پرورش محسوب می‌شود؛ چراکه پائین بودن پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، موجب هدر رفتن منابع فراوانی در سیستم آموزشی می‌شود. به منظور کاهش خسارات ناشی از کاهش پیشرفت تحصیلی و شناسایی عوامل مؤثر بر آن، پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی بر اساس یادگیری‌های خودتنظیمی، خودکارآمدی و جهت‌گیری هدف دانش‌آموزان انجام شد. پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی، از نظر نوع داده‌ها، کمی و به لحاظ شیوه گردآوری داده‌ها پیمایشی و به لحاظ روش تجزیه و تحلیل داده‌ها، توصیفی-همبستگی مبتنی بر تحلیل رگرسیون خطی چندمتغیری بود. جامعه آماری شامل دانش‌آموزان دختر متوسطه دوم منطقه ۱۲ آموزش و پرورش شهر تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ بود. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۳۲۲ نفر محاسبه شد و نمونه‌گیری به روش تصادفی ساده انتخاب شد. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه راهبردهای یادگیری خودتنظیمی (پیتتریچ و دی گروت، ۱۹۹۰)، پرسشنامه خودکارآمدی عمومی (شرر و همکاران، ۱۹۸۲)، پرسشنامه جهت‌گیری هدف (الیوت و مک‌گریگور، ۲۰۰۱) بود و برای ارزیابی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان از معدل آن‌ها استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که یادگیری‌های خودتنظیمی ($\beta=0/422$)، خودکارآمدی ($\beta=0/244$) و جهت‌گیری هدف ($\beta=0/320$) می‌توانند ۶۳٪ از واریانس پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان را پیش‌بینی نمایند. بر این اساس، نتیجه می‌شود که برای ارتقاء پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، می‌توان از روش‌ها و راهکارهای متنوع و مؤثری استفاده کرد که در این راستا فراهم‌آوری امکان یادگیری‌های خودتنظیمی، خودکارآمدی و جهت‌گیری هدف روشی مؤثر خواهد بود.

واژه‌های کلیدی: پیشرفت تحصیلی، یادگیری‌های خودتنظیمی، خودکارآمدی، جهت‌گیری هدف.

رابطه استرس ادراک شده و ترومای کودکی با سرسختی روان شناختی: نقش میانجی خودشناسی انسجامی

مهدی رضایی^{۱*}، زکيه سادات سيد موسوی^۲، سیده فهیمه محمودی^۳

۱. نویسنده مسئول، استادیار، گروه روان شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران. Mehdi.rezaei15@birjand.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد روان شناسی تربیتی، دانشگاه بیرجند، ایران. zakiyeh.seyedmousavi@birjand.ac.ir

۳. کارشناس روان شناسی، اداره آموزش و پرورش خوسف، خوسف، ایران. fahimeh.m15@yahoo.com

چکیده

استرس ادراک شده و ترومای کودکی به عنوان عوامل موثر در سلامت روان، می توانند بر سرسختی روان شناختی تأثیرگذار باشند. همچنین، خودشناسی انسجامی به عنوان یک سازه شناختی-عاطفی ممکن است در این رابطه نقش میانجی ایفا کند. هدف این مطالعه تعیین رابطه استرس ادراک شده و ترومای کودکی با سرسختی روان شناختی با میانجی گری خودشناسی انسجامی بود. این پژوهش توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری شامل بزرگسالان ۱۸ تا ۴۰ ساله مراجعه کننده به کلینیک های درمانی مهر البرز، دانشگاه تهران و دانشگاه علامه طباطبائی در تهران (۱۴۰۰-۱۴۰۱) بود و حجم نمونه ۳۷۵ نفر (۲۱۳ مرد، ۱۶۲ زن) به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. داده ها با پرسشنامه استرس ادراک شده (PSS-14)، پرسشنامه ترومای کودکی (CTQ)، پرسشنامه سرسختی روان شناختی (CSQ) و پرسشنامه خودشناسی انسجامی (ISK) جمع آوری شدند. داده ها با مدل سازی معادلات ساختاری تحلیل شدند. نتایج نشان داد که استرس ادراک شده از طریق خودشناسی انسجامی اثر منفی و معنادار بر سرسختی روان شناختی داشت. ترومای کودکی نیز از طریق خودشناسی انسجامی اثر معنادار بر سرسختی روان شناختی نشان داد و خودشناسی انسجامی به طور مستقیم تأثیر مثبت و معناداری بر سرسختی روان شناختی داشت. در نهایت، خودشناسی انسجامی نقش میانجی معناداری بین ترومای کودکی با تأثیر منفی و سرسختی روان شناختی با تأثیر مثبت ایفا می کند. این یافته ها بر اهمیت تقویت خودشناسی انسجامی در مداخلات روان شناختی برای کاهش اثرات منفی استرس و تروما و افزایش سرسختی روان شناختی تأکید دارند.

واژه ها کلیدی: استرس ادراک شده، ترومای کودکی، سرسختی روان شناختی، خودشناسی انسجامی

بررسی رابطه کنترل رفتاری والدین با بهزیستی ذهنی نوجوانان

مأنده منصوری^۱ و مهناز عدالت پناه^۲*

۱. کارشناسی ارشد روان شناسی، موسسه آموزش عالی هشت بهشت، اصفهان، ایران. maedeh.mansory23m@gmail.com

۲. استادیار گروه روان شناسی، موسسه آموزش عالی هشت بهشت، اصفهان، ایران. 8behesht.faculty@gmail.com

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی رابطه کنترل رفتاری والدین با بهزیستی ذهنی نوجوانان در دانش آموزان مقطع متوسطه دوم شهر اصفهان در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ انجام شد. این پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانش آموزان (دختر و پسر) مقطع متوسطه دوم شهر اصفهان در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ بودند که تعداد آن براساس آخرین آمار آموزش و پرورش شهر اصفهان برابر با ۱۱۵۳۲۶ نفر است. بر این اساس طبق جدول کرجسی و مورگان (۱۹۷۰) برای حجم جامعه بالاتر از صدهزار نفر، حجم نمونه مکفی برابر با ۳۸۴ نفر بود، بنابراین نمونه مورد نظر در پژوهش را ۳۸۴ نفر از دانش آموزان دختر و پسر مقطع متوسطه دوم (خرم، نوایی، فطرت، هراتی، سلامت، ولایت) تشکیل دادند که به روش نمونه گیری تصادفی انتخاب شدند. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه سنجش کنترل رفتاری و پرسشنامه بهزیستی روانشناختی ریف بود. تجزیه و تحلیل داده ها در سطح توصیفی با استفاده از نرم افزار آماری SPSS نسخه ۲۶ و در سطح استنباطی با استفاده از نرم افزار Smart PLS نسخه ۴ انجام گرفت. نتایج نشان داد که کنترل رفتار والدین بر بهزیستی ذهنی نوجوانان دانش آموز متوسطه دوم شهر اصفهان به صورت معنادار در رابطه است.

واژه های کلیدی: کنترل رفتاری، بهزیستی ذهنی، نوجوانان

بررسی رابطه بین کیفیت خواب و اعتیاد به اینترنت با سلامت روان

علی قاسمخانی^{۱*}، شیدا سمومی^۲

۱. نویسنده مسئول، کارشناس ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران. alighasemkh94@gmail.com

۲. کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران. Sheyda.samomi@gmail.com

چکیده

سلامت روان، نقش مهمی در تضمین پویایی و کارآمدی هر جامعه ایفا می کند؛ به طوری که یکی از محورهای ارزیابی سلامتی جوامع مختلف، بهداشت روان آن جامعه است. هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه کیفیت خواب و اعتیاد به اینترنت با سلامت روان در دانشجویان می باشد. در راستای دستیابی به این هدف، ۷۴ نفر از دانشجویان دانشگاه آزاد اهواز به صورت نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند و به پرسشنامه های کیفیت خواب پترزبورگ، اعتیاد به اینترنت یانگ و سلامت روان گلدبرگ پاسخ دادند. پژوهش حاضر از نوع همبستگی می باشد. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون همزمان استفاده شد. نتایج حاکی از آن بود که بین کیفیت خواب و اعتیاد به اینترنت با سلامت روان رابطه مثبت معناداری وجود دارد و کیفیت خواب و اعتیاد به اینترنت، سلامت روان را پیش بینی می کنند. بر اساس نتایج حاصل از آزمون همبستگی پیرسون، رابطه مثبت معناداری بین کیفیت خواب و اعتیاد به اینترنت با سلامت روان وجود دارد؛ همچنین نتایج حاصل از رگرسیون همزمان نشان داد که این دو متغیر می توانند سلامت روان را تبیین و پیش بینی کنند ($p < 0/001$).

واژگان کلیدی: اعتیاد به اینترنت، دانشجویان، سلامت روان، کیفیت خواب

نقش مسئولیت پذیری و حساسیت اضطرابی در پریشانی روان شناختی افراد مبتلا به وسواس

فاطمه عابدی ایوریق^۱، فرشته پورمحسنی کلوری^{۲*}

۱. کارشناسی روانشناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. رایانامه: fatemehabedi.ai@gmail.com

۲. نویسنده مسئول، دانشیار گروه روانشناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. رایانامه: fpmohseni@pnu.ac.ir

چکیده

اختلال وسواس فکری-عملی یکی از پیچیده ترین و ناتوان کننده ترین اختلالات روانی است که اغلب با کاهش کیفیت زندگی و افزایش پریشانی روان شناختی همراه است. در این میان، مسئولیت پذیری افراطی و حساسیت اضطرابی به عنوان عوامل شناختی مهم در تداوم و تشدید علائم این اختلال شناخته شده اند. پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش مسئولیت پذیری و حساسیت اضطرابی در پریشانی روان شناختی افراد مبتلا به وسواس انجام شد. روش این پژوهش توصیفی-همبستگی بود و جامعه آماری شامل دانشجویان شهر اردبیل در سال ۱۴۰۳-۱۴۰۴ بودند که از بین آن ها ۲۵۰ نفر به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند و از میان آنان ۱۰۰ نفر براساس نقطه برش در پرسشنامه وسواس، به شیوه هدفمند انتخاب شدند و به پرسش نامه های نگرش مسئولیت پذیری سالکووسکیس (۲۰۰۰)، حساسیت اضطرابی فلوید (۲۰۰۵) و پریشانی روان شناختی کسلر (۲۰۰۲) پاسخ دادند. داده ها با استفاده از همبستگی پیرسون و روش رگرسیون چندگانه تحلیل شدند. نتایج همبستگی نشان داد که بین متغیرهای مسئولیت پذیری، حساسیت اضطرابی و مؤلفه های مختلف وسواس با پریشانی روان شناختی رابطه معناداری وجود دارد. حساسیت اضطرابی، در پیش بینی پریشانی روان شناختی افراد مبتلا به اختلال وسواس فکری-عملی نقش معناداری دارند. اما این نقش معنادار در خصوص مسئولیت پذیری تایید نشد. این یافته ها بر اهمیت توجه به عوامل شناختی در ارزیابی و درمان این اختلال تأکید داشته و ضرورت طراحی مداخلات مبتنی بر کاهش باورهای ناکارآمد و حساسیت اضطرابی را نمایان می سازد.

واژه های کلیدی: وسواس فکری-عملی، مسئولیت پذیری، حساسیت اضطرابی، پریشانی روان شناختی

اثربخشی درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد بر سخت‌رویی و ابعاد آن در کارمندان دارای سندرم خستگی مزمن

منصوره سادات موسوی زاهد^۱، پریناز سادات سجادیان^{۲*}

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران. رایانامه: mosavi.zahed@Gmail.com

۲*. استادیار، گروه روانشناسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران. رایانامه: p.sajjadian@phu.laun.ac.ir

چکیده

سندرم خستگی مزمن یک اختلال پیچیده و ناتوان‌کننده با خستگی غیرقابل پیش‌بینی و مداومی است که باعث کاهش عملکرد، تغییر سبک زندگی و حالت‌های خلقی منفی می‌شود. پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد بر سخت‌رویی و ابعاد آن در کارمندان دارای سندرم خستگی مزمن انجام شد. روش پژوهش حاضر نیمه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه گواه و مرحله پیگیری یک‌ماهه بود. جامعه آماری کلیه کارمندان دارای سندرم خستگی مزمن شرکت واحد اتوبوسرانی اصفهان در سال ۱۴۰۴ بودند. در این پژوهش به روش نمونه‌گیری هدفمند تعداد ۳۰ کارمند دارای سندرم خستگی مزمن انتخاب و با گمارش تصادفی در گروه‌های آزمایش (۱۵ نفر) و گواه (۱۵ نفر) جایگذاری شدند. کارمندان حاضر در گروه آزمایش طی ۸ هفته (جلسه ۹۰ دقیقه‌ای) درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد را دریافت نمودند. ابزار مورد استفاده در پژوهش، پرسشنامه‌های سندرم خستگی مزمن (جیسون و همکاران، ۲۰۱۰)، کیفیت زندگی (وار و شربون، ۱۹۹۲) و سخت‌رویی (کوباسا، مدی و بارتون، ۱۹۸۳) بود. داده‌ها به روش تحلیل اندازه‌های مکرر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد بر سخت‌رویی و ابعادش (تعهد و کنترل) در کارمندان دارای سندرم خستگی مزمن موثر و اثرات مداخله در مرحله پیگیری همچنان باقی بود، تنها در بعد چالش تأثیر معنی‌داری نداشته است. بر اساس یافته‌های پژوهش، درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد با افزایش سخت‌رویی روشی موثر در کاهش نشانه‌های خستگی مزمن در کارمندان و پایداری آن بوده و افق‌های جدید را برای آموزش و مداخلات روان‌شناختی در محیط‌های سازمانی ارائه می‌کند.

واژه‌های کلیدی: درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد، سخت‌رویی و سندرم خستگی مزمن

بررسی رابطه امیدواری و تاب آوری تحصیلی با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان

زهره شاعری^۱، آمنه امینی^{۲*}، پروین فرهودی^۳

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته روانشناسی عمومی، آموزش و پرورش، سردشت، ایران. Aminisargol@gmail.com

۲.*. کارشناسی ارشد رشته تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، آموزش و پرورش، سردشت، ایران.

۳. کارشناسی ارشد رشته برنامه ریزی درسی، آموزش و پرورش، سردشت، ایران.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تعیین رابطه امیدواری و تاب آوری تحصیلی با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان با استفاده از روش تحقیق توصیفی-همبستگی انجام شد. جامعه آماری شامل تمامی دانش آموزان دختر دوره متوسطه دوم شهرستان سردشت به تعداد ۲۱۳۱ نفر بودند که با استفاده از جدول کرجسی و مورگان ۳۲۵ نفر تعیین، و با روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای نسبتی انتخاب شدند. برای گردآوری داده ها از دو پرسشنامه استاندارد امیدواری اشنایدر (۲۰۰۰)، تاب آوری تحصیلی ساموئلز و وو (۲۰۰۹) و معدل ترم قبل دانش آموزان استفاده شد. داده های گردآوری شده با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی ساده و چندگانه تحلیل شدند و نتایج آنها نشان داد که: بین امیدواری پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه مستقیم و معنی داری وجود دارد ($p = 0/05$). بین تاب آوری تحصیلی با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه مستقیم و معنی داری وجود دارد ($p = 0/05$). بین امیدواری و تاب آوری تحصیلی دانش آموزان رابطه مستقیم و معنی داری وجود دارد ($p = 0/05$). که نتیجه گیری می شود فراهم نمودن بسترهای لازم افزایش امیدواری و تاب آوری تحصیلی زمینه عملکرد تحصیلی در بین دانش آموزان را بهبود می بخشد.

واژه های کلیدی: امیدواری، تاب آوری تحصیلی، پیشرفت تحصیلی.

اثربخشی آموزش مدیریت خشم بر تنظیم هیجان و استرس در بین دانش آموزان

محبوبه اسلمی*

* نویسنده مسئول، استادیار گروه علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه پیام نور، صندوق پستی ۳۶۹۷-۱۹۳۹۵ تهران، ایران،
رایانامه: aslpnu@pnu.ac.ir (0000- 0003- 1039-6355)

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی اثربخشی آموزش مدیریت خشم بر تنظیم هیجان و استرس دانش آموزان پسر متوسطه دوم پشهر بردخون می باشد. روش پژوهش حاضر، نیمه آزمایشی است و در آن از طرح پیش آزمون-پس آزمون با گروه کنترل و گروه گواه استفاده شد. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانش آموزان پسر مقطع متوسطه دوم شهر بردخون می باشد؛ حجم نمونه به طور تصادفی در دو گروه کنترل و آزمایش ۳۰ نفری قرار گرفتند و روش نمونه گیری نیز به شیوه نمونه گیری هدفمند و در دسترس انجام شد. بسته آموزش مدیریت خشم بر اساس کارهای نواکو (۱۹۸۷) تهیه و طی ۶ جلسه اجرا گردید. برای گردآوری داده های پژوهش از پرسشنامه های استاندارد تنظیم شناختی گارفنسکی و همکاران (۲۰۰۱) و استرس تحصیلی گادزلا (۱۹۹۱) استفاده گردید. تجزیه و تحلیل داده ها از تحلیل کواریانس و از طریق نرم افزار spss23 صورت گرفت. بر اساس یافته های پژوهش، مشخص گردید که بین آزمودنی ها در گروه های آزمایش و گواه حداقل از لحاظ یکی از متغیرهای وابسته تنظیم هیجان و استرس تحصیلی تفاوت معنی داری وجود دارد؛ بنابراین فرضیه اصلی پژوهش مورد تایید قرار گرفت. همچنین نشان داده شد که، آموزش مدیریت خشم بر تنظیم هیجان دانش آموزان تاثیر معناداری دارد. از این رو فرضیه فرعی اول این پژوهش نیز مورد تایید قرار می گیرد. و در نهایت، فرضیه فرعی دوم پژوهش مبنی بر اثربخشی آموزش مدیریت خشم بر استرس دانش آموزان مورد تایید قرار گرفت.

واژه های کلیدی: مدیریت خشم، تنظیم هیجان، استرس، دانش آموز

رابطه تکنواسترس و هرزروی سایبری با نقش تعدیل گر حمایت سازمانی

هاجر براتی احمدآبادی^{۱*}، حدیث ارشادی نژاد^۲

*۱. نویسنده مسئول، استادیار، گروه آموزشی روان شناسی صنعتی سازمانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. رایانامه: h.barati@edu.ui.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی صنعتی سازمانی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. رایانامه: h.arshadinejad@Mail.sbu.ac.ir

چکیده

در عصر دیجیتال کنونی، تکنواسترس به عنوان استرس ناشی از استفاده از فناوری های اطلاعات و ارتباطات، به یکی از چالش های مهم محیط های کاری تبدیل شده و می تواند زمینه ساز رفتارهای انحرافی مانند هرزروی سایبری شود. در مقابل، حمایت سازمانی ادراک شده به عنوان یک منبع شغلی، ممکن است نقش محافظتی در کاهش این پیامدها ایفا کند. هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه بین تکنواسترس و هرزروی سایبری در میان کارکنان بانک ها و تبیین نقش تعدیل گر حمایت سازمانی ادراک شده بود. این مطالعه با طرح توصیفی-همبستگی انجام شد. جامعه آماری شامل کلیه کارکنان شعب بانک های دولتی و خصوصی استان اصفهان در سال ۱۴۰۳ بود و نمونه ای ۱۶۷ نفره به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شد. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه تکنواسترس (تارافدار، تو و راگو-ناتان، ۲۰۱۰؛ فرم کوتاه)، پرسشنامه هرزروی سایبری (لیم، ۲۰۰۵)، و پرسشنامه حمایت سازمانی ادراک شده (آیزنبرگر و همکاران، ۱۹۸۶؛ نسخه کوتاه) بود. تحلیل داده ها با ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون سلسله مراتبی انجام گرفت. نتایج نشان داد تکنواسترس با هرزروی سایبری رابطه مثبت معنادار دارد، در حالی که حمایت سازمانی ادراک شده با هر دو متغیر تکنواسترس و هرزروی سایبری رابطه منفی معنادار نشان داد. همچنین، حمایت سازمانی ادراک شده شدت رابطه مثبت بین تکنواسترس و هرزروی سایبری را تعدیل کرده و آن را کاهش داد. این یافته ها اهمیت نقش منابع سازمانی در کاهش پیامدهای استرس ناشی از فناوری را برجسته می کند. بر این اساس، تقویت حمایت ادراک شده می تواند به کاهش آثار منفی تکنواسترس، پیشگیری از رفتارهای انحرافی کارکنان، بهبود تعادل کار-زندگی و افزایش بهره وری سازمان کمک کند.

واژه های کلیدی: تکنواسترس، هرزروی سایبری، حمایت سازمانی ادراک شده، کارکنان بانک

اثربخشی رفتار درمانی دیالکتیک بر خستگی هیجانی، بی‌علاقگی و ناکارآمدی تحصیلی

فرشته موذنی^۱، زهرا بت شکن^{۲*}

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه روانشناسی، واحد خمینی شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، خمینی شهر، ایران.

رایانامه: fereshteh.moazeni@iau.ir

۲. نویسنده مسئول، استادیار، گروه روانشناسی، واحد خمینی شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، خمینی شهر، ایران.

رایانامه: dr.z.botshekan@iau.ac.ir

چکیده

خستگی عاطفی، بدبینی و احساس ناکارآمدی تحصیلی، مشکلی شایع در میان دانش‌آموزان دبیرستانی به‌ویژه دختران است و می‌تواند بر سلامت روان و عملکرد تحصیلی آن‌ها تأثیر منفی بگذارد. هدف این پژوهش بررسی اثربخشی درمان مبتنی بر رفتار دیالکتیکی (رفتار درمانی دیالکتیک) در خستگی عاطفی، بدبینی و احساس ناکارآمدی تحصیلی در دانش‌آموزان دختر دبیرستانی شهر اصفهان بود. پژوهش حاضر از طرح نیمه‌آزمایشی با پیش‌آزمون و پس‌آزمون و گروه کنترل استفاده کرد. جامعه آماری شامل تمامی دانش‌آموزان دختر دبیرستانی شهر اصفهان در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ بود که از میان آن‌ها ۴۰ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و به‌صورت تصادفی در دو گروه آزمایش (۲۰ نفر) و کنترل (۲۰ نفر) جایگزین شدند. گروه آزمایش طی ۱۲ جلسه ۶۰ دقیقه‌ای درمان گروهی مبتنی بر رفتار دیالکتیکی بر اساس پروتکل لینهان، دایمف، لینهان و دکسترماتزا (۲۰۰۸) دریافت کردند، در حالی که گروه کنترل هیچ مداخله‌ای دریافت نکرد؛ سنجش خستگی عاطفی، بدبینی و احساس ناکارآمدی تحصیلی با استفاده از پرسشنامه فرسودگی تحصیلی مسلش (شاوفلی، مارتینز، پینتو، سالانوا و باکر، ۲۰۱۱/۱۳۹۰) انجام شد و داده‌ها از طریق تحلیل کوواریانس چندمتغیری بررسی شدند. نتایج نشان داد درمان مبتنی بر رفتار دیالکتیکی به‌طور معناداری فرسودگی تحصیلی کلی و هر سه مؤلفه آن یعنی خستگی عاطفی، بدبینی و احساس ناکارآمدی تحصیلی را در گروه آزمایش در مقایسه با گروه کنترل کاهش داد. درمان مبتنی بر رفتار دیالکتیکی می‌تواند به‌عنوان مداخله‌ای مؤثر در کاهش فرسودگی تحصیلی دانش‌آموزان دختر دبیرستانی به کار گرفته شود. یافته‌های پژوهش بر ارزش بالقوه گنجاندن برنامه‌های مبتنی بر رفتار درمانی دیالکتیک در خدمات مشاوره مدرسه به‌منظور حمایت از تنظیم هیجانی و بهزیستی تحصیلی دانش‌آموزان تأکید دارد.

واژه‌های کلیدی: بی‌علاقگی، خستگی هیجانی، رفتار درمانی دیالکتیک، ناکارآمدی تحصیلی

شایستگی‌های دیجیتال و بهزیستی روان‌شناختی: با رویکرد زیست سالم در عصر دیجیتال

عرفان عربی^{۱*}، هادی پورشافعی^۲، هادی براتی^۳

۱. نویسنده مسئول، دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه بیرجند، ایران. رایانامه: arabi.erfan79@gmail.com

۲. دانشیار، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه بیرجند، ایران. رایانامه: hpourshafei@birjand.ac.ir

۳. استادیار، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه بیرجند، ایران. رایانامه: h.barati@birjand.ac.ir

چکیده

عصر دیجیتال با تحولات سریع فناوری، تمامی جنبه‌های زندگی بشر را دگرگون کرده و چالش‌ها و فرصت‌های نوینی را برای سلامت روان پدید آورده است. هدف این پژوهش، تبیین نقش شایستگی‌های دیجیتال در ارتقای بهزیستی روان‌شناختی با تأکید بر رویکرد زیست سالم در این دوران است. این پژوهش با روش تحلیلی-نظری و با بررسی منابع کتابخانه‌ای و پژوهش‌های پیشین، به تحلیل مفاهیم شایستگی دیجیتال، بهزیستی روان‌شناختی و تعامل میان آن‌ها پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که شایستگی دیجیتال، فراتر از مهارت‌های فنی، شامل توانایی استفاده انتقادی، اخلاقانه و مسئولانه از فناوری است و به‌عنوان یک عامل محافظتی مهم در برابر تهدیدهایی نظیر اعتیاد اینترنتی، انزوای اجتماعی و اینفودمیک عمل می‌کند. نتایج حاکی از آن است که ارتقای سواد و شایستگی دیجیتال، از طریق کاهش بار شناختی و فرسودگی تحصیلی، به بهبود کیفیت زندگی و بهزیستی روان‌شناختی منجر می‌شود. در نتیجه، برای دستیابی به زیست سالم در عصر دیجیتال، توسعه هم‌زمان مهارت‌های فناورانه و شناختی (مانند تفکر انتقادی) و ترویج سواد سلامت دیجیتال ضروری است تا افراد بتوانند ضمن بهره‌مندی از مزایای فناوری، سلامت روان خود را در برابر آسیب‌های احتمالی آن حفظ کنند.

واژه‌های کلیدی: بهزیستی دیجیتال، سبک زندگی سالم، شهروندی دیجیتال

نقش نقاشی به عنوان ابزاری برای شناسایی الگوهای هیجانی و شناختی کودکان با اختلالات یادگیری ویژه

عباسعلی حسین خانزاده، محدثه زارع

۱- استاد، گروه روانشناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران khanzadehabbas@guilan.ac.ir

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش و روانشناسی کودکان استثنایی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران Zare.mohadese.97@gmail.com

چکیده

اختلال یادگیری ویژه، یکی از شایع‌ترین اختلالات تحولی دوران کودکی است که اغلب با آسیب‌های هیجانی و شناختی همراه می‌شود. و امروزه اختلال‌های یادگیری مهمترین علت عملکرد ضعیف تحصیلی محسوب میشود و هرساله تعداد زیادی از دانش آموزان به این علت در فراگیری مطالب درسی دچار مشکل می شوند. همچنین بسیاری از دانش آموزان دارای اختلال یادگیری به واسطه عدم پیشرفت تحصیلی، افسرده، مضطرب و گاهی اوقات خشمگین می‌شوند و این دانش آموزان در مقایسه با همسالان بدون نارسایی از محبوبیت کمتری برخوردارند و به همین دلیل در معرض مشکلات اجتماعی قرار دارند. از این رو تشخیص به موقع و مداخله زودهنگام برای پیشگیری از افت تحصیلی، کاهش انگیزش و بروز مشکلات روان شناختی حائز اهمیت است. بسیاری از کودکان قادر به بیان مشکلات خود از طریق زبان کلامی نیستند. نقاشی به عنوان یک ابزار غیر کلامی، بیانگر تجربه‌های درونی، هیجانات و فرایندهای شناختی کودک است و می‌تواند راهی برای ارزیابی عمیق‌تر در کودکان با اختلالات یادگیری ویژه فراهم آورد. هدف این مقاله، مرور نظام‌مند پژوهش‌های انجام شده در رابطه با نقش، نقاشی در شناسایی مشکلات هیجانی و شناختی این کودکان است. نتایج نشان داد نقاشی می‌تواند شاخص‌های مهمی از اضطراب، افسردگی، ناایمنی، ضعف سازماندهی فضایی و مشکلات دیداری- حرکتی را آشکار سازد. یافته‌ها تاکید می‌کنند که نقاشی ابزاری ارزشمند برای تشخیص اولیه آسیب‌های هیجانی و شناختی کودکان دارای اختلال یادگیری ویژه است.

کلیدواژه: اختلال یادگیری ویژه، تفسیر نقاشی، آسیب‌های شناختی، آسیب‌های هیجانی

اثر بخشی مداخله شناختی-ذهنی بر تاب‌آوری و نظم‌بخشی هیجانی در نوجوانان دارای اختلال نارسایی توجه/بیش‌فعالی

عیسی بلوخرانی^{۱*}، لیلا عسگرزاده^۲، معصومه علیزاده^۳، انیسه وحیدی^۴

۱. کارشناسی ارشد روانسنجی، واحد الکترونیکی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، رایانامه:

isablookhkani29000822@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد روانشناسی کودکان استثنایی، واحد الکترونیکی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، رایانامه:

leila.maku66@yahoo.com

۳. کارشناسی ارشد روانشناسی کودکان استثنایی، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران. رایانامه:

Abinehdarman1400@gmail.com

۴. کارشناسی ارشد روانسنجی، واحد الکترونیکی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، رایانامه: Aniseh.vahidi@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر تعیین اثربخشی شناخت درمانی مبتنی بر ذهن‌آگاهی بر تاب‌آوری و خودتنظیمی هیجانی نوجوانان مبتلا به اختلال نارسایی توجه/بیش‌فعالی شهرستان ماکو بود. این مطالعه از نوع نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل بود. از جامعه آماری نوجوانان ۱۲ تا ۱۸ ساله مبتلا به بیش‌فعالی مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهرستان ماکو در سال ۱۴۰۴، تعداد ۳۰ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل جایگزین شدند. گروه آزمایش به مدت ۸ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای تحت مداخله شناختی-ذهنی‌آگاهی قرار گرفت. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه‌های تاب‌آوری کانر-دیویدسون و راهبردهای خودتنظیمی عاطفی لارسن و پریمیک بودند. داده‌ها با استفاده از تحلیل کوواریانس چندمتغیره تحلیل شد. یافته‌ها نشان داد که مداخله بر تاب‌آوری و خودتنظیمی هیجانی تأثیر معناداری داشته است ($P < 0.01$). بر این اساس، می‌توان از شناخت درمانی مبتنی بر ذهن‌آگاهی به عنوان یک مداخله مؤثر برای بهبود تاب‌آوری و خودتنظیمی هیجانی نوجوانان مبتلا به بیش‌فعالی استفاده نمود.

واژه‌های کلیدی: شناخت درمانی مبتنی بر ذهن‌آگاهی، تاب‌آوری، خودتنظیمی هیجانی، نارسایی توجه/بیش‌فعالی، نوجوانان

بررسی رابطه علی هوش فرهنگی، خودکارآمدی تحصیلی، آگاهی فراشناختی و خلاقیت با میانجیگری سلامت روان دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی واحد رامهرمز

امل شریفی فرد^۱، منیر شریفی نسب^۲

۱. نویسنده مسئول، اول. استادیار، گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد رامهرمز، رامهرمز ramhormz@emwlsharififard@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رامهرمز sharifinasab.monir.2389@gmail.com

چکیده

مقدمه: فرایند خلاقیت فرایندی هدفدار یا جهتدار یا برای نفع شخصی یا برای نفع گروه اجتماعی می باشد. هدف از پژوهش حاضر، بررسی رابطه علی هوش فرهنگی، خودکارآمدی تحصیلی، آگاهی فراشناختی و خلاقیت با میانجیگری سلامت روان دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی واحد رامهرمز در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ بود. روش کار: جامعه آماری تمامی دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی واحد رامهرمز بودند و نمونه آماری ۲۵۰ نفر از دانشجویان دختر بودند که با روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای انتخاب شدند. روش پژوهش همبستگی از نوع معادلات ساختاری بود. برای گردآوری اطلاعات از پرسشنامه های هوش فرهنگی آنگ و همکاران (۲۰۰۴)، خودکارآمدی تحصیلی جینگز و مورکان (۱۹۹۲)، آگاهی فراشناختی مختاری و ریچارد (۲۰۰۲)، خلاقیت عابدی (۱۳۸۱) و پرسشنامه سلامت گلدبرگ (۱۹۷۲) استفاده شد. برای تحلیل داده ها از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل مسیر (معادلات ساختاری) با استفاده از spss نسخه ۲۶ و amos استفاده شد. بحث و نتیجه گیری: نتایج نشان دادند مدل هوش فرهنگی، خودکارآمدی تحصیلی، آگاهی فراشناختی و خلاقیت با میانجیگری سلامت روان دانشجویان دختر از برازش خوبی برخوردار بود. بین هوش فرهنگی، خودکارآمدی تحصیلی، آگاهی فراشناختی، سلامت روان و خلاقیت دانشجویان دختر رابطه مستقیم وجود داشت؛ بین هوش فرهنگی، خودکارآمدی تحصیلی، آگاهی فراشناختی و سلامت روان دانشجویان دختر رابطه مستقیم وجود داشت؛ بین هوش فرهنگی، خودکارآمدی تحصیلی، آگاهی فراشناختی و خلاقیت با میانجیگری سلامت روان در دانشجویان دختر رابطه غیر مستقیم وجود داشت.

واژه های کلیدی: خودکارآمدی تحصیلی، آگاهی فراشناختی، خلاقیت و سلامت روان

بررسی نقش واسطه‌ای آشفتگی شناختی در رابطه بین فرا هیجان و شادکامی ذهنی

عاطفه کوهستانی^{۱*}، امین برازنده^۲، سیمین قاسمی^۳

۱. نویسنده مسئول، عاطفه کوهستانی، دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه اشرافی اصفهانی. atefehkohestaniii007887@gmail.com

۲. امین برازنده، استادیار گروه روانشناسی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. aminbar.psy@gmail.com

۳. سیمین قاسمی، استادیار گروه مشاوره، دانشگاه شهید اشرافی اصفهانی، اصفهان، ایران. ghasemi.s77@gmail.com

چکیده

امروزه زنان شاغل با چالش‌های متعددی از جمله فشار نقش‌های چندگانه مواجه هستند که می‌تواند سلامت روان و شادکامی ذهنی آنان را تحت تأثیر قرار دهد. این پژوهش باهدف بررسی نقش میانجی آشفتگی شناختی در رابطه بین مؤلفه‌های فرا هیجان با شادکامی ذهنی در زنان شاغل انجام شد. مطالعه حاضر از نوع توصیفی-همبستگی و بر اساس طرح تحلیل مسیر بود. جامعه آماری را زنان شاغل تشکیل دادند که ۲۴۱ نفر از آنان به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه‌های آشفتگی شناختی والس و همکاران (۲۰۰۲)، پرسشنامه فرا هیجان میتمانس گروبر و همکاران (۲۰۰۹) و پرسشنامه شادکامی ذهنی لیبومپرسکی و همکاران (۱۹۹۹) گردآوری و با روش همبستگی و تحلیل مسیر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد که بین برخی از مؤلفه‌های فرا هیجان با شادکامی ذهنی و آشفتگی شناختی رابطه معنادار وجود دارد. با این حال، تحلیل مسیر نقش میانجی آشفتگی شناختی در این رابطه را تأیید نکرد. در نتیجه، به نظر می‌رسد تأثیر مؤلفه‌های فرا هیجان بر شادکامی ذهنی در زنان شاغل بیشتر مستقیم است و از مسیر آشفتگی شناختی عبور نمی‌کند، بنابراین مداخلات بایستی بر آموزش مستقیم مهارت‌های فرا هیجانی متمرکز شوند.

واژه‌های کلیدی: آشفتگی شناختی، شادکامی ذهنی، فرا هیجان

بررسی رابطه بین نگرش به هوش مصنوعی در آموزش با خودکارآمدی عمومی

زهرا ترک لادانی^۱، حمیده ناظمی سجزئی^{۲*}، یاسمین رایش^۳

۱. کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: trkladany@gmail.com

۲*. کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه اردکان، یزد، ایران. رایانامه: Hamidehnazemi2003@gmail.com

۳. کارشناسی مطالعات خانواده، دانشگاه اردکان، یزد، ایران. رایانامه: yasaminrayesh@gmail.com

چکیده

یکی از تحولات مهم در عصر کنونی آموزش اشاره به الگوی مربوط به تغییرات فناورانه و ورود هوش مصنوعی در زمینه آموزش دارد. هوش مصنوعی آموزش را متحول کرده است و از پیشرفت ها در محاسبات و فناوری های پردازش اطلاعات استفاده می کند. استفاده از هوش مصنوعی در آموزش امکانات، فرصت ها و چالش های زیادی را به وجود آورده است که بر شیوه های آموزشی در حوزه های مختلف تاثیر عمیقی گذاشته است. هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی رابطه بین نگرش به هوش مصنوعی با خودکارآمدی عمومی در دانش آموزان متوسطه دوم شهر اصفهان (۱۴۰۴) می باشد. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانش آموزان شهر اصفهان بود که نمونه ای به تعداد ۹۹ نفر جهت انجام پژوهش بصورت نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. هدف این پژوهش توصیفی از نوع همبستگی و در زمره پژوهش های کاربردی قرار می گیرد. جهت انجام این تحقیق از پرسشنامه خودکارآمدی عمومی و پرسشنامه نگرش به هوش مصنوعی در آموزش چاترچی (۲۰۲۰) استفاده گردید. نتایج نشان داد بین هوش مصنوعی با خودکارآمدی عمومی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. تاکنون با این موضوع پژوهشی صورت نگرفته است و این نشان دهنده خلا پژوهش در حیطه هوش مصنوعی با خودکارآمدی عمومی در مدارس می باشد که پیشنهاد می شود پژوهشگران آتی در حیطه هوش مصنوعی در آموزش و عوامل موثر بر آن تحقیقاتی انجام دهند.

واژه های کلیدی: نگرش به هوش مصنوعی؛ خودکارآمدی عمومی؛ دانش آموزان

واکاوی مؤلفه‌های مؤثر درمان پذیرش و تعهد (ACT) در کاهش اضطراب تحصیلی

مجتبی جانعلی پور چنار رودخانی^{۱*}، مریم دلداری گوهردانی^۲، محمد شفقت چسلی^۳

۱. کارشناس ارشد مشاوره خانواده، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران. رایانامه: m.janalipourch@gmail.com

۲. کارشناس ارشد روانشناسی و آموزش کودکان استثنائی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران. رایانامه:

maryam4deldar@gmail.com

۳. کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، واحد تنکابن، دانشگاه آزاد اسلامی، تنکابن، ایران. رایانامه: shafaght.mohammd@yahoo.com

چکیده

اضطراب تحصیلی یک مسئله بسیار رایج در بین دانشجویان دانشگاه است که اگر به‌درستی مورد توجه قرار نگیرد می‌تواند پیامدهای جدی، شدید و طولانی‌مدتی داشته باشد. لذا هدف این مقاله واکاوی مؤلفه‌های مؤثر در درمان پذیرش و تعهد در کاهش اضطراب تحصیلی در بین دانشجویان است. روش پژوهش حاضر، توصیفی-همبستگی است و جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانشجویان مشغول به تحصیل دانشگاه گیلان در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ تشکیل دادند که ۳۵۰ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای نسبی انتخاب شدند. گردآوری داده‌ها از طریق توزیع پرسشنامه‌های اضطراب تحصیلی ساراسون (۱۹۶۰)، پرسشنامه پذیرش و عمل نسخه دوم-باند و همکاران (۲۰۰۷) و مقیاس مؤلفه‌های درمان پذیرش و تعهد لوین و همکاران (۲۰۱۲) به صورت مجازی در میان دانشجویان انجام شد. درنهایت، داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و مدل‌سازی معادلات ساختاری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد که ارزش‌ها بالاترین اثر منفی مستقیم و معنادار را بر اضطراب تحصیلی داشت. پذیرش نیز تأثیر منفی و معنادار قوی‌ای بر کاهش اضطراب تحصیلی داشت. بعلاوه اقدام متعهدانه و پذیرش نیز در کاهش اضطراب تحصیلی نقش معناداری ایفا کردند. در مقابل، گسلش شناختی تنها عاملی بود که اثر مثبت و معنادار ضعیف بر اضطراب تحصیلی نشان داد. بنابراین، با توجه به نتایج پژوهش حاضر متخصصان می‌توانند از دو محور اصلی مداخله ACT یعنی فرآیندهای تعهد و ارزش‌ها برای فعال‌سازی رفتار سازگار و آموزش قوی مهارت‌های گسلش شناختی برای خنثی‌سازی فوری افکار تهدیدآموز در دانشجویان استفاده نمایند.

واژه‌های کلیدی: اضطراب، اضطراب تحصیلی، مؤلفه‌های درمان پذیرش و تعهد

مطالعه تأثیر توانمند سازی اعضای هیأت علمی در کیفیت آموزش مجازی با نقش میانجیگری رهبری تحول آفرین

آذر یکه فلاح^{۱*}

*۱. نویسنده مسئول، کارشناس ارشد مدیریت آموزشی، معلم آموزش و پرورش. رایانامه: azar.fallah67@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف مطالعه تأثیر توانمند سازی اعضای هیأت علمی در کیفیت آموزش مجازی با نقش میانجیگری رهبری تحول آفرین در دانشگاه پیام نور استان البرز انجام شد. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه اعضای هیأت علمی دانشگاه پیام نور استان البرز که در مجموع حدود ۲۰۰ هزار نفر بود که با استفاده از جدول مورگان ۱۱۷ نفر به عنوان نمونه آماری به روش تصادفی در دسترس انتخاب شدند. پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی - کمی و از نظر نحوه گردآوری اطلاعات توصیفی - همبستگی و بطور مشخص مبتنی بر تحلیل مسیر است. از پرسشنامه رهبری تحولی بس و اوولینو (۲۰۰۰)، توانمندی اسپریتزر (۱۹۹۵)، مقیاس نیروی انسانی در آموزش مجازی مدل آچیو (۱۹۸۰) جهت گردآوری داده ها استفاده شد. داده های پژوهش با استفاده از روش تحلیل مسیر و با استفاده از نرم افزار spss و Lisrel مورد بررسی قرار گرفت. یافته ها نشان داد توانمند سازی اعضای هیأت علمی بر آموزش مجازی با میانجیگری رهبری تحول آفرین در دانشگاه پیام نور استان البرز نقش دارد. می توان نتیجه گرفت رهبری تحول آفرین از طریق ارتقای توانمندسازی اعضای هیأت علمی دانشگاه می تواند آنها را قادر سازد تا در امر آموزش مجازی فعالتر و بهتر عمل کنند.

واژه های کلیدی: توانمند سازی، رهبری تحول آفرین، آموزش مجازی، اعضای هیأت علمی

بررسی رابطه خودکارآمدی آنلاین و انگیزه درونی با ماندگاری دانشجوی در محیط یادگیری الکترونیکی

ناهید اوجاچی *

*. استادیار گروه علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه پیام نور، ص. پ. ۴۶۹۷-۱۹۳۹۵، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). رایانامه:

nahidojaghi@pnu.ac.ir.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه خودکارآمدی آنلاین، انگیزه درونی و ماندگاری دانشجوی در محیط یادگیری الکترونیکی دانشگاه پیام نور انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانشجویان دانشگاه پیام نور زنجان که دارای واحدهای الکترونیکی بوده و حدود ۹۴۲۶ نفر می باشد، که با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی ساده ۳۴۵ نفر به عنوان آزمودنی انتخاب شدند. روش پژوهش حاضر از لحاظ هدف، کاربردی و بر اساس شیوه گردآوری داده ها توصیفی از نوع همبستگی بود. ابزار مورد استفاده؛ مقیاس خودکارآمدی آنلاین ایسریا (۲۰۲۰)، مقیاس انگیزش تحصیلی لپر و همکاران (۲۰۰۵) و مقیاس ماندگاری شین که داده های آن پس از جمع آوری با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون گام به گام در بستر نرم افزار SPSS نسخه ۲۳، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته ها نشان داد: بین خودکارآمدی آنلاین و انگیزه درونی و آنلاین دانشجوی در محیط یادگیری الکترونیکی رابطه مثبت معناداری وجود دارد.

واژه های کلیدی: خودکارآمدی آنلاین، انگیزه درونی، ماندگاری دانشجوی

بررسی نقش واسطه‌ای تاب‌آوری هیجانی در رابطه بین کیفیت رابطه معلم- دانش‌آموز و انگیزش تحصیلی

مجید حیدری^{۱*}، علیرضا فیلی^۲

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه پیام نور، شیراز، ایران. رایانامه: Majidmh216@gmail.com

۲. استادیار گروه روانشناسی، دانشگاه پیام نور، ایران. رایانامه: ar.feili@pnu.ac.ir

چکیده

دانش‌آموزان مناطق روستایی اغلب با چالش‌های متعددی در زمینه انگیزش تحصیلی مواجه هستند که در این میان، کیفیت رابطه معلم-دانش‌آموز می‌تواند به عنوان یک عامل کلیدی در غلبه بر موانع عمل کند. پژوهش حاضر به بررسی نقش واسطه‌ای تاب‌آوری هیجانی در ارتباط بین کیفیت رابطه معلم-دانش‌آموز و انگیزش تحصیلی در بین دانش‌آموزان مقطع ابتدایی مناطق روستایی ناحیه ۳ شیراز می‌پردازد. این مطالعه به روش توصیفی-همبستگی با استفاده از مدل‌یابی معادلات ساختاری انجام شده است. شرکت‌کنندگان پژوهش شامل ۳۳۰ دانش‌آموز پایه چهارم تا ششم بودند که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای از مدارس روستایی شیراز انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه کیفیت رابطه معلم-دانش‌آموز پیاستا، پرسشنامه تاب‌آوری هیجانی کونور و دیویدسون و مقیاس انگیزش تحصیلی هارتر استفاده گردید. یافته‌های حاصل از تحلیل داده‌ها با نرم‌افزار AMOS نشان داد که کیفیت رابطه معلم-دانش‌آموز هم به صورت مستقیم و هم به صورت غیرمستقیم و از طریق تاب‌آوری هیجانی بر انگیزش تحصیلی تأثیر می‌گذارد. شاخص‌های برازش مدل نیز حاکی از برازش مطلوب مدل پیشنهادی بود. در نهایت می‌توان نتیجه گرفت که توجه به بهبود کیفیت روابط معلم و دانش‌آموز و همچنین تقویت تاب‌آوری هیجانی می‌تواند سهم به‌سزایی در افزایش انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان مناطق روستایی داشته باشد. این یافته‌ها می‌تواند مبنای مناسبی برای طراحی برنامه‌های آموزشی و مداخلات روانشناختی در مدارس مناطق محروم باشد.

واژه‌های کلیدی: تاب‌آوری هیجانی، رابطه معلم-دانش‌آموز، انگیزش تحصیلی، دانش‌آموزان روستایی

اثربخشی درمان شناختی-رفتاری بر کاهش اضطراب اجتماعی و بهبود کیفیت زندگی در افراد مبتلا به اختلال بد ریخت‌انگاری بدن

رقیه مولودی نیا^۱، حسین فیاض منش

۱. وزارت آموزش و پرورش، اداره آموزش و پرورش ناحیه ۱ کرمانشاه، کرمانشاه، ایران. ایمیل: rr.molodi@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران. ایمیل: hossein.fayazmanesh@kums.ac.ir

چکیده

اختلال بد ریخت‌انگاری بدن به‌عنوان یکی از اختلالات طیف وسواسی-جبری با تجربه اشتغال ذهنی شدید نسبت به نقص‌های ظاهری ادراک‌شده و پیامدهای قابل توجه هیجانی، اجتماعی و عملکردی همراه است. همبودی بالای این اختلال با اضطراب اجتماعی موجب تشدید چرخه اجتناب، نشخوار فکری و کاهش چشمگیر کیفیت زندگی می‌شود. با توجه به این پیامدهای چندبعدی، پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی درمان شناختی-رفتاری بر کاهش اضطراب اجتماعی و ارتقای کیفیت زندگی افراد مبتلا به بد ریخت‌انگاری بدن انجام شد. روش پژوهش یک کارآزمایی بالینی تصادفی‌شده با طرح پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری بود. شرکت‌کنندگان با استفاده از مصاحبه بالینی ساختاریافته و نسخه ویژه مقیاس ییل-براون برای بد ریخت‌انگاری بدن انتخاب و به‌طور تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل گماشته شدند. ابزارهای پژوهش شامل مقیاس اضطراب اجتماعی لیوویتز و پرسشنامه کیفیت زندگی سازمان جهانی بهداشت بود. نتایج نشان داد که درمان شناختی-رفتاری موجب کاهش معنادار علائم مرتبط با بد ریخت‌انگاری بدن و اضطراب اجتماعی و نیز بهبود قابل توجه کیفیت زندگی در ابعاد جسمانی، روان‌شناختی و اجتماعی شد. این یافته‌ها بیانگر آن بود که مداخله شناختی-رفتاری توانست علاوه بر کاهش نشانه‌های هسته‌ای اختلال، پیامدهای کارکردی و بین‌فردی مرتبط با آن را نیز ارتقا دهد. در مجموع، نتایج نشان داد که درمان شناختی-رفتاری می‌تواند به‌عنوان یک مداخله مؤثر و چندبعدی برای بیماران مبتلا به بد ریخت‌انگاری بدن مورد استفاده قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: درمان شناختی-رفتاری، اضطراب اجتماعی، بد ریخت‌انگاری بدن، کیفیت زندگی

طراحی مدل رهبری آموزشی هیجانی-شناختی و بررسی تأثیر آن بر سلامت روان و کارکردهای شناختی دانش آموزان

مریم اسماعیلی^{۱*}، محدثه اسماعیلی^۲، علیرضا قنبری^۳

* نویسنده مسئول، دکتري مدیریت آموزشی، گروه علوم تربیتی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

رایانامه: maryamesmaili72@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی، گروه علوم تربیتی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه:

Esmaili.mohaddeseh@yahoo.com

۳. دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی، گروه روانشناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه:

Dr.alireza.tea@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر طراحی و آزمون مدل رهبری آموزشی هیجانی-شناختی و تبیین نقش آن در سلامت روان و کارکردهای شناختی دانش آموزان (توجه، خودکارآمدی و تعلل ورزی تحصیلی) بود. این مطالعه از نوع پژوهش کاربردی با رویکرد کمی و طرح همبستگی و مدل یابی معادلات ساختاری انجام شد. جامعه پژوهش شامل تمامی دانش آموزان پایه های چهارم تا ششم و مدیران مدارس ابتدایی شهرستان شهریار در سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۵ بود. با روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای ابتدا ۱۲ مدرسه به صورت تصادفی انتخاب شد و سپس از هر مدرسه یک مدیر (مجموع ۱۲ مدیر) و به طور میانگین ۱۵ دانش آموز به صورت طبقه ای تصادفی انتخاب شدند، به طوری که حجم نمونه نهایی شامل ۱۲ مدیر و ۱۸۰ دانش آموز شد. داده ها با پرسشنامه ساختاریافته رهبری هیجانی-شناختی (ساخته و اعتبارسنجی شده در پژوهش)، مقیاس بهزیستی روان شناختی ریف (Ryff)، آزمون توجه (Conners' Continuous Performance Test)، مقیاس خودکارآمدی عمومی و پرسشنامه تعلل ورزی تحصیلی معتبر گردآوری گردید. روایی سازه ای با تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی و پایایی با آلفای کرونباخ و ضریب بازآزمایی بررسی شد و مقادیر در محدوده قابل قبول قرار گرفت. تحلیل داده ها با استفاده از SPSS و AMOS و روش های تحلیل مسیر، مدل یابی معادلات ساختاری، آزمون اثرات میانجی و برآورد ضریب های استاندارد صورت گرفت. نتایج نشان داد رهبری آموزشی هیجانی-شناختی تأثیر مستقیم و معنادار بر سلامت روان دانش آموزان دارد ($\beta=0.41, p<0.01$)؛ همچنین اثر غیرمستقیم معناداری از طریق افزایش توجه و خودکارآمدی و کاهش تعلل ورزی مشاهده شد. مدل نهایی دارای برازش مطلوب بود ($RMSEA=0.055, CFI=0.95, TLI=0.93$). یافته ها نشان می دهد ادغام مؤلفه های هیجانی و شناختی در سبک رهبری مدارس می تواند بهبود چشمگیری در سلامت روان و عملکرد تحصیلی دانش آموزان ایجاد کند.

واژه های کلیدی: رهبری آموزشی هیجانی-شناختی، سلامت روان، توجه، خودکارآمدی، تعلل ورزی تحصیلی

اثربخشی درمان فراشناختی بر فرانگرانی، ترس از ارزیابی مثبت و حساسیت بین فردی دانشجویان دختر دارای اضطراب اجتماعی

زهرا یعقوبی^۱، محسن حیدری نژاد^۲*

۱. کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، نجف آباد، ایران. رایانامه: Zahrayaghoobi60073@gmail.com

۲. نویسنده مسئول، استادیار گروه روان شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (نجف آباد)، اصفهان، ایران. رایانامه:

sdma1393@gmail.com

چکیده

این پژوهش با هدف اثربخشی درمان فراشناختی بر فرانگرانی، ترس از ارزیابی مثبت و حساسیت بین فردی در دانشجویان دختر دارای اضطراب اجتماعی انجام پذیرفت. طرح پژوهشی از نوع نیمه آزمایشی با طرح پیش آزمون- پس آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری پژوهش، کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد نجف آباد اصفهان در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ بود. برای گزینش نمونه از روش نمونه گیری در دسترس استفاده شد و داده ها با پرسشنامه فرانگرانی (ولز، ۲۰۰۵) ترس از ارزیابی مثبت (ویکس هایم برگ و راد بارک، ۲۰۰۸) و مقیاس حساسیت بین فردی (بیز و بارکر، ۱۹۸۹) جمع آوری شدند. ۴۰ نفر دانشجوی گروه نمونه به طور تصادفی در گروه آزمایش و گروه کنترل گمارده شدند و گروه آزمایش تحت درمان فراشناختی قرار گرفتند، اما گروه گواه درمانی دریافت نکردند. داده ها با استفاده از آزمون تحلیل کواریانس چندمتغیری تجزیه و تحلیل شد. نتایج نشان داد که فراشناخت درمانی باعث کاهش ترس از ارزیابی مثبت و حساسیت بین فردی شده است ($P < 0/01$). براساس نتایج به دست آمده بین گروه آزمایش و کنترل در کاهش ترس از ارزیابی مثبت و حساسیت بین فردی تفاوت معنی داری وجود داشت.

واژه های کلیدی: اضطراب اجتماعی، فرانگرانی، ترس از ارزیابی مثبت، حساسیت بین فردی

اثربخشی رفتاردرمانی دیالکتیک بر فرسودگی تحصیلی و انگیزه تحصیلی

فرشته موذنی^۱، زهرا بت شکن^{۲*}

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه روانشناسی، واحد خمینی شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، خمینی شهر، ایران. رایانامه:

fereshteh.moazeni@iau.ir

۲. نویسنده مسئول، استادیار، گروه روانشناسی، واحد خمینی شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، خمینی شهر، ایران. رایانامه:

dr.z.botshekan@iau.ac.ir

چکیده

فرسودگی تحصیلی و کاهش انگیزه تحصیلی از مشکلات شایع دانش آموزان دوره متوسطه دوم است که می تواند به افت عملکرد و ترک تحصیل منجر شود. هدف پژوهش حاضر، بررسی اثربخشی رفتار درمانی دیالکتیک بر فرسودگی تحصیلی و انگیزه تحصیلی (درونی و بیرونی) دانش آموزان دختر مقطع متوسطه دوم شهر اصفهان بود. این پژوهش به شیوه نیمه آزمایشی با طرح پیش آزمون-پس آزمون و گروه کنترل اجرا شد؛ از بین جامعه آماری شامل تمامی دانش آموزان دختر مقطع متوسطه دوم شهر اصفهان در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴، ابتدا ۴۰ نفر که نمره فرسودگی تحصیلی آن ها در پرسشنامه مسلسل حداقل ۳۱ بود به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب و سپس به طور تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل (هر گروه ۲۰ نفر) جایگزین شدند؛ ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه فرسودگی تحصیلی مسلسل و مقیاس انگیزش تحصیلی هارتر بود و گروه آزمایش طی ۱۲ جلسه ۶۰ دقیقه ای آموزش رفتار درمانی دیالکتیک دریافت کرد، در حالی که گروه کنترل هیچ مداخله ای دریافت نکرد؛ داده ها با استفاده از آمار توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) و آمار استنباطی (آزمون شاپیرو-ویلک، آزمون لوین، تحلیل واریانس و تحلیل واریانس چندمتغیره) تحلیل شدند. نتایج نشان داد رفتار درمانی دیالکتیک به طور معناداری فرسودگی تحصیلی دانش آموزان را کاهش می دهد، اما بر انگیزه تحصیلی درونی و بیرونی آن ها تأثیر معناداری ندارد. بنابراین رفتار درمانی دیالکتیک می تواند به عنوان مداخله ای مؤثر برای کاهش فرسودگی تحصیلی در دانش آموزان دختر دوره متوسطه دوم به کار گرفته شود، هر چند برای تقویت انگیزه تحصیلی نیازمند رویکردهای مکمل دیگری است.

واژه های کلیدی: انگیزه تحصیلی، رفتاردرمانی دیالکتیک، فرسودگی تحصیلی

اثربخشی آموزش کنترل خشم بر خودنظم دهی خشم دانش آموزان پسر ناسازگار

جعفر بهادری خسروشاهی^{۱*}، شاهین باقریان خسروشاهی

۱. نویسنده مسئول، استادیار روانشناسی تربیتی، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان،

تبریز، ایران. رایانامه: jafar.b2010@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران. رایانامه:

shahin80.b.kh@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی اثربخشی آموزش کنترل خشم بر خودنظم دهی خشم دانش آموزان پسر ناسازگار بود. این پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی و از نظر طرح پژوهش آزمایشی از نوع پیش آزمون و پس آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانش آموزان ناسازگار شهرستان ایلخچی در سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۵ بودند که بر اساس پرسشنامه سازگاری، افرادی که نمرات پایین تری (نمره برش ۱۵۰ به پایین) کسب کردند. با نمونه گیری در دسترس انتخاب شده و در دو گروه آزمایش (۱۵ نفر) و گروه کنترل (۱۵ نفر) جایگزین شدند. برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه خودنظم دهی خشم اسپیلبرگر و مقیاس سازگاری سینه‌ها و سینگ استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده ها با روش آماری تحلیل کوواریانس انجام گرفت. نتایج پژوهش نشان داد که آموزش کنترل خشم بر خودنظم دهی خشم دانش آموزان ناسازگار تأثیر دارد ($P < 0/05$). در واقع آموزش کنترل خشم باعث کاهش مؤلفه های خودنظم دهی خشم در دانش آموزان می شود. بنابراین آموزش مدیریت و کنترل خشم در دانش آموزان می تواند بسیاری از مشکلات رفتاری آن ها را بهبود بخشد.

واژه های کلیدی: ناسازگاری، خودنظم دهی، خشم

تأثیر سرمایه تحولی بیرونی با میانجی گری سرمایه تحول درونی بر سرزندگی تحصیلی دانش آموزان

محبوبه اسلمی*

* نویسنده مسئول، استادیار گروه علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه پیام نور، صندوق پستی ۳۶۹۷-۱۹۳۹۵ تهران، ایران،
رایانامه: aslpnu@pnu.ac.ir- 0000- 0003- 1039-6355

چکیده

هدف این تحقیق تأثیر سرمایه تحولی بیرونی با میانجی گری سرمایه تحول درونی بر سرزندگی تحصیلی دانش آموزان مقطع متوسطه شهر مرودشت بود. روش تحقیق توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری شامل دانش آموزان مقطع متوسطه اول شهرستان مرودشت در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ بود. روش نمونه گیری خوشه ای چندمرحله ای بود به طوری که از میان ۱۰ مدرسه، ۲ مدرسه به صورت تصادفی انتخاب و سپس ۳۲۰ نفر به عنوان نمونه آماری در نظر گرفته شد. برای تجزیه و تحلیل داده ها و آزمون فرضیه ها از روش تحلیل مسیر استفاده شد. نتایج نشان داد که سرمایه تحولی بیرونی بر خانواده و مدرسه تأثیر مستقیم دارد. همچنین اثر میانجی خانواده، مدرسه و دوستان بر رابطه بین سرمایه تحولی بیرونی بر سرزندگی تحصیلی مورد تأیید می باشد. به طور کلی می توان چنین بیان نمود که سرمایه تحولی بیرونی با میانجی گری سرمایه تحولی درونی بر سرزندگی تحصیلی دانش آموزان تأثیر دارد.

واژه های کلیدی: سرمایه تحولی درونی، سرمایه تحولی بیرونی، سرزندگی تحصیلی، دانش آموزان

رابطه اعتیاد به شبکه های اجتماعی مجازی با کیفیت زندگی تحصیلی دانشجویان

جعفر بهادری خسروشاهی^{۱*}، شاهین باقریان خسروشاهی

۱. نویسنده مسئول، استادیار روانشناسی تربیتی، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید مدنی

آذربایجان، تبریز، ایران. رایانامه: jafar.b2010@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران .

رایانامه: shahin80.b.kh@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف مطالعه ی رابطه بین اعتیاد به شبکه های اجتماعی مجازی با کیفیت زندگی تحصیلی آنان انجام گرفته است. جامعه آماری آن را دانشجویان شهید مدنی آذربایجان در سال ۱۴۰۴-۱۴۰۳ تشکیل داده اند. حجم نمونه ۱۰۰ نفر می باشد که به روش تصادفی خوشه ای انتخاب شده اند. برای جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه های اعتیاد به اینترنت دکتر کیمبرلی یانگ و کیفیت زندگی ویلیامز و باتن استفاده شده است. اعتبار پرسشنامه های استفاده شده در این پژوهش بالاست به گونه ای که الفای کرونباخ پرسشنامه کیفیت زندگی تحصیلی ۰/۸۲ و پرسشنامه اعتیاد به شبکه های اجتماعی مجازی ۰/۷۲ است که اعتبار این آزمون را نشان می دهند. داده ها با استفاده از آزمون رگرسیون و ضریب همبستگی پیرسون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند و برای محاسبه و تحلیل داده ها از نرم افزار SPSS.21 استفاده شد؛ بر اساس نتایج به دست آمده از آزمون پیرسون بین دو متغیر اعتیاد به شبکه های اجتماعی مجازی با کیفیت زندگی تحصیلی، میزان همبستگی به دست آمده برابر با ۰/۹۲ و سطح معنی داری آن نیز برابر با ۰/۰۰۱ است بنابراین ضریب همبستگی به دست آمده معنی دار بوده و بین دو متغیر مذکور رابطه منفی وجود دارد آزمون رگرسیون نتایج نشان داد مقدار ضریب همبستگی ضریب تعیین چندانکه بین دو متغیر اعتیاد به شبکه های اجتماعی مجازی با کیفیت زندگی تحصیلی برابر با ۰/۹۲۶ است و از لحاظ سطح معنی رابطه خطی معنی داری بین این دو متغیر وجود دارد.

واژه های کلیدی: کیفیت زندگی تحصیلی، اعتیاد به شبکه های اجتماعی، اینترنت

رابطه‌ی تبعیض جنسیتی و حمایت اجتماعی ادراک‌شده با سلامت روان

مسروره امان‌الهی^{۱*}، سید محمدحسین موسوی‌نسب^۲

*۱. نویسنده مسئول، دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه شهید باهنر، کرمان، ایران.

رایانامه: masroureha81@ens.uk.ac.ir

۲. دانشیار روان‌شناسی سلامت، گروه آموزشی روان‌شناسی، دانشگاه شهید باهنر، کرمان، ایران.

رایانامه: hossein.mousavi-nasab@uk.ac.ir

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه‌ی تبعیض جنسیتی و حمایت اجتماعی ادراک‌شده با سلامت روان بود. جامعه آماری این پژوهش دانشجویان دختر دانشگاه شهید باهنر کرمان در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۰۴ بود که تعداد ۱۶۷ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای تحقیق شامل پرسشنامه رویدادهای تبعیض‌آمیز جنسیتی کلونوف و لندرین، مقیاس چندبعدی حمایت اجتماعی ادراک‌شده و پرسشنامه سلامت عمومی گلدبرگ بودند. در این مدل، تبعیض جنسیتی و حمایت اجتماعی ادراک‌شده به عنوان متغیر مستقل و سلامت روان به عنوان متغیر وابسته به کار رفته است. داده‌ها با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیره به شکل هم‌زمان مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج نشان داد میزان تبعیض جنسیتی و حمایت اجتماعی ادراک‌شده به صورت معناداری قابلیت پیش‌بینی سلامت روان را دارد. بدین ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت باور دختران به اینکه مورد تبعیض جنسیتی قرار ندارند و حمایت اجتماعی دارند، سبب افزایش سلامت روان می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: تبعیض جنسیتی، حمایت اجتماعی ادراک‌شده، سلامت روان

علل اهمال کاری دانشجویان از دیدگاه اساتید دانشگاه فرهنگیان

زهرا حسینی*^۱، فاطمه سادات حسینی^۲، الهه نوربخش^۳

۱. * زهرا حسینی، دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، پردیس امام سجاد، بیرجند، ایران. رایانامه:

zahrahosseini0382@gmail.com

۲. فاطمه سادات حسینی، دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، پردیس امام سجاد، بیرجند، ایران. رایانامه

: fatemehhoseini7782@gmail.com

۳. الهه نوربخش، دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، پردیس امام سجاد، بیرجند، ایران. رایانامه:

nurbakhshelahe@gmail.com

چکیده

اهمال کاری تحصیلی از چالش‌های مهم دانشجویان است که پیامدهایی چون افت عملکرد تحصیلی، کاهش انگیزه و بروز مشکلات روانی به همراه دارد. پژوهش حاضر باهدف شناسایی عوامل مؤثر بر اهمال کاری دانشجویان از دیدگاه اساتید دانشگاه فرهنگیان انجام شد. روش تحقیق کیفی و رویکرد مورد استفاده تحلیل مضمون بود. جامعه پژوهش اساتید دانشگاه فرهنگیان در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ بودند که با نمونه‌گیری هدفمند ۱۰ نفر (۵ مرد و ۵ زن) انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه نیمه ساختاریافته بود و تحلیل داده‌ها از طریق کدگذاری و بازبینی مضامین انجام گرفت. یافته‌ها نشان داد که اهمال کاری تحصیلی تحت تأثیر سه دسته عوامل قرار دارد: عوامل فردی (ویژگی‌های شخصیتی، ضعف در مدیریت زمان، استفاده افراطی از فضای مجازی)، عوامل اجتماعی (خانواده، دوستان، ازدواج و فشار مالی) و عوامل ساختاری (کیفیت تدریس، امکانات دانشگاه و تضمین شغلی). نتایج بیانگر آن است که اهمال کاری پدیده‌ای چندعاملی بوده و تعامل میان این عوامل در بروز آن نقش دارد. بر این اساس، طراحی برنامه‌های مداخله‌ای چند سطحی با تمرکز بر آموزش مهارت‌های فردی، ارتقای کیفیت آموزش و بهبود حمایت‌های دانشگاهی توصیه می‌شود.

واژه‌های کلیدی: اساتید، اهمال کاری، دانشجویان

اثربخشی بازی درمانی شناختی رفتاری بر تاب‌آوری کودکان دارای اختلال نقص توجه و بیش فعالی

محمدرضا نوروزی همایون^{۱*}، شهین جدی^۲، رباب فرجی^۳، علی سلیمی^۴، اسماعیل صدری دمیرچی^۵

۱. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری تخصصی مشاوره، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه محقق اردبیلی،

اردبیل، ایران. Mohammadreza.noroozi@uma.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، کارشناس مشاوره مرکز مشاوره و خدمات روانشناختی دانش آموزان اداره کل آموزش و پرورش استان اردبیل.

۳. دکتری تخصصی روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. (رئیس مرکز خدمات روانشناختی و مشاوره اداره کل آموزش و پرورش استان اردبیل).

۴. کارشناسی ارشد جزا و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران.

۵. استاد، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی اثربخشی بازی درمانی شناختی رفتاری بر تاب‌آوری کودکان دارای اختلال نقص توجه و بیش فعالی ۹ تا ۱۲ سال بود. این پژوهش از نوع نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون و گروه کنترل بود. جامعه آماری شامل تمامی کودکان ۷ تا ۱۲ سال مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر در سال ۱۴۰۳-۱۴۰۴ بود. نمونه‌ای به حجم ۳۰ نفر (۱۵ نفر در گروه آزمایش و ۱۵ نفر در گروه کنترل) با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. معیارهای ورود شامل سن ۹ تا ۱۲ سال، عدم ابتلا به اختلالات شدید رشدی یا روان‌پزشکی و رضایت‌نامه کتبی والدین بود. گروه آزمایش طی ۹ جلسه ۶۰ دقیقه‌ای (هفته‌ای دو جلسه) تحت بازی درمانی شناختی رفتاری قرار گرفتند که شامل بازی‌های هدفمند برای شناسایی و اصلاح تحریف‌های شناختی، آموزش مهارت‌های مقابله‌ای و تقویت رفتارهای انطباقی بود. ابزارهای پژوهش شامل مقیاس تاب‌آوری کانر-دیوید سون (۲۰۰۳) بود. داده‌ها با استفاده از تحلیل کوواریانس تک‌متغیره در نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۷ تحلیل شدند. نتایج تحلیل کواریانس نشان داد که گروه آزمایش پس از مداخله بازی درمانی شناختی رفتاری تغییرات معنی‌داری در نمرات تاب‌آوری داشت، در حالی که گروه کنترل تغییرات قابل توجهی نشان نداد. این نتایج تأثیر مثبت مداخله را بر بهبود این دو متغیر تأیید می‌کند. به طور کلی بازی درمانی شناختی رفتاری تأثیر مثبت و معنی‌داری بر افزایش تاب‌آوری کودکان دارای اختلال نقص توجه و بیش فعالی تأثیر مثبت و معنی‌داری داشته است.

واژه‌های کلیدی: بازی درمانی شناختی رفتاری، تاب‌آوری، کودکان، اختلال نقص توجه و بیش فعالی

اثربخشی بازی درمانی شناختی رفتاری بر انعطاف پذیری شناختی کودکان دارای اختلال نقص توجه و بیش فعالی

محمدرضا نوروزی همایون^{۱*}، رباب فرجی^۲، شهین جدی^۳، علی سلیمی^۴، اسماعیل صدری دمیرچی^۵

۱. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری تخصصی مشاوره، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه محقق اردبیلی،

اردبیل، ایران. Mohammadreza.noroozi@uma.ac.ir

۲. دکتری تخصصی روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. (رئیس مرکز خدمات روانشناختی و مشاوره اداره کل آموزش و پرورش استان اردبیل).

۳. کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، کارشناس مشاوره مرکز مشاوره و خدمات روانشناختی دانش آموزان اداره کل آموزش و پرورش استان اردبیل.

۴. کارشناسی ارشد جزا و جرم شناسی، گروه حقوق، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران.

۵. استاد، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

چکیده

هدف: هدف از پژوهش حاضر بررسی اثربخشی بازی درمانی شناختی رفتاری بر انعطاف پذیری شناختی کودکان دارای اختلال نقص توجه و بیش فعالی ۹ تا ۱۲ سال بود. مواد و روش ها: این پژوهش از نوع نیمه آزمایشی با طرح پیش آزمون-پس آزمون و گروه کنترل بود. جامعه آماری شامل تمامی کودکان ۷ تا ۱۲ سال مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر در سال ۱۴۰۳-۱۴۰۴ بود. نمونه ای به حجم ۳۰ نفر (۱۵ نفر در گروه آزمایش و ۱۵ نفر در گروه کنترل) با روش نمونه گیری هدفمند انتخاب شدند. معیارهای ورود شامل سن ۹ تا ۱۲ سال، عدم ابتلا به اختلالات شدید رشدی یا روان پزشکی و رضایت نامه کتبی والدین بود. گروه آزمایش طی ۹ جلسه ۶۰ دقیقه ای (هفته ای دو جلسه) تحت بازی درمانی شناختی رفتاری قرار گرفتند که شامل بازی های هدفمند برای شناسایی و اصلاح تحریف های شناختی، آموزش مهارت های مقابله ای و تقویت رفتارهای انطباقی بود. ابزارهای پژوهش شامل آزمون انعطاف پذیری شناختی کودکان (CFI-C) بود. داده ها با استفاده از تحلیل کوواریانس تک متغیره در نرم افزار SPSS نسخه ۲۷ تحلیل شدند. یافته ها: نتایج تحلیل کوواریانس نشان داد که گروه آزمایش پس از مداخله بازی درمانی شناختی رفتاری تغییرات معنی داری در نمرات تاب آوری و انعطاف پذیری شناختی داشت، در حالی که گروه کنترل تغییرات قابل توجهی نشان نداد. این نتایج تأثیر مثبت مداخله را بر بهبود این دو متغیر تأیید می کند. بحث و نتیجه گیری: بازی درمانی شناختی رفتاری تأثیر مثبت و معنی داری بر افزایش تاب آوری و انعطاف پذیری شناختی کودکان داشته است.

واژه های کلیدی: بازی درمانی شناختی رفتاری، انعطاف پذیری شناختی، کودکان، اختلال نقص توجه و بیش فعالی

ارتباط وابستگی به ابزارهای هوش مصنوعی با کاهش مهارت‌های شناختی و افزایش استرس

فاطمه الیکائی^{۱*}

۱. نویسنده مسئول، ارشد روانشناسی بالینی دانشگاه آزاد گرمسار fatemehelikaii13731222@gmail.com

چکیده

گسترش کاربردهای هوش مصنوعی در زندگی روزمره و استفاده فزاینده از ابزارهایی مانند چت‌بات‌ها، سیستم‌های کمک تصمیم و پلتفرم‌های تولید محتوا، نگرانی‌هایی را در زمینه پیامدهای روان شناختی و شناختی ناشی از وابستگی به این فناوری‌ها به وجود آورده است. این پژوهش با هدف بررسی ارتباط بین میزان وابستگی به ابزارهای هوش مصنوعی و کاهش توانایی‌های شناختی و همچنین افزایش استرس و خستگی ذهنی در میان دانشجویان دانشگاه‌های تهران و علامه طباطبائی انجام شد. نوع مطالعه توصیفی-همبستگی بوده و جامعه آماری آن شامل حدود ۶۹۰۰ دانشجو بود. با استفاده از فرمول کوکران، حجم نمونه برابر با ۳۶۲ نفر تعیین شد و نمونه‌گیری از طریق فراخوان آنلاین و داوطلبانه صورت گرفت. پرسشنامه‌ها از طریق گروه‌های رسمی تلگرام دانشکده‌ها توزیع شد. ابزارهای اندازه‌گیری شامل پرسشنامه وابستگی به هوش مصنوعی (AIDQ)، مقیاس مهارت‌های شناختی (CTS) و پرسشنامه استرس/خستگی شناختی (CFS) بودند. اعتبار ابزارها با تحلیل عاملی تأییدی و پایایی آن‌ها با ضریب آلفای کرونباخ تأیید شد. نتایج حاصل از تحلیل همبستگی پیرسون نشان داد که وابستگی به هوش مصنوعی به طور معناداری با کاهش مهارت‌های شناختی و افزایش سطح استرس ارتباط دارد. همچنین تحلیل مسیر با نرم‌افزار AMOS نشان داد که خستگی شناختی نقش میانجی معناداری در تأثیر وابستگی به هوش مصنوعی بر مهارت‌های شناختی ایفا می‌کند. مدل نهایی از برازش قابل قبولی برخوردار بود. این نتایج نشان می‌دهد که استفاده بی‌رویه و کنترل نشده از فناوری‌های هوش مصنوعی ممکن است آثار روانی و شناختی منفی به همراه داشته باشد و لزوم بازنگری در برنامه‌های آموزش سواد دیجیتال، تدوین راهبردهای استفاده ایمن از این فناوری‌ها و تقویت مهارت‌های خودتنظیمی ذهنی را برجسته می‌سازد.

واژه‌های کلیدی: وابستگی به هوش مصنوعی، مهارت‌های شناختی، خستگی شناختی، استرس ادراک شده

پیش‌بینی سازگاری اجتماعی بر اساس نیازهای بنیادین روان‌شناختی و سرمایه‌های روان‌شناختی در دانش‌آموزان^۳

پریسا سرابی^۱، مرتضی اخلاقی فرد^{۲*}، منوچهر لرنی^۳

۱. کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، گروه روانشناسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران. P2ri3a@yahoo.com

۲. استادیار گروه ادیان و عرفان، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران (نویسنده مسئول). * akhlaghifardmorteza@gmail.com

۳. استادیار گروه علوم تربیتی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران. manouchehrlarni@gmail.com

چکیده

یکی از مسائلی که منجر به موفقیت اجتماعی دانش‌آموزان می‌شود سازگاری اجتماعی است. بر همین اساس؛ هدف از پژوهش حاضر پیش‌بینی سازگاری اجتماعی بر اساس نیازهای بنیادین روان‌شناختی و سرمایه‌های روان‌شناختی در دانش‌آموزان بود. روش پژوهش توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری در این پژوهش دانش‌آموزان مدارس مقطع متوسطه دوم شهر کرج در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ بود. در این پژوهش ۱۶۵ دانش‌آموز به عنوان نمونه به صورت نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. جهت ارزیابی از پرسشنامه سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان سینه‌ها و سینگ (۱۹۹۳)، پرسشنامه نیازهای بنیادین روان‌شناختی لاگاردیا و همکاران (۲۰۰۰) و پرسشنامه سرمایه روان‌شناختی لوتانز و همکاران (۲۰۰۷) استفاده شد. جهت تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیره استاندارد بهره گرفته شد. نتایج نشان داد که نیازهای بنیادین روان‌شناختی و سرمایه‌های روان‌شناختی با سازگاری اجتماعی در دانش‌آموزان رابطه دارند ($P < 0/01$). همچنین؛ ۷۷/۵ درصد از واریانس متغیر سازگاری اجتماعی بر اساس خودمختاری، شایستگی و ارتباط، قابل پیش‌بینی بود ($P < 0/001$). در نهایت؛ ۶۷/۶ درصد از واریانس متغیر سازگاری اجتماعی بر اساس خودکارآمدی، امیدواری، تاب‌آوری و خوش‌بینی، پیش‌بینی شد ($P < 0/001$). بر همین اساس توصیه می‌شود که مدارس، محیط‌های آموزشی را به گونه‌ای طراحی کنند که بتواند پاسخ‌گوی نیازهای بنیادین روان‌شناختی و سرمایه‌های روانی دانش‌آموزان باشد، زیرا این مهم می‌تواند باعث ارتقاء سازگاری اجتماعی در دانش‌آموزان شود.

واژه‌های کلیدی: دانش‌آموزان، سازگاری اجتماعی، سرمایه‌های روانی، نیازهای بنیادین روان‌شناختی

شناسایی پیامدهای اضطراب پرستاران در محیط‌های بالینی و مرور راهبردهای روانشناختی مؤثر بر مدیریت آن

محمدهادی زین العابدینی^{۱*}، مهتاب احمدی مقدم^۲

۱. دانشجوی دکتری تخصصی روان شناسی بالینی، گروه روان شناسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران. عضو باشگاه

پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

mohammadhadi.zeinolabedini@iau.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری تخصصی روان شناسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

mahtab.ahmadimoghadam@iau.ac.ir

چکیده

در عصر کنونی پرستاران به دلایل متعدد با اضطراب و پیامدهای ناشی از آن در محیط‌های بالینی مواجه هستند که این موضوع یکی از تهدیدات جدی برای سلامت روان آنان به شمار می‌رود. این مقوله مهم نیازمند به کار بستن راهبردهای روانشناختی مؤثر در راستای مدیریت و کاهش اضطراب است. در همین راستا پژوهش حاضر با هدف شناسایی پیامدهای اضطراب پرستاران در محیط‌های بالینی و مرور راهبردهای روانشناختی مؤثر بر مدیریت آن انجام شد. این پژوهش به شیوه مروری انجام شد و برای جمع‌آوری اطلاعات ابتدا مقالات با کلید واژه‌های اضطراب، پرستاران، محیط بالینی، روانشناختی و معادل انگلیسی آنها در پایگاه‌های داخلی جهاد دانشگاهی، مگیران، پرتال جامع علوم انسانی و پایگاه‌های خارجی PubMed و Google Scholar مورد جستجو قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد پیامدهای اضطراب در پرستاران چند بعدی بوده و ابعاد زیستی، روانی و اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و به دنبال آن راهبردهای روانشناختی مؤثر جهت مدیریت اضطراب نیز چند مولفه‌ای خواهد بود که شامل زمینه‌های شناختی، رفتاری، ذهن آگاهی، یادگیری و هیجانی می‌شود. در همین راستا پیشنهاد می‌شود نهادهای متولی بهداشت و درمان و سلامت محور که متولی امور پرستاران هستند ضمن بهره‌گیری از نتایج پژوهش‌های اصیل در برنامه‌ریزی‌های خود جهت ارتقای سلامت روان پرستاران، همواره مداخلات روانشناختی را از طریق آموزش مداوم و مداخله مستمر در دستور کار قرار دهند و ارتقای سلامت روان را به عنوان یک مولفه جدی در حرفه پرستاری در نظر بگیرند.

واژه‌های کلیدی: اضطراب، پرستاران، محیط بالینی، روانشناختی

رابطه عدالت سازمانی با فرسودگی شغلی مدیران مدارس مقطع ابتدایی شهر مشهد

فاطمه باقری^۱، هادی پورشافعی^۲

۱- دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند، ایران.

۲- دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم رفتاری، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران. ایمیل: hpourshafei@birjand.ac.ir

چکیده

هدف این پژوهش بررسی رابطه بین عدالت سازمانی با فرسودگی شغلی مدیران مدارس مقطع ابتدایی شهر مشهد بود. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش را کلیه مدیران شاغل در مدارس شهر مشهد در سال تحصیلی ۱۴۰۴ تشکیل داده اند (۱۰۹ نفر (۶۳ مدیر ابتدایی، ۱۷ متوسطه اول و ۲۹ متوسطه دوم). تعداد ۱۰۹ نفر از مدیران مدارس به دلیل تعداد کم جامعه آماری و به شیوه نمونه گیری سرشماری به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. ابزار پژوهش پرسشنامه فرسودگی شغلی مسلج و جکسون (۱۹۸۵)، پرسشنامه عدالت سازمانی نیهوف و مورمن (۱۹۹۳) بود. اطلاعات گردآوری شده با استفاده از نرم افزار SPSS-28 و آمار ضریب همبستگی پیرسون انجام شد. نتایج نشان داد ضریب همبستگی پیرسون بین عدالت سازمانی و فرسودگی شغلی برابر ۰/۲۳۹- با سطح معنی داری ۰/۰۱۲ کمتر از ۰/۰۵ است و بنابر ویژگی این آزمون، بین عدالت سازمانی و فرسودگی شغلی رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به منفی بودن ضریب همبستگی پیرسون بین عدالت سازمانی و فرسودگی شغلی، مشخص می شود که رابطه بین دو متغیر غیرمستقیم و معنادار است.

واژه های کلیدی: عدالت سازمانی، فرسودگی شغلی، مدیران مدارس ابتدایی

اثربخشی درمان تنظیم هیجان بر ناگویی خلقی، اجتناب شناختی و کفایت اجتماعی دانش آموزان

فرشته پورمحسنی کلوری^{۱*}، راضیه اعتصامی پور^۲، داور ارسالی^۳

۱. نویسنده مسئول، دانشیار گروه روان شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران: fpmohseni@pnu.ac.ir

۲. استادیار گروه روانشناسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. رایانامه: R_etesamipour@pnu.ac.ir

۳. کارشناسی ارشد روان شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران رایانامه: de62t30@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی درمان تنظیم هیجان بر ناگویی خلقی، اجتناب شناختی و کفایت اجتماعی دانش آموزان انجام شد. طرح پژوهش حاضر، نیمه آزمایشی از نوع پیش آزمون- پس آزمون با گروه کنترل بود و جامعه آماری پژوهش حاضر شامل تمامی دانش آموزان پایه ششم شهر اردبیل در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ بودند که از میان آنها ۴۰ نفر به شیوه در دسترس انتخاب شدند و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل جایگزین شدند و به پرسشنامه‌های استاندارد ناگویی خلقی تورنتو (۱۹۹۴)، پرسشنامه اجتناب شناختی سکستون و داگاس (۲۰۰۴) و پرسشنامه کفایت اجتماعی فلنر و همکاران (۱۹۹۰) پاسخ دادند. تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون تحلیل کوواریانس چندمتغیری انجام شد. یافته‌ها نشان داد که درمان تنظیم هیجان بر ناگویی خلقی، اجتناب شناختی و کفایت اجتماعی دانش آموزان پایه ششم اثربخش است. می‌توان نتیجه گرفت که آموزش مهارت‌های تنظیم هیجان، به دانش آموزان کمک می‌کند تا بهتر بتوانند هیجانات خود را مدیریت و ابراز نموده و بدین ترتیب ناگویی خلقی آنان را کاهش می‌دهد و به آنان می‌آموزد تا به جای اجتناب از موقعیت‌های تنش‌زا با آن مواجه گردند و اجتناب شناختی‌شان بهبود یابد و کفایت اجتماعی را در آنان افزایش می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: درمان تنظیم هیجان؛ ناگویی خلقی؛ اجتناب شناختی؛ کفایت اجتماعی؛ دانش آموزان

مطالعه تاثیر هوش هیجانی بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان (مورد مطالعه: دانش آموزان متوسطه دوم شهر مریوان)

محمد میلاد نرگسی^{۱*}، کاظم حسینی^۲

۱. دانشجوی کارشناسی، علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، ایران، milad14041404@chmail.ir

۲. استادیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، K_hassani@pnu.ac.ir

چکیده

این تحقیق با هدف مطالعه نقش هوش هیجانی در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان متوسطه دوم شهر مریوان انجام گرفته است. پژوهش به شیوه پیمایش میدانی و با استفاده از ابزار پرسشنامه بر روی ۳۵۰ نفر از دانش آموزان شهر مریوان اجرا شده است. افراد مورد نظر با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. نتایج توصیفی تحقیق نشان داد که میانگین شاخص درون فردی، مدیریت استرس، خلق عمومی و سازگاری دانش آموزان، متوسط به بالا بوده است. میانگین شاخص بین فردی دانش آموزان در حد متوسطی بوده است. همچنین میانگین هوش هیجانی دانش آموزان هم ۳/۰۸ یعنی بالاتر از حد متوسط بوده است. آزمون فرضیه های تحقیق نشان داد که همه ابعاد هوش هیجانی یعنی درون فردی، بین فردی، سازگاری، مدیریت استرس و خلق عمومی با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه مستقیم و معنی داری داشته اند. ضریب همبستگی متغیر هوش هیجانی هم با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان برابر ۰/۳۸۰ بوده که مثبت و معنی دار می باشد. تحلیل رگرسیون چند متغیره هم نشان داد که همه مولفه های درون فردی، بین فردی، سازگاری، مدیریت استرس و خلق عمومی تاثیر معنی داری بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان داشته اند. این مولفه ها با همدیگر ۴۵ درصد از تغییرات پیشرفت تحصیلی دانش آموزان را تبیین کرده اند.

واژه های کلیدی: هوش هیجانی، سازگاری، مدیریت استرس، خلق عمومی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان

بررسی اثربخشی آموزش مهارت های زندگی بر سلامت روان و عزت نفس دانشجویان؛ یک مطالعه مروری

محمد هادی زین العابدینی^{۱*}، محدثه ابراهیمی^۲

۱. دانشجوی دکتری تخصصی روان شناسی بالینی، گروه روان شناسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران.

۲. عضو باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

mohammadhadi.zeinolabedini@iau.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری تخصصی روان شناسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

mohadeseh.ebrahimi1777@iau.ac.ir

چکیده

در سالیان اخیر سلامت روان دانشجویان به عنوان یکی از چالش های مهم در نظام آموزش عالی مورد توجه پژوهشگران و مسئولان دانشگاهی قرار گرفته است. عزت نفس نیز به عنوان یکی از مهمترین مولفه های روانشناختی، نقش کلیدی در تکوین شخصیت و سلامت روان دانشجویان دارد. در همین راستا پژوهش حاضر با هدف مروری بر اثربخشی آموزش مهارت های زندگی بر سلامت روان و عزت نفس دانشجویان انجام شد. پژوهش حاضر به شیوه مروری انجام شد و برای جمع آوری اطلاعات، ابتدا مقالاتی که بیشترین ارتباط با موضوع پژوهش را داشتند با کلید واژه های مهارت های زندگی، سلامت روان، عزت نفس، دانشجویان و معادل انگلیسی آنها در پایگاه های داخلی مگیران، پرتال جامع علوم انسانی و پایگاه های خارجی Google Scholar و PubMed تا سال ۲۰۲۵ میلادی مورد جستجو قرار گرفت. نتایج نشان داد آموزش مستمر و هدفمند مهارت های زندگی موجب افزایش سطح سلامت روان و ارتقای عزت نفس دانشجویان می شود. لذا پیشنهاد می گردد دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی برنامه های منظم و ساختار یافته آموزش مهارت های زندگی را برای دانشجویان اجرا کنند. اثربخشی بیشتر این مداخلات در گروه اجرای مستمر برنامه های آموزشی است لذا می بایست این دسته از آموزش های تخصصی را در قالب واحد های درسی در طول دوره تحصیلی دانشجویان تعریف نمود تا گستره کمی و کیفی اثربخشی آن افزایش یابد.

واژه های کلیدی: مهارت های زندگی، سلامت روان، عزت نفس، دانشجویان

آسیب شناسی زبان دوم در پیش دبستانی ها

سکینه سلطانی کوهبنانی^۱، سیده سمانه حسینی فر^{۲*}

۱. دانشیار، گروه آموزشی روانشناسی مشاوره و تربیتی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران. رایانامه: S.Soltani@um.ac.ir

۲*. نویسنده مسئول، کارشناسی ارشد روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران. رایانامه: samaneh.hosseini@um.ac.ir

چکیده

به دنبال بیشتر مورد استفاده و بحث قرار گرفتن آموزش زبان دوم در جهان امروز، این مقاله قصد دارد با واکاوی مطالعات قبلی به بررسی چالش های این مهم بپردازد. چون اگر چه یادگیری زبان دوم مزایایی دارد اما اگر خیلی زود آموخته شود و زبان مادری به طور معمول استفاده نشود ممکن است باعث از دست رفتن زبان مادری شود. همچنین بار تحصیلی اضافی و هزینه های تحصیل نیز می تواند مانع فرایند یادگیری زبان دوم شود. به طور کلی این مقاله با بررسی تاثیرات یادگیری زود هنگام زبان دوم می تواند راهگشای والدین و معلمان در آموزش زبان دوم به کودکان باشد. حصول درک جامع تری از تاثیر چند وجهی آموزش زبان دوم بر کودکان پیش دبستانی منجر به ارتقای موثر این آموزش ها می شود. چالش های این مسئله نظیر سردرگمی زبان، مشکلات تغییر کد، تاخیر در توسعه زبان اولیه، محدودیت های منابع آموزشی و ظرفیت معلمان باید توسط سیاست گذاران و مجریان آموزش با اقدامات و استراتژی های موثر برای تضمین کیفیت و پایداری آموزش زبان دوم مورد توجه قرار بگیرد.

واژه های کلیدی: آسیب شناسی، زبان دوم، زبان مادری، پیش دبستانی

بررسی روایی و پایایی بسته آموزش هوش معنوی

سحر احسانی^{۱*}، عباس شاهوردی^۲

۱- دکتری روانشناسی سلامت دانشگاه تهران Sahar.ehsani.72@ut.ac.ir

۲- (نویسنده مسئول) دانشجوی دکتری روانشناسی دانشگاه شهید چمران a-shahverdi@stu.scu.ac.ir

چکیده

هوش معنوی، ظرفیت دستیابی به معنای عمیق، آرمان‌های متعالی و آگاهی والا، پایه‌ای حیاتی برای تنظیم عاطفی کارآمد است پژوهش زیر با هدف اعتباریابی بسته آموزشی هوش معنوی انجام شد. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از شاخص روایی محتوا برای بررسی روایی محتوایی بر اساس نظرات متخصصین به شکل کمی استفاده گردید و سپس از دو ضریب نسبت روایی محتوا و CVI برای ارزیابی کمی روایی محتوا جلسه‌های درمان بر اساس نظرات متخصصین استفاده شد. در این پژوهش از نظر ۱۰ متخصص استفاده شد. نتایج نشان داد میزان شاخص روایی محتوا برای تمامی هدف‌ها ۰/۸ در بسته آموزشی و میزان نسبت روایی محتوا ۰/۸ به دست آمد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد بسته آموزشی هوش معنوی از روایی و پایایی قابل قبولی برخوردار بوده و درمانگران و مربیان می‌توانند علاوه بر روش‌های پیشین از این روش درمانی نیز استفاده نمایند.

واژه‌های کلیدی: روایی، پایایی، بسته آموزش هوش معنوی

پیش‌بینی سازگاری اجتماعی براساس سبک‌های مقابله با استرس و باورهای غیر منطقی در دانشجویان دانشگاه ارومیه

فرزانه میکائیلی منیع^۱، بهزاد ارژنگی^{۲*}

۱. دانشیار، گروه روانشناسی تربیتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران f.michaeli.manee@gmail.com

۲. نوبسنده مسئول، دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران behzadarjang40@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی سازگاری اجتماعی براساس سبک‌های مقابله با استرس و باورهای غیر منطقی انجام شد. در این مطالعه که از نوع توصیفی بود، ۲۸۰ نفر دانشجو (۱۴۱ دختر و ۱۳۹ پسر) از دانشجویان دانشگاه سراسری ارومیه با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. مقیاس سازگاری اجتماعی پل (واربا و همکاران، ۲۰۰۷)، آزمون سبک‌های مقابله‌ای اندلر و پارکر (راجر و همکاران، ۱۹۹۳) و پرسشنامه باورهای غیرمنطقی جونز (ذوالفقاری مطلق، ۱۳۷۷) برای سنجش متغیرها بکار رفتند و داده‌ها با بهره‌گیری از همبستگی گشتاوری پیرسون و رگرسیون سلسله مراتبی تحلیل گردیدند. نتایج مطالعه حاضر نشان دادند باورهای غیرمنطقی با سازگاری اجتماعی رابطه منفی داشته و مؤلفه‌های آن قادر به پیش‌بینی سازگاری هستند. همچنین از بین سبک‌های مقابله با استرس فقط سبک مقابله اجتنابی، سازگاری اجتماعی را پیش‌بینی می‌کند ($P < 0/01$). با توجه به نتایج حاصل می‌توان نتیجه گرفت تغییر باورهای غیرمنطقی به دانشجویان در تغییر رفتار و سازگاری اجتماعی بهتر کمک خواهد کرد.

واژه‌های کلیدی: سازگاری اجتماعی، سبک‌های مقابله با استرس، باورهای غیرمنطقی.

تحلیل مبانی، اصول و کاربرست های بازی وارسازی در آموزش مهارت های حل مسئله: یک مطالعه نظری

سحر کیانی^{۱*}، علیرضا محمدی خراسانی^۲

۱. کارشناسی ارشد مشاوره مدرسه، دانشگاه علامه طباطبائی / آموزش و پرورش، خراسان جنوبی. sahar3553@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد روان شناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اهواز / آموزش و پرورش، خوزستان. alireza.m_kh1999@yahoo.com

چکیده

اگرچه روش های متعددی برای آموزش حل مسئله ارائه شده است، اما بهره گیری از روش های نوین دیجیتال که با فناوری های امروزی پیوند خورده اند هنوز در آموزش رسمی جایگاه کافی ندارد. بازی وارسازی به عنوان یک رویکرد نوین در ر سانه های دیجیتال می تواند محیطی جذاب و انگیزشی برای آموزش مهارت های حل مسئله فراهم کند. هدف این پژوهش، بررسی مبانی نظری و اصول عملی بازی وارسازی و تبیین کاربردهای آن در آموزش مهارت های حل مسئله است. این مطالعه با رویکرد توصیفی-تحلیلی و بر اساس منابع کتابخانه ای انجام شد. جامعه پژوهش شامل متون و منابع علمی مرتبط با بازی وارسازی و آموزش حل مسئله بود که از طریق جستجوی سیستماتیک در پایگاه های داده معتبر انتخاب شدند. تحلیل داده ها با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی و تکنیک های کدگذاری و دسته بندی انجام شد. یافته ها نشان می دهد بازی وارسازی با اتکا بر مبانی روان شناسی رفتارگرا، محیط آموزشی جذاب و پویایی برای توسعه مهارت های حل مسئله ایجاد می کند. همچنین، بهره گیری از عناصر و مکانیزم های بازی های دیجیتال در برنامه های کاربردی غیربازی، یادگیرندگان را به مشارکت فعال و رفتارهای پایدار فردی و اجتماعی ترغیب می کند و می تواند کیفیت آموزش را بهبود بخشد. بر اساس نتایج، بازی وارسازی جایگاهی ارزشمند در پژوهش های آموزشی و فناوری محور کسب کرده و می تواند به عنوان راهکاری مؤثر برای ارتقای آموزش مهارت های حل مسئله مورد استفاده قرار گیرد. توصیه می شود مطالعات تجربی بیشتری برای ارزیابی تأثیر واقعی این رویکرد در محیط های آموزشی انجام شود تا کاربردهای عملی آن به صورت دقیق تر و گسترده تر شناسایی شود.

واژه های کلیدی: بازی وارسازی، یادگیری نوآورانه، حل مسئله، روان شناسی رفتاری، رویکرد دیجیتال

اثربخشی بازی درمانی بر مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان استثنایی

طاهره صبوری^{۱*}، میلاد سبزه آرای لنگرودی^۲، معصومه ملکی پیر بازاری^۳

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، موسسه آموزش عالی رحمان، رامسر، ایران. رایانامه: saboritahereh@gmail.com

۲. استادیار، گروه روانشناسی، موسسه آموزش عالی رحمان، رامسر، ایران: sabzehara@rahman.ac.ir

۳. استادیار، گروه روانشناسی، موسسه آموزش عالی رحمان، رامسر، ایران: maleki.m@rahman.ac.ir

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی اثربخشی بازی درمانی بر مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان استثنایی انجام شد. روش پژوهش از نوع نیمه آزمایشی با طرح پیش آزمون پس آزمون با گروه کنترل بود. جامعه پژوهش کودکان استثنایی شهر لاهیجان در سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۵ بود که به روش نمونه‌گیری هدفمند تعداد ۳۰ نفر از آنها به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شده و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش (۱۵ نفر) و کنترل (۱۵ نفر) قرار گرفتند. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه مهارت‌های اجتماعی ماتسون (MESSY؛ ماتسون و همکاران، ۱۹۸۳) بود که توسط والدین تکمیل شد. ابتدا از هر دو گروه آزمایش و کنترل، پیش‌آزمون به عمل آمد. سپس پروتکل بازی درمانی (بدای و همکاران، ۱۴۰۰) به مدت ده جلسه چهل و پنج دقیقه‌ای و به صورت هفتگی بر روی گروه آزمایش اجرا شد. در این مدت هیچ مداخله‌ای بر روی گروه کنترل انجام نشد. سپس از هر دو گروه پس‌آزمون به عمل آمد. داده‌ها با استفاده از تحلیل کوواریانس و با نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۳ تحلیل شدند. نتایج نشان داد که بازی درمانی به طور معناداری در افزایش مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان استثنایی اثربخش بوده است ($P < 0.05$). با توجه به این یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که خانواده‌ها، مدارس و سایر مراکز آموزشی می‌توانند از بازی درمانی جهت بهبود مهارت‌های اجتماعی کودکان استثنایی استفاده کنند.

واژه‌های کلیدی: بازی درمانی، کودکان استثنایی، مهارت‌های اجتماعی

تحلیل کیفی توصیفی تجربه یادگیری در محیط‌های آموزش ترکیبی و نو

پریسا مرادپور^{۱*}، مهدی محمودی^۲

۱. نویسنده مسئول: دانشجوی کارشناسی ارشد، تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران. رایانامه:

parisamoradpoor79@gmail.com

۲. استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران. رایانامه: Mahmodi86@gmail.com

چکیده

یادگیری ترکیبی به عنوان یکی از پارادایم‌های نوین آموزش در عصر تحول دیجیتال، ترکیبی هوشمندانه از تعاملات حضوری و مجازی است که می‌کوشد از مزایای هر دو شیوه برای ارتقای کیفیت یادگیری بهره‌برداری کند. تحقق اثربخشی این الگو مستلزم هم‌افزایی دقیق میان سه دسته عامل کلیدی است: عوامل ساختاری و محیطی مانند زیرساخت فنی، دسترسی پایدار به فناوری و حمایت نهادی؛ طراحی پداگوژیکی محتوا شامل ایجاد تعامل فعال، انعطاف‌پذیری در مسیر یادگیری و هم‌سویی اهداف آموزشی با نیازهای یادگیرندگان؛ و سازوکارهای سنجش و بازخورد که نقش تعیین‌کننده‌ای در پایداری انگیزش و تداوم فرآیند یاددهی-یادگیری دارد. تحلیل پژوهش‌ها نشان می‌دهد که پایداری محیط آموزشی و به‌کارگیری استراتژی‌های ترکیبی متنوع، شرط اساسی برای بهینه‌سازی برون‌دادهای آموزشی به شمار می‌رود. با این حال، موفقیت این مدل، وابستگی شدیدی به نظام ارزشیابی دارد؛ کمبود بازخورد الکترونیکی و تعامل مؤثر میان استاد و دانشجو از مهم‌ترین موانع پیشرفت محسوب می‌شود. در بُعد یادگیرنده نیز، مزیت برجسته یادگیری ترکیبی در تقویت خودتنظیمی، خودانگیزی و مسئولیت‌پذیری تحصیلی آشکار می‌گردد. بدین ترتیب، اثربخشی واقعی این رویکرد تنها از رهگذر مدیریت جامع، هماهنگی و یکپارچگی این سه محور اصلی محقق خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: یادگیری ترکیبی، طراحی آموزشی، ارزشیابی الکترونیکی، بازخورد، محیط یادگیری

کارکردهای اجرایی و خودتنظیمی: مروری بر مفاهیم مشترک و مسیرهای رشد و توسعه

فاطمه سلطانی^{۱*}، رضا رستمی^۲

۱. نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری روانشناسی شناختی، گروه علوم شناختی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه:

fatemehsoltani@ut.ac.ir

۲. استاد، گروه روان شناسی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: rrostami@ut.ac.ir

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی مفاهیم مشترک، تمایزات و مسیرهای رشد دو سازه‌ی بنیادی در روان‌شناسی رشد یعنی کارکردهای اجرایی و خودتنظیمی در کودکان است. این مطالعه با رویکرد مرور روایتی و جست‌وجو در پایگاه‌های علمی شامل PubMed، ResearchGate، ScienceDirect، Springer و Wiley Online Library انجام شد و مقالات منتشرشده بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۴ مورد بررسی قرار گرفتند. مرور منابع نشان داد که کارکردهای اجرایی شامل سه مؤلفه‌ی اصلی بازداری پاسخ، حافظه‌ی کاری و انعطاف‌پذیری شناختی هستند که به‌عنوان زیربنای تنظیم شناختی و رفتاری عمل می‌کنند. در مقابل، خودتنظیمی سازه‌ای جامع‌تر است که شامل تنظیم هیجانات، افکار و رفتار در جهت دستیابی به اهداف بلندمدت می‌شود. یافته‌ها نشان دادند که رشد این دو سازه، فرآیندی تدریجی و چندوجهی است که تحت تأثیر عوامل عصبی، ژنتیکی، محیطی و آموزشی قرار دارد. تعامل والد-کودک، وضعیت اقتصادی-اجتماعی، کیفیت آموزش و روابط معلم-دانش‌آموز از عوامل کلیدی مؤثر بر توسعه‌ی آن‌ها به‌شمار می‌روند. همچنین، مداخلات آموزشی، تمرین‌های ذهن‌آگاهی و فعالیت‌های مبتنی بر بازی در بهبود این مهارت‌ها مؤثر گزارش شده‌اند. نتایج بررسی نشان می‌دهد که تمایز مطلق میان کارکردهای اجرایی و خودتنظیمی از نظر نظری و عصبی دشوار است و مدل‌های یکپارچه‌ی رشدی می‌توانند در تبیین ارتباط متقابل و هم‌پوشانی این دو سازه مفید واقع شوند. این یافته‌ها بر اهمیت طراحی مداخلات چندسطحی و بومی‌سازی شده برای تقویت توانایی‌های اجرایی و خودتنظیمی در کودکان تأکید دارند.

واژه‌های کلیدی: خود تنظیمی، رشد کودک، کارکردهای اجرایی، مرور روایتی

پیش بینی تاب آوری و تصمیم گیری تکانشی براساس صفات شخصیت

مینا صفی^۱، عذرا محمد پناه اردکان^{۲*}^۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره مدرسه، دانشگاه اردکان، ایران. m79a13@gmail.com^{۲*}. دکترای روانشناسی، دانشیار، گروه روان شناسی، دانشگاه اردکان، ایران. azramohammadpanah@ardakan.ac.ir

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه پیش بینی تاب آوری و تصمیم گیری تکانشی بر اساس صفات شخصیت دانشجویان دانشگاه اردکان است. این مطالعه از منظر روش شناسی، توصیفی-همبستگی بوده و جامعه آماری این پژوهش ۱۰۰ نفر از دانشجویان بودند که به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. پرسشنامه سنجش صفات پنجگانه شخصیتی (NEO) مک کری و کاستا (۱۹۸۵) و پرسشنامه تکانشگری بارت و همکاران (۱۹۹۵) و مقیاس تاب آوری کونور و دیویدسون (۲۰۰۳) برای بررسی متغیرهای پژوهش استفاده شد. داده های پژوهش با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون خطی مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت. نتایج حاصل از همبستگی پیرسون نشان داد که صفات شخصیتی به طور معنی داری تاب آوری را در دانشجویان پیش بینی می کنند. همچنین صفات شخصیتی به طور معنی داری تصمیم گیری تکانشی را در دانشجویان پیش بینی می کنند. بین تاب آوری، تصمیم گیری تکانشی و صفات شخصیتی در سطح ۵٪ رابطه معنا داری وجود دارد.

واژگان کلیدی: تاب آوری، تصمیم گیری تکانشی، صفات شخصیتی.

پیش بینی رفتارهای پرخطر جنسی بر اساس عزت نفس، افسردگی، تکانشگری، حمایت اجتماعی ادراک شده و وضعیت اجتماعی ذهنی

فرزانه میکائیلی منیع^۱، بهزاد ارژنگی^{۲*}

۱. دانشیار، گروه روانشناسی تربیتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران f.michaeli.manee@gmail.com

۲. نوبسنده مسئول، دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران behzadarjang40@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی قدرت متغیرهای روانشناختی افسردگی، عزت نفس و تکانشگری و متغیرهای اجتماعی حمایت اجتماعی ادراک شده و وضعیت اقتصادی-اجتماعی ذهنی در پیش بینی رفتارهای پرخطر جنسی می باشد. روش این پژوهش توصیفی از نوع همبستگی است. برای دستیابی به هدف از بین افراد مراجعه کننده به مرکز مبارزه با بیماری های رفتاری شهر ارومیه طی شش سال اخیر به شیوه نمونه گیری در دسترس نمونه ای ۸۰ نفری انتخاب شد. آزمون های عزت نفس روزنبرگ، مقیاس محقق ساخته سنجش رفتارهای پرخطر جنسی، آزمون افسردگی بک، مقیاس تکانشگری بارات، مقیاس حمایت اجتماعی ادراک شده زیمت و پرسشنامه محقق ساخته وضعیت اجتماعی ذهنی استفاده شد. جهت تحلیل نتایج رگرسیون گام به گام بکار رفت. نتایج حاصل نشان دادند تمام متغیرها نقش معنی داری در پیش بینی رفتارهای پرخطر جنسی دارند. از بین متغیرهای پیش بین مورد مطالعه افسردگی بیشترین قدرت را برای پیش بینی رفتارهای پرخطر جنسی داشته و پس از آن به ترتیب عزت نفس، حمایت اجتماعی ادراک شده و وضعیت اجتماعی ذهنی می توانستند بخش مهمی از واریانس رفتارهای پرخطر را پیش بینی نمایند ($R^2 = 0.57$). بر اساس یافته های بدست آمده می توان نتیجه گرفت عوامل روانشناختی مشکل در تنظیم هیجان های مثبت و منفی، نداشتن درک مناسب از زمان آینده و تمرکز بر لذت های زمان حال، احساس افسردگی و عزت نفس پایین در گرایش فرد به رفتارهای پرخطر جنسی مؤثر است.

واژه های کلیدی: رفتارهای پرخطر جنسی، عزت نفس، افسردگی، تکانشگری، حمایت اجتماعی ادراک شده، وضعیت اجتماعی ذهنی

بررسی نقش سبک‌های دلبستگی در پیش‌بینی خودشفقت‌ورزی

فاطمه آزادی ده‌بیدی^{۱*}

۱. استادیار، گروه روان‌شناسی، مرکز آموزش عالی اقلید، اقلید، ایران. رایانامه: f.azadi@eghlid.ac.ir

چکیده

در دنیای امروز، خود شفقت‌ورزی به عنوان یک عامل کلیدی در بهبود سلامت روان شناخته شده است و شناخت عواملی که بر آن تأثیر می‌گذارند می‌تواند راه‌کارهایی برای ارتقای بهزیستی روان‌شناختی در افراد فراهم کند. از این رو، هدف پژوهش حاضر، پیش‌بینی خود شفقت‌ورزی بر اساس سبک‌های دلبستگی بود. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی و جامعه آماری شامل دانشجویان دانشگاه شیراز بود. به این منظور ۲۰۰ دانشجوی مقطع کارشناسی دانشگاه شیراز (۹۶ پسر و ۱۰۴ دختر) با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند و مقیاس‌های سبک‌های دلبستگی هازن و شیور (۱۹۸۷) و خود شفقت‌ورزی نف (۲۰۰۳) را تکمیل نمودند. پایایی ابزارها به وسیله‌ی ضریب آلفای کرونباخ و روایی آن‌ها به وسیله تحلیل عامل تاییدی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاکی از روایی و پایایی قابل قبول ابزارها بود. داده‌ها با استفاده از روش همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه همزمان تحلیل شد و نتایج نشان داد که سبک دلبستگی دو سوگرا پیش‌بینی‌کننده‌ی منفی و معنی‌دار خودشفقت‌ورزی بود.

واژه‌های کلیدی: خود شفقت‌ورزی، سبک‌های دلبستگی، سبک دلبستگی دوسوگرا.

شناسایی تجربیات نوجوانان ایرانی در استفاده از رسانه‌های اجتماعی: یک مطالعه کیفی

عارفه سعید^{۱*}

*۱. نویسنده مسئول، دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره مدرسه، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. رایانامه: arefehsaaeeda@gmail.com

چکیده

امروزه، رسانه‌های اجتماعی نفوذ گسترده‌ای در زندگی نوجوانان ایرانی پیدا کرده‌اند. براین اساس پژوهش حاضر با هدف شناسایی تجربیات نوجوانان ایرانی در استفاده از رسانه‌های اجتماعی انجام شد. این پژوهش کیفی با استفاده از رویکرد تحلیل مضمونی (تماتیک) انجام شد. جمعیت مورد مطالعه پژوهش را مشارکت‌کنندگان پژوهش که نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ ساله استفاده‌کننده از شبکه‌های اجتماعی و دارای ملاک‌های ورود به پژوهش بودند، تشکیل دادند. مشارکت‌کنندگان بر مبنای منطق نمونه‌گیری هدفمند و براساس ملاک‌های شرکت در پژوهش انتخاب شدند. فرایند نمونه‌گیری تا حصول اشباع نظری ادامه یافت و در نهایت ۱۲ مشارکت‌کننده از طریق مصاحبه نیمه ساختاریافته مورد مطالعه قرار گرفتند. تحلیل مضمونی اطلاعات منجر به شناسایی ۵ مضمون فرعی احساس اتصال، حضور ۲۴ ساعته، ابراز خود، قلدری سایبری، ترن هوایی هیجانی و یک مضمون اصلی و ۱۵ مفهوم اولیه شد. نتایج پژوهش نشان داد رسانه‌های اجتماعی همزمان دارای پیامدهای مثبت و منفی برای نوجوانان هستند و نوجوانان ضمن بهره‌مندی از فرصت‌هایی چون تقویت روابط دوستانه و ابراز هویت، با چالش‌هایی چون اضطراب، مقایسه اجتماعی و کاهش عزت‌نفس نیز مواجه‌اند. بنابراین، مداخلات حمایتی برای نوجوانان در زمینه آموزش و پرورش و خانواده اهمیت بیشتری دارد.

واژه‌های کلیدی: تحلیل مضمون، رسانه‌های اجتماعی، سلامت روان، نوجوانان

بررسی رابطه بین احساس تنهایی و اعتیاد به اینترنت با سلامت روان

علی قاسمخانی^{۱*}، شیدا سمومی^۲

*۱. نویسنده مسئول، کارشناس ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران. alighasemkh94@gmail.com

۲. کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران. Sheyda.samomi@gmail.com

چکیده

سلامت روان، نقش مهمی در تضمین پویایی و کارآمدی هر جامعه ایفا می کند؛ به طوری که یکی از محورهای ارزیابی سلامتی جوامع مختلف، بهداشت روان آن جامعه است. هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه احساس تنهایی و اعتیاد به اینترنت با سلامت روان در دانشجویان می باشد. در راستای دستیابی به این هدف، ۷۴ نفر از دانشجویان دانشگاه آزاد اهواز به صورت نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند و به پرسشنامه های احساس تنهایی راسل، اعتیاد به اینترنت یانگ و سلامت روان گلدبرگ پاسخ دادند. پژوهش حاضر از نوع همبستگی می باشد. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون همزمان استفاده شد. نتایج حاکی از آن بود که بین احساس تنهایی و اعتیاد به اینترنت با سلامت روان رابطه معناداری وجود دارد و احساس تنهایی و اعتیاد به اینترنت، سلامت روان را پیش بینی می کنند. بر اساس نتایج حاصل از آزمون همبستگی پیرسون، رابطه مثبت معناداری بین احساس تنهایی و اعتیاد به اینترنت با سلامت روان وجود دارد؛ همچنین نتایج حاصل از رگرسیون همزمان نشان داد که این دو متغیر می توانند سلامت روان را تبیین و پیش بینی کنند ($p < 0/001$).

واژگان کلیدی: اعتیاد به اینترنت، احساس تنهایی، دانشجویان، سلامت روان

بررسی رابطه تکنواسترس با سایبرلوفینگ: نقش میانجی خستگی شغلی

مهدی منصوری^۱، هاجر براتی^{۲*}

۱. دانشجوی کارشناسی روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. رایانامه: Mahdimansouripsy@gmail.com

۲. نویسنده مسئول، استادیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. رایانامه: H.barati@edu.ui.ac.ir

چکیده

رشد سریع فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات در محیط‌های کاری، فشارهای روانی تازه‌ای را بر کارکنان ایجاد کرده و پدیده تکنواسترس را به یکی از چالش‌های مهم سازمانی تبدیل کرده است. این فشارها می‌توانند منابع هیجانی کارکنان را تضعیف کرده و زمینه بروز رفتارهای کم‌سازگار را فراهم کنند. هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه تکنواسترس و سایبرلوفینگ با تأکید بر نقش خستگی هیجانی (بعد محوری خستگی شغلی) در میان کارکنان سازمانی بود. پژوهش به صورت توصیفی-همبستگی و در چارچوب مدل‌یابی معادلات ساختاری اجرا شد. جامعه آماری کارکنان یک شرکت صنعتی بودند و ۲۰۰ نفر به روش در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه تکنواسترس تارافدار و همکاران (۲۰۰۷)، پرسشنامه سایبرلوفینگ لیم (۲۰۰۲) و زیرمقیاس خستگی هیجانی پرسشنامه فرسودگی شغلی ماسلاچ و جکسون (۱۹۸۱) بود. نتایج نشان داد تکنواسترس موجب افزایش خستگی هیجانی می‌شود و خستگی هیجانی نیز احتمال بروز رفتار سایبرلوفینگ را تقویت می‌کند. اثر مستقیم تکنواسترس بر سایبرلوفینگ نیز تأیید شد و نقش میانجی خستگی هیجانی در این ارتباط مشاهده گردید. این یافته‌ها بیانگر آن است که تکنواسترسورها از طریق تضعیف منابع هیجانی و نیز از مسیرهای مستقیم بر رفتار کارکنان اثر گذارند. از نظر کاربردی، مدیریت منابع فناورانه، کاهش عوامل ایجادکننده تکنواسترس، تقویت آموزش و حمایت روان‌شناختی می‌تواند پیامدهای ناشی از تکنواسترس را کاهش دهد.

واژه‌های کلیدی: تکنواسترس، خستگی شغلی، خستگی هیجانی، سایبرلوفینگ، مدل‌یابی معادلات ساختاری

اثربخشی برنامه توانبخشی شناختی رایانه‌ای «آرام» بر بهبود ادراک دیداری-فضایی و حافظه فعال در دانش آموزان دارای اختلال یادگیری خاص

حیدر شیرزادی^۱، محبوبه حجتی^۲*

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف آباد، نجف آباد، ایران. رایانامه: heidar.shirzadi@iau.ir

۲. نویسنده مسئول، استادیار، گروه روانشناسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران. رایانامه: mahbobe.hojjati@iau.ir

چکیده

اختلال یادگیری خاص از جمله مشکلات شایع دوران تحصیل است که می‌تواند به‌طور چشمگیری بر کارکردهای شناختی و روند پیشرفت آموزشی کودکان تأثیر منفی بگذارد. پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی مداخله مبتنی بر توانبخشی شناختی رایانه‌ای (آرام) بر بهبود ادراک دیداری-فضایی و حافظه فعال در دانش آموزان دارای اختلال یادگیری خاص انجام شد. این مطالعه نیمه‌تجربی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون همراه با گروه کنترل اجرا گردید. جامعه آماری شامل کلیه دانش آموزان پسر ۹ تا ۱۰ ساله مبتلا به اختلال یادگیری خاص بود که در نیمه دوم سال ۱۴۰۳ به مرکز مشاوره کودک و نوجوان درخشان شهرستان نجف‌آباد مراجعه کرده بودند. از میان آن‌ها ۳۰ نفر به روش نمونه‌گیری هدفمند و با توجه به ملاک‌های ورود انتخاب و به‌طور تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل (هر گروه ۱۵ نفر) گمارده شدند. پس از ریزش نمونه، تحلیل نهایی روی ۲۷ نفر انجام شد. ابزار پژوهش شامل خرده‌مقیاس‌های مرتبط از نسخه پنجم مقیاس هوش و کسیر کودکان بود: خرده‌مقیاس‌های طرح مکعب‌ها و معماهای بصری جهت سنجش ادراک دیداری-فضایی و خرده‌مقیاس‌های فراخوانی ارقام و فراخوانی تصویر جهت سنجش حافظه فعال. گروه آزمایش طی ۱۲ جلسه ۴۵ دقیقه‌ای (سه جلسه در هفته) به‌صورت انفرادی مداخله توانبخشی شناختی رایانه‌ای آرام را دریافت کردند؛ در حالی که گروه کنترل هیچ مداخله‌ای دریافت نکرد. داده‌ها با بهره‌گیری از روش‌های تحلیل کوواریانس چندمتغیری و تک‌متغیری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج تحلیل کوواریانس چندمتغیری نشان داد که پس از کنترل نمرات پیش‌آزمون، اثر گروه بر ادراک دیداری-فضایی و حافظه فعال معنادار بود ($p < 0.001$). همچنین نتایج تحلیل تک‌متغیری نشان داد اثر گروه بر فراخوانی ارقام رو به جلو، فراخوانی ارقام رو به عقب، فراخوانی ارقام توالی، فراخوانی تصویر، طرح مکعب‌ها و معماهای بصری نیز معنادار بود ($p < 0.001$). این یافته‌ها بیانگر تأثیر مثبت و معنادار مداخله بر بهبود هر دو حوزه اصلی بودند. بر اساس نتایج، می‌توان استنباط کرد که توانبخشی شناختی رایانه‌ای آرام به‌طور مؤثری می‌تواند موجب بهبود ادراک دیداری-فضایی و حافظه فعال در دانش آموزان مبتلا به اختلال یادگیری خاص شود. بنابراین، کاربرد این رویکرد در مدارس و مراکز آموزشی توصیه می‌شود.

واژه‌های کلیدی: توانبخشی شناختی رایانه‌ای (آرام)، ادراک دیداری-فضایی، حافظه فعال، اختلال یادگیری خاص.

مدل معادلات ساختاری انگیزش تحصیلی بر اساس احساس بی کفایتی و کمال گرایی ناسالم با میانجیگری خودشفقت‌ورزی

الهه مهدی^{۱*}، اصغر میرمحرابی^۲، سعیده لرستانی^۳، سمانه قدسی^۴

۱. کارشناسی ارشد روان‌شناسی شخصیت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

رایانامه: mhdstat2021@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد روان‌شناسی شخصیت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

رایانامه: asgharmirmehrabi.official@yahoo.com

۳. کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: saeideh6483@gmail.com

۴. کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، البرز، ایران.

رایانامه: gh.samaneh1363@gmail.com

چکیده

آموزش و پرورش در عصر حاضر یکی از بنیادی‌ترین نیازهای جوامع به شمار می‌رود و انگیزش تحصیلی آموزان، از مهم‌ترین دغدغه‌های نظام آموزشی محسوب می‌شود؛ چراکه پائین بودن سطح انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان، موجب هدر رفتن منابع فراوانی در سیستم آموزشی می‌شود. به منظور کاهش خسارات ناشی از کاهش انگیزه تحصیلی و شناسایی عوامل مؤثر بر آن، پژوهش حاضر با هدف «ارائه مدل ساختاری انگیزش تحصیلی بر اساس احساس بی کفایتی و کمال‌گرایی ناسالم با میانجیگری خودشفقت‌ورزی» اجرا شد. پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت داده‌ها، کمی و از نظر چگونگی گردآوری اطلاعات پیمایشی بود که بصورت مقطعی و به روش توصیفی با طرح همبستگی مبتنی بر مدل‌سازی معادلات ساختاری اجرا شد. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل تمام دانش‌آموزان دختر مدارس متوسطه دوم شهر تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۵-۱۴۰۴ بودند. حجم نمونه ۴۸۰ نفر تعیین و نمونه‌گیری به روش دردسترس اجرا شد. ابزار گردآوری داده‌ها، مقیاس‌های انگیزش تحصیلی (والراند و همکاران، ۱۹۹۲)، کمال‌گرایی (هیل و همکاران، ۲۰۰۴)، طرحواره‌های ناسازگار اولیه (یونگ، ۱۹۹۴) و خودشفقت‌ورزی (نف، ۲۰۰۳) بود. شاخص‌های نیکویی برازش نشان داد که الگوی تدوین شده از قدرت برازش مناسبی با داده‌های تجربی برخوردار بود ($GOF=0/674$). تأثیر مستقیم و غیرمستقیم احساس بی کفایتی و کمال‌گرایی ناسالم با میانجیگری جزئی خودشفقت‌ورزی بر انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان تأیید شد ($P<0/05$). کمال‌گرایی ناسالم ($\beta=-0/749$)، احساس بی کفایتی ($\beta=-0/649$) و خودشفقت‌ورزی ($\beta=0/552$) به ترتیب بیشترین تأثیر را بر انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان داشتند. بر این اساس، برای ارتقاء انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان، می‌توان از روش‌ها و راهکارهای متنوع و مؤثری استفاده کرد که در این راستا فراهم‌آوری امکان خودشفقت‌ورزی بیشتر و به تبع آن کاهش احساس بی کفایتی و کمال‌گرایی ناسالم روشی مؤثر خواهد بود.

واژه‌های کلیدی: انگیزش تحصیلی، احساس بی کفایتی، کمال‌گرایی ناسالم، خودشفقت‌ورزی.

رابطه سبک‌های دلبستگی و بهزیستی روانشناختی با عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان: یک مطالعه مروری

پرهام سهیلی^{۱*}

۱. کارشناس ارشد روانشناسی شخصیت، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

رایانامه: p.soeili.248115@gmail.com

چکیده

عملکرد تحصیلی تنها به عوامل شناختی وابسته نیست، بلکه متغیرهای عاطفی، شخصیتی و اجتماعی، به‌ویژه الگوهای دلبستگی و سلامت روان در شکل‌گیری آن نقش اساسی دارند. هدف از پژوهش حاضر، بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و بهزیستی روانشناختی با عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان بود. تحقیق حاضر از نوع مطالعات کیفی و به صورت بررسی مروری بود. جامعه آماری این تحقیق شامل تمامی پژوهش‌های علمی منتشرشده در حوزه عملکرد تحصیلی، بهزیستی روانشناختی و سبک‌های دلبستگی بود که در پایگاه‌های معتبر علمی انتشار یافته بودند. نمونه پژوهش شامل مطالعاتی بود که بر اساس معیارهای ورود و خروج انتخاب شدند که شامل ۱۴ مطالعه خارجی و ۹ مطالعه داخلی بود. یافته‌های حاصل از مرور پژوهش‌ها نشان داد که سبک دلبستگی ایمن با سطوح بالاتر عملکرد تحصیلی مطلوب‌تر رابطه مثبت دارد. دانش‌آموزان دارای دلبستگی ایمن از تنظیم هیجان بهتر، روابط اجتماعی سازنده‌تر، انگیزه پیشرفت بالاتر و احساس توانمندی بیشتری برخوردارند که این عوامل به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر موفقیت تحصیلی آنان اثر می‌گذارد. در مقابل، سبک‌های دلبستگی ناایمن معمولاً با اضطراب بالاتر، خودپنداره پایین‌تر، روابط اجتماعی ضعیف‌تر و اختلال در تنظیم هیجان همراه هستند که این عوامل باعث افت عملکرد تحصیلی می‌شوند. از طرفی بهزیستی روانشناختی نیز از طریق عواملی مانند رشد شخصی، تسلط بر محیط، هدفمندی در زندگی و پذیرش خود می‌تواند نقشی مؤثر در عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان داشته باشد. بر این اساس می‌توان چنین نتیجه گرفت که پرداختن به کیفیت روابط عاطفی اولیه و سلامت روان دانش‌آموزان باید یکی از اولویت‌های برنامه‌ریزی آموزشی و مشاوره‌ای در مدارس باشد.

واژه‌های کلیدی: عملکرد تحصیلی، سبک‌های دلبستگی، بهزیستی روانشناختی، دانش‌آموزان، مطالعات مروری

مرور مطالعات در زمینه تأثیر بازی‌های آموزشی دیجیتال بر رشد مهارت‌های ارتباطی و کاهش مشکلات رفتاری دانش‌آموزان ابتدایی

هدی علوانی^۱، مژگان علی محمدی^۲

۱. هدی علوانی، دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان پردیس فاطمه الزهرا (س) - واحد اروند، آبادان، ایران

رایانامه: hudaalvani99@gmail.com

۲. مدرس دانشگاه فرهنگیان، اداره آموزش و پرورش آبادان، ایران. رایانامه: mozhganalimohammadi6@gmail.com

چکیده

این مطالعه مروری نظام‌مند با هدف ارزیابی تأثیر بازی‌های آموزشی دیجیتال بر رشد مهارت‌های ارتباطی و کاهش مشکلات رفتاری در دانش‌آموزان دوره ابتدایی انجام گرفت. پس از جستجوی جامع در پایگاه‌های علمی معتبر، بیست پژوهش مرتبط انتخاب و مورد تحلیل عمیق قرار گرفت. یافته‌ها به روشنی حاکی از آن بود که استفاده از این بازی‌ها، با خلق فضایی ایمن و شبیه‌سازی موقعیت‌های تعاملی اجتماعی، به طور معناداری موجب ارتقای کیفیت تعاملات کلامی و غیرکلامی و همچنین کاستن از رفتارهای نامناسب و پرخاشگرانه در کلاس درس می‌شود. شواهد نشان داد که اثربخشی این ابزارها یکسان نیست؛ بازی‌های از نوع نقش‌آفرینی برای تقویت مهارت‌های پیچیده‌ای مانند همدلی و حل مسأله اجتماعی مناسب‌ترند، در حالی که بازی‌های تمرینی تکراری برای تثبیت مهارت‌های پایه‌ای مانند تشخیص هیجانات نتایج بهتری دارند. همچنین عواملی چون سن، جنسیت و سبک یادگیری هر کودک به عنوان متغیرهایی تأثیرگذار شناسایی شدند که می‌بایست در طراحی و اجرای مداخلات در نظر گرفته شوند. برای نیل به بیشترین بازده، بومی‌سازی محتوای بازی‌ها، توانمندسازی معلمان و فراهم آوردن زیرساخت‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری لازم، گام‌هایی اساسی به شمار می‌آیند. در صورت مهیا شدن این الزامات، بازی‌های دیجیتال آموزشی می‌توانند به عنوان یک راهبرد مکمل کارآمد، در خدمت اهداف تربیتی و آموزشی مدارس قرار گیرند.

واژه‌های کلیدی: بازی آموزشی دیجیتال، مهارت‌های ارتباطی، مشکلات رفتاری، دانش‌آموزان ابتدایی، مداخله بهنگام

کاهش بار شناختی با استعاره‌های طبیعت: از قلعه موریانه‌ها تا لانه پرنده کوکو

شاهین قصیری^۱، زلفا حق‌گویان^۲*

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد کارآفرینی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران. رایانامه: shahin.ghoseiri@gmail.com

۲. نویسنده مسئول، استادیار، دانشکده مهندسی پیشرفت، اقتصاد و مدیریت، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران. رایانامه:

zolfaghaghooyan@yahoo.com

چکیده

پیچیدگی ذاتی و انتزاعی بودن نظریه‌های سازمان و مدیریت، همواره چالش بزرگی در فرایند آموزش و یادگیری عمیق دانشجویان بوده است که منجر به افزایش بار شناختی و کاهش بهزیستی تحصیلی می‌گردد. هدف این پژوهش، ارائه یک چارچوب آموزشی نوین مبتنی بر نظریه یادگیری چندرسانه‌ای و استعاره‌پردازی بصری برای تبیین چهار پارادایم اصلی مدیریت (کلاسیک، مدرن، نمادین-تفسیری و پست‌مدرن) است. روش پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی است که با بهره‌گیری از استراتژی استعاره‌پردازی مورگان و اصول کاهش بار شناختی مایر و مورنو، به خلق و تحلیل تصاویر استعاری بدیع پرداخته است. در این پژوهش، برای نخستین بار از استعاره‌های طبیعت شامل قلعه موریانه‌ها برای پارادایم کلاسیک و محیط ثابت، تار عنکبوت برای پارادایم مدرن و سیستم باز، قلمرو گرگ‌ها برای پارادایم نمادین و وضع واقعیت و لانه پرنده کوکو برای پارادایم پست‌مدرن و فراواقعیت به عنوان ابزارهای شناختی استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که استفاده از تصاویر غنی در کنار تبیین‌های متنی، با فعال‌سازی همزمان کانال‌های دیداری و شنیداری، ظرفیت پردازش ذهنی را افزایش داده و درک مفاهیم پیچیده‌ای همچون هستی‌شناسی (عینی در برابر ذهنی) و شناخت‌شناسی (اثبات‌گرایی در برابر تفسیرگرایی) را تسهیل می‌کند. نتیجه‌گیری می‌شود که گذار از آموزش صرفاً متنی به آموزش مبتنی بر استعاره‌های بصری، نه تنها یک نوآوری آموزشی است، بلکه با کاهش اضطراب ناشی از ابهام، به ارتقای کیفیت یادگیری و بهزیستی روانشناختی در محیط‌های آکادمیک کمک شایانی می‌نماید.

واژه‌های کلیدی: آموزش نوین، استعاره‌های بصری، استعاره‌های طبیعت، بار شناختی، پارادایم‌های مدیریت

ارائه مدل پیش‌بینی خلاقیت بر اساس هوش هیجانی و عزت‌نفس با میانجی‌گری مهارت ارتباط موثر

بهرروز قلائی^۱، میعاد مرادی^{۲*}

۱. استادیار، گروه آموزشی روان‌شناسی، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران. رایانامه: b.ghalaei@basu.ac.ir

۲. میعاد مرادی، دانشجوی کارشناسی روان‌شناسی، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا همدان، ایران. رایانامه:

miadmoradi934@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر ارائه مدل پیش‌بینی خلاقیت بر اساس هوش هیجانی و عزت‌نفس با میانجی‌گری مهارت ارتباط موثر دانشجویان می‌باشد. طرح پژوهش توصیفی، و به شیوه مدل‌یابی معادلات ساختاری است. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان، (۴) دانشگاه سطح شهر همدان شامل دانشگاه‌های بوعلی سینا، دانشگاه آزاد، پیام نور و علمی-کاربردی می‌باشد. با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای تعداد ۴۸۰ نفر (۳۸۸ زن و ۹۲ مرد) به عنوان نمونه جهت شرکت در این پژوهش با روش در دسترس انتخاب شدند و پرسشنامه‌های خلاقیت (عابدی، ۱۳۶۸) - هوش هیجانی (باران، ۱۹۸۵) - عزت‌نفس (روزنبرگ، ۱۹۶۵) - مهارت ارتباط موثر (جمعی از پژوهشگران، ۱۳۹۰) را تکمیل کردند. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از مدل‌یابی معادلات ساختاری به کمک نرم افزارهای SPSS نسخه ۲۷ و Lisrel نسخه ۸٫۸ نیز جهت بررسی فرضیه‌ها استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که مدل‌یابی روابط ساختاری هوش هیجانی و عزت‌نفس بر خلاقیت با نقش میانجی مهارت ارتباط موثر برازش دارد. هوش هیجانی با عزت‌نفس ($0/31$)، با مهارت ارتباط موثر ($0/51$) و خلاقیت ($0/35$) رابطه مثبت و معناداری دارد. عزت‌نفس با مهارت ارتباط موثر ($0/58$) و خلاقیت ($0/32$)، رابطه مثبت و معناداری دارد. بین مهارت ارتباط موثر و خلاقیت ($0/39$) رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: خلاقیت، هوش هیجانی، عزت‌نفس، مهارت ارتباط موثر، دانشجویان شهر همدان

اثربخشی درمان مبتنی بر شفقت در کاهش اضطراب و افسردگی فرزندان طلاق

حمیده رحمتی^۱، عذرا محمدپناه اردکان^{۲*}، فاطمه بهجتی اردکانی^۳، عاطفه رحیم نژاد^۴

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره مدرسه، دانشگاه اردکان، اردکان، ایران. رایانامه: hamidehrahmati2007@gmail.com

۲. دکترای روانشناسی، دانشگاه اردکان، اردکان، ایران. رایانامه: azramohammadpanah@ardakan.ac.ir

۳. دکترای علوم تربیتی، دانشگاه اردکان، اردکان، ایران. رایانامه: behjati@ardakan.ac.ir

۴. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه اردکان، اردکان، ایران. رایانامه: Atefehrahimn81@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی درمان مبتنی بر شفقت در کاهش اضطراب و افسردگی فرزندان طلاق انجام شد. مطالعه حاضر از لحاظ روش نیمه آزمایشی و از نظر هدف کاربردی است و در زمره طرح‌های پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه گواه قرار دارد. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل تمامی دانش‌آموزان دختر فرزند طلاق مقطع متوسطه اول ناحیه ۳ آموزش و پرورش شهر اصفهان در سال تحصیلی ۱۳۹۸-۱۳۹۹ می‌باشد. نمونه‌گیری به روش نمونه‌گیری در دسترس انجام شده و شامل ۳۰ دانش‌آموز است که به صورت تصادفی در دو گروه ۱۵ نفری به گروه‌های آزمایشی و گواه منصوب شدند. جهت گردآوری اطلاعات در این پژوهش از پرسشنامه اضطراب زانک (S.A.S) و افسردگی بک (CDS-A) استفاده شد. برنامه اجرایی به مدت هشت جلسه آموزش گروهی ۹۰ دقیقه‌ای برای گروه آزمایش اجرا شد، اما گروه گواه، آموزشی دریافت نکرد. جهت تحلیل داده‌ها از تحلیل کوواریانس چندمتغیره و نرم افزار SPSS-24 استفاده شد. نتایج نشان‌دهنده وجود تفاوت معنادار در گروه آزمایش و گواه در مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون بود. بر اساس این یافته‌ها درمان مبتنی بر شفقت در بهبود علائم اضطراب و افسردگی فرزندان طلاق اثرگذار است. این یافته‌ها تلویحات مهمی در زمینه آموزش و ارتقای بهداشت روانی فرزندان طلاق ارائه می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: اضطراب، افسردگی، شفقت‌درمانی، فرزندان طلاق

اثربخشی آموزش ذهن آگاهی بر ناگویی هیجانی در دانش آموزان

محمد حسن سرافرازی^۱، آزاده چوب فروش زاده^{۲*}، عذرا محمد پناه^۳

^۱. کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه اردکان، ایران. رایانامه: mh.sarafrazi78@gmail.com

^{۲*}. نویسنده مسئول: دانشیار گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه اردکان، ایران. رایانامه: azadechoobforoush@ardakan.ac.ir

^۳. دانشیار گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه اردکان، ایران. رایانامه: azramohammadpanah@ardakan.ac.

چکیده

آموزش ذهن آگاهی می تواند ابزاری مؤثر برای کمک به دانش آموزان در جهت ارتقاء خودکنترلی و افزایش آگاهی از رفتارها باشد. پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی آموزش ذهن آگاهی بر کاهش سطوح ناگویی هیجانی در میان دانش آموزان دختر مقطع متوسطه اول انجام شد. روش پژوهش نیمه آزمایشی (پیش آزمون - پس آزمون با گروه کنترل) و از نوع کاربردی است. جامعه آماری شامل کلیه دانش آموزان دختر متوسطه اول (۱۴۰۳-۱۴۰۴) در شهر اردکان بود که به روش نمونه گیری غیر تصادفی در دسترس تعداد ۳۰ نفر به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل گمارده شدند. داده ها با استفاده از پرسشنامه ناگویی هیجانی تورنتو (TAS-20) و آزمون تحلیل کوواریانس تک متغیره تحلیل شد. نتایج به دست آمده حاکی از آن بود که آموزش ذهن آگاهی موجب کاهش معنادار در سطوح ناگویی هیجانی در گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل شده است ($P < 0.05$). بنابراین، می توان نتیجه گرفت که ذهن آگاهی به عنوان یک رویکرد کارآمد می تواند در کاهش مشکلات هیجانی در میان نوجوانان مؤثر واقع شود. یافته های این پژوهش قابلیت کاربرد در تدوین برنامه های آموزشی و مداخلات روان شناختی در مدارس و مراکز مشاوره را دارا می باشد.

کلمات کلیدی: "ذهن آگاهی"، "ناگویی هیجانی"

تأثیر رسانه‌های اجتماعی بر سلامت روان نوجوانان و جوانان: یک مرور نظام‌مند

فاطمه راهی زاده^{۱*}، مبینا رضایی پور^۲، رویا کیانی پور^۳، زهرا کرم زاده^۴

۱. دانشجوی کارشناسی روانشناسی، دانشگاه آزاد خرم آباد، خرم آباد، ایران. fatemeh.raee1403@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی روانشناسی، دانشگاه آزاد خرم آباد، خرم آباد، ایران. mbynardayy63@gmail.com

۳. دانشجوی کارشناسی روانشناسی، دانشگاه آزاد خرم آباد، خرم آباد، ایران. Royakianipour@gmail.com

۴. دانشجوی کارشناسی روانشناسی، دانشگاه آزاد خرم آباد، خرم آباد، ایران. Rahaa18204@gmail.com

چکیده

نوجوانان به طور فزاینده‌ای زندگی خود را بدون شبکه‌های اجتماعی دشوار می‌یابند. متخصصان نیاز دارند که بتوانند ریسک‌ها را ارزیابی کنند و ممکن است شبکه‌های اجتماعی مؤلفه جدیدی در نظر گرفته باشند. اگرچه شواهد تجربی محدودی برای حمایت از این ادعا وجود دارد، اما درک ارتباط بین شبکه‌های اجتماعی و سلامت روان به شدت تحت تأثیر دیدگاه‌های نوجوانان و متخصصان است. نگرانی‌های مربوط به حریم خصوصی، قدرت سایبری و اثرات بد بر تحصیل و سلامت روان، همگی خطرات مرتبط با استفاده این جمعیت از شبکه‌های اجتماعی هستند. با این حال، استفاده اخلاقی از شبکه‌های اجتماعی می‌تواند فرصت‌هایی برای ارتباط و گفتگو را گسترش دهد، همچنین اعتماد به نفس را افزایش دهد، سلامت را ترویج کند و دسترسی به اطلاعات پزشکی حیاتی را فراهم آورد. با وجود شواهد فزاینده‌ای از اثرات منفی شبکه‌های اجتماعی بر سلامت روان نوجوانان، هنوز هم کمبود تحقیقات تجربی در مورد نحوه درک نوجوانان از شبکه‌های اجتماعی، به ویژه به عنوان یک منبع اطلاعات، یا اینکه چگونه ممکن است از گفتمان‌های گسترده‌تر رسانه‌های مدرن برای ابراز وجود استفاده کنند، وجود دارد. جوانان به تعداد زیادی از تلفن‌های همراه و سایر اشکال رسانه استفاده می‌کنند که منجر به کمبود خواب مزمن می‌شود، که تأثیر منفی بر توانایی شناختی، عملکرد تحصیلی و عملکرد اجتماعی-عاطفی دارد. بر اساس داده‌های حاصل از چندین مطالعه مقطعی، طولی و تجربی، استفاده از تلفن هوشمند و شبکه‌های اجتماعی در میان نوجوانان با افزایش پریشانی روانی، رفتارهای خودآزاری و خودکشی مرتبط است. پزشکان می‌توانند با استفاده از تاکتیک‌های باز، بدون قضاوت و مناسب با سن رشد، از جمله آموزش و حل مسئله عملی، با جوانان و خانواده‌های آنها همکاری کنند تا خطرات استفاده از شبکه‌های اجتماعی و تلفن هوشمند را کاهش دهند.

واژه‌های کلیدی: مرور نظام‌مند، جوانان، نوجوانان، سلامت روان، رسانه‌های اجتماعی

نقش فناوری‌های نوین در افزایش بهزیستی روان‌شناختی، کارایی و اثربخشی سازمانی

امیرداریوش توسلی*

۱. دانشجوی دکتری تخصصی روان‌شناسی، دانشگاه آزاد، واحد بیرجند، ایران da.tavasoli@gmail.com

چکیده

تحولات شتابان فناوری در دهه‌های اخیر، به‌ویژه ظهور و گسترش فناوری‌های نوین همچون هوش مصنوعی، یادگیری ماشین، کلان‌داده، اینترنت اشیاء و سیستم‌های هوشمند، تأثیرات عمیق و گسترده‌ای بر ساختارها، فرایندها و عملکرد سازمان‌ها برجای گذاشته است. بررسی شواهد علمی نشان می‌دهد که این فناوری‌ها علاوه بر افزایش کارایی و اثربخشی سازمانی، ابعاد انسانی و روان‌شناختی محیط کار را نیز تحت تأثیر قرار داده‌اند و منجر به تحولات معناداری در حوزه بهزیستی روان‌شناختی کارکنان شده‌اند. بهزیستی روان‌شناختی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های سلامت سازمانی، نقش تعیین‌کننده‌ای در بهره‌وری، تعهد سازمانی، خلاقیت و پایداری سازمان‌ها ایفا می‌کند و توجه به آن ضرورتی اساسی در مدیریت معاصر است. هدف مقاله حاضر بررسی نقش فناوری‌های نوین، به‌ویژه هوش مصنوعی، در ارتقای بهزیستی روان‌شناختی کارکنان و افزایش کارایی و اثربخشی سازمانی است. نتایج نشان می‌دهد که به‌کارگیری آگاهانه و انسان‌محور فناوری‌های نوین می‌تواند از طریق کاهش فشارهای شغلی، بهبود تصمیم‌گیری، افزایش رضایت شغلی و ارتقای عملکرد فردی و سازمانی، به بهبود بهزیستی روان‌شناختی و اثربخشی سازمان‌ها منجر شود. همچنین غفلت از ملاحظات اخلاقی، فرهنگی و روان‌شناختی می‌تواند پیامدهای منفی قابل توجهی به همراه داشته باشد.

کلمات کلیدی: فناوری‌های نوین، هوش مصنوعی، بهزیستی روان‌شناختی، کارایی سازمانی، اثربخشی سازمانی

رابطه ذهن آگاهی با امید به زندگی و تاب آوری تحصیلی با نقش میانجی شفقت به خود در دانشجویان

مریم صبور^۱، ساره زمانی^۲ (نویسنده مسئول)، شیما پرندین^۳

۱. کارشناس ارشد روانشناسی - روانشناسی شخصیت، واحد الکترونیکی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران ایمیل:

Samira.saboori2013@gmail.com

۲. گروه روانشناسی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران ایمیل: Sareh.zamani@iau.ac.ir

۳. واحد اسلام آباد غرب، علوم انسانی، روانشناسی-روانشناسی عمومی ایمیل: Iau.ir@3341282912

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تعیین رابطه ذهن آگاهی با امید به زندگی و تاب آوری تحصیلی با نقش میانجی شفقت به خود در دانشجویان انجام شد. جامعه آماری شامل تمام دانشجویان دانشگاه آزاد واحد الکترونیکی در سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۵ بود. حجم نمونه بر اساس فرمول فیدل و تاباکینگ ($n=2006$) ($m=8$) برابر ۱۶۴ نفر تعیین شد و تحلیل داده ها در دو بخش توصیفی (میانگین، انحراف معیار، جداول و نمودارها) و استنباطی (معادلات ساختاری-تحلیل مسیر) با نرم افزارهای SPSS و SMART PLS انجام گرفت. نتایج تحلیل فرضیه اول نشان داد که؛ اثر مستقیم ذهن آگاهی بر امید به زندگی ($\beta=-0.217, t=1.454 < 1.96$)، از نظر آماری معنی دار نیست و ذهن آگاهی به تنهایی سطح امید به زندگی را تغییر نمی دهد. فرضیه دوم نیز رد شد، زیرا اثر مستقیم ذهن آگاهی بر تاب آوری تحصیلی ($\beta=0.643, t=3.729$)، معنی دار نبود و احتمالاً عوامل میانجی مانند شفقت به خود نقش دارند. در مقابل، فرضیه سوم تأیید شد و ذهن آگاهی اثر مستقیم و مثبت قابل توجهی بر شفقت به خود دارد ($\beta=0.841, t=25.932 > 1.96$)، که نشان دهنده افزایش مهربانی و پذیرش خود با تقویت ذهن آگاهی است. فرضیه چهارم نیز تأیید گردید و شفقت به خود تأثیر مستقیم و مثبت بر امید به زندگی دارد ($\beta=1.165, t=10.271 > 1.96$)، که دانشجویان با شفقت بالاتر، امید بیشتری تجربه می کنند. بنابراین می توان نتیجه گرفت: ذهن آگاهی به طور مستقیم شفقت به خود را تقویت می کند، اما تأثیر آن بر امید به زندگی و تاب آوری تحصیلی احتمالاً از طریق مسیرهای غیرمستقیم و میانجیگری شفقت به خود صورت می گیرد.

کلمات کلیدی: ذهن آگاهی، امید به زندگی، تاب آوری تحصیلی، شفقت به خود

رابطه استفاده از شبکه های اجتماعی با اضطراب، افسردگی و توجه پایدار دانش آموزان و دانشجویان: یک مرور نظام مند

علیرضا محمدی خراسانی^{۱*}، حدیثه لطفی^۲، مطهره هنردوست^۳، نوشین بهرامی^۴

۱. کارشناسی ارشد روان شناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اهواز / آموزش و پرورش، خوزستان. alireza.m_kh1999@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد روان شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات تهران، ایران. hadisi79ss@gmail.com

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد روان شناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اهواز، ایران. motaharehonor@gmail.com

۴. دانشجوی کارشناسی ارشد روان شناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اهواز، ایران. bahraminooshin12@gmail.com

چکیده

اگرچه روش های در سال های اخیر، شیوع مشکلات سلامت روان در میان دانش آموزان و دانشجویان به طور قابل توجهی افزایش یافته است و این روند هم زمان با گسترش استفاده از شبکه های اجتماعی مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. هدف این مطالعه، انجام یک مرور نظام مند جامع برای بررسی اثرات استفاده از شبکه های اجتماعی بر نشانه های اضطراب، افسردگی و توانایی توجه پایدار در جمعیت های دانش آموزی و دانشجویی است. فرایند جست و جوی نظام مند در پایگاه های PubMed، PsycINFO، Scopus و Web of Science در بازه زمانی ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۴ انجام شد. از میان ۴۹۷۰ نتیجه جست و جو و ۳۱۸۰ مورد پس از حذف موارد تکراری، در نهایت ۱۴۳ مطالعه بر اساس معیارهای ورود و خروج، وارد مرحله تحلیل کیفی و کمی شدند. تحلیل محتوا و ترکیب بندی یافته ها نشان داد که استفاده پرمسئله ای از شبکه های اجتماعی با افزایش معنادار نشانه های اضطراب و افسردگی مرتبط است. همچنین شواهد قابل توجهی حکایت از آن دارد که استفاده طولانی مدت از این پلتفرم ها می تواند عملکرد توجه پایدار دانشجویان را تضعیف کند. با این حال، نقش تعدیل گر عواملی همچون نوع فعالیت در شبکه های اجتماعی (فعال در مقابل غیرفعال بودن)، سطح حمایت اجتماعی ادراک شده و میزان سواد دیجیتال، بیانگر پیچیدگی و چندعاملی بودن این رابطه است. یافته های این مرور نشان می دهد که فهم تأثیرات شبکه های اجتماعی بر سلامت روان نیازمند رویکردی چندبعدی، تمامیت نگر و مبتنی بر مداخلات هدفمند است. تقویت سواد دیجیتال، آموزش تنظیم هیجان و توسعه راهبردهای استفاده سالم از رسانه ها می تواند در کاهش پیامدهای منفی و ارتقای بهزیستی روان دانشجویان و دانش آموزان مؤثر واقع شود.

واژه های کلیدی: شبکه های اجتماعی، اضطراب، افسردگی، توجه پایدار، مرور نظام مند

رسانه های اجتماعی و نقش آن بر سلامت روان

زینب داورزنی^{۱*}، مهدی محمودی^۲

^{۱*} نویسنده مسئول، دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه غیر انتفاعی ایرانیان.

zeynab.davarzani.14041@gmail.com

^۲ دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. mahmodi86@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی تأثیر شبکه های اجتماعی بر سلامت روان دانش آموزان با استفاده از روش تحقیق مروری است. با توجه به گسترش روزافزون استفاده از رسانه های اجتماعی در میان نوجوانان، ضرورت مطالعه پیامدهای روان شناختی این پدیده بیش از پیش احساس می شود. در این پژوهش، مقالات علمی داخلی منتشر شده طی سال های اخیر در پایگاه های ملی داخلی جمع آوری و تحلیل شدند. نتایج نشان داد استفاده افراطی و مدیریت نشده از شبکه های اجتماعی با افزایش اضطراب، افسردگی، کاهش تمرکز، افت تحصیلی، اختلال خواب و کاهش عزت نفس در دانش آموزان ارتباط معنادار دارد. همچنین عوامل میانجی مانند سواد رسانه ای، نظارت والدین، کیفیت خواب، مقایسه اجتماعی و تعاملات آنلاین نقش اساسی در شدت اثرگذاری رسانه های اجتماعی دارند. از سوی دیگر، استفاده هدفمند و هدایت شده از شبکه های اجتماعی می تواند پیامدهای مثبتی همچون ارتقای حمایت اجتماعی و دسترسی به منابع آموزشی برای دانش آموزان به همراه داشته باشد. بر اساس یافته ها، آموزش سواد رسانه ای، ارتقای نقش مدرسه و والدین در نظارت و هدایت، و توسعه برنامه های حمایت روانی-اجتماعی از مهم ترین راهبردهای پیشنهادی برای کاهش آسیب ها و بهره گیری سالم از فضای مجازی است.

واژه های کلیدی: شبکه های اجتماعی، سلامت روان، دانش آموزان، سواد رسانه ای، نظارت والدین.

بررسی نقش میانجی گری تمایز یافتگی خود در رابطه بین مهارت های همدلی و حل مساله با پر خاشگری

صالح یعقوبی زاده گروی^{۱*}، عزیزاله منتقمی^۲، صبا باباجان تبار بانی^۳، معصومه یعقوبی زاده گروی^۴

*۱. نویسنده مسئول، دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی خانواده، موسسه آموزش عالی علوم و فناوری آریان، بابل، ایران. رایانامه:

salehyaghobizadeh.1393@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی خانواده، موسسه آموزش عالی علوم و فناوری آریان، بابل، ایران.

azizollah.montaghami@gmail.com رایانامه:

۳. دانش آموخته کارشناسی ارشد روانشناسی آموزش کودکان استثنایی، موسسه آموزش عالی فروردین، قائمشهر، ایران. رایانامه:

sabababajantabar@gmail.com

۴. دانشجوی کارشناسی ارشد روان شناسی تربیتی، موسسه آموزش عالی فروردین، قائمشهر، ایران. رایانامه:

masoume.yaqobii@gmail.com

چکیده

مطالعه حاضر با هدف بررسی نقش میانجی گری تمایز یافتگی خود در رابطه بین مهارت های همدلی و حل مساله با پر خاشگری روی نمونه ای به حجم ۱۸۲ نفر از نوجوانان (دانش آموزان پسر مقطع تحصیلی متوسطه دوم) در شهرستان بابل که به شیوه گمارش تصادفی انتخاب گردیدند، انجام پذیرفت. روش پژوهش غیر آزمایشی از نوع توصیفی-همبستگی می باشد. جهت گردآوری داده ها از پرسشنامه خودتمایز سازی اسکورون و فریدلندر (۱۹۹۸)، پرسشنامه همدلی مهراییان و اپستین (۱۹۷۲)، پرسشنامه حل مسئله هپنر و پترسون (۱۹۸۲) و پرسشنامه پر خاشگری باس و پری (۱۹۹۲) بهره گرفته شد. داده ها با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون، روش تحلیل مسیر و معادلات ساختاری (SEM) در محیط نرم افزار آماری اسمارت PLS و SPSS مورد تحلیل قرار گرفتند، ضرایب مسیر و سطوح معنی داری روابط بین سازه ها حاکی از آن است که مهارت های همدلی و حل مسئله به طور مستقیم و غیر مستقیم از طریق تمایز بخشی خود بر پر خاشگری نوجوانان اثر گذارند. به طور مشخص، مسیرهای پیشنهادی مدل همگی دارای سطح معنی داری کمتر از ۰.۰۵ بودند، که نشان دهنده تأیید فرضیه اصلی پژوهش است. یافته های یاد شده با پژوهش های پیشین رومرو و همکاران (۲۰۲۴)، باتانوا و لوکاس، (۲۰۱۶)، (ژو و همکاران، ۲۰۲۰) و وید و همکاران (۲۰۰۷) همسو می باشد. این یافته نشان می دهد که تقویت تمایز یافتگی خود می تواند مسیر اثر مثبت مهارت های همدلی و حل مسئله بر پر خاشگری را هموارتر و اثر گذارتر سازد. بدان معنا که پر خاشگری نوجوانان تنها تحت تأثیر مهارت های اجتماعی و شناختی نیست، بلکه سطح تمایز یافتگی فرد به عنوان سازه ای کلیدی، نقش میانجی تعیین کننده ای دارد.

واژه های کلیدی: پر خاشگری، تمایز یافتگی خود، حل مساله، نوجوانان، همدلی.

تحلیل محتوای مطالعات مرتبط با اثربخشی تحریک الکتریکی مغز (tDCS) در اختلالات مقاوم به درمان: تمرکز بر افسردگی، اضطراب و وسواس

حسین فلاحیان*

* نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری روان شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران. رایانامه: h.fallahian.iau@gmail.com

چکیده

مقدمه: اختلالات روانی مانند افسردگی، اضطراب و وسواس از مشکلات رایج بهداشت روان هستند که تأثیرات زیادی بر کیفیت زندگی دارند. تحریک جریان مستقیم مغزی به عنوان یک تکنیک درمانی نوین در سال‌های اخیر توجه زیادی را جلب کرده است. هدف: این مطالعه به تحلیل اثرات تحریک جریان مستقیم مغزی در درمان این سه اختلال پرداخته است. روش: در این پژوهش، با استفاده از روش تحلیل محتوا، نتایج مطالعات مختلف بررسی شده‌اند که در آن‌ها از پروتکل‌های متفاوت تحریک جریان مستقیم مغزی برای کاهش علائم افسردگی، اضطراب و وسواس استفاده شده است. یافته‌ها: یافته‌ها نشان می‌دهند که تحریک جریان مستقیم مغزی در درمان افسردگی، به ویژه با تحریک ناحیه DLPFC، تأثیرات مثبت و معناداری دارد. در اختلال اضطراب، تحریک DLPFC راست نتایج مثبتی به دنبال داشته و به کاهش اضطراب عمومی و اجتماعی کمک کرده است. همچنین، این روش در درمان وسواس نیز مؤثر بوده و منجر به کاهش علائم وسواس در بیماران شده است. با این حال، در برخی از مطالعات، اثرات طولانی مدت تحریک جریان مستقیم مغزی بر این اختلالات همچنان نیازمند بررسی بیشتر است. نتیجه‌گیری: تحریک جریان مستقیم مغزی به عنوان یک روش درمانی نوین و غیرتهاجمی در کنار سایر روش‌های درمانی، می‌تواند در کاهش علائم این اختلالات مؤثر باشد، اما برای اثبات دوز و پروتکل بهینه درمان، تحقیقات بیشتری مورد نیاز است.

واژه‌های کلیدی: تحریک جریان مستقیم مغزی، افسردگی، اضطراب، وسواس، تحریک مغزی غیرتهاجمی

تأثیر مداخله هنردرمانی مبتنی بر نقاشی روی سفال بر کاهش افسردگی بیمار مبتلا به اسپینا بیفیدا

نگین نعمت زاده *

* نویسنده مسئول، کارشناسی ارشد روان شناسی و آموزش کودکان استثنایی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران،

ایران Neginnematzadeh72@gmail.com

چکیده

افسردگی یکی از مشکلات شایع روان شناختی در افراد مبتلا به اسپینا بیفیدا است که می تواند بر تنظیم هیجان، کیفیت زندگی و سازگاری روانی - اجتماعی آنان تأثیر منفی بگذارد. با توجه به محدودیت برخی مداخلات رایج روان درمانی در این گروه، استفاده از رویکردهای خلاقانه و غیرمستقیم مانند هنردرمانی مورد توجه قرار گرفته است. هدف پژوهش حاضر بررسی اثربخشی نقاشی روی سفال به عنوان یک مداخله هنردرمانی در کاهش علائم افسردگی در افراد مبتلا به اسپینا بیفیدا بود. پژوهش حاضر به صورت مطالعه موردی با رویکرد توصیفی - تحلیلی انجام شد. جامعه پژوهش شامل افراد مبتلا به اسپینا بیفیدا بود که نمونه به صورت در دسترس انتخاب شد. داده ها با استفاده از پرسشنامه افسردگی بک نسخه دوم و یادداشت های مشاهده ای گردآوری و تحلیل شد. یافته ها نشان داد که اجرای مداخله نقاشی روی سفال با کاهش علائم افسردگی، بهبود تنظیم هیجان و افزایش بیان هیجانی همراه بوده است. نتایج پژوهش بر کارآمدی نقاشی روی سفال به عنوان یک مداخله مکمل در حمایت روان شناختی افراد دارای ناتوانی های جسمانی تأکید دارد.

واژه های کلیدی: هنردرمانی، نقاشی روی سفال، افسردگی، اسپینا بیفیدا، مطالعه موردی

نقش الگوهای ارتباطی دوران کودکی بر سبک عشق‌ورزی در روابط بزرگسالی

ملیحه اقدسی صوفیانی^۱

کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی ساوه رایانامه: Maliheaghaddasi@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر این الگوهای ارتباطی دوران کودکی بر سبک‌های عشق‌ورزی در بزرگسالی زنان مطلقه ایرانی انجام شد. این مطالعه از نوع کمی و توصیفی - همبستگی بود و جامعه‌ی آماری آن ۳۷۷ زن مطلقه ۲۵ تا ۳۵ ساله در تهران بود که به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. ابزارهای مورد استفاده شامل مقیاس رابطه‌ی والد-فرزند (CPRS-R) و پرسشنامه‌ی سبک‌های عشق‌ورزی هندریک و هندریک (LSI) بود. داده‌ها به کمک نرم‌افزارهای SPSS 26 و AMOS 24 و با روش مدل‌سازی معادلات ساختاری تحلیل شدند. یافته‌ها نشان دادند که پاسخ‌گویی هیجانی والدین با سبک‌های عشق‌ایثارگرانه (Agape)، دوستانه (Storge) و شورانگیز (Eros) رابطه مثبت و معنادار دارد، در حالی که کنترل والدین با عشق وابسته (Mania) رابطه منفی نشان داد. شاخص‌های برازش مدل SEM در سطح مطلوب قرار داشتند (CFI = 0.962)، (RMSEA = 0.043) و سه مؤلفه اصلی والدگری توانستند ۴۶ درصد از واریانس سبک‌های عشق‌ورزی بزرگسالان را تبیین کنند. به طور کلی، نتایج نشان می‌دهد که والدگری گرم، پاسخ‌گو و باثبات بذر عشق ایمن، بالغانه و ایثارگرانه را در بزرگسالی می‌کارد؛ در حالی که والدگری کنترل‌گر یا انتقادگر احتمال بروز عشق‌های وابسته یا اجتنابی را افزایش می‌دهد. این یافته‌ها اهمیت آموزش والدگری همدلانه و ارتقای الگوهای هیجانی سالم در خانواده‌های ایرانی را برجسته می‌کند.

واژه‌های کلیدی: الگوهای ارتباطی دوران کودکی، سبک‌های عشق‌ورزی، پاسخ‌گویی هیجانی والدین، عاطفی، مدل‌سازی معادلات ساختاری

نقش هوش هیجانی در حمایت اجتماعی ادراک شده

کبری کاظمیان مقدم^{۱*}، زهرا باباعلی^۲

*۱. نویسنده مسئول، دانشیار، گروه روانشناسی، واحد دزفول، دانشگاه آزاد اسلامی، دزفول، ایران. رایانامه: kazemian174@iau.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران. رایانامه: Zahra.babaali7170@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش هوش هیجانی در حمایت اجتماعی ادراک شده انجام شد. این مطالعه از نوع توصیفی-همبستگی بود و با استفاده از ابزارهای استاندارد هوش هیجانی و حمایت اجتماعی ادراک شده که از روایی و پایایی قابل قبول برخوردار بودند، اجرا شد و داده‌ها با بهره‌گیری از روش‌های آماری توصیفی و استنباطی مورد تحلیل قرار گرفتند. یافته‌های پژوهش نشان داد بین هوش هیجانی و حمایت اجتماعی ادراک شده رابطه‌ای مثبت و معنادار وجود دارد، به گونه‌ای که افراد دارای سطح بالاتر هوش هیجانی، حمایت اجتماعی بیشتری را ادراک می‌کنند. همچنین نتایج تحلیل‌ها حاکی از آن بود که هوش هیجانی نقش معناداری در پیش‌بینی حمایت اجتماعی ادراک شده ایفا می‌کند. بر اساس این یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که تقویت توانایی‌های هیجانی نقش مهمی در بهبود تعاملات اجتماعی، افزایش احساس تعلق و ارتقای کیفیت روابط بین فردی دارد. این نتایج بر ضرورت توجه به آموزش هوش هیجانی در برنامه‌های روان‌شناختی و آموزشی تأکید می‌کند.

واژه‌های کلیدی: هوش هیجانی، حمایت اجتماعی ادراک شده، نوجوانان، عوامل روان‌شناختی

مقایسه سطح بهزیستی روانشناختی والدین تک فرزند با چند فرزند

مریم حجتی نجف آبادی^۱، زهرا نقش^۲

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

hojatim24@gmail.com

۲. دانشیار، گروه روانشناسی تربیتی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران z.naghsh@ut.ac.ir

چکیده

بهزیستی روانشناختی والدین یکی از مؤلفه های اساسی در سلامت عمومی خانواده و کیفیت عملکرد فرزندپروری محسوب می شود. هدف پژوهش حاضر مقایسه سطح بهزیستی روانشناختی والدین تک فرزند و چندفرزند در شهرستان نجف آباد بود. این پژوهش از نوع علی-مقایسه ای و با روش نمونه گیری در دسترس انجام شد. جامعه آماری، شامل والدین دارای یک فرزند و والدین دارای چند فرزند بود که در مجموع ۱۰۰ نفر (۵۰ والد تک فرزند و ۵۰ والد چندفرزند) در مطالعه شرکت کردند. ابزار پژوهش، پرسشنامه بهزیستی روانشناختی ریف در فرم کوتاه ۱۸ سؤالی بود. تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۶ برای مقایسه سطح بهزیستی روانشناختی بین دو گروه انجام شد. نتایج نشان داد که در مؤلفه خودپیروی تفاوت معناداری بین دو گروه وجود ندارد؛ اما در مؤلفه های تسلط بر محیط، رشد شخصی، روابط مثبت با دیگران، هدفمندی در زندگی، پذیرش خود و همچنین در بهزیستی روانشناختی به صورت کلی، والدین چندفرزند نمرات بالاتری کسب کردند. این یافته ها بیانگر تأثیر تعداد فرزندان بر بهزیستی روانشناختی والدین است و اهمیت توجه به ساختار خانواده را در برنامه ریزی های سلامت روان برجسته می سازد.

واژه های کلیدی: بهزیستی روانشناختی؛ ریف؛ والدین تک فرزند؛ والدین چندفرزند

ارائه یک مدل تلفیقی از طرحواره درمانی و درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد برای افزایش تاب‌آوری در دانشجویان علوم پزشکی و تدوین پروتکل درمانی

زهرا رضوانیان^{۱*}، اعظم قویدل^۲

۱. کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران / دانشگاه علوم پزشکی، همدان، ایران. رایانامه:

zahra.rezvanian1064@gmail.com

۲. استادیار گروه علوم تربیتی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران. رایانامه: Azamghavidel@iau.ac.ir

چکیده

این مقاله با هدف طراحی و تدوین یک بسته مداخله‌ای عملی مبتنی بر تلفیق طرحواره درمانی و درمان پذیرش و تعهد برای افزایش تاب‌آوری در دانشجویان علوم پزشکی نگاشته شده است. دانشجویان علوم پزشکی به دلیل ماهیت پرفشار و چالش‌برانگیز دوره تحصیل و مواجهه مستقیم با مرگ و بیماری، در معرض سطح بالایی از استرس و فرسودگی قرار دارند. تاب‌آوری به عنوان یک عامل محافظتی کلیدی، توانایی سازگاری و غلبه بر این چالش‌ها را افزایش می‌دهد. هدف این مقاله نظری، طراحی و ارائه یک مدل پروتکل تلفیقی از طهواره درمانی و درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد برای ارتقای تاب‌آوری در این جمعیت خاص است. این مطالعه به روش طراحی پروتکل انجام شد. بر اساس مرور نظام‌مند مبانی نظری، یک پروتکل ساختاریافته دوازده جلسه‌ای طراحی گردید. برای سنجش اثربخشی این بسته در مرحله اجرای میدانی، استفاده از پرسشنامه استاندارد تاب‌آوری کونور-دیویدسون درپیش‌آزمون و پس‌آزمون پیشنهاد شده است. خروجی این پژوهش، یک پروتکل کاملاً عملیاتی و آماده اجرا است که مبانی نظری، اهداف جلسات، تکنیک‌ها و تکالیف خانگی را به طور کامل تشریح می‌کند. این پروتکل به طور خاص برای اجرای میدانی در محیط‌های دانشگاهی طراحی شده است. پروتکل تدوین شده پتانسیل بالایی برای تبدیل شدن به یک مداخله استاندارد در محیط‌های آموزشی دارد. اجرای میدانی این پروتکل به عنوان گام بعدی این پژوهش در دستور کار نویسندگان قرار دارد. از مجریان همایش درخواست می‌شود تا با حمایت از این طرح، در اجرای سراسری آن همکاری نمایند.

واژه‌های کلیدی: طرحواره درمانی، درمان پذیرش و تعهد، تاب‌آوری

بررسی اختلال نافرمانی مقابله ای کودکان، چالش ها و پیامدهای آن در محیط آموزشی

وانیا ذاکری*

*۱. وانیا ذاکری، دانشجوی کارشناسی روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب، تهران، ایران. Callvani2004@gmail.com

چکیده:

رفتار کودکان در دوره ابتدایی، شاخص مهمی برای سازگاری در این مرحله از رشد است؛ با این حال، برخی از کودکان ممکن است مشکلات رفتاری برونی سازی یا درونی سازی در محیط خانواده یا مدرسه نشان دهند. از میان مشکلات رفتاری برونی سازی کودکان، نشانگان اختلال نافرمانی مقابله ای است. اختلال نافرمانی مقابله ای از رایج ترین اختلالات بالینی در کودکان و نوجوانان است که در طبقه اختلالات رفتاری ایذایی قرار می گیرد که از بزرگترین گروه اختلالات ارجاعی به کلینیک های سلامت روان کودکان و نوجوانان است. همچنین این اختلال به عنوان سومین اختلال روانپزشکی شایع در نظر گرفته می شود که در کودکان ۳ تا ۱۷ ساله به دفعات تشخیص داده می شود. معلمان دانش آموزان با رفتارهای نافرمانی مقابله ای با این دانش آموزان دچار مشکل می شوند. که چنین رفتارهایی می تواند موجب فرسودگی و تنیدگی بیش از حد و نارضایتی شغلی معلم شود و زمانی که معلمان تحت فشار و تنیدگی باشند، با توجه به مواجهه و اثرگذاری مستقیم معلم، همه دانش آموزان کلاس از این وضعیت و پیامدهای جدی آن رنج می کشند و متضرر می شوند. این کودکان معمولاً دچار پرخاشگری کنترل نشده، قلدری، مدرسه گریزی و حتی ترک تحصیل، افسردگی، اضطراب و... هستند که در صورت عدم درمان، به مشکلات و اختلالات جبران ناپذیری چه برای جامعه و چه برای خود شخص ختم خواهد شد.

واژه های کلیدی: اختلال نافرمانی مقابله ای، کودکان، محیط آموزشی، درمان، پیامدها

نقش واسطه ای تاب آوری در رابطه بین ذهن آگاهی و سلامت روان

نوشیروان محمدی*^۱، آنیثا غلامپور^۲^۱*. دکتری سنجش و اندازه گیری، دامشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران. رایانامه: noshirwanm@mail.com^۲. کارشناسی ارشد روان شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران. رایانامه: anitagholampour@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف نقش واسطه ای تاب آوری در رابطه تاب آوری نقش واسطه ای در رابطه بین ذهن آگاهی و سلامت روان در دانش آموزان دختر دوره دوم متوسطه شهر تهران انجام شد. پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی و از لحاظ ماهیت اجرا همبستگی مبتنی بر معادلات ساختاری بود. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل دانش آموزان دختر دوره دوم متوسطه شهر تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ به تعداد ۱۳۷۰۰ بود که تعداد ۳۸۴ نفر با روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای به عنوان نمونه انتخاب شدند. از پرسش نامه های سلامت روان (GHQ)، تاب آوری کونر و دیویدسون (CD-RIS) و ذهن آگاهی بائر و همکاران (۲۰۰۶) برای جمع آوری داده ها استفاده گردید. داده های جمع آوری شده با استفاده از روش معادلات ساختاری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج نشان داد بین ذهن آگاهی با سلامت روان؛ ذهن آگاهی با تاب آوری و تاب آوری با سلامت روان ارتباط معنی داری وجود دارد. همچنین تاب آوری نقش واسطه ای در رابطه بین ذهن آگاهی و سلامت روان در دانش آموزان دختر دوره دوم متوسطه شهر تهران دارد. ذهن آگاهی به عنوان نوعی ظرفیت یا توانایی ذاتی بشر در نظر گرفته می شود گرچه میتوان آن را از طریق طیفی از تمرینها مانند مدیتیشن و مداخلاتی مانند ذهن آگاهی مبتنی بر کاهش استرس کابات زین (۱۹۹۰) افزایش داد.

واژگان کلیدی: تاب آوری، دانش آموزان، سلامت روان، ذهن آگاهی.

نقش ساده سازی رهبری در کاهش پیچیدگی سازمانی

امید محمدعلیزاده افین^{۱*}، ایرج مهدیزاده^۲

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران. رایانامه: omidmoohammadalizade@gmail.com

۲. استادیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. رایانامه: Mahdizadeh_iraj45@cfu.ac.ir

چکیده

پیچیدگی سازمانی که از عواملی همچون تفکیک افقی و عمودی، گسترش جغرافیایی واحدها، رسمیت بالا، تمرکز شدید و افزایش تعاملات داخلی ناشی می‌شود، یکی از چالش‌های اساسی مدیریت در سازمان‌های معاصر است. هدف این مطالعه، تبیین چگونگی تأثیر رهبری ساده‌ساز بر کاهش این پیچیدگی و بهبود کارایی سازمانی است. این پژوهش با رویکرد کیفی و روش مرور سیستماتیک انجام شده است. برای دستیابی به این هدف، منابع معتبر نظری از جمله مطالعات بولا (۲۰۱۶)، لیندسی و وویچشین (۲۰۱۵)، توورک و همکاران (۲۰۱۶)، ناندرام و دی‌بوک (۲۰۲۱) و سایر پژوهش‌های مرتبط، مورد تحلیل و بازخوانی قرار گرفته است. یافته‌های مروری نشان می‌دهد که رهبری ساده‌ساز با حذف فرایندهای زائد، کاهش بوروکراسی، کوتاه‌سازی زنجیره فرماندهی، تمرکز بر قواعد ساده و شفاف‌سازی نقش‌ها، می‌تواند به طور مؤثری پیچیدگی سازمانی را مدیریت کند. همچنین مشخص شد که سبک‌های رهبری ارگانیک، مشارکتی و توزیع‌شده، بیشترین همسویی را با ساختارهای ساده دارند؛ در حالی که رهبری کلاسیک و مکانیکی موجب تشدید پیچیدگی می‌شوند. بر اساس ادبیات موجود، ساده‌سازی ساختار سازمانی نه به معنای حذف عناصر حیاتی، بلکه یافتن «سطح بهینه پیچیدگی» متناسب با شرایط محیطی است. نتیجه‌گیری مقاله بیان می‌کند که رهبری ساده‌ساز با تقویت چابکی، هماهنگی، پاسخگویی و کاهش اتلاف منابع، می‌تواند سازمان‌ها را در مواجهه با محیط‌های پویا و رقابتی توانمندتر سازد. در مجموع، مرور انجام‌شده نشان می‌دهد که ساده‌سازی رهبری یک ضرورت استراتژیک برای ارتقای کارآمدی و پایداری سازمانی است.

واژه‌های کلیدی: رهبری، پیچیدگی، ساده سازی، سازمان

نقش سواد رسانه‌ای در پیش‌بینی تاب‌آوری روان‌شناختی نوجوانان نسل Z در مواجهه با فشارهای رسانه‌ای

سمیه عابدینی مزرعه^{۱*} سحر سادات ملکی^۲

*۱. نویسنده مسئول، دکتری تخصصی روانشناسی استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران،

ایران So.abedini@gmail.com

۲. سحر سادات ملکی دانشجوی کارشناس ارشد روانشناسی کودکان استثنایی، دانشگاه آزاد تهران مرکزی، تهران، ایران

saharmaleki.74@gmail.com

چکیده

رسانه‌های دیجیتال بخش مهمی از زندگی نوجوانان را تشکیل می‌دهند و تجربه‌های هیجانی، اجتماعی و ادراکی آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهند؛ از این رو بررسی پیامدهای روان‌شناختی مواجهه با رسانه اهمیت ویژه‌ای یافته است. هدف از اجرای پژوهش حاضر بررسی نقش سواد رسانه‌ای و فشارهای رسانه‌ای در پیش‌بینی تاب‌آوری روان‌شناختی نوجوانان نسل Z بود. پژوهش به روش توصیفی-همبستگی انجام شد. جامعه آماری شامل نوجوانان شهر تهران بود که نمونه‌ای از آنان به صورت در دسترس انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها شامل پرسشنامه سواد رسانه‌ای، مقیاس تاب‌آوری و پرسشنامه محقق‌ساخته فشار رسانه‌ای بود و داده‌ها پس از جمع‌آوری با روش‌های آماری مناسب تحلیل شدند. نتایج نشان داد سواد رسانه‌ای با تاب‌آوری رابطه مثبت دارد و می‌تواند توان نوجوانان را در مواجهه با موقعیت‌های تنش‌زا تقویت کند. همچنین فشارهای رسانه‌ای با کاهش تاب‌آوری همراه بود و نقش فرسایشی بر سازگاری هیجانی نوجوانان داشت. بر اساس نتایج، ارتقای سواد رسانه‌ای می‌تواند به عنوان عاملی حمایتی در برابر فشارهای رسانه‌ای عمل کند و نقش مهمی در افزایش تاب‌آوری و سلامت روان نوجوانان داشته باشد.

واژه‌های کلیدی: سواد رسانه‌ای، فشارهای رسانه‌ای، تاب‌آوری روان‌شناختی، نوجوانان، نسل Z

بازسازمان دهی سلسله مراتبی کتینجنسی های سه گانه در بستر تاریخچه های تقویتی ناهمگن: تبیین پویایی انتخاب رفتاری تحت کنترل همزمان تقویت های تأخیری و نشانه های تبعیضی

رضا خنار*^۱

*۱. نویسنده مسئول، دانشجوی کارشناسی ارشد روان شناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بهشهر

ایمیل: RezaKhenar@gmail.com

چکیده

این پژوهش با رویکرد میکس متد توالی توضیحی به بررسی بازسازمان دهی سلسله مراتبی کتینجنسی های سه گانه در بستر تاریخچه های تقویتی ناهمگن پرداخت و پویایی انتخاب رفتاری تحت کنترل همزمان تقویت های تأخیری و نشانه های تبعیضی را تبیین کرد. در مرحله کمی، ۴۵ شرکت کننده بالغ (میانگین سن ۳۲،۵ سال) از جامعه مازندران با استفاده از پارادایم انتخاب تأخیری و پرسشنامه تاریخچه تقویتی ارزیابی شدند. نتایج تحلیل رگرسیون لجستیک چندمتغیره نشان داد که شدت نشانه های تبعیضی ($B=1.89, p<0.001$)، نرخ تخفیف تأخیری، و تعامل آن ها ($OR=10.38, p<0.001$) به طور معنادار انتخاب های رفتاری فوری را پیش بینی می کنند، در حالی که ناهمگنی تاریخچه تقویتی ($B=0.98, p=0.002$) نقش تعدیل کننده دارد. در مرحله کیفی، تحلیل تماتیک ۲۰ مصاحبه نیمه ساختاریافته سه تم اصلی استخراج کرد: تعارض در سلسله مراتب تقویتی، نقش نشانه های تبعیضی در بازسازمان دهی، و پویایی احساسی انتخاب رفتاری. ادغام داده ها از طریق نمایش مشترک همگرایی قوی (۸۵٪) را تأیید کرد و نشان داد که تاریخچه های ناهمگن سلسله مراتب کتینجنسی را مختل کرده و انتخاب های غیربهبه را تسهیل می کنند. یافته ها کاربردهای بالینی در مداخلات رفتاری مبتنی بر مدیریت نشانه و تقویت تأخیری دارند و بر لزوم رویکردهای یکپارچه در تحلیل رفتار تأکید می کنند. محدودیت ها شامل تمرکز جغرافیایی بر مازندران و استفاده از پارادایم فرضی است که پیشنهادهایی برای مطالعات طولی آینده ارائه می دهد.

واژه های کلیدی: کتینجنسی های سه گانه، بازسازمان دهی سلسله مراتبی، تاریخچه های تقویتی ناهمگن

اثر بخشی مشاوره انگیزشی و آموزش مهارت های فراشناخت بر افزایش بهزیستی روان شناختی دانش آموزان دختر

مریم حضرتی^۱، مهدی محمودی^۲، سحر ملاح نوکندی^۳

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه مجازی ایرانیان، تهران، ایران. رایانامه: Maryamhazrati49@yahoo.com

۲. * نویسنده مسئول: دکتری برنامه ریزی آموزش از راه دور، دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور تهران، ایران.

رایانامه: mahmodi86@gmail.com

۳. دکتری روانشناسی تربیتی، گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن. رودهن، ایران. رایانامه: mallah_s@yahoo.com

چکیده

مطالعات نشان می دهد که شناسایی مولفه های اثربخشی مشاوره انگیزشی و آموزش مهارت های فراشناختی، و بکارگیری آن در برنامه های آموزش و پرورش، موجب افزایش بهزیستی روان شناختی دانش آموزان می شود. به همین منظور هدف از انجام این پژوهش مقایسه اثر بخشی مشاوره انگیزشی و آموزش مهارت های فراشناخت بر افزایش بهزیستی روانشناختی دختران است. روش تحقیق نیمه آزمایشی (طرح پیش آزمون - پس آزمون با گروه کنترل) و پیگیری یک ماهه بود. جامعه آماری کلیه دانش آموزان دختر دوره متوسطه اول در منطقه ۱۲ شهر تهران (۱۴۰۴-۱۴۰۳) است. روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای بود. به طوری که از بین دبیرستان های دخترانه، بصورت تصادفی تعداد سه دبیرستان انتخاب و از هر دبیرستان تعداد ۲۰ نفر از دانش آموزانی که نمره پرسشنامه بهزیستی روانشناختی آنان کمتر از متوسط بود انتخاب و به صورت تصادفی در گروه های آزمایش (مشاوره انگیزشی و آموزش مهارت های فراشناخت) و گروه کنترل گمارده شدند. ابزار پژوهش پرسشنامه بهزیستی روانشناختی بود. پروتکل و مراحل اجرای مشاوره انگیزشی نظام مند بر اساس الگوی ککس و کلینگر (۲۰۰۲) و پروتکل آموزش مهارت های فراشناخت طی ده جلسه ۹۰ دقیقه ای برگزار شدند. روش تحلیل آماری تحلیل کوواریانس چند متغیری بوده است. نتایج نشان می دهد مشاوره انگیزشی ($F=4/40$, $P<0/01$) و آموزش مهارت های فراشناختی ($F=20/33$, $P<0/01$) به صورت پایدار بهزیستی روانشناختی دانش آموزان دختر را افزایش می دهد، و بین اثر بخشی مشاوره انگیزشی و مهارت های فراشناختی در افزایش بهزیستی روانشناختی دانش آموزان دختر تفاوت معناداری وجود دارد ($F=3/91$, $P<0/05$).

واژه های کلیدی: مشاوره انگیزشی، آموزش مهارت های فراشناخت، بهزیستی روان شناختی.

تأثیر روان‌نمایشگری بر اضطراب‌های تحصیلی دانش‌آموزان با تمرکز بر اجرای نقش مضاعف توسط والدین

مهدی پوررضائیان^۱، هدی پوررضائیان^{۲*}

^۱. استادیار، گروه پژوهش هنر، دانشگاه شاهد، تهران، ایران. رایانامه: purrezaian@shahed.ac.ir

^{۲*}. نویسنده مسئول، استادیار، گروه روان‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: h.purrezaian@ut.ac.ir

چکیده

اضطراب‌های تحصیلی از قبیل اضطراب‌های ناشی از تکالیف، امتحانات یا بیانگری اجتماعی در مدرسه، زندگی روزمره بسیاری از دانش‌آموزان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بسیاری از مداخلات روان‌شناختی با تمرکز بر دانش‌آموزان انجام می‌شوند و معمولاً نقش والدین، نادیده گرفته می‌شود. بنابراین، مهم‌ترین هدف پژوهش حاضر، طراحی و اثربسنجی یک برنامه آموزشی مبتنی بر ایفای نقش مضاعف با تمرکز بر توانش اثرگذاری والدین بود. روش پژوهش، نیمه‌آزمایشی از نوع پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه گواه بود. در هر دو گروه آزمایش و گواه، ۱۵ دانش‌آموز ۱۰ تا ۱۲ ساله حضور داشتند که بر اساس ملاک‌های شرکت در پژوهش انتخاب شده بودند. برنامه آموزشی مبتنی بر ایفای نقش مضاعف در چهار جلسه برای والدین دانش‌آموزان گروه آزمایشی اجرا شد. دانش‌آموزان گروه گواه نیز روان‌نمایشگری ویژه کودکان را دریافت کردند و والدین آنها صرفاً در جلسه نخست حاضر بودند. برای سنجش میزان اضطراب‌های تحصیلی دانش‌آموزان و ادراک آنها نسبت به واکنش‌های والدین‌شان از روش جامعه‌سنجی طیف‌نگار استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد که هر دانش‌آموز هر دو گروه، تغییرات کاهشی معناداری را در اضطراب‌های تحصیلی تجربه کرده‌اند اما ادراک این دانش‌آموزان نسبت به واکنش‌های والدین، صرفاً در گروه آزمایشی به‌طور معناداری کاهش یافته است. با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که اگر در پی تغییرات ماندگار و اساسی در اضطراب‌های تحصیلی دانش‌آموزان هستیم می‌بایست والدین را نیز در جلسات درمان سهیم سازیم. البته تعمیم نتایج حاصل از پژوهش حاضر، نیازمند اجرای پژوهش‌های مشابه متعدد در آینده است.

واژه‌های کلیدی: اضطراب، اضطراب‌های تحصیلی، روان‌نمایشگری، نقش مضاعف

بررسی رابطه تنظیم هیجان با نشانه های اضطراب و افسردگی

فاطمه محمدی گهروی^۱، رومینا شمس^۲، مینا صفی^{۳*}

۱. دانشجوی کارشناسی روانشناسی عمومی، دانشگاه اردکان، یزد، ایران. msetayesh32@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی روانشناسی عمومی، دانشگاه اردکان، یزد؛ ایران. rominashams66@gmail.com

۳*. دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره مدرسه، دانشگاه اردکان، یزد، ایران. m79a13@gmail.com

چکیده

هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی رابطه بین اضطراب و افسردگی با دشواریهای تنظیم هیجان در بین کودکان ۸ تا ۱۲ سال شهر یزد است. به لحاظ ماهیت و اهداف، این پژوهش از نوع توصیفی و برای اجرای آن از روش همبستگی استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش شامل کودکان ۸ تا ۱۲ سال در شهر یزد بود که تعداد ۱۰۰ نفر که از طریق نمونه گیری درد سترس به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. جهت جمع آوری داده ها از پرسشنامه های استاندارد DASS-21 (پرسشنامه اضطراب و افسردگی) و مقیاس دشواری در تنظیم هیجان گرتز و روئمر (DERS) استفاده گردید است. داده های پژوهش با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت. نتایج پژوهش نشان داد که بین اضطراب و دشواریهای تنظیم هیجان در بین کودکان رابطه معنادار مثبت وجود دارد همچنین بین افسردگی و دشواریهای تنظیم هیجان در بین کودکان رابطه معنادار مثبت وجود دارد.

واژه های کلیدی: افسردگی، اضطراب، دشواریهای تنظیم هیجان.

بررسی رابطه تاب‌آوری و فرسودگی شغلی

رضا زعیمی^{۱*}، صدیقه قلندری^۲

۱. نویسنده مسئول، دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان، رشت، ایران. رایانامه: reza.zaeimi8@gmail.com

۲. استادیار، گروه آموزشی روان‌شناسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. رایانامه: ghalandari_s@hotmail.com

چکیده

فرسودگی شغلی به‌عنوان یک سندروم ناشی از استرس مزمن مدیریت نشده در محیط کار، یکی از چالش‌های اصلی متخصصان یاری‌رسان مانند مشاوران است که می‌تواند کیفیت خدمات و سلامت روان آن‌ها را تهدید کند. تاب‌آوری به‌عنوان یک عامل محافظتی فردی، می‌تواند در کاهش این پدیده نقش داشته باشد. هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه تاب‌آوری و فرسودگی شغلی در مشاوران بود. این پژوهش از نوع همبستگی و با طرح مقطعی انجام شد. جامعه آماری شامل مشاوران شاغل در آموزش و پرورش منطقه پنج تهران بود و نمونه پژوهش به حجم ۹۷ نفر با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای جمع‌آوری داده‌ها شامل پرسشنامه تاب‌آوری کانر و دیویدسون (کانر و دیویدسون، ۲۰۰۳) و پرسشنامه فرسودگی شغلی ماسلاچ (ماسلاچ و جکسون، ۱۹۸۱) بودند که پس از جمع‌آوری، داده‌ها با روش‌های آمار توصیفی و استنباطی (همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی ساده و چندگانه) تحلیل شدند. نتایج نشان داد بین تاب‌آوری و فرسودگی شغلی رابطه منفی و معنادار وجود دارد و تاب‌آوری پیش‌بینی‌کننده منفی فرسودگی است. همچنین در مدل چندگانه، تاب‌آوری و مقطع تحصیلی پیش‌بینی‌کننده‌های معنادار فرسودگی بودند، در حالی که جنسیت، سابقه و مدرک تحصیلی تأثیر معناداری نداشتند. این یافته‌ها بر نقش کلیدی تاب‌آوری به‌عنوان عامل محافظتی در برابر فرسودگی تأکید دارند و پیشنهاد می‌کنند برنامه‌های آموزشی افزایش تاب‌آوری برای مشاوران، به ویژه افراد با مقطع بالاتر، اجرا شود تا فرسودگی کاهش یابد و کیفیت خدمات مشاوره بهبود پیدا کند.

واژگان کلیدی: تاب‌آوری، فرسودگی شغلی، مشاوران، آموزش و پرورش

بررسی رابطه نگرش به هوش مصنوعی در آموزش با بهزیستی روانشناختی و انگیزش تحصیلی

حمیده ناظمی سجژئی^{۱*}، مولود جندقیان^۲، زهرا فتاح راوندی^۳

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه اردکان، یزد رایانامه: hamidehnazemi2003@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه اردکان، یزد رایانامه: Jandaghian100@gmail.com

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره توانبخشی، دانشگاه اردکان، یزد رایانامه: zahrafattah2022@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه نگرش به هوش مصنوعی در آموزش با بهزیستی روان شناختی و انگیزش تحصیلی در میان دانش آموزان کنکوری شهر کاشان در سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۵ انجام شد. این پژوهش از نظر هدف، توصیفی از نوع همبستگی و از نظر ماهیت، در زمره پژوهش های کاربردی قرار می گیرد. جامعه آماری شامل کلیه دانش آموزان کنکوری شهر کاشان بود که ۱۰۰ نفر از آنان به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده ها شامل پرسشنامه های استاندارد بهزیستی روان شناختی ریف (۱۹۸۹)، انگیزش تحصیلی هارتر (۱۹۸۰) و نگرش به هوش مصنوعی چاترچی (۲۰۲۰) بود که روایی و پایایی هر سه ابزار در پژوهش های پیشین مورد تأیید قرار گرفته است. داده های گردآوری شده پس از کدگذاری با نرم افزار SPSS نسخه ۲۷ تحلیل شدند. نتایج نشان داد که میان نگرش به هوش مصنوعی با بهزیستی روان شناختی، انگیزش درونی و انگیزش بیرونی دانش آموزان رابطه معناداری وجود ندارد. بنابراین می توان نتیجه گرفت که نگرش مثبت یا منفی نسبت به هوش مصنوعی تأثیری ملموس بر سطح بهزیستی روان شناختی و انگیزش تحصیلی دانش آموزان ندارد. با توجه به نتایج به دست آمده که نشان داد نگرش دانش آموزان به هوش مصنوعی رابطه معناداری با بهزیستی روان شناختی و انگیزش تحصیلی آنان ندارد، پیشنهاد می شود در پژوهش های آینده ابعاد عمیق تری از مواجهه دانش آموزان با فناوری های نوین بررسی شود، از جمله تأثیر تجربه عملی استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی در یادگیری یا درک اخلاقی و شناختی آنان از کاربرد این فناوری. همچنین پیشنهاد می شود برنامه های آموزشی در مدارس برای آشنایی صحیح، نقادانه و مسئولانه با هوش مصنوعی طراحی گردد تا نگرش های مثبت و مبتنی بر آگاهی نسبت به آن شکل گیرد.

واژه های کلیدی: نگرش به هوش مصنوعی در آموزش، بهزیستی روانشناختی، انگیزش تحصیلی

مروری بر نقش سلامت روان در پیشرفت تحصیلی با تاکید بر مداخله متغیرهای شناختی، هیجانی و معنوی

زهرا حشمت نژاد^۱، مهدی محمودی^۲

^۱ - نویسنده مسئول، دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، موسسه آموزش عالی الکترونیکی ایرانیان، تهران، ایران. رایانامه:

Zahra.heshmatnezhad.1404.1@gmail.com

^۲ - دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. رایانامه: Mahmodi86@gmail.com

چکیده

این مرور نظام‌مند با هدف بررسی نقش سلامت روان در موفقیت تحصیلی و تحلیل عوامل میانجی شناختی، هیجانی و معنوی انجام شد. سلامت روان به‌عنوان یکی از ابعاد اساسی رشد فردی و اجتماعی، در محیط‌های آموزشی نقشی تعیین‌کننده دارد، اما شواهد نشان می‌دهد که به‌تنهایی پیش‌بینی‌کننده کافی موفقیت تحصیلی نیست. هدف پژوهش حاضر گردآوری و تحلیل مطالعات داخلی طی دو دهه اخیر برای شناسایی مسیرهای مستقیم و غیرمستقیم اثرگذاری سلامت روان بر عملکرد تحصیلی بود. روش مطالعه شامل جستجو در پایگاه‌های نورمگز، SID و Google Scholar با کلیدواژه‌های مرتبط در بازه زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۴ بود. در مرحله نخست ۵۴ مقاله شناسایی شد که پس از اعمال معیارهای ورود و خروج، ۱۱ مقاله واجد شرایط انتخاب شدند. جامعه‌های آماری شامل دانش‌آموزان و دانشجویان در شهرهای مختلف ایران بودند. ابزارهای معتبر روان‌شناختی مانند پرسشنامه سلامت عمومی (GHQ-28)، مقیاس عزت نفس روزنبرگ (۱۹۶۵)، پرسشنامه هوش هیجانی بار-آن (۱۹۹۷)، مقیاس خودکارآمدی شرر (۱۹۸۲)، پرسشنامه اضطراب امتحان اسپیلبرگر (۱۹۸۰) و پرسشنامه اهمال‌کاری تحصیلی سولومون و راثیلوم (۱۹۸۴) در این مطالعات به‌کار رفتند. نتایج نشان داد سلامت روان زمانی به موفقیت تحصیلی منجر می‌شود که با عزت نفس، خودکارآمدی، هوش هیجانی و سلامت معنوی همراه باشد و اضطراب امتحان و اهمال‌کاری تحصیلی مدیریت شوند. جمع‌بندی بیانگر ضرورت مداخلات چندسطحی شامل تقویت مهارت‌های هیجانی و شناختی، ارتقای کیفیت خدمات آموزشی و توجه به سلامت معنوی برای دستیابی به موفقیت پایدار است.

واژگان کلیدی: سلامت روان، سلامت معنوی، عزت نفس، موفقیت تحصیلی، هوش هیجانی

روایت درمانی شغلی بعنوان یک مداخله در روانشناسی مثبت: سنجش اثرگذاری روی بهزیستی شغلی

سمانه سلیمی^{۱*}، مرضیه دهقانی^۲

۱. نویسنده مسئول، استادیار، گروه مشاوره، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: salimi.samaneh@ut.ac.ir

۲. دانشیار، گروه روشها و برنامه ریزی آموزشی و درسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: dehghani_m33@ut.ac.ir

چکیده

باتوجه به محدودیت‌های زندگی شغلی افراد دارای محدودیت بینایی و در نتیجه رضایت بهزیستی شغلی کمتر، اجرای مداخلات جدید با هدف افزایش رضایت از مسیر شغلی به عنوان محور بهزیستی شغلی ضروری است. این پژوهش با هدف بررسی تاثیر روایت درمانی شغلی بر رضایت از مسیر شغلی افراد دارای محدودیت بینایی انجام شد. جامعه آماری شامل کلیه افراد دارای محدودیت بینایی ساکن در شهر اصفهان، در محدوده سنی ۱۸ تا ۴۰ سال بود. سه شرکت کننده در این پژوهش به شیوه نمونه گیری غیرتصادفی هدفمند انتخاب شدند. روش پژوهش کمی و طرح مورد استفاده، طرح تجربی مورد منفرد از نوع ABC بود. جلسات مشاوره پس از ترسیم خط پایه، در طی نه جلسه ۷۵ دقیقه‌ای برگزار شد. داده‌ها در این پژوهش با کمک مقیاس رضایت از مسیر شغلی (گرینهاوس، پارسورمن و ورملی ۱۹۹۰). گردآوری شد. مداخله مورد استفاده روایت درمانی شغلی به سبک نظریه بر ساخت گرای بود. تجزیه و تحلیل داده‌ها از طریق بررسی شاخص‌های تحلیل دیداری درون موقعیتی و بین موقعیتی شامل تغییرات میانه، میانگین، تغییر سطح و همچنین شاخص درصد داده‌های غیر همپوش (PND) انجام گرفت. براساس شاخص‌های PND گزارش شده بین موقعیت مداخله و پایه در متغیر رضایت از مسیر شغلی برای هر سه شرکت کننده میتوان گفت روایت درمانی شغلی بر افزایش رضایت از مسیر شغلی موثر است. نتایج نشان می‌دهد میتوان روایت درمانی شغلی را به عنوان یک مداخله توانبخشی در نظر گرفت. نتایج همچنین پتانسیل روایت درمانی شغلی در زمینه روانشناسی مثبت را یادآور می‌شوند.

واژه‌های کلیدی: روایت درمانی شغلی، بر ساخت گرای، رضایت مسیر شغلی، روانشناسی مثبت، محدودیت بینایی

نوموفوبیا، اعتیاد به اینترنت و کیفیت زندگی: یک مرور نظام مند

بهاره بزرگ نیا^{۱*}

*۱. دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران mehr.bozorgnia@gmail.com

چکیده:

اعتیاد به فضای مجازی و تأثیر آن بر کیفیت زندگی دانش آموزان، به ویژه با توجه به پدیده بی‌موبایلی هراسی (نوموفوبیا)، به موضوعی مهم در تحقیقات روان‌شناسی و تربیتی تبدیل شده است. مطالعات نشان می‌دهند که استفاده بیش از حد از تلفن‌های همراه و شبکه‌های اجتماعی با کاهش کیفیت زندگی، اختلال در روابط بین فردی، افت عملکرد تحصیلی و افزایش اضطراب و استرس مرتبط است. بی‌موبایلی هراسی (ترس از جدایی از تلفن همراه) به عنوان یکی از عوامل تشدیدکننده اعتیاد دیجیتال، موجب وابستگی روانی شدید دانش آموزان به دستگاه‌های هوشمند می‌شود. این وضعیت نه تنها بر سلامت روان آن‌ها تأثیر منفی می‌گذارد، بلکه باعث کاهش تعاملات حضوری و اختلال در خواب می‌گردد. پژوهش‌ها حاکی از آن است که مدیریت زمان استفاده از فضای مجازی، آموزش مهارت‌های خود تنظیمی و افزایش آگاهی درباره پیامدهای نوموفوبیا می‌تواند به بهبود کیفیت زندگی دانش آموزان کمک کند. این تحقیق به روش مروری و از نوع کتابخانه ای بر آن است تا به بررسی رابطه اعتیاد به فضای مجازی و کیفیت زندگی با تأکید بر بی‌موبایلی هراسی در دانش آموزان بپردازد. این مرور نظام‌مند با ارائه شواهد جامع، لزوم مداخلات آموزشی و روان‌شناختی را برای کاهش پیامدهای منفی این پدیده برجسته می‌سازد.

واژه‌های کلیدی: اعتیاد به فضای مجازی، بی‌موبایلی هراسی (نوموفوبیا)، کیفیت زندگی

ساخت ابزار سنجش بهزیستی روانشناختی با تأکید بر هیجان‌های مثبت، تعامل، روابط، معنا و موفقیت

کیامرث زارع^۱، مجید برزگر^{۲*}، نادره سهرابی شکفتی^۳، مریم زرنقاش^۴

۱. دانشجوی دکتری روانشناسی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران. رایانامه: kia.zare1984@gmail.com

۲. نویسنده مسئول، گروه روانشناسی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران. رایانامه: mbarzegar55@gmail.com

۳. گروه روانشناسی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران. رایانامه: sohrabi_sh2006@yahoo.com

۴. گروه روانشناسی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران. رایانامه: mzarnaghas@miau.ac.ir

چکیده

این پژوهش با هدف ساخت ابزار سنجش بهزیستی روانشناختی با تأکید بر هیجان‌های مثبت، تعامل، روابط، معنا و موفقیت برای زنان سرپرست خانوار انجام شد. بهزیستی روانشناختی به عنوان یک سازه چندبعدی، نقش کلیدی در سلامت روان این گروه آسیب‌پذیر دارد. روش پژوهش کیفی بود و از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۲۰ خبره در حوزه‌های روانشناسی، مشاوره، و سنجش استفاده شد. داده‌ها با روش تحلیل مضمون براون و کلارک (۲۰۰۶) تحلیل شدند. در نهایت، ۱۴۳ کدمولفه شناسایی شد که پس از حذف موارد تکراری، ۱۰۶ مولفه باقی ماند. بر این اساس، ابزاری با ۷۱ گویه در پنج عامل اصلی هیجان‌های مثبت (۱۰ گویه)، تعامل (۱۱ گویه)، روابط (۱۱ گویه)، معنا (۱۰ گویه)، و موفقیت (۲۷ گویه) طراحی شد. روایی محتوایی ابزار با شاخص‌های CVR و CVI تأیید شد. یافته‌ها نشان داد که زنان سرپرست خانوار با چالش‌هایی مانند فقر، انزوای اجتماعی، و فشار نقش مواجه هستند که بر بهزیستی روانشناختی آنان تأثیر منفی می‌گذارد. مدل پنج‌بعدی ارائه‌شده می‌تواند به عنوان چارچوبی جامع برای سنجش و بهبود سلامت روان این گروه مورد استفاده قرار گیرد. این پژوهش گامی مهم در جهت طراحی ابزاری بومی و اختصاصی برای ارزیابی بهزیستی روانشناختی زنان سرپرست خانوار است.

واژه‌های کلیدی: بهزیستی روانشناختی، زنان سرپرست خانوار، هیجان‌های مثبت، مدل پیرما، روایی محتوایی

درک معلمان ابتدایی از آموزش ارزش های اخلاقی از طریق موقعیت های واقعی مدرسه

هانیه عصرانقلاب^{۱*}، محمد عظیمی^۲

۱. دبیر آموزش و پرورش، دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان، اردبیل، ایران haniyehasrenghelab@gmail.com
۲. دانشیار، علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران mohammad_azimi@cfu.ac.ir

چکیده

تربیت اخلاقی یکی از ساحت های کلیدی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش است که بر پرورش ارزش ها از طریق تجربیات واقعی تأکید دارد، اما مطالعات نشان می دهند معلمان ابتدایی اغلب موقعیت های طبیعی کلاس را اختلال درسی می بینند. هدف پژوهش حاضر ترکیب نظام مند مطالعات کیفی موجود درباره درک معلمان ابتدایی مدارس دولتی ایران از آموزش ارزش های اخلاقی از طریق موقعیت های واقعی مدرسه و ارائه مدل مفهومی تلفیقی است. این پژوهش کیفی با روش سنتز پژوهی تماتیک انجام شد. جامعه پژوهش شامل مطالعات کیفی منتشر شده در بازه ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۴ برای منابع فارسی و ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۵ برای منابع انگلیسی بود. جستجوی نظام مند در پایگاه های معتبر انجام شد و پس از غربالگری، ۴۲ مطالعه وارد سنتز شدند. تحلیل با کدگذاری سه مرحله ای باز، محوری و انتخابی صورت گرفت. نتایج نشان داد درک معلمان بیش از فقدان باور نظری، تحت تأثیر چالش های ساختاری مانند فشار برنامه درسی و کمبود مهارت عملی است و موقعیت ها اغلب اختلال دیده می شوند، اما برخی معلمان با راهبردهای رابطه محور مانند پرسشگری و الگوسازی به کاهش تعارض و درونی سازی ارزش ها دست می یابند. نتیجه گیری می شود که درک معلمان از موقعیت های واقعی پل کلیدی بین نظریه و عمل است و تقویت آن شرط بنیادین تربیت اخلاقی پایدار در ابتدایی است. مدل مفهومی پژوهش با تلفیق رویکردهای عملی، رابطه محور و زمینه دار، راهگشای سیاست گذاری و آموزش معلمان خواهد بود.

واژگان کلیدی: آموزش اخلاقی، ارزش های اخلاقی، معلمان ابتدایی، مدرسه، موقعیت های واقعی

شناسایی مولفه‌های روانشناختی موثر در گرایش به جراحی زیبایی

احمد پارسائی^۱، صدیقه حیدری^{۲*}

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران. رایانامه: ahmadparsaei68@gmail.com

۲. نویسنده مسئول، گروه روانشناسی، دانشگاه امیرالمومنین (ع) اهواز، اهواز، ایران. رایانامه: heydari_ss@yahoo.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف شناسایی مولفه‌های روانشناختی موثر در گرایش به جراحی زیبایی در سال ۱۴۰۲-۰۳ انجام شد. با الهام از متون معتبر موجود در حیطه جراحی زیبایی با کاربرست تحلیل مضمون و نظرخواهی از خبرگان، اقدام به شناسایی عوامل دخیل در جراحی زیبایی شد. سپس الگوی بومی تدوین و اعتبارسنجی آن با گروه‌های کانونی با کاربرست روش دلفی فازی انجام گردید. تحلیل مقالات حاکی از استخراج ۵۲ مولفه در قالب ۶ عامل درک تصور منفی از بدن، خصیصه‌های روانشناختی مثبت و منفی، اختلال شخصیت، راهبردها و طرحواره‌های ناسازگار بود که دست به هم داده و باعث گرایش فرد به جراحی زیبایی شدند. با توجه به گسترده بودن عوامل شناسایی شده، اقدام به تعدیل الگو براساس فراوانی های بدست آمده از بررسی متون، گردید و در نتیجه آن الگوی بومی در قالب عوامل افسردگی، اضطراب، نظارت بدن، تصویر بدنی، اختلال بدشکلی بدن و عزت نفس ترسیم شد. مطابق دستاورد پژوهش، همه عوامل ذکر شده بر گرایش به جراحی زیبایی اثرگذارند. بنابر یافته‌ها؛ غربالگری روانشناختی برای شناسایی افراد با علائم اضطراب، افسردگی، اختلال بدشکلی بدن، تصویر بدنی منفی و عزت نفس پایین در مراکز جراحی زیبایی حائز اهمیت است.

واژه‌های کلیدی: جراحی زیبایی، شناسایی، مولفه‌های روانشناختی.

اثربخشی آموزش مهارت‌های تنظیم هیجان مبتنی بر اینترنت بر بهزیستی ذهنی و راهبردهای شناختی تنظیم هیجان دانش آموزان دختر مقطع متوسطه دوم

لیلا رحیمی پور^{۱*}، راضیه جلیلی^۲

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد، روانشناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم‌آباد، خرم‌آباد، ایران. leilarahimi509@gmail.com

۲- استادیار، گروه علوم تربیتی، دانشکده تعلیم و تربیت اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم‌آباد، خرم‌آباد، ایران. ra.jalili@iaua.ac.ir

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های تنظیم هیجان مبتنی بر اینترنت بر بهزیستی ذهنی و راهبردهای شناختی تنظیم هیجان در دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه دوم انجام شد. این مطالعه از نوع نیمه‌آزمایشی و با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل اجرا گردید. جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان دختر ۱۵ تا ۱۸ ساله مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره وابسته به آموزش و پرورش شهر خرم‌آباد در سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۵ بود که معیارهای ورود پژوهش را داشتند. با استفاده از نمونه‌گیری در دسترس، ۳۰ نفر انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل (هرکدام ۱۵ نفر) قرار گرفتند. گروه آزمایش طی ۸ هفته در برنامه آموزش مهارت‌های تنظیم هیجان مبتنی بر اینترنت بر اساس مدل گروس (۲۰۱۵) شامل ۸ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای شرکت کرد و گروه کنترل مداخله‌ای دریافت نکرد. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه بهزیستی ذهنی داینر و همکاران (۱۹۸۵) و پرسشنامه راهبردهای شناختی تنظیم هیجان گراش و جان (۲۰۰۳) بود. داده‌ها با نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۶ و تحلیل کوواریانس چندمتغیری بررسی شد. نتایج نشان داد که آموزش مهارت‌های تنظیم هیجان مبتنی بر اینترنت به طور معناداری باعث افزایش بهزیستی ذهنی در بعد شناختی ($F=16/793$) بهزیستی ذهنی در بعد عاطفی مثبت ($F=20/457$)، ارتقای استفاده از راهبردهای شناختی سازگارانه ($F=36/497$) و کاهش استفاده از راهبردهای شناختی ناسازگارانه ($F=46/805$) شد ($Sig<0/05$)؛ بر اساس یافته‌های پژوهش، پیشنهاد می‌شود برنامه‌های آموزشی تنظیم هیجان مبتنی بر اینترنت به عنوان بخشی از برنامه‌های مشاوره‌ای مدارس و مداخلات روان‌درمانی نوجوانان برای افزایش بهزیستی ذهنی و تقویت راهبردهای شناختی سازگارانه ارائه شود. این مداخله به‌ویژه در شرایط آموزش غیرحضوری در فضای مجازی برای دانش‌آموزان دختر اهمیت بالایی دارد.

کلمات کلیدی: تنظیم هیجان، بهزیستی ذهنی، راهبردهای شناختی، مداخلات مبتنی بر اینترنت، نوجوانی

بررسی رابطه تنظیم هیجان با گرایش به خودکشی

مینا صفی^۱، شکوفه متقی^{۲*}

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره مدرسه، دانشگاه اردکان، ایران. m79a13@gmail.com

۲. دانشیار، گروه آموزشی روانشناسی، دانشگاه اردکان، ایران. mottaghi@ardakan.ac.ir

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه تنظیم هیجان با گرایش به خودکشی در دانشجویان دانشگاه اردکان انجام شد. روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی و از لحاظ هدف در زمره پژوهش های کاربردی قرار دارد. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانشجویان دانشگاه اردکان در سال ۱۴۰۴ بود که تعداد ۹۴ نفر از آنان به شیوه در دسترس به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. ابزار جمع آوری اطلاعات در این پژوهش شامل مقیاس چندنگرشی تمایل به خودکشی (۱۹۸۱) و پرسشنامه تنظیم هیجان (۲۰۰۳) بود. داده های پژوهش با استفاده از نرم افزار SPSS تحلیل شدند. نتایج ضریب همبستگی نشان داد بین مولفه سرکوبی هیجانی با گرایش به خودکشی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. همچنین بین مولفه ارزیابی مجدد هیجانی با متغیر گرایش به خودکشی رابطه منفی و معنی داری وجود دارد. یعنی با سرکوب هیجانات گرایش به خودکشی افزایش می یابد و با ارزیابی مجدد هیجانی گرایش به خودکشی بین دانشجویان کمتر می شود. بر اساس نتایج بدست آمده، ارتقای مهارت تنظیم هیجان به عنوان عاملی کلیدی در پیشگیری و کاهش آسیب های ناشی از گرایش به خودکشی مورد توجه قرار گیرد.

واژه های کلیدی: گرایش به خودکشی، تنظیم هیجان، دانشجویان

بررسی میزان اثربخشی آموزش ذهن آگاهی آنلاین بر کیفیت زندگی، اضطراب حالتی - رقابتی و افسردگی دانش آموزان تیزهوش

معصومه کاکاوند*^۱، علی اکبر سلیمانی^۲

۱. *. نویسنده مسئول، دانشجوی دکترا روان شناسی، دانشکده روان شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

رایانامه: masoomeh.kakavand617@gmail.com

۲. استادیار، گروه روان شناسی، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران، ایران. رایانامه: solaymani64@yahoo.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف اثربخشی آموزش ذهن آگاهی آنلاین بر کیفیت زندگی، کاهش اضطراب حالتی-رقابتی و کاهش افسردگی دانش آموزان تیزهوش در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ انجام شد. این مطالعه به صورت نیمه آزمایشی با حجم نمونه ۵۰ دانش آموز و در دو مرحله ابتدا به صورت نمونه گیری در دسترس و سپس تخصیص دانش آموزان تیزهوش به دو گروه (آزمایش و کنترل) به شیوه کاملاً تصادفی انجام شد. بدین منظور پروتکل ذهن آگاهی به صورت آنلاین طی ۸ جلسه ۱/۵ ساعته برای گروه آزمایش اجرا شد. پرسشنامه های کیفیت زندگی، اضطراب حالتی-رقابتی ایلی نوینز و پرسشنامه ی افسردگی بک در مراحل پیش ازمون و پس ازمون برای هر دو گروه اجرا شد. داده ها توسط نرم افزار SPSS-۲۴ در دو بخش توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و استنباطی (تحلیل کواریانس چندمتغیری) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج نشان شد در گروه آزمایش نمرات کیفیت زندگی در مقایسه با گروه کنترل افزایش یافته است. همچنین نمرات گروه آزمایش در متغیرهای اضطراب حالتی-رقابتی و افسردگی در پس ازمون نسبت به گروه کنترل کاهش داشته است. با توجه به نتایج این مطالعه می توان به اثربخشی مداخله ذهن آگاهی آنلاین به عنوان مداخله ای مثبت در کاهش اضطراب و افسردگی تیزهوشان استناد کرد.

واژه های کلیدی: ذهن آگاهی آنلاین، کیفیت زندگی، اضطراب حالتی-رقابتی، افسردگی، دانش آموزان تیزهوش

اثر بخشی ذهن آگاهی بر بهزیستی ذهنی مادران دارای کودک با نقص توجه و بیش فعالی

احسان رضائی خواه^{۱*}

۱. کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران. رایانامه: ehsan.rezaeikhah@gmail.com

چکیده

مشکلات رفتاری مرتبط با اختلال نقص توجه و بیش فعالی بر اعضای خانواده تأثیر منفی می‌گذارد و والدین کودکان مبتلا به نقص توجه و بیش فعالی نسبت به والدین کودکان با رشد طبیعی، میزان بالاتری از استرس والدگری، مشکلات سلامت روان و بهزیستی ذهنی را تجربه می‌کنند. لذا هدف پژوهش حاضر بررسی اثربخشی ذهن آگاهی بر بهزیستی ذهنی مادران دارای کودک مبتلا به نقص توجه و بیش فعالی انجام شد. این پژوهش بر اساس هدف از نوع کاربردی با طرح نیمه آزمایشی همراه با پیش آزمون-پس آزمون با گروه گواه است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه مادران دانش آموزان با تشخیص اختلال نقص توجه و بیش فعالی در مقطع ابتدایی در مدارس استثنایی منطقه ۲ شهر تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ بودند. نمونه پژوهش شامل ۳۰ نفر از این مادران بود که به روش نمونه‌گیری هدفمند به عنوان نمونه نهایی انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و گواه (هر گروه ۱۵ نفر) قرار گرفتند. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه کانرز ویژه معلمان توسط کانرز و همکاران (۱۹۹۹) و مقیاس بهزیستی ذهنی توسط کی یز و ماگیارمو (۲۰۰۳) بود. گروه آزمایش هشت جلسه آموزش ذهن آگاهی به صورت گروهی دریافت کردند و گروه گواه هیچ آموزشی دریافت نکردند. برای تحلیل داده‌ها از روش آماری تحلیل کوواریانس یک و چند متغیری استفاده شد. نتایج تحلیل کوواریانس نشان داد که آموزش ذهن آگاهی موجب بهبود بهزیستی ذهنی مادران دارای کودک مبتلا به اختلال نقص توجه و بیش فعالی شده است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که آموزش ذهن آگاهی می‌تواند به ارتقاء سلامت روانی و پیشگیری از مشکلات روان‌شناختی مادران دارای کودکان مبتلا به اختلال نقص توجه و بیش فعالی کمک کند.

واژه‌های کلیدی: آموزش ذهن آگاهی، بهزیستی ذهنی، اختلال نقص توجه و بیش فعال، مادران

چارچوب حقوقی صیانتی هوش مصنوعی برای ارتقای سلامت شناختی و یادگیری امن؛ با رعایت انطباق فرهنگی در محیط‌های آموزشی و سازمانی

ایمان مختاری^۱

۱. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران. رایانامه: i.mokhtari.law@gmail.com

چکیده

با گسترش هوش مصنوعی در آموزش و افزایش نگرانی‌ها درباره پیامدهای شناختی و فرهنگی آن بر یادگیرندگان، نیاز به چارچوبی حقوقی فرهنگی برای تضمین یادگیری امن و سلامت شناختی بیش از پیش احساس می‌شود. هدف پژوهش، تبیین ابعاد مؤثر یک چارچوب صیانتی مبتنی بر اصول حقوق عمومی و انطباق فرهنگی برای هدایت توسعه هوش مصنوعی در محیط‌های آموزشی سازمانی است. این پژوهش با طرح بنیادی-نظری انجام شد و جامعه آماری شامل منابع معتبر در حوزه‌های هوش مصنوعی، روان‌شناسی شناختی و حقوق عمومی بود که با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب گردید. مداخله پژوهش تحلیل انتقادی و تلفیقی متون است. ابزار گردآوری داده‌ها، «چک‌لیست تحلیل محتوای پژوهشی» بود که نخستین بار توسط (چانگ و هولدن، ۲۰۱۹) طراحی شد، و برای استخراج عناصر نظری در مطالعات اسنادی کاربرد دارد. همچنین برای سازمان‌دهی مفاهیم از «چارچوب کدگذاری نظری برانسون، ۲۰۲۰» استفاده شد. تحلیل داده‌ها از طریق استنتاج قیاسی و بازسازی مفهومی انجام شد. نتایج نشان داد که بهره‌گیری هدایت‌شده از هوش مصنوعی می‌تواند سلامت شناختی، تمرکز ذهنی و انسجام فرایندهای یادگیری را تقویت کند و فرهنگ آموزشی نقش واسطه تعیین‌کننده‌ای در اثرگذاری آن دارد. همچنین روشن شد خلأ در نظام حقوق عمومی مانع شکل‌گیری یادگیری ایمن است. در جمع‌بندی، دستیابی به آموزش هوشمند پایدار وابسته به طراحی چارچوب حقوقی فرهنگی صیانتی و قابل انطباق با ساختار آموزشی کشور است.

واژگان کلیدی: هوش مصنوعی صیانتی، سلامت شناختی، یادگیری امن، انطباق فرهنگی، حقوق عمومی

تأثیر توانبخشی با رویکرد تفریح درمانی بر علائم مثبت بالینی و حمایت اجتماعی در بیماران مبتلا به اسکیزوفرنیای مزمن

لیلا حاتمی*^۱

*^۱. نویسنده مسئول، دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان. رایانامه: hatamileila14@yahoo.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تعیین اثربخشی توانبخشی با رویکرد تفریح درمانی بر علائم مثبت بالینی و حمایت اجتماعی در بیماران مبتلا به اسکیزوفرنیای مزمن، انجام گرفته است. روش مورد استفاده در این پژوهش، پیش آزمون- پس آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه بیماران مبتلا به اسکیزوفرنی میباش که در مرکز نگهداری بیماران روانی در شهرستان ملایر بستری هستند. از این جامعه به روش نمونه گیری تصادفی تعداد ۳۰ نفر انتخاب شد؛ سپس این افراد به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل قرار گرفتند. ابزارهای به کار برده شده در پژوهش، پرسشنامه حمایت اجتماعی (MOS) و پرسشنامه علائم مثبت و منفی در اختلالات اسکیزوفرنی (pnass) بود. یافته های پژوهش نشان داد: توانبخشی با رویکرد تفریح درمانی بر کاهش علائم مثبت بالینی در بیماران مبتلا به اسکیزوفرنی مزمن مؤثر است؛ از طرفی تفریح درمانی، بر افزایش حمایت اجتماعی در بیماران مبتلا به اسکیزوفرنی مزمن، مؤثر بود. همچنین تفریح درمانی بر کاهش تحریک پذیری، اشتغال فکری شدید، هذیان و توهم، در بیماران مبتلا به اسکیزوفرنی مزمن، مؤثر بود. لذا میتوان با ارائه توانبخشی با رویکرد تفریح درمانی به بیماران مبتلا به اسکیزوفرنی مزمن، حمایت اجتماعی را در این افراد افزایش داده و علائم مثبت بالینی را در این افراد کاهش داد؛ بنابراین میتوان، توانبخشی با رویکرد تفریح درمانی را به عنوان یک درمان غیردارویی مؤثر، برای کمک به بیماران مبتلا به اسکیزوفرنی به کار برد.

واژه های کلیدی: اختلال اسکیزوفرنی، علائم مثبت بالینی، حمایت اجتماعی، توانبخشی، تفریح درمانی

بهزیستی روان شناختی در محیط های آموزشی: نقش عوامل فردی، سازمانی و تکنولوژیکی در ارتقای سلامت روان و عملکرد تحصیلی

خیرالله کریم زاده^۱، علیرضا محمدی خراسانی^{۲*}

۱. دکتری مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اهواز / آموزش و پرورش، خوزستان. khkarimzadeh@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد روان شناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اهواز / آموزش و پرورش، خوزستان. alireza.m_kh1999@yahoo.com

چکیده

سلامت روان دانش آموزان و دانشجویان یکی از مهم ترین چالش های نظام های آموزشی و سلامت عمومی در جامعه معاصر است و پژوهش ها شیوع بالای استرس، اضطراب و افسردگی را در میان این گروه نشان داده اند که می تواند به افت عملکرد تحصیلی منجر شود. این وضعیت، ضرورت بررسی عمیق تر تعیین کننده های بهزیستی روان شناختی در محیط های آموزشی را برجسته می کند. هدف پژوهش حاضر، بررسی جامع نقش عوامل فردی، سازمانی و تکنولوژیکی در ارتقای بهزیستی روان شناختی، سلامت روان و عملکرد تحصیلی در محیط های آموزشی است. این مطالعه به صورت مرور نظام مند و بر اساس راهنمای PRISMA 2020 انجام شد. جست و جوی نظام مند در پایگاه های داده PubMed، Scopus و PsycINFO برای مطالعات منتشر شده بین سال های ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۵ صورت گرفت و مطالعات تجربی، نیمه تجربی، همبستگی، مقطعی، طولی و برخی مرورهای نظام مند که به بررسی بهزیستی روان شناختی، سلامت روان و عملکرد تحصیلی از منظر عوامل فردی، سازمانی و تکنولوژیکی پرداخته بودند، وارد فرایند تحلیل شدند. در مطالعات اولیه از ابزارهای استاندارد همچون مقیاس بهزیستی روان شناختی ریف، مقیاس های اضطراب و افسردگی و مقیاس های تاب آوری استفاده شده بود. داده ها به صورت کیفی و با رویکرد تحلیل تماتیک سنتز شدند. نتایج نشان داد عوامل فردی مانند تاب آوری، تنظیم هیجان و خودکارآمدی، عوامل سازمانی مانند حمایت ادراک شده و روابط آموزشی، و عوامل تکنولوژیکی مانند استفاده هدفمند از فناوری، با بهزیستی بالاتر و عملکرد بهتر مرتبط اند. مداخلات ذهن آگاهی و فعالیت بدنی در کاهش استرس مؤثر بودند. در مجموع، بهزیستی روان شناختی حاصل تعامل چندبعدی این عوامل است و مداخلات جامع ضروری است.

واژه های کلیدی: بهزیستی روان شناختی، سلامت روان، محیط های آموزشی، عوامل فردی و سازمانی، فناوری آموزشی

ارائه الگوی اثربخش رهبری آموزشی در مدارس در تعالی سلامت روان دانش آموزان: یک مطالعه کیفی سنتز پژوهی

امیررضا علی محمدی^{۱*}، سید محمد سید کلان^۲

*۱. نویسنده مسئول، گروه آموزش مشاوره، دانشگاه فرهنگیان، صندوق پستی ۸۸۹-۱۴۶۶۵ تهران، ایران. رایانامه:

alimohammadi.cfu@gmail.com

۲. گروه آموزش علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، صندوق پستی ۸۸۹-۱۴۶۶۵ تهران، ایران. رایانامه: m.siedkalan@gmail.com

چکیده

هدف این پژوهش، مطالعه‌ی مؤلفه‌های مؤثر بر سلامت روان دانش‌آموزان و تعالی آن، با تأکید بر ارائه الگوی اثربخش رهبری آموزشی است. در این پژوهش، الگویی جامع برای الگوی اثربخش رهبری آموزشی در مدارس در تعالی سلامت روان دانش‌آموزان، مورد بررسی قرار گرفته است. رویکرد پژوهش، از نوع کیفی با روش سنتز پژوهی انجام یافته است تا پژوهش‌های پیشین این حوزه را ترکیب و یک الگو الهام‌بخش ارائه دهد. برای یافتن ویژگی‌ها و مؤلفه‌های کلیدی این الگو، پژوهش‌های اخیر با مرور متون و روشی نظام‌مند انتخاب شده‌اند. جامعه‌ی مورد مطالعه، تحقیقات انجام شده پیرامون سلامت روان، عوامل مؤثر بر سلامت روان دانش‌آموزان با تعیین ملاک‌های ورود و خروج در بازه‌ی زمانی سال‌های اخیر بود که طی واکاوی محتوایی، دسته‌بندی و غربالگری انجام گرفت. در مجموع، با بررسی ۵۳ مقاله، ۳۴ مقاله داخلی و خارجی جهت مبانی نظری، معین و از بین آنان نیز، ۲۶ پژوهش واجد شرایط، به صورت هدفمند انتخاب، کدگذاری و طبقه‌بندی شدند تا الگوها، پایه‌های نظری و مضامین اصلی استخراج شوند. سپس با استفاده از فرایند کدگذاری مضمون محور آتراید استرلینگ، ۴۵ مفهوم پایه، ۹ مضمون سازمان‌دهنده و ۳ فرامضمون شناسایی گردیدند. این مضامین عبارتند از: مضمون رهبری آموزشی و معماری یادگیری مدرسه (۳ زیرمؤلفه)، مداخلات چندبعدی و حمایت‌های روان‌شناختی-آموزشی (۳ زیرمؤلفه) و پیوند خانواده-اجتماع و شرایط زمینه‌ای سلامت روان (۳ مؤلفه). نتایج نشان داد که با رهبری آموزشی مؤثر در مدارس، می‌توان سلامت روان دانش‌آموزان را تعالی بخشید.

واژه‌های کلیدی: دانش‌آموزان، رهبری آموزشی، سلامت روان، سنتز پژوهی، مدارس.

بررسی اثربخشی آموزش به شیوه جیگساو بر مهارت‌های اجتماعی در بستر شاد

مرضیه دهقان‌نیری^{۱*}، محمدعلی صحتی^۲

۱. نویسنده مسئول، کارشناسی‌ارشد تکنولوژی آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یزد، یزد، ایران. رایانامه: me.dehghan.640@gmail.com

۲. استادیار، گروه مهندسی کامپیوتر، دانشگاه میبد، میبد، ایران. رایانامه: masehati@meybod.ac.ir

چکیده

با توجه به اهمیت مهارت‌های اجتماعی در موفقیت تحصیلی و کیفیت روابط همسالان، پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی آموزش به شیوه جیگساو در پلتفرم «شاد» بر مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان دختر انجام شد. روش پژوهش نیمه‌آزمایشی از نوع پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه گواه بود. جامعه آماری شامل دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه اول شهر یزد در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ بود که از میان آنان ۳۰ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و در دو گروه آزمایش و گواه جایگزین شدند. گروه آزمایش به مدت ۸ جلسه تحت آموزش جیگساو در محیط شاد قرار گرفت و داده‌ها با استفاده از پرسشنامه مهارت‌های اجتماعی گرشام و الیوت (۱۹۹۰) گردآوری شد. تحلیل داده‌ها با روش تحلیل کوواریانس چندمتغیره انجام گرفت. نتایج نشان داد که میانگین نمرات مهارت‌های اجتماعی و ابعاد آن در گروه آزمایش پس از مداخله به‌طور معناداری افزایش یافت، در حالی که در گروه گواه تغییر محسوسی مشاهده نشد. یافته‌ها بیانگر اثربخشی روش جیگساو در محیط برخط شاد برای ارتقای مهارت‌های اجتماعی است و می‌تواند راهنمایی عملی برای معلمان و برنامه‌ریزان آموزشی باشد.

واژه‌های کلیدی: آموزش برخط، روش جیگساو، مهارت‌های اجتماعی، نرم‌افزار شاد

رابطه سوگیری خوش بینی و ابعاد شش گانه نگرش به زمان

هما هوشنگی*^۱، خسرو رشید^۲

۱. کارشناس ارشد روانشناسی عمومی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. Homa.Hshng@gmail.com

۲. دانشیار گروه روانشناسی دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران. رایانامه: Khosrorashid@basu.ac.ir

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی ارتباط سوگیری خوشبینی بر ابعاد شش گانه ی نگرش به زمان انجام شده است. این پژوهش از نوع پیمایشی است و برای انجام آن از پرسشنامه استفاده شده است. جامعه ی آماری پژوهش، همه ی دانشجویان دختر و پسر دانشگاه بوعلی سینا، در نیمسال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ بودند. نمونه ی پژوهش ۱۶۱ تن از دانشجویان دختر و پسر دانشگاه بوعلی سینا بودند که به صورت نمونه گیری تصادفی خوشه ای چند مرحله ای انتخاب شدند. ابزارهای این پژوهش پرسشنامه ی سوگیری خوشبینی رشید و خجیر (۱۳۹۶) و پرسشنامه ی نگرش به زمان میللو و وورل (۲۰۱۰) بود. جهت تحلیل داده های پژوهش از ضریب همبستگی استفاده شده است. یافته ها نشان دادند که بین سوگیری خوشبینی با ابعاد شش گانه نگرش به زمان ارتباط معناداری وجود دارد. بر اساس یافته ها می توان گفت که خوشبین بودن دانشجویان (سوگیری خوشبینی) می تواند پیش بینی کننده ی خوبی برای نگرش به زمان مثبت آن ها باشد. بنابراین با رشد و بهبود خوشبینی در دانشجویان می توان انتظار افزایش نگرش به زمان مثبت در آن ها را داشت.

واژه های کلیدی: سوگیری خوشبینی، نگرش به زمان.

تأثیر آموزش امید به شیوه گروهی بر خوش بینی

هما هوشنگی^{۱*}، خسرو رشید^۲، ریزان نیک زبان^۳۱. کارشناس ارشد روانشناسی عمومی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. Homa.Hshng@gmail.com۲. دانشیار گروه روانشناسی دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران. رایانامه: Xhosrorashid@basu.ac.ir۳. کارشناس ارشد روانشناسی عمومی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران. rezannikzaban@yahoo.com

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، بررسی تأثیر آموزش امید به روش گروهی بر خوش بینی دانش آموزان دختر سال سوم مقطع متوسطه دوم شهر دهگلان بود. روش تحقیق این پژوهش از نوع نیمه آزمایشی و طرح پژوهش از نوع پیش آزمون و پس آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دختران سال سوم مقطع متوسطه دوم شهر دهگلان در سال تحصیلی ۱۳۹۵-۱۳۹۶ بود که با استفاده از روش نمونه گیری در دسترس دو کلاس از آن ها به عنوان نمونه انتخاب شدند و در دو گروه آزمایش و کنترل قرار گرفتند. برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه جهت گیری زندگی شی و کارور استفاده شد. بسته آموزشی امید اسنایدر برای گروه آزمایش طی ۱۲ جلسه اجرا شد. برای تحلیل داده ها از تحلیل کوواریانس استفاده شد و نتایج نشان داد که آموزش امید بر خوش بینی دانش آموزان اثر معناداری داشته است. براساس این یافته ها می توان گفت که آموزش امید در افزایش خوش بینی دانش آموزان اثرگذار است و با آموزش امید می توان بهبود وضعیت خوش بینی را در دانش آموزان انتظار داشت.

واژه های کلیدی: خوش بینی، امید، آموزش / امید.

ارائه الگوی فرسودگی شغلی معلمان در نظام آموزشی: کاربرد نظریه داده بنیاد

فریبرز فتحی چگنی^{۱*}، فریبا فتحی چگنی^۲

*۱. نویسنده مسئول، استادیار، گروه مدیریت، دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران. رایانامه: fathi.f@lu.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد، روانشناسی تربیتی، دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران. رایانامه: faribafathichegeni@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف ارائه الگوی فرسودگی شغلی معلمان در نظام آموزشی انجام پذیرفت. پژوهش حاضر برحسب هدف کاربردی، بر اساس شیوه گردآوری داده ها توصیفی از نوع پیمایشی و بر مبنای ماهیت داده ها پژوهشی کیفی از نوع داده بنیاد به شمار می رود. جامعه آماری پژوهش سه گروه مدیران و معاونین مدارس؛ مشاوران و روانشناسان مدرسه و کارشناسان آموزش و پرورش بودند که با استفاده از روش نمونه گیری نظری انتخاب شده اند. از اینرو، بر اساس قاعده اشباع نظری، در پژوهش حاضر با استفاده از ۱۲ مصاحبه این مهم حاصل شد و داده های مورد نیاز با استفاده از مصاحبه های نیمه ساختاریافته جمع آوری گردید. تحلیل داده ها با استفاده از سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی در قالب روش ساختاریافته نظریه پردازی داده بنیاد انجام پذیرفت. ۱۶۱ کد باز شناسایی شده در قالب ۷۸ کد محوری و ۲۹ کد انتخابی تلفیق شدند که در ۶ طبقه اصلی شامل شرایط علی، پدیده مرکزی، شرایط زمینه ای، شرایط مداخله گر، راهبردها و پیامدها دسته بندی شدند.

واژه های کلیدی: فرسودگی، فرسودگی شغلی، معلم، نظریه داده بنیاد

بررسی رابطه بین احساس تنهایی و حمایت اجتماعی ادراک شده با اعتیاد به اینترنت

علی قاسمخانی^{۱*}، شهیدا سمومی^۲

۱. نویسنده مسئول، کارشناس ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران. alighasemkh94@gmail.com

۲. کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران. Sheyda.samomi@gmail.com

چکیده

اعتیاد به اینترنت، سازه ای گسترده است که شامل بازی اینترنتی و سایر اشکال استفاده ی اعتیادی از اینترنت می شود. هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه احساس تنهایی و حمایت اجتماعی ادراک شده با اعتیاد به اینترنت در دانشجویان می باشد. در راستای دستیابی به این هدف، ۷۴ نفر از دانشجویان دانشگاه آزاد اهواز به صورت نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند و به پرسشنامه های احساس تنهایی راسل، حمایت اجتماعی ادراک شده زیمت و اعتیاد به اینترنت یانگ پاسخ دادند. پژوهش حاضر از نوع همبستگی می باشد. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون همزمان استفاده شد. نتایج حاکی از آن بود که بین احساس تنهایی و حمایت اجتماعی ادراک شده با اعتیاد به اینترنت رابطه معناداری وجود دارد و احساس تنهایی و حمایت اجتماعی ادراک شده، اعتیاد به اینترنت را پیش بینی می کنند. بر اساس نتایج حاصل از آزمون همبستگی پیرسون، رابطه مثبت معناداری بین احساس تنهایی و اعتیاد به اینترنت و رابطه منفی معناداری بین حمایت اجتماعی ادراک شده و اعتیاد به اینترنت وجود دارد؛ همچنین نتایج حاصل از رگرسیون همزمان نشان داد که این دو متغیر می توانند اعتیاد به اینترنت را تبیین و پیش بینی کنند ($p < 0/001$).

واژگان کلیدی: اعتیاد به اینترنت، احساس تنهایی، حمایت اجتماعی ادراک شده، دانشجویان

تأثیر آموزش آگاهی واج‌شناسی در ادبیات فارسی با هدف افزایش مهارت خوانش کودکان نارساخوان؛ یک مقاله مروری

علی اکبر کمالی نهاد*^۱، رایان اهدائی^۲

*۱. استادیار، گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. Alikamali@cfu.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی مهندسی انرژی، دانشگاه صنعتی شریف، تهران، ایران. rayanehdaie@gmail.com

چکیده

ادبیات بستر مناسبی برای پرورش مهارت‌های زندگی و ارزش‌های انسانی، اخلاقی و زیباشناختی است. دانش‌آموزان از طریق ادبیات با اندیشه‌های ژرف بزرگان ادبی آشنا می‌شوند و از تجربه‌های زیسته آنان پند می‌گیرند و در عین حال لذت می‌برند. این مقاله مروری به بررسی نقش آموزش آگاهی واج‌شناختی در آموزش زبان فارسی و تأثیر آن بر بهبود مهارت خواندن کودکان دارای نارساخوانی می‌پردازد. هدف پژوهش حاضر، تحلیل و جمع‌بندی یافته‌های مطالعات فارسی و بین‌المللی مرتبط با آگاهی واجی، نارساخوانی و رشد مهارت خواندن با تأکید بر کاربردهای آموزشی می‌باشد. بدین منظور، مقالات منتشر شده تا سال ۲۰۲۵ از پایگاه‌های، مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی، مگیران و Google Scholar به صورت هدفمند گردآوری و تحلیل شدند. نتایج نشان می‌دهد که آموزش آگاهی واج‌شناختی در درس ادبیات فارسی می‌تواند به طور قابل توجهی دقت رمزگشایی، روانخوانی، مهارت املائی کودکان نارساخوان را بهبود بخشد. براین اساس، گنجاندن آموزش آگاهی واج‌شناسی در برنامه‌های درسی زبان فارسی، به ویژه در دوره ابتدایی، نقش مهمی در ارتقای بهزیستی آموزشی و پیشگیری از مشکلات تحصیلی پایدار ایفا می‌کند. چشم‌انداز آینده این حوزه، توسعه ابزارها و روش‌های نوآورانه برای حل چالش‌های زبانی در دنیای معاصر است.

واژه‌های کلیدی: آگاهی واج‌شناسی، آموزش ادبیات فارسی، نارساخوانی

نگرش معلمان به هوش مصنوعی و نگرانی از جایگزینی شغلی: نقش ناامنی شغلی ادراک شده

علی اکبر پور^{۱*}

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: Ali.Akbarpoor@ut.ac.ir

چکیده:

با گسترش کاربردهای هوش مصنوعی در آموزش، نگرش معلمان نسبت به این فناوری می‌تواند بر احساس امنیت حرفه‌ای آنان اثر بگذارد و در برخی موارد نگرانی از جایگزینی شغلی را افزایش دهد. هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه نگرش معلمان به هوش مصنوعی آموزشی با نگرانی از جایگزینی شغلی و آزمون نقش ناامنی شغلی ادراک شده به عنوان تعدیل‌گر این رابطه بود. پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی و مقطعی است و جامعه آماری آن شامل معلمان شاغل در مدارس شهرستان بهارستان، استان تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۵ بود که ۱۰۰ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و مداخله‌ای صورت نگرفت. داده‌ها با مقیاس نگرش کلی به هوش مصنوعی، مقیاس اضطراب هوش مصنوعی (ای‌آی‌اس؛ وانگ و وانگ، ۲۰۲۲) با تمرکز بر گویه‌های مرتبط با نگرانی جایگزینی شغلی، و پرسشنامه ناامنی شغلی (جی‌آی‌اس؛ هلگرن و همکاران، ۱۹۹۹) گردآوری شد. تحلیل داده‌ها با آمار توصیفی، همبستگی پیرسون و رگرسیون سلسله‌مراتبی با آزمون اثر تعاملی انجام گرفت. یافته‌ها نشان داد نگرش منفی‌تر به هوش مصنوعی با نگرانی بیشتر از جایگزینی شغلی همراه است و ناامنی شغلی نیز با افزایش این نگرانی ارتباط دارد. همچنین اثر تعاملی نشان داد در سطوح بالاتر ناامنی شغلی، رابطه نگرش با نگرانی از جایگزینی شدیدتر می‌شود. نتیجه گیری می‌شود که مدیریت ورود هوش مصنوعی به مدرسه باید هم‌زمان بر ارتقای سواد و کاربردهای واقعی هوش مصنوعی برای معلمان و نیز کاهش عوامل ایجادکننده ناامنی شغلی تمرکز کند. شفاف‌سازی سیاست‌ها و تقویت حمایت سازمانی می‌تواند به کاهش نگرانی‌های شغلی مرتبط با هوش مصنوعی کمک کند.

واژه‌های کلیدی: نگرانی از جایگزینی شغلی، هوش مصنوعی، معلمان، ناامنی شغلی، نگرش به هوش مصنوعی

کاوش کیفی تعامل کاربران افسرده با چت بات‌ها: از ترجیحات نقش تا ملاحظات اخلاقی

مهدي عبودي^{۱*}

۱. دانشجوی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه پیام نور، شادگان، ایران: aboudi89mahdi@gmail.com

چکیده

افسردگی یکی از شایع‌ترین اختلالات روانی در میان نوجوانان و جوانان است و با وجود درمان‌های مؤثر، موانعی مانند انگ اجتماعی، هزینه، کمبود زمان و دشواری دسترسی، مانع استفاده گسترده از خدمات سلامت روان می‌شود. در این شرایط، چت بات‌ها به عنوان ابزارهای دیجیتال نوظهور، به‌ویژه برای ارائه حمایت اولیه، مورد توجه قرار گرفته‌اند. هدف این مطالعه، بررسی تجربه‌های زیسته افراد مبتلا به افسردگی در تعامل با چت بات‌ها و تمرکز بر الگوهای کمک‌خواهی، کیفیت پاسخ‌ها، ترجیحات نقش چت بات و ملاحظات اخلاقی است. این پژوهش به‌صورت مرور کیفی روایتی انجام شد و سه مطالعه کیفی منتشرشده در سال ۲۰۲۵ انتخاب و با استفاده از تحلیل تماتیک استقرایی بررسی شدند. داده‌ها شامل نقل قول‌های مستقیم کاربران، یافته‌ها و تفسیرهای کیفی مطالعات بودند. نتایج نشان داد کاربران اغلب افسردگی، تنهایی و نیازهای هیجانی خود را به صورت صریح و بدون ترس از قضاوت با چت بات‌ها در میان می‌گذارند. پاسخ‌های چت بات‌ها از همدلانه و حمایتی تا سطحی و غیرمرتبط متغیر بود. همچنین، کاربران انتظارات متفاوت و گاه متناقضی از نقش چت بات‌ها داشتند و خواهان انعطاف‌پذیری میان نقش «دوست» و «درمانگر» بودند. نگرانی‌هایی درباره حریم خصوصی، حساسیت فرهنگی و خطر وابستگی نیز مطرح شد. به‌طور کلی، چت بات‌ها می‌توانند به‌عنوان مکملی برای خدمات سلامت روان عمل کنند، مشروط بر آنکه طراحی آن‌ها همدلانه، انعطاف‌پذیر و اخلاق‌محور باشد.

واژه‌های کلیدی: افسردگی، چت بات‌ها، الگوهای کمک‌خواهی، ترجیحات نقش، اتحاد درمانی

بررسی رابطه تعارض والد-نوجوان و افت تحصیلی

زهرا جهانباز^۱، فاطمه درّی^۲، مینا صفی^۳*

۱. دانشجوی کارشناسی مشاوره، دانشگاه اردکان، ایران. jahanbazizahra969@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی مشاوره، دانشگاه اردکان، ایران. doorifatemh@gmail.com

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره مدرسه، دانشگاه اردکان، ایران. m79a13@gmail.com

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، بررسی رابطه بین تعارضات والد و نوجوان با افت تحصیلی در دانش‌آموزان (اعم از دختر و پسر) دوره متوسطه دوم بود. روش تحقیق از نوع توصیفی-همبستگی و جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان مقطع دبیرستان در استان یزد می‌باشد. نمونه‌ای به حجم ۱۰۰ از نفر آنها به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها، از ابزار پرسشنامه استفاده شده است با تمرکز بر ابعاد مرتبط با عملکرد تحصیلی تحلیل شد. داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی و ضریب همبستگی پیرسون تجزیه و تحلیل گردید. یافته‌ها نشان داد که بین تعارضات نوجوان با والدین و افت تحصیلی رابطه معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، افزایش تعارض در روابط والد-نوجوان با کاهش عملکرد تحصیلی و افت آموزشی همراه است. علاوه بر این، نتایج حاکی از آن بود که تعارضات خانوادگی بر مؤلفه‌های شناختی و انگیزشی تأثیر منفی گذاشته و توانایی دانش‌آموز در مدیریت تکالیف و چالش‌های تحصیلی را کاهش می‌دهد. با توجه به یافته‌های این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که تعارضات والد و نوجوان می‌تواند به عنوان یک عامل خطر در بروز افت تحصیلی عمل کند. لذا طراحی مداخلات خانوادگی و روان‌شناختی با هدف کاهش تعارض و بهبود کیفیت روابط والد-نوجوان در جهت پیشگیری از افت تحصیلی و ارتقای عملکرد آموزشی دانش‌آموزان پیشنهاد می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: تعارض والد-نوجوان، افت تحصیلی، دانش‌آموزان متوسطه دوم، عملکرد تحصیلی، روابط خانوادگی

بررسی رابطه بین مصرف رسانه ای و رضایت از زندگی

زهرا زارع مهرجردی^۱، شکوفه متقی^۲*

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه اردکان، یزد، ایران. zahra82zare82@gmail.com

۲. دانشیار، گروه آموزشی روانشناسی، دانشگاه اردکان، ایران. mottaghi@ardakan.ac.ir

چکیده

در جهان معاصر که تجربه‌های فردی و جمعی بیش از هر زمان دیگری در بستر رسانه‌ها شکل می‌گیرند، کیفیت مواجهه با این جریان اطلاعاتی و فرهنگی می‌تواند بازتابی عمیق بر احساس رضایت از زندگی در میان دانشجویان داشته باشد. «از اینرو، پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه مصرف رسانه ای و رضایت از زندگی در دانشجویان انجام شد. روش پژوهش توصیفی-همبستگی و از نوع هدف، کاربردی است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانشجویان دانشگاه اردکان بود نمونه ای به تعداد ۱۰۰ نفر به روش نمونه گیری در دسترس جهت انجام پژوهش انتخاب شدند. ابزار مورد استفاده در این پژوهش، پرسشنامه مصرف رسانه ای و پرسشنامه رضایت از زندگی داینر و همکاران (۱۹۸۹) بود. به منظور تجزیه و تحلیل داده ها از روشهای آمار توصیفی (فراوانی، میانگین و انحراف استاندارد) و آمار استنباطی (همبستگی پیرسون و رگرسیون) استفاده شد. یافته ها نشان داد: بین مصرف رسانه ای و رضایت از زندگی در دانشجویان دانشگاه اردکان، رابطه منفی و معنی داری وجود دارد، بین رسانه داخلی و رضایت از زندگی در دانشجویان دانشگاه اردکان، رابطه منفی و معنی داری وجود دارد، بین رسانه خارجی و رضایت از زندگی در دانشجویان دانشگاه اردکان، رابطه منفی و معنی داری وجود دارد. با توجه به یافته ها می توان نتیجه گرفت که مصرف افراطی رسانه با کاهش رضایت از زندگی دانشجویان همراه است. در پژوهش های آینده پیشنهاد می شود نقش عوامل فردی و شخصیتی مانند سبک های شخصیتی و خودکارآمدی در این رابطه بررسی شود.

واژه های کلیدی: مصرف رسانه ای، رضایت از زندگی، دانشجویان.

پاناپتیکون مدرن: تحلیل روان شناختی سندروم آپارتمان شیشه‌ای و پارادوکس شیشه‌ای در عصر دیجیتال

نسرین شمس^۱، سید مصطفی بنی طبّا^۲

^۱ دانشجوی دکتری روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نائین، اصفهان، ایران

^۲ استادیار، دانشکده علوم پایه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نائین، اصفهان، ایران

چکیده

این مقاله به بررسی هم‌پوشانی دو پدیده «سندروم آپارتمان شیشه‌ای» در فضای فیزیکی و «پارادوکس شیشه‌ای» در فضای دیجیتال و تحلیل پیامدهای روان‌شناختی ناشی از «مرئیت توخالی» می‌پردازد. این پژوهش یک مطالعه مروری نظام‌مند با تحلیل نظری است که از چارچوب‌های روان‌شناسی محیط، نظریه خودمختاری (SDT) و نظریه تعیین‌مشی شغلی (JD-R) بهره می‌برد. یافته‌ها نشان می‌دهد زندگی و کار در محیط‌های شفاف فیزیکی و دیجیتال، نیازهای بنیادین روان‌شناختی شامل خودمختاری، شایستگی و ارتباط را به طور سیستماتیک نقض می‌کند. این نقض منجر به پیامدهای بالینی از جمله اضطراب، فرسودگی شغلی، اختلال در هویت و احساس از خود بیگانگی می‌شود. مفهوم «مرئیت توخالی» به عنوان هسته مرکزی این آسیب‌شناسی شناسایی شد. راهکار نهایی، بازطراحی یکپارچه محیط‌ها با محوریت احترام به حریم خصوصی و تقویت خودمختاری است. طراحی فضاهای فیزیکی و پلتفرم‌های دیجیتال باید به سمتی حرکت کند که به جای نظارت توخالی، ارتباط اصیل و انتخاب فردی را تسهیل کند. این تغییر، نه یک انتخاب، بلکه یک ضرورت برای حفظ سلامت روان در عصر دیجیتال است.

واژه‌های کلیدی: پارادوکس شیشه‌ای، مرئی بودن توخالی، نظریه خودمختاری، سرمایه‌داری نظارتی، سلامت روان دیجیتال

تأثیر هوش مصنوعی در تصمیم‌سازی حقوقی و امنیتی؛ رویکردی روان‌شناختی، فرهنگی و اسلامی در پرتو اصول پدافند غیرعامل

ایمان مختاری^۱

۱. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران. رایانامه: i.mokhtari.law@gmail.com

چکیده

با توجه به گسترش نقش هوش مصنوعی در حوزه‌های حقوقی و امنیتی، آینده تصمیم‌سازی در این دو عرصه با چالشی اساسی روبه‌رو است که به ارتباط میان فناوری، فرهنگ، روان‌شناسی اجتماعی و ارزش‌های اسلامی مربوط می‌شود. هدف پژوهش حاضر، بررسی تأثیر هوش مصنوعی بر تصمیم‌سازی حقوقی و امنیتی، با تکیه بر اصول پدافند غیرعامل و تحلیل مؤلفه‌های روان‌شناختی و فرهنگی است. تحقیق از نوع ترکیبی بوده، و در دو مرحله پیمایشی و کیفی انجام شد؛ در مرحله کمی، جامعه آماری شامل متخصصان مرتبط با حقوق، امنیت، روان‌شناسی و فرهنگ که، نمونه‌ای هدفمند از آنان انتخاب، و در مرحله کیفی نیز تحلیل محتوای اسنادی و مصاحبه‌های نیمه‌ساختارمند هستند. در بخش کمی از ابزارهای به‌روز شامل پرسشنامه نگرش به هوش مصنوعی (لانگفورد، ۲۰۱۹)، پرسشنامه تحلیل اخلاق فناوری (گری و همکاران، ۲۰۲۰) و مقیاس ادراک پدافند غیرعامل (یونگ، ۲۰۱۸)، و ابزارهای کیفی شامل مصاحبه و فیش‌برداری اسنادی است؛ روش تحلیل مضمون و تحلیل آماری استنباطی است. طبق نتایج، هوش مصنوعی در بهبود دقت تصمیم‌های حقوقی و سرعت شناسایی تهدیدهای امنیتی مؤثر است. همچنین طبق یافته‌ها، انطباق فرهنگی و اسلامی، میزان پذیرش اجتماعی و اعتماد به سیستم‌های هوشمند را افزایش داده، و نگرانی‌ها در زمینه تهدید هویتی و اخلاقی را کاهش می‌دهد. در مجموع، مطالعه نشان داد، استفاده هدایت‌شده از هوش مصنوعی می‌تواند دفاعی و سازوکارهای تصمیم‌سازی حقوقی کشور را تقویت کند و در صورت رعایت اصول پدافند غیرعامل، زمینه امنیت پایدار و عدالت اجتماعی را فراهم سازد.

واژگان کلیدی: هوش مصنوعی، تصمیم‌سازی حقوقی، امنیت، پدافند غیرعامل، رویکرد فرهنگی اسلامی

مروری بر علل فرهنگی اجتماعی موثر بر اختلالات یادگیری

کوثر نازی نژاد^۱، سید امیر هومن سجادی^۲، محمدرضا جانی^۳، محمد علی استادی علیکی^۴

۱. مدرس دانشگاه فرهنگیان، گروه روانشناسی و علوم تربیتی، بیرجند، ایران. رایانامه: kousarnazinejad@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان، بیرجند، ایران. رایانامه: manamhooman@gmail.com

۳. دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان، بیرجند، ایران. رایانامه: mjany5340@gmail.com

۴. دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان، بیرجند، ایران. رایانامه: Ostadi.mohammad.a@gmail.com

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی علل فرهنگی و اجتماعی موثر بر اختلالات یادگیری در دانش آموزان بوده است. این مطالعه به ویژه به شناسایی عواملی پرداخته است که از دیدگاه های فرهنگی و اجتماعی می توانند باعث بروز و تشدید اختلالات یادگیری شوند. پژوهش حاضر از نوع مروری بوده و با تحلیل و جمع بندی نتایج تحقیقات پیشین در زمینه علل فرهنگی و اجتماعی اختلالات یادگیری انجام گرفته است. در این مطالعه، منابع معتبر علمی مانند SID ERIC، Scopus، PubMed، Google Scholar، مگیران و پژوهش های گذشته با رویکردی تحلیلی- توصیفی بررسی و نتایج آنها مقایسه شده اند. یافته ها نشان دادند که نگرش های فرهنگی خانواده ها، فشارهای اجتماعی، و شرایط اقتصادی- اجتماعی به طور مستقیم بر بروز اختلالات یادگیری تأثیرگذار بوده اند. همچنین، وجود نابرابری های آموزشی و تفاوت های فرهنگی میان گروه های مختلف اجتماعی، منجر به شدت گرفتن این اختلالات در برخی دانش آموزان شده است. در برخی از پژوهش ها نیز تأثیر حمایت های خانوادگی و آموزش های مبتنی بر فرهنگ های محلی مثبت گزارش شده است. نتیجه گیری های این تحقیق بر این نکته تأکید کردند که برای پیشگیری و درمان اختلالات یادگیری، توجه به عوامل فرهنگی و اجتماعی اهمیت زیادی دارد. پیشنهاد شده است که برنامه های آموزشی باید با در نظر گرفتن ویژگی های فرهنگی و اجتماعی دانش آموزان طراحی شوند و حمایت های خانوادگی و اجتماعی تقویت شوند تا از بروز این اختلالات جلوگیری گردد.

کلیدواژه ها: اختلالات یادگیری، عوامل فرهنگی، عوامل اجتماعی، روش مروری.

تاثیر استفاده افراطی از رسانه و افسردگی پنهان در دانشجویان

عطیه رحیمی تمندگانی^{۱*}، محمدهادی صافی^۲

*۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره توانبخشی، دانشگاه اردکان، اردکان، ایران. رایانامه: rahimiatiyeh70@gmail.com

۲. استادیار، گروه آموزشی روانشناسی، دانشگاه اردکان، اردکان، ایران. رایانامه: m.h.safi@ardakan.ac.ir

چکیده

در دهه‌های اخیر، استفاده از رسانه‌های اجتماعی به بخشی جدایی ناپذیر از زندگی دانشجویان تبدیل شده است. با وجود مزایای ارتباطی رسانه‌های اجتماعی یکی از پیامدهای منفی آن افسردگی پنهان است؛ وضعیتی که در آن علائم افسردگی پشت رفتارهای جبرانی پنهان می‌شود و تشخیص آن را دشوار می‌سازد. هدف این پژوهش، بررسی شواهد موجود دربارهٔ ارتباط میان استفاده نامناسب از رسانه‌های اجتماعی و افسردگی پنهان در دانشجویان، شناسایی مکانیسم‌ها و بررسی مداخلات مؤثر است. برای این منظور جستجوی جامعی در پایگاه‌های داده معتبر علمی با استفاده از کلید واژگانی چون رسانه‌های اجتماعی، افسردگی پنهان و دانشجویان بین سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۴ انجام شد. نتایج حاکی از آن است که ارتباط معناداری بین استفاده افراطی از رسانه‌های اجتماعی و افزایش علائم افسردگی در دانشجویان وجود دارد. این رابطه از طریق مکانیسم‌هایی چون مقایسه اجتماعی منفی، ترس از دست دادن و اختلال در کیفیت خواب تسهیل می‌شود که به پنهان‌سازی عمیق‌تر علائم و اجتناب از کمک منجر می‌گردد. علاوه بر این، مداخلاتی مانند محدود سازی زمان استفاده، برنامه‌های مبتنی بر ذهن‌آگاهی و روان‌درمانی شناختی-رفتاری به عنوان راهبردهای مؤثر برای کاهش علائم و بهبود سلامت روان شناسایی شدند. در نتیجه استفاده نامناسب از رسانه‌های اجتماعی به عنوان یک عامل خطر برای افسردگی پنهان در دانشجویان شناخته شده است. لذا، اتخاذ یک رویکرد چند وجهی که شامل آموزش سواد رسانه‌ای، تقویت مهارت‌های مقابله‌ای و ارائه خدمات مشاوره هدفمند در سطح دانشگاهی باشد، برای مقابله با این چالش و ارتقای بهزیستی روانی دانشجویان در عصر دیجیتال ضروری است.

واژه‌های کلیدی: رسانه‌های اجتماعی، افسردگی پنهان، دانشجویان

بررسی تأثیر یادگیری معکوس بر تقویت تفکر انتقادی در دانش آموزان ابتدایی دارای ADHD

محدثه احمدی سلطان آبادی^{۱*} محمد عظیمی^۲

*۱. دبیر آموزش و پرورش، کارشناسی آموزش ابتدایی، اردبیل، ایران. رایانامه: Mohadeseaaa869@gmail.com

۲. دانشیار، علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران رایانامه: mohammad_azimi@cfu.ac.ir

چکیده

تفکر انتقادی یکی از مهارت‌های کلیدی یادگیری مؤثر است و نقش بسزایی در ارتقای تمرکز، خودتنظیمی و موفقیت تحصیلی دانش آموزان، به‌ویژه کسانی که دارای اختلال نقص توجه و بیش‌فعالی (ADHD) هستند، ایفا می‌کند. این پژوهش با هدف بررسی تأثیر یادگیری معکوس بر تقویت تفکر انتقادی دانش آموزان ابتدایی دارای ADHD از طریق سنتز پژوهی انجام شد. در این راستا، ۶۵ مقاله منتشرشده بین سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۴ در پایگاه‌های علمی داخلی و بین‌المللی بررسی شدند و داده‌ها با روش تحلیل مضمون طبقه‌بندی و تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد که یادگیری معکوس به‌طور مؤثر موجب افزایش مشارکت فعال، ارتقای مهارت‌های تحلیل و ارزیابی، بهبود تمرکز و خودتنظیمی و تقویت اعتمادبه‌نفس دانش آموزان می‌شود. فراهم کردن امکان مرور محتوا پیش از کلاس، طراحی محیط یادگیری تعاملی، استفاده از منابع چندرسانه‌ای و ارائه بازخورد مستمر، از عوامل کلیدی در تقویت تفکر انتقادی شناسایی شدند. همچنین، یادگیری معکوس باعث بهبود مهارت‌های اجتماعی، همکاری گروهی و مسئولیت‌پذیری شخصی دانش آموزان شده و رفتارهای تکانشی و اضطراب آموزشی را کاهش می‌دهد. این روش آموزشی با ایجاد فرصت‌های یادگیری فعال و دانش آموزمحور، شکاف‌های روش‌های سنتی تدریس را کاهش داده و زمینه ارتقای مهارت‌های شناختی و هیجانی دانش آموزان دارای ADHD را فراهم می‌کند. پژوهش حاضر پیشنهاد می‌کند معلمان و مدیران آموزشی با بهره‌گیری از یادگیری معکوس، برنامه‌های آموزشی خود را بازطراحی کرده و محیطی فعال، تعاملی و حمایتی برای رشد مهارت‌های تفکر انتقادی این دانش آموزان فراهم نمایند.

واژه‌های کلیدی: یادگیری معکوس، تفکر انتقادی، ADHD، آموزش فعال

تبیین نقش مدیریت زمان در ارتقای عملکرد تحصیلی و کاهش استرس: یک مدل تحلیلی برای پیش‌بینی بهزیستی روان‌شناختی دانشجویان

شیوا صالحی^۱، مرضیه دهقانی^۲*

۱. دانش‌آموخته دوره دکتری، گروه روش‌ها و برنامه‌ریزی آموزشی و درسی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. ایمیل

shiva.salehi@ut.ac.ir

۲. نویسنده مسئول، دانشیار، گروه روش‌ها و برنامه‌ریزی آموزشی و درسی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. ایمیل

dehghani_m33@ut.ac.ir

چکیده

استرس تحصیلی و عملکرد پایین تحصیلی از مهم‌ترین چالش‌های دانشجویان در دانشگاه‌های ایران محسوب می‌شوند و مدیریت زمان به‌عنوان یکی از راهبردهای مؤثر در کاهش فشارهای تحصیلی و بهبود پیامدهای آموزشی مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. هدف پژوهش حاضر، بررسی نقش مدیریت زمان در پیش‌بینی استرس تحصیلی و عملکرد تحصیلی دانشجویان بود. این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش توصیفی-همبستگی با طرح کمی و مقطعی انجام شد. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری پردیس علوم اجتماعی و رفتاری و پردیس دانشکده‌های فنی دانشگاه باهنر کرمان بود که از میان آن‌ها ۳۷۵ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه مدیریت زمان، مقیاس استرس تحصیلی جمع‌آوری شد و برای تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و روش‌های آماری استنباطی استفاده گردید. نتایج نشان داد که سطح مدیریت زمان دانشجویان در وضعیت مطلوبی قرار دارد و بین مدیریت زمان و استرس تحصیلی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. همچنین مدیریت زمان قادر است استرس تحصیلی دانشجویان را به‌طور معناداری پیش‌بینی کند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که تقویت مهارت‌های مدیریت زمان می‌تواند به‌عنوان راهبردی مؤثر در کاهش استرس تحصیلی دانشجویان مورد استفاده قرار گیرد. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود برنامه‌های آموزشی و کارگاه‌های مهارت‌آموزی مدیریت زمان در محیط‌های دانشگاهی طراحی و اجرا شود.

واژه‌های کلیدی: استرس تحصیلی، بهزیستی روان‌شناختی، دانشجویان، عملکرد تحصیلی، مدیریت زمان

تبیین مدل ساختاری سرزندگی تحصیلی بر پایه ادراک شایستگی با میانجی گری بافتار کلاس و خانواده

سهند نصری^{۱*}، افشین افزلی^۲

*۱. دانشجوی کارشناسی روانشناسی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران. رایانامه: sahandnasri81@gmail.com

۲. دانشیار گروه روانشناسی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران. رایانامه: afzali.afshin@basu.ac.ir

چکیده

سرزندگی تحصیلی به عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی پیشرفت، تحت تأثیر عوامل فردی و محیطی متعددی قرار دارد. این پژوهش با هدف بررسی نقش واسطه‌ای ادراک از محیط کلاس و انعطاف‌پذیری خانواده در رابطه بین ادراک شایستگی و سرزندگی تحصیلی دانش‌آموزان انجام شد. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی با طرح مدل‌سازی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری شامل دانش‌آموزان دختر دوره اول متوسطه شهر سمنان در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ بود که ۳۴۵ نفر از آن‌ها به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه ادراک شایستگی دسی و رایان (۲۰۰۰)، پرسشنامه سرزندگی تحصیلی مارتین و مارش (۲۰۰۸)، پرسشنامه ادراک از محیط کلاس فراسر (۲۰۱۲) و پرسشنامه انعطاف‌پذیری خانواده السون (۲۰۱۱) بود؛ داده‌ها نیز با روش مدل‌سازی معادلات ساختاری تحلیل گردید. یافته‌ها نشان داد که ادراک شایستگی به صورت مستقیم بر سرزندگی تحصیلی تأثیر مثبت و معناداری دارد. همچنین ادراک از محیط کلاس و انعطاف‌پذیری خانواده در رابطه بین ادراک شایستگی و سرزندگی تحصیلی نقش واسطه‌ای ایفا کردند و مدل نهایی پژوهش از برازش مطلوبی برخوردار بود. نتیجه‌گیری می‌شود که تقویت ادراک شایستگی دانش‌آموزان در کنار بهبود کیفیت تعاملات در محیط کلاس و ارتقای انعطاف‌پذیری خانواده می‌تواند منجر به افزایش سرزندگی تحصیلی آنان شود. این نتایج بر ضرورت توجه هم‌زمان به متغیرهای درون فردی و بافت‌های محیطی در برنامه‌ریزی‌های تربیتی تأکید دارد.

واژه‌های کلیدی: سرزندگی تحصیلی، ادراک شایستگی، ادراک از محیط کلاس، انعطاف‌پذیری خانواده، دانش‌آموزان.

نقش تعدیل کننده رضایت تحصیلی در تأثیر هوش مصنوعی بر حس تعلق به مدرسه

صبا رضوی^۱

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته روانشناسی سلامت، دانشگاه آزاد واحد تربیت جام، ایران، تربیت
جام: [sasazaravi@yahoo.com](mailto:sasarazavi@yahoo.com)

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، بررسی کاربرد هوش مصنوعی زیگپ در تولید محتوای آموزشی و تأثیر آن بر حس تعلق به مدرسه با نقش تعدیل گر رضایت تحصیلی بود. روش پژوهش نیمه آزمایشی با استفاده از طرح پیش آزمون-پس آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری، معلمان (949 نفر) و دانش آموزان پسر دوره اول متوسطه شهرستان تربیت جام (7319 نفر) بودند. چهار معلم که در کلاس های آموزشی دستیار صوتی زیگپ شرکت کرده و عملکرد بهتری داشتند، انتخاب شدند. از بین دانش آموزان، ۱۲۰ نفر بر اساس بالاترین نمرات کسب شده از اجرای پرسشنامه رضایت تحصیلی لنت و همکاران (۲۰۰۵) انتخاب شدند. این افراد در هر یک از گروه های آزمایش و کنترل جایگزین شدند. قبل از شروع آموزش، پیش آزمون اجرا شد و آزمودنی های هر دو گروه به پرسشنامه حس تعلق به مدرسه بری و همکاران (۲۰۰۴) پاسخ دادند. سپس، به آزمودنی های گروه آزمایش، آموزش هوش مصنوعی زیگپ و به آزمودنی های گروه کنترل به روش سنتی آموزش داده شد. مدت جلسات آموزشی ۱۰ جلسه ۹۰ دقیقه ای بود. پس از پایان جلسات، از هر دو گروه آزمایش و کنترل پس آزمون گرفته شد، سپس نتایج هر دو گروه قبل و بعد از آموزش با استفاده از آزمون های تحلیل واریانس، کوواریانس و پس آزمون بونفرونی با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۶ تجزیه و تحلیل شد. رضایت تحصیلی، تأثیر استفاده از دستیار صوتی هوش مصنوعی زیگپ در تولید محتوای آموزشی بر حس تعلق به مدرسه را تعدیل کرد.

کلید واژه ها: هوش مصنوعی، رضایت تحصیلی، احساس تعلق به مدرسه

رابطه سرشت - منش و هیجان خواهی با غرقگی تحصیلی در آموزش الکترونیک

عطیه سادات موسوی^{۱*}، ملیکا میسوری^۲

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: atiye.mousavi.s@ut.ac.ir

۲. کارشناس روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، کرج، ایران. رایانامه: Melika.maysoori@gmail.com

چکیده

آموزش الکترونیکی یکی از روش های پیشرفته ی آموزشی در عصر حاضر است و بررسی عوامل موثر بر کیفیت یادگیری در آن ضروری است. غرقگی تحصیلی به عنوان یک حالت روانی مطلوب، می تواند نقش مهمی در اثربخشی این آموزش ایفا کند. هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه ابعاد سرشت، منش و هیجان خواهی با پیش بینی غرقگی تحصیلی بود. این پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد الکترونیک در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ بود که از میان آنها ۹۱ نفر به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش عبارت بودند از: پرسشنامه هیجان خواهی زاگرم (۱۹۷۸)، پرسشنامه سرشت و منش کلونینجر (۱۹۹۴) و پرسشنامه شیفتگی تحصیلی مارتین و جکسون (۲۰۰۸). داده ها با استفاده از روش رگرسیون خطی چندگانه تحلیل شدند. نتایج نشان داد مدل رگرسیون معنادار است و از بین متغیرهای پیش بین، ابعاد منش، پشتکار و پاداش خواهی به ترتیب بیشترین سهم را در پیش بینی غرقگی تحصیلی دارند. بعد منش به صورت مثبت و دو بعد دیگر به صورت منفی، غرقگی تحصیلی را پیش بینی کردند. یافته ها حاکی از آن است که توجه به ابعاد منشی و تعدیل ابعاد سرشتی خاص می تواند در طراحی محیط های آموزش الکترونیکی غنی کننده ی تجربه غرقگی، مفید واقع شود. همچنین پیشنهاد می شود در برنامه ریزی های آموزشی، به جای تأکید صرف بر پشتکار و پاداش بیرونی، بر تقویت انگیزش درونی و ویژگی های رشدپذیر شخصیت تمرکز شود.

واژه های کلیدی: غرقگی تحصیلی، سرشت و منش، هیجان خواهی، آموزش الکترونیکی.

نقش استرس شغلی، اهمالکاری و پرسه زنی اینترنتی در بهزیستی شغلی

هادی فرهادی^{۱*}، میثم شفیع زاده^۲

۱. نویسنده مسئول، گروه روانشناسی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: farhadihadi@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد، گروه روانشناسی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. رایانامه: meisam.shafizadeh@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تعیین نقش استرس شغلی، اهمالکاری و پرسه زنی اینترنتی در بهزیستی شغلی انجام شد. پژوهش حاضر توصیفی-همبستگی از نوع تحلیل رگرسیون بود. جامعه آماری این پژوهش کلیه کارکنان شاغل در شرکت های گروه فولادی شهر اصفهان بودند که به روش نمونه گیری در دسترس تعداد ۲۷۶ نفر انتخاب و پرسشنامه را تکمیل کردند. ابزارهای این پژوهش شامل مقیاس بهزیستی شغلی (ژنگ و همکاران، ۲۰۱۵)، استرس شغلی (هاریگل واسلوکام، ۱۹۹۶)، اهمالکاری (لی، ۱۹۸۶)، و پرسه زنی اینترنتی (اسکیو، ۲۰۱۴)، بودند. داده ها با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون گام به گام تجزیه و تحلیل شدند. یافته ها نشان داد که بین استرس شغلی، اهمالکاری و پرسه زنی اینترنتی با بهزیستی شغلی رابطه منفی و معناداری وجود دارد ($p < 0/01$). به علاوه، نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام نشان داد که از میان متغیرهای پیش بین به ترتیب ۳۹/۹، ۱۱/۲ و ۴/۱ درصد تغییرات بهزیستی شغلی از طریق پرسه زنی اینترنتی، استرس شغلی و اهمالکاری قابل تبیین است ($P < 0/001$). این متغیرها در مجموع ۵۵/۳ درصد از بهزیستی شغلی را پیش بینی می کنند و در حضور همه متغیرهای پیش بین و از بین این متغیرها، پرسه زنی اینترنتی بیشترین توان پیش بینی بهزیستی شغلی را دارد ($P < 0/001$). بنابراین، با توجه به نتایج، به دلیل نقش مهم و برجسته پرسه زنی اینترنتی، استرس شغلی و اهمالکاری در پیش بینی بهزیستی شغلی، توجه به این یافته های مهم باید مد نظر مدیران و سیاستگذاران در سازمان ها قرار بگیرد.

واژه های کلیدی: بهزیستی شغلی، استرس شغلی، اهمالکاری، پرسه زنی اینترنتی.

تأثیر سبک‌های فرزندپروری والدین بر خودکارآمدی و بهزیستی روانشناختی دانش‌آموزان دارای اختلال یادگیری در شهرستان مرودشت

هاله ابراهیمی*^۱ و پروانه دودمان^۲

۱. نویسنده مسئول. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه آزاد واحد مرودشت، ایران. رایانامه: Halebrahimi82@gmail.com

۲. استادیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. رایانامه: fdoodman@gmail.ac.ir

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی تأثیر سبک‌های فرزندپروری والدین بر خودکارآمدی و بهزیستی روانشناختی دانش‌آموزان دارای اختلال یادگیری در شهرستان مرودشت انجام شد. روش تحقیق از نوع توصیفی-همبستگی بود و جامعه آماری شامل تمامی دانش‌آموزان دارای اختلال یادگیری شناسایی‌شده در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ بود. نمونه‌ای از میان این دانش‌آموزان به صورت تصادفی انتخاب شد و داده‌ها با استفاده از پرسشنامه‌های استاندارد مربوط به سبک‌های فرزندپروری، خودکارآمدی عمومی و بهزیستی روانشناختی جمع‌آوری گردید. نتایج پژوهش نشان داد که بیشترین فراوانی به سبک فرزندپروری مقتدرانه اختصاص دارد و سبک‌های سهل‌گیرانه و مستبدانه به‌طور تقریباً برابر مشاهده شدند. میانگین خودکارآمدی و بهزیستی روانشناختی در گروه دانش‌آموزانی که والدینشان سبک مقتدرانه را به کار گرفته بودند بالاترین میزان را داشت، در حالی که سبک مستبدانه پایین‌ترین سطوح را نشان داد و سبک سهل‌گیرانه در حد متوسط قرار داشت. تحلیل‌های آماری نشان داد که تفاوت‌ها میان سه سبک فرزندپروری از نظر خودکارآمدی و بهزیستی روانشناختی معنادار است. علاوه بر این، بین خودکارآمدی عمومی و بهزیستی روانشناختی رابطه‌ای مثبت و قوی مشاهده شد که اهمیت خودکارآمدی را به عنوان عاملی کلیدی در ارتقای بهزیستی روانشناختی تأیید می‌کند. به طور کلی، یافته‌ها حاکی از آن بود که سبک فرزندپروری مقتدرانه موجب افزایش خودکارآمدی و بهزیستی روانشناختی دانش‌آموزان دارای اختلال یادگیری می‌شود، در حالی که سبک مستبدانه اثر معکوس دارد و سبک سهل‌گیرانه در سطح متوسط قرار می‌گیرد. بنابراین، پیشنهاد می‌شود برنامه‌های آموزشی و مشاوره‌ای برای والدین در شهرستان مرودشت طراحی و اجرا شود تا چالش‌های یادگیری و مشکلات روانشناختی دانش‌آموزان کاهش یابد.

واژه‌های کلیدی: اختلال یادگیری، بهزیستی روانشناختی، خودکارآمدی، دانش‌آموزان، سبک فرزندپروری

بررسی نقش پیش بین احساس تنهایی و اضطراب سلامت در پریشانی روانشناختی دانشجویان

سحر معطوفی^{۱*}، نگار عزیزی گلولو^۲

۱. کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد، واحد خلخال. رایانامه: matoufisahar8296@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد، واحد خلخال. رایانامه: azizinegar753@gmail.com

چکیده

در دنیای پرتلاطم امروز، دانشجویان با چالش‌های متعددی همچون فشارهای تحصیلی، تغییرات اجتماعی و بحران‌های جهانی روبرو هستند که می‌تواند به پریشانی روانشناختی منجر شود. این پژوهش به بررسی نقش پیش‌بینی‌کننده احساس تنهایی و اضطراب سلامت در پریشانی روانشناختی دانشجویان دانشگاه‌های خلخال پرداخت. احساس تنهایی به عنوان ادراک ذهنی از کمبود روابط معنادار، و اضطراب سلامت به عنوان نگرانی بیش از حد در مورد علائم جسمانی، دو عامل کلیدی در این زمینه شناسایی شدند. مطالعه با رویکرد توصیفی-همبستگی و نمونه‌گیری در دسترس بر روی دانشجویان مقاطع مختلف انجام شد. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه‌های استاندارد سنجش پریشانی روانشناختی، احساس تنهایی و اضطراب سلامت گردآوری و با نرم‌افزار JASP تحلیل گردید. یافته‌ها نشان‌دهنده همبستگی مثبت و معنادار بین اضطراب سلامت و احساس تنهایی، اضطراب سلامت و پریشانی روانشناختی، و احساس تنهایی و پریشانی روانشناختی بود. تحلیل رگرسیون خطی چندگانه نیز تأیید کرد که این دو متغیر پیش‌بین، به طور معنادار تقریباً ۴۷ درصد از تغییرات پریشانی روانشناختی را تبیین می‌کنند. نتایج بر اهمیت مداخلات چندبعدی مانند تقویت شبکه‌های اجتماعی، آموزش سواد سلامت و مشاوره‌های شناختی-رفتاری تأکید دارد تا سلامت روان دانشجویان در بافت‌های محلی مانند خلخال بهبود یابد. این مطالعه، با وجود محدودیت‌هایی همچون نمونه‌گیری غیرتصادفی و ماهیت مقطعی، زمینه‌ای برای پژوهش‌های طولی و مقایسه‌ای فراهم می‌کند.

واژه‌های کلیدی: پریشانی روانشناختی، احساس تنهایی، اضطراب سلامت، دانشجویان

نگرش معلمان به فناوری های آموزشی: (ماهیت، کاربردها و پیامدها)

هادی پورشافعی^۱، امیرحسین اکبری^{۲*}

۱. دانشیار مدیریت آموزشی، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران. رایانامه:

hpourshafei@birjand.ac.ir

۲. (نویسنده مسئول). دانش آموخته کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، گروه روانشناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد

بیرجند، بیرجند، ایران. رایانامه: amirh.akbari.2000@gmail.com

چکیده

در عصر حاضر با توجه به گسترش فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی استفاده از فناوری در آموزش مورد توجه قرار گرفته است. این امر مستلزم نگرش مثبت معلمان به کاربرد فناوری در فرایند آموزش و تدریس است. هدف از پژوهش حاضر تحلیل نگرش معلمان نسبت به فناوری های آموزشی است. در این پژوهش، ابتدا ماهیت نگرش معلمان به فناوری و سپس به کاربردها و پیامدهای استفاده از فناوری های آموزشی که بر نگرش معلمان به فناوری اثر می گذارد، پرداخته شده است. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی است. در این پژوهش، از مطالعات کتابخانه ای و اسنادی برای جمع آوری اطلاعات استفاده شده است که شامل بررسی مقالات علمی-پژوهشی، علمی-ترویجی، کتابها و سایر منابع مرتبط با پژوهش است. در این پژوهش مشخص شده است فناوری های آموزشی کاربردهایی همچون برقراری ارتباط میان اطلاعات معلم و دانش آموز، افزایش کیفیت یادگیری در دانش آموز، ایجاد مواد آموزشی و تعاملی و ایجاد مواد آموزشی با کیفیت بالاتر دارد. همچنین با پیامدهایی منفی همچون زیر ساخت های نرم افزاری و سخت افزاری، دانش و سواد معلمان، عدم امنیت در حریم خصوصی و همچنین پیامدهای مثبتی همچون دسترسی به منابع یادگیری پیشرفته، تقویت ارتباطات و تقویت سواد دیجیتالی، تفکر انتقادی، و مهارت حل مسئله دانش آموزان که می تواند بر نگرش معلمان در استفاده از فناوری اثرگذار باشد همراه است. در نتیجه گیری کلی از پژوهش حاضر می توان گفت آموزش و پرورش باید با توسعه سخت افزارها و نرم افزارها، توزیع صحیح اینترنت، فرهنگ سازی و ترویج استفاده صحیح از فناوری های آموزشی و افزایش سواد فناورانه معلمان، نگرش مثبت معلمان در استفاده از فناوری ایجاد کند تا باعث ارتقاء کیفیت آموزش بشود.

واژه های کلیدی: فناوری های آموزشی، نگرش نسبت به فناوری، ماهیت، کاربردها و پیامدها

نقش ارزیابی‌های روان‌شناختی در تصمیم‌گیری‌های منابع انسانی: شواهدی از جذب، نگهداشت و تعدیل نیروی انسانی

عبداللہ یارمرادیان^{۱*}، محمد مسیح یارمرادیان^۲

۱. نویسنده مسئول، دکتری کارآفرینی، دانشگاه تهران؛ ایران، مدیر مرکز مشاوره و مطالعات کارآفرینی آبداء، اصفهان، ایران. رایانامه:

ebadallah.yar@ut.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی مدیریت کسب و کار، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوراسگان، اصفهان، ایران. رایانامه: abad_kian@yahoo.com

چکیده

تصمیم‌گیری در حوزه منابع انسانی از مهم‌ترین فرایندهای سازمانی است که پیامدهای آن مستقیماً بر عملکرد سازمان، پایداری سرمایه انسانی و بهزیستی روان‌شناختی کارکنان مؤثر است. شواهد نشان می‌دهد تصمیم‌های غیرعلمی می‌توانند به ناپایداری شغلی، ترک خدمت و کاهش احساس عدالت روانی در سازمان‌ها منجر شوند. هدف پژوهش حاضر تبیین نقش ارزیابی‌های روان‌شناختی در تصمیم‌های کلیدی منابع انسانی شامل جذب، نگهداشت و تعدیل نیروی انسانی بود. این پژوهش از نوع کاربردی و میدانی بوده و با طرح علی-مقایسه‌ای غیرآزمایشی و مبتنی بر تحلیل داده‌های آرشیوی انجام شد. جامعه آماری شامل کلیه پرونده‌های اولیه فرایند جذب نیروی انسانی در یک بستر واقعی سازمانی طی چند سال متوالی بود که پس از پالایش داده‌ها، پرونده‌های معتبر به‌صورت تمام‌شمار مورد تحلیل قرار گرفتند. واحدهای تحلیل بر اساس سطح ارزیابی روان‌شناختی در سه گروه بدون ارزیابی، ارزیابی محدود و ارزیابی نسبتاً کامل طبقه‌بندی شدند. ابزارهای گردآوری داده شامل سوابق مصاحبه‌های شغلی و آزمون‌های روان‌شناختی استاندارد از جمله شاخص تیپ شخصیتی مایرز-بریگز، آزمون رغبت شغلی هالند، مقیاس نقطه کنترل و ابزارهای مدیریت تعارض بود. داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی و آزمون‌های مقایسه‌ای مناسب برای داده‌های طبقه‌ای تحلیل شدند. نتایج نشان داد ارزیابی‌های روان‌شناختی نسبتاً کامل با تصمیم‌های منسجم‌تر در جذب، ماندگاری بیشتر و تصمیم‌گیری هدفمندتر در تعدیل نیروی انسانی همراه است، در حالی که تصمیم‌های مبتنی بر ارزیابی‌های محدود یا فاقد ارزیابی از ثبات کمتری برخوردار بودند. در مجموع، یافته‌ها نشان می‌دهد ارزیابی‌های روان‌شناختی می‌توانند به بهبود کیفیت تصمیم‌های منابع انسانی و بهزیستی روان‌شناختی کارکنان کمک کنند.

واژه‌های کلیدی: ارزیابی روان‌شناختی، تصمیم‌گیری منابع انسانی، جذب نیروی انسانی، نگهداشت کارکنان، تعدیل نیروی انسانی

تحلیل مضمون تجربه زیسته دانشجویان از اضطراب دوران امتحانات

نگار عزیزی گلو*^۱، سحر معطوفی^۲۱. کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد، واحد خلخال. رایانامه: azizinegar753@gmail.com۲. کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد، واحد خلخال. رایانامه: matoufisahar8296@gmail.com

چکیده

اضطراب امتحان یکی از تجربه‌های هیجانی رایج در میان دانشجویان است که می‌تواند تأثیر چشمگیری بر عملکرد، انگیزش و سلامت روان آنان بگذارد. با این حال، بیشتر پژوهش‌های پیشین به بررسی کمی میزان اضطراب و عوامل پیش‌بینی‌کننده آن پرداخته‌اند و کمتر به تجربه زیسته و معنای درونی این پدیده از منظر خود دانشجویان توجه کرده‌اند. هدف پژوهش حاضر، کشف و تبیین مضامین معنایی تجربه زیسته دانشجویان از اضطراب دوران امتحانات با استفاده از رویکرد تحلیل مضمون بود. پژوهش به روش کیفی و با مشارکت ۱۸ دانشجوی کارشناسی و کارشناسی ارشد از رشته‌های مختلف دانشگاهی انجام شد. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته عمیق گردآوری و با استفاده از رویکرد تحلیل مضمون براون و کلارک تحلیل شدند. تحلیل داده‌ها منجر به استخراج چهار مضمون فراگیر شد: «زیستن در مرز میان کنترل و فروپاشی»، «معنایابی اضطراب در گفتمان موفقیت تحصیلی»، «چرخه اضطراب و خستگی هیجانی» و «تجربه جمعی و سکوت‌خورده». یافته‌ها نشان داد که اضطراب امتحان برای دانشجویان صرفاً تجربه‌ای هیجانی نیست، بلکه پدیده‌ای وجودی و فرهنگی است که در تنش میان ترس از قضاوت، نیاز به کنترل، و جست‌وجوی معنا در موفقیت تحصیلی شکل می‌گیرد. نتایج این پژوهش بر اهمیت درک چندسطحی اضطراب امتحان و ضرورت رویکردهای آموزشی و روان‌شناختی مبتنی بر معنا، گفت‌وگو و بازنگری در ساختارهای رقابتی دانشگاه تأکید دارد.

واژه‌های کلیدی: تحلیل مضمون، اضطراب امتحان، تجربه زیسته، دانشجویان، معنامحوری

رابطه حمایت اجتماعی ادراک شده و نگرش تحصیلی با اضطراب امتحان

محمدحسین ضیایی فر^{*}

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روان شناسی تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: ziaaefar@ut.ac.ir

چکیده

اضطراب امتحان و نگرش منفی به مدرسه از چالش های اصلی نظام آموزشی است که می تواند تحت تأثیر محیط های یادگیری غیررسمی قرار گیرد. پژوهش حاضر با هدف تعیین رابطه بین حمایت اجتماعی ادراک شده و نگرش تحصیلی با اضطراب امتحان انجام شد. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری شامل نوجوانان پسر شرکت کننده در طرح تربیتی کتابخانه خدا در شهر تهران بود که ۳۱ دانش آموز به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده ها شامل مقیاس های اضطراب امتحان ساراسون (TAS)، حمایت اجتماعی زیمت (MSPSS) و نگرش به مدرسه مک کوچ (SAAS) بود. داده ها با آزمون همبستگی پیرسون تجزیه و تحلیل شدند. نتایج نشان داد که بین حمایت اجتماعی ادراک شده و اضطراب امتحان رابطه منفی و معناداری وجود دارد؛ بدین معنا که افزایش حمایت، با کاهش اضطراب همراه است. با این حال، رابطه معناداری بین نگرش کلی به مدرسه و اضطراب امتحان مشاهده نشد. همچنین یافته ها بیانگر آن بود که شرایط محیطی (سکوت) بیشتر با کاهش استرس مرتبط است تا اضطراب امتحان. در نتیجه گیری می توان گفت اگرچه جذابیت های فیزیکی عامل جذب دانش آموزان است، اما این حمایت اجتماعی است که به عنوان عامل محافظتی عمل کرده و اضطراب تحصیلی را کاهش می دهد.

واژه های کلیدی: اضطراب امتحان، حمایت اجتماعی، محیط های یادگیری غیررسمی، نگرش تحصیلی.

فرا تر از تشخیص: به سوی پارادایمی یکپارچه برای ارتقای بهزیستی روان‌شناختی در عصر شبکه‌های اجتماعی و هوش مصنوعی

سجاد سهرابی جم^{۱*}، شهریار شهیدی^۲، سید سعید نعیمی تاجدار^۳، وحید عبدالمنافی^۴

*. دانشجوی دکتری، روان‌شناسی، سلامت، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. ایمان‌نامه: s.sohrabijam@gmail.com

۲. استاد گروه روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. S-Shahidi@sbu.ac.ir؛ ایمانامه:

۳. دانشجوی دکتری روان‌شناسی بالینی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران، ایمانامه: avestaidar@gmail.com

۴. دانشجوی دکتری روان‌شناسی، سلامت، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. vahidabdolmanafi@gmail.com; ایمانامه:

چکیدہ

در عصر دیجیتال، رابطه بین شبکه‌های اجتماعی، هوش مصنوعی و سلامت روان به موضوعی پیچیده و چندبعدی تبدیل شده است. هدف این مطالعه، تحلیل و ترکیب یافته‌های پژوهشی معاصر برای عبور از نگاه ساده‌انگارانه و ارائه چارچوبی یکپارچه از عوامل تعدیل‌گر این رابطه بود. این مرور روایتی انتقادی با بررسی مقالات معتبر منتشرشده بین سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۵ از پایگاه‌های علمی متعدد انجام شد. مقالات بر اساس معیارهای ورود و خروج غربال‌گری و تحلیل کیفی محتوا با تمرکز بر شناسایی تم‌ها، تناقض‌ها و شکاف‌های دانش انجام پذیرفت. یافته‌ها نشان داد که تأثیر این فناوری‌ها بر سلامت روان یکسان نیست و توسط عوامل فردی، فرهنگی-اجتماعی و کیفی تعامل کاربر مشروط می‌شود؛ همچنین هوش مصنوعی امکان گذار از مدل‌های بیماری‌نگر به سلامت‌نگر را فراهم کرده است. در نتیجه، حرکت به سمت مداخلات شخصی‌سازی‌شده، زمینه‌آگاه و مبتنی بر نظریه‌های روان‌شناختی ضروری است و پژوهش‌های آینده باید بر طراحی‌های طولی، همکاری‌های بین‌فرهنگی و ملاحظات اخلاقی متمرکز شوند.

واژه‌های کلیدی: سلامت روان دیجیتال، شبکه‌های اجتماعی، هوش مصنوعی، شخصی‌سازی، تفاوت‌های فردی

نقش فناوری‌های نوین آموزشی در کاهش اضطراب کلاس زبان خارجی زبان آموزان

محمد عامریان^{*۱}

۱. نویسنده مسئول، استادیار، بخش زبان، دانشگاه صداوسیما، تهران، ایران رایانامه: mohammadamerian82@gmail.com

چکیده

این مقاله به بررسی اثرات فناوری‌های آموزشی بر کاهش اضطراب مربوط به یادگیری زبان خارجی پرداخته و نقش آن‌ها را در افزایش اعتماد به نفس زبان‌آموزان بررسی می‌کند. «اضطراب کلاس زبان خارجی» (Foreign Language Classroom Anxiety)، عاملی است که می‌تواند موجب کاهش انگیزه، افت عملکرد و محدود شدن توانایی‌های زبانی فراگیران شود. این اضطراب معمولاً ناشی از ترس از اشتباه، ترس از ارزیابی منفی و عدم اعتماد به نفس بوده و کاهش آن اهمیت ویژه‌ای در افزایش اثربخشی آموزش زبان دارد. فناوری‌های آموزشی، به ویژه یادگیری الکترونیکی، امکانات متنوعی را فراهم می‌آورند که می‌توانند محیطی حمایتی و کم‌تنش برای زبان‌آموزان ایجاد کنند. برنامه‌های آموزش مجازی، اپلیکیشن‌های تعاملی و پلتفرم‌های آموزش آنلاین امکان تمرین مستقل و بدون ترس از قضاوت را برای فراگیران فراهم می‌کنند. این محیط‌های دیجیتال شامل تمرین‌های تعاملی، بازخورد فوری و محیط‌های مجازی امن هستند که به کاهش اضطراب فراگیر کمک می‌کنند. یادگیری در محیط‌های دیجیتال، انعطاف‌پذیری زمانی و مکانی را برای فراگیران فراهم می‌کند که خود، اضطراب حضور فیزیکی در کلاس و ترس از ارزیابی‌های رو در رو را کاهش می‌دهد. هوش مصنوعی و فناوری‌های تعاملی مانند واقعیت مجازی (VR) و واقعیت افزوده (AR) نیز نقشی کلیدی در شخصی‌سازی فرآیند یادگیری ایفا می‌کنند. سامانه‌های مبتنی بر هوش مصنوعی می‌توانند برنامه‌های آموزشی فردی، تمرین‌های مخصوص و بازخوردهای هدفمند ارائه دهند. این فناوری‌ها با تحلیل داده‌های فردی فراگیران، سطح مهارت‌های زبانی، نقاط ضعف و قوت آن‌ها را شناسایی نموده و محتوا را بر اساس نیازهای خاص هر فرد تنظیم می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: آموزش زبان خارجی، اضطراب کلاس زبان خارجی، فناوری آموزشی، هوش مصنوعی

تحلیل کیفی واپاشی تمایز محرکی در محیطهای آموزشی: بازنمایی شرطی سازی کلاسیک فراگیر اضطراب شناختی در نظام ارزیابی تحصیلی

رضا خنار^{۱*}

۱. نویسنده مسئول، دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بهشهر ایمیل: RezaKhenar@gmail.com

چکیده

این پژوهش کیفی با رویکرد پدیدارشناختی هرمنوتیکی، به تحلیل واپاشی تمایز محرکی در محیطهای آموزشی پرداخته و بازنمایی شرطی‌سازی کلاسیک فراگیر اضطراب شناختی را در نظام ارزیابی تحصیلی بررسی کرده است. جامعه پژوهش شامل فراگیران آموزشی در استان مازندران بود و نمونه‌گیری هدفمند تا دستیابی به اشباع نظری با ۲۰ شرکت‌کننده (۱۰ دانش‌آموز دبیرستانی و ۱۰ دانشجوی دانشگاهی) انجام گرفت. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته عمیق جمع‌آوری و با روش تحلیل تماتیک شش مرحله‌ای تحلیل شدند. یافته‌ها چهار تم اصلی را آشکار ساخت: شرطی‌سازی اولیه اضطراب در موقعیت‌های ارزیابی، واپاشی تمایز محرکی و تعمیم به محرک‌های خنثی، فراگیری اضطراب شناختی و تأثیر بر پردازش اطلاعات، و عوامل زمینه‌ای همراه با پیشنهادهای مقابله‌ای. نتایج نشان داد که نظام ارزیابی تحصیلی با فشارهای نمره‌محور و تکرار محرک‌های تنش‌زا، شرطی‌سازی کلاسیک را تقویت کرده و منجر به واپاشی تمایز محرکی و فراگیری پایدار اضطراب شناختی می‌گردد که عملکرد تحصیلی و سلامت روانی را مختل می‌کند. این پژوهش بر ضرورت مداخلات مبتنی بر تمایزسازی محرکی و بازنگری در رویکردهای ارزیابی تأکید دارد و پیشنهادهایی عملی برای برنامه‌های پیشگیری در محیطهای آموزشی ارائه می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: واپاشی تمایز محرکی، شرطی‌سازی کلاسیک، اضطراب شناختی، نظام ارزیابی تحصیلی

شرطی سازی هیجانی قضاوت های اخلاقی در آموزش رسمی: مطالعه کیفی در باب هم زمانی های تقویتی پیش زبانی در شکل گیری احساس عدالت آموزشی

رضا خنار*

* نویسنده مسئول، دانشجوی کارشناسی ارشد روان شناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بهشهر ایمیل:

RezaKhenar@gmail.com

چکیده

این پژوهش کیفی با رویکرد پدیدارشناسانه، به بررسی شرطی سازی هیجانی قضاوت های اخلاقی در آموزش رسمی پرداخته و تمرکز اصلی آن بر هم زمانی های تقویتی پیش زبانی در شکل گیری احساس عدالت آموزشی است. مطالعه در استان مازندران و با مشارکت بیست و پنج شرکت کننده شامل معلمان، دانش آموزان نوجوان و مدیران آموزشی از مناطق شهری و روستایی انجام گرفت. داده ها از طریق مصاحبه های عمیق نیمه ساختاریافته، مشاهدات مشارکتی و یادداشت های میدانی جمع آوری و با روش تحلیل تماتیک بررسی شدند. یافته ها چهار تم اصلی را آشکار ساخت: هم زمانی های تقویتی مثبت پیش زبانی و تقویت قضاوت های اخلاقی مثبت، هم زمانی های تقویتی منفی و نهادینه سازی احساس ناعدالتی، نقش بافت فرهنگی در شرطی سازی هیجانی، و پیامدهای بلندمدت بر رفتار آموزشی. نتایج نشان داد که تجربیات عاطفی پیش زبانی، پیش از توسعه زبان رسمی، از طریق تقارن زمانی محرک های تقویتی با تعاملات آموزشی، الگوهای پایدار قضاوت اخلاقی و برداشت از عدالت را شکل می دهند. بافت فرهنگی مازندران، به ویژه تفاوت های شهری، روستایی و سنت های محلی، این فرآیندها را تعدیل می کند. این پژوهش بر لزوم توجه به شرطی سازی هیجانی در برنامه ریزی آموزشی تأکید دارد تا عدالت آموزشی از مراحل اولیه تقویت شود. پیشنهادهایی برای آموزش معلمان در استفاده از نشانه های غیر کلامی مثبت و رویکردهای فرهنگی-حساس ارائه گردید.

واژه های کلیدی: قضاوت های اخلاقی، آموزش رسمی، هم زمانی های تقویتی پیش زبانی، احساس عدالت آموزشی

زنجیره‌های شرطی سازی مرتبه بالا در فرسودگی شغلی معلمان: تحلیل کیفی برهم‌نهی محرک‌های شرطی در نظام آموزشی

رضا خنار*^۱

*۱. نویسنده مسئول، دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بهشهر ایمیل:

RezaKhenar@gmail.com

چکیده

فرسودگی شغلی معلمان یکی از چالش‌های اصلی نظام آموزشی ایران است که بر کیفیت آموزش و سلامت روانی معلمان تأثیر عمیق می‌گذارد. این پژوهش کیفی با هدف بررسی زنجیره‌های شرطی سازی مرتبه بالا در فرسودگی شغلی معلمان و تحلیل برهم‌نهی محرک‌های شرطی در نظام آموزشی انجام شد. با استفاده از رویکرد پدیدارشناختی توصیفی و روش تحلیل تماتیک، داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته عمیق با ۲۸ معلم شاغل در مدارس دولتی و غیردولتی استان مازندران (با میانگین سنی ۴۲ سال و میانگین سابقه کاری ۱۴ سال) جمع‌آوری گردید. نمونه‌گیری به صورت هدفمند و گلوله برفی انجام گرفت و اشباع نظری پس از مصاحبه بیست و سوم حاصل شد. تحلیل داده‌ها منجر به شناسایی سه تم اصلی گردید: زنجیره‌های شرطی سازی مرتبه بالا در محیط کاری (شامل گسترش محرک‌های شرطی از مرتبه اول به مرتبه‌های بالاتر)، برهم‌نهی محرک‌های شرطی در نظام آموزشی (هم‌پوشانی محرک‌های اداری، آموزشی و اجتماعی)، و اثرات تجمعی بر فرسودگی شغلی (چرخه‌های خودتقویت کننده پاسخ‌های عاطفی و جسمانی منفی). یافته‌ها نشان داد که محرک‌های خنثی اولیه مانند صدای زنگ مدرسه یا دیدن دفتر نمرات، از طریق جفت شدن مکرر با فشارهای کاری، به زنجیره‌های شرطی مرتبه بالا تبدیل می‌شوند و با برهم‌نهی عوامل سازمانی و اجتماعی، فرسودگی را به الگویی مزمن و پایدار تبدیل می‌کنند. این پژوهش بر اهمیت مداخلات مبتنی بر اصول شرطی سازی کلاسیک و خاموشی شرطی برای قطع زنجیره‌ها تأکید دارد و پیشنهادهایی برای سیاست‌گذاری آموزشی ارائه می‌دهد. نتایج حاکی از آن است که درک فرآیندهای شرطی سازی مرتبه بالا می‌تواند به کاهش فرسودگی شغلی و بهبود عملکرد معلمان کمک کند.

واژه‌های کلیدی: واپاشی تمایز محرکی، شرطی سازی کلاسیک، اضطراب شناختی، نظام ارزیابی تحصیلی

رسانه‌های اجتماعی به مثابه میدان شرطی سازی بین سیستمی: مطالعه کیفی هم‌کنشی شرطی سازی کلاسیک و فرهنگ آموزشی در فروپاشی تنظیم هیجانی دانشجویان

رضا خنار*^۱

*۱. نویسنده مسئول، دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بهشهر ایمیل: RezaKhenar@gmail.com

چکیده

این پژوهش کیفی با هدف کاوش هم‌کنشی شرطی‌سازی کلاسیک و فرهنگ آموزشی در رسانه‌های اجتماعی به عنوان میدانی بین‌سیستمی و نقش آن در فروپاشی تنظیم هیجانی دانشجویان انجام شد. روش‌شناسی پژوهش بر پایه رویکرد تفسیری-ساخت‌گرا و تحلیل تماتیک بود. نمونه‌گیری هدفمند شامل ۲۸ دانشجو (۱۷ زن و ۱۱ مرد، میانگین سنی ۴/۲۳ سال) از دانشگاه‌های مازندران، تهران و سایر استان‌ها بود که حداقل دو سال تجربه فعال در رسانه‌های اجتماعی داشتند و علائم فروپاشی تنظیم هیجانی مرتبط با تعاملات دیجیتال را گزارش می‌کردند. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته جمع‌آوری و تا رسیدن به اشباع نظری تحلیل شدند. تحلیل تماتیک منجر به استخراج شش تم اصلی گردید: (۱) شرطی‌سازی اعلان‌محور به عنوان محرک اولیه هیجانی، (۲) مقایسه فرهنگی به عنوان تقویت‌کننده شرطی‌سازی منفی، (۳) فروپاشی لحظه‌ای تنظیم هیجانی در چرخه دیجیتال، (۴) نقش فرهنگ آموزشی در جفت‌سازی محرک‌های شرطی، (۵) مقاومت و تلاش برای بازسازی هیجانی، و (۶) رسانه‌های اجتماعی به عنوان میدان بین‌سیستمی شرطی‌سازی. یافته‌ها نشان داد که رسانه‌های اجتماعی با ادغام الگوریتم‌های دیجیتال و فرهنگ رقابتی آموزشی، شرطی‌سازی کلاسیک را در سطوح چندگانه تقویت کرده و چرخه‌ای مداوم از فروپاشی تنظیم هیجانی ایجاد می‌کنند. این پژوهش بر ضرورت مداخلات مبتنی بر بازسازی شرطی‌سازی و ذهن‌آگاهی دیجیتال تأکید دارد.

واژه‌های کلیدی: رسانه‌های اجتماعی، شرطی‌سازی کلاسیک، فرهنگ آموزشی، تنظیم هیجانی، فروپاشی هیجانی

بازشرطی سازی یا تشدید، تحلیل کیفی نقش فناوری های هوشمند در بازآرایی سلسله مراتبی محرک های شرطی در سازمان های آموزشی

رضا خنار^{۱*}

*۱. نویسنده مسئول، دانشجوی کارشناسی ارشد روان شناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بهشهر ایمیل:

RezaKhenar@gmail.com

چکیده

این پژوهش کیفی با رویکرد پدیدارشناختی، تفسیری به بررسی نقش فناوری های هوشمند در بازآرایی سلسله مراتبی محرک های شرطی در سازمان های آموزشی استان مازندران پرداخته است. با انجام مصاحبه های نیمه ساختاریافته عمیق با ۱۸ شرکت کننده شامل ۸ معلم، ۶ دانش آموز دوره متوسطه و ۴ مدیر آموزشی که حداقل دو سال تجربه مستمر استفاده از فناوری های هوشمند (مانند سامانه های یادگیری الکترونیکی، برنامه های مبتنی بر هوش مصنوعی، تبلت های هوشمند و ابزارهای تعاملی) را داشتند، داده ها گردآوری و با روش تحلیل پدیدارشناختی تفسیری بررسی شد. یافته ها به استخراج پنج مضمون اصلی منجر گردید: تشدید محرک های شرطی دیجیتال از طریق پاداش های فوری و شخصی سازی شده، بازشرطی سازی محرک های سنتی اجتماعی و عاطفی، ایجاد لایه های جدید در سلسله مراتب از طریق ویژگی های چند رسانه ای و تعاملی، تناقض تشدید و فرسودگی محرک های دیجیتال، و نقش زمینه های سازمانی و فردی در جهت گیری این بازآرایی. نتایج نشان داد که فناوری های هوشمند ضمن تشدید انگیزش کوتاه مدت، پیوندهای شرطی انسانی را تضعیف کرده و سلسله مراتب محرک ها را به سمت ساختارهای پیچیده تر و دیجیتال محور جابه جا می نمایند، اما این تغییرات با خطر فرسودگی و وابستگی همراه است. این پژوهش بر لزوم طراحی انسان محور فناوری های آموزشی و حفظ تعادل میان محرک های دیجیتال و انسانی تأکید دارد و مبنایی برای سیاست گذاری آموزشی و مداخلات روانشناختی بالینی فراهم می کند.

واژه های کلیدی: فناوری های هوشمند، محرک های شرطی، سلسله مراتب محرک ها، بازشرطی سازی

بررسی رابطه بین اعتیاد به اینترنت و تجارب معنوی روزانه در بزرگسالان

فاطمه جعفری رایینی^{۱*}، نرگس خوش نظر^۲

۱. دانشجوی (کارشناسی ارشد) روانشناسی بالینی، دانشگاه باهنر کرمان. رایانامه: fatjaf1377@gmail.com

۲. کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه باهنر کرمان. رایانامه: Hanuzkhoshnazar@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین شدت اعتیاد به اینترنت و فراوانی و کیفیت تجارب معنوی روزانه (شامل احساس ارتباط با امر متعالی، حضور آگاهانه و معنادار بودن زندگی) در بزرگسالان انجام شد. با توجه به نقش محوری اینترنت در زندگی روزمره و اهمیت جستجوی معنا در سلامت روان، سنجش این رابطه برای تدوین راهکارهای مداخله‌ای مبتنی بر تقویت معنویت ضروری به نظر می‌رسد. این پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی با رویکرد کمی اجرا گردید. نمونه آماری پژوهش شامل ۷۶ نفر از جمعیت بزرگسالان کاربر فضای مجازی که به شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند، می‌باشد. ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش شامل پرسشنامه اعتیاد به اینترنت یانگ (۱۹۹۸) و پرسشنامه تجارب معنوی روزانه اندروود و ترسی (۲۰۰۲) می‌باشد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج تحلیل همبستگی نشان داد که بین شدت اعتیاد به اینترنت و تجارب معنوی روزانه رابطه معنی‌دار منفی وجود دارد. بر اساس یافته‌ها، می‌توان نتیجه گرفت که اعتیاد به اینترنت نه تنها یک مشکل رفتاری است، بلکه می‌تواند عاملی کاهنده در غنای تجارب معنوی زیسته روزانه بزرگسالان باشد. این یافته بر لزوم توجه به بعد معنوی در مداخلات مربوط به درمان اعتیاد به فضای مجازی تأکید می‌کند.

واژه‌های کلیدی: اعتیاد به اینترنت، بزرگسالان، تجارب معنوی روزانه

نقش همدلی در یادگیری و بهزیستی روانشناختی با تمرکز بر پویایی گروه‌های کلاسی: یک مرور نظام‌مند

زهرا محمدزاده^{۱*}، هدی پوررضائیان^۲

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی اجتماعی دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: zahra.mohamad-zad@ut.ac.ir

۲. نویسنده مسئول، استادیار، گروه روانشناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: h.purrezaian@ut.ac.ir

چکیده

همدلی از جمله مهارت‌هایی است که معمولاً نقش آن را در بهبود روابط اجتماعی مورد تأکید قرار می‌دهند حال آنکه مطالعات پژوهشی اخیر مؤید نقش پررنگ آن در پیشرفت تحصیلی و سلامت روان دانش‌آموزان نیز هستند. پژوهش حاضر به مرور نظام‌مند این مطالعات پرداخته است تا بر این نقش مهم و ارز شمند تأکید ورزد. بدین منظور، جست‌وجوی دقیق در پایگاه‌های نمایه‌ساز ملی و بین‌المللی با هدف یافتن تمام مقالات معتبر منتشر شده در ده سال اخیر که کاملاً مرتبط با موضوع پژوهش باشند انجام شد. طی این جست‌وجو ۱۹۶ مقاله یافته شد که بعد از غربالگری بر اساس ملاک‌های انتخاب مقالات، ۱۷ مقاله باقی ماند. مرور یافته‌های مقالات منتخب نشان داد که همدلی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم با افزایش توان یادگیری، پیشرفت تحصیلی، مسئولیت‌پذیری، تعاملات مثبت با همسالان در مدرسه، و بهزیستی روانشناختی از یک سو، و کاهش میزان رفتارهای نامطلوب اجتماعی از جمله قلدری و پرخاشگری از سوی دیگر، مرتبط است. توجه به چنین نتایجی ضرورت طراحی بسته‌های آموزشی-درمانی متمرکز بر همدلی در مدرسه را بیش از پیش، آشکار می‌سازد.

واژه‌های کلیدی: بهزیستی روانشناختی، پویایی گروه‌های کلاسی، همدلی، یادگیری

پیش بینی اعتیاد به کار براساس بهزیستی روانشناختی، استحکام روانی و رگه تاریک جامعه ستیزی

اعظم توکلی زاده^۱، هادی فرهادی^{۲*}

۱. کارشناس ارشد، گروه روانشناسی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. رایانامه:

tavakoliazam23@gmail.com

۲. نویسنده مسئول، گروه روانشناسی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه:

farhadihadi@yahoo.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف پیش بینی اعتیاد به کار براساس بهزیستی روانشناختی، استحکام روانی و رگه تاریک جامعه ستیزی انجام شد. پژوهش حاضر توصیفی-همبستگی از نوع تحلیل رگرسیون بود. جامعه آماری این پژوهش کلیه کارکنان منابع انسانی گروه صنعتی انتخاب الکترونیک در شهر اصفهان در بازه زمانی بهار ۱۴۰۴ به تعداد ۱۲۰۰ نفر بودند که به روش نمونه گیری در دسترس تعداد ۳۰۰ نفر انتخاب و پرسشنامه را تکمیل کردند. ابزارهای این پژوهش شامل مقیاس اعتیاد به کار (اسپنس و رایبیز، ۱۹۹۲)، بهزیستی روانشناختی (ریف، ۱۹۸۹)، استحکام روانی (کلاف و همکاران، ۲۰۰۲)، و رگه تاریک جامعه ستیزی (جنیسون و ویستر، ۲۰۱۰) بودند. داده‌ها با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون گام به گام تجزیه و تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد که بین بهزیستی روانشناختی، استحکام روانی و رگه تاریک جامعه ستیزی با اعتیاد به کار رابطه معناداری وجود دارد ($P < 0/01$). به علاوه، نتایج رگرسیون گام به گام نشان داد که از میان متغیرهای پیش بین به ترتیب ۴۵/۷، ۱۶/۳ و ۱/۸ در صد تغییرات اعتیاد به کار از طریق رگه تاریک جامعه ستیزی؛ بهزیستی روانشناختی و استحکام روانی قابل تبیین است ($P < 0/001$). این متغیرها در مجموع ۶۳/۸ درصد از اعتیاد به کار را پیش بینی و در حضور همه متغیرهای پیش بین، رگه تاریک جامعه ستیزی بیشترین توان پیش بینی اعتیاد به کار را دارد ($P < 0/001$). بنابراین، به دلیل نقش مهم و برجسته متغیرهای مذکور در پیش بینی اعتیاد به کار، توجه به این یافته‌های مهم باید مد نظر مدیران و سیاستگذاران در سازمان‌ها قرار بگیرد.

واژه‌های کلیدی: اعتیاد به کار، بهزیستی روانشناختی، استحکام روانی، رگه تاریک جامعه ستیزی

بازنمایی چندسطحی محرک، پاسخ در یادگیری هیجانی انتزاعی: مطالعه کیفی تحلیل شرطی سازی کلاسیک مرتبه دو و هم پوشانی سلسله مراتبی محرک ها در محیط های آموزشی

رضا خنار*^۱

*۱. نویسنده مسئول، دانشجوی کارشناسی ارشد روان شناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بهشهر ایمیل:

RezaKhenar@gmail.com

چکیده

این پژوهش کیفی با رویکرد پدیدارشناختی تفسیری به کاوش بازنمایی چندسطحی محرک، پاسخ در یادگیری هیجانی انتزاعی در محیط های آموزشی پرداخته است، با تمرکز بر تحلیل شرطی سازی کلاسیک مرتبه دو و هم پوشانی سلسله مراتبی محرک ها. جامعه پژوهش شامل معلمان و دانش آموزان استان مازندران بود و از نمونه گیری هدفمند تا رسیدن به اشباع نظری استفاده شد. در نهایت، ۱۸ شرکت کننده (۱۰ معلم با میانگین سابقه ۱۶ سال و ۸ دانش آموز از مقاطع متوسطه) از طریق مصاحبه های نیمه ساختاریافته عمیق مورد مطالعه قرار گرفتند. جمع آوری داده ها بیش از شش ماه به طول انجامید و تحلیل با روش تماتیک پدیدارشناختی تفسیری صورت گرفت. یافته ها چهار تم اصلی را آشکار ساخت: انتقال زنجیره ای هیجان از محرک های اولیه به انتزاعی از طریق شرطی سازی مرتبه دو، نقش هم پوشانی سلسله مراتبی محرک ها در پایداری هیجانات، تأثیر زمینه فرهنگی، اجتماعی (به ویژه روابط خانوادگی مانند معلم، شاگردی در فرهنگ مازندران)، و پیامدهای دوگانه بر هویت تحصیلی. نتایج نشان داد که یادگیری هیجانی انتزاعی عمدتاً از زنجیره های شرطی سازی مرتبه بالا و ادغام لایه های محیطی، اجتماعی و شناختی شکل می گیرد و این فرآیندها می توانند هم انگیزش پایدار و هم اضطراب مزمن ایجاد کنند. این مطالعه خلأ پژوهشی کیفی در روانشناسی آموزشی ایران را پر کرده و پیشنهادهای عملی برای مداخلات رفتار درمانی در مدارس ارائه می دهد.

واژه های کلیدی: یادگیری هیجانی انتزاعی، شرطی سازی کلاسیک مرتبه دو، هم پوشانی سلسله مراتبی محرک ها

بررسی رابطه بین احساس تنهایی و اعتیاد به بازی های آنلاین

فاطمه درّی^۱، زهرا جهانباز^۲، مینا صفی^۳*

۱. دانشجوی کارشناسی مشاوره، دانشگاه اردکان، ایران. doorifatemh@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی مشاوره، دانشگاه اردکان، ایران. jahanbazizahra969@gmail.com

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره مدرسه، دانشگاه اردکان، ایران.

چکیده

احساس تنهایی و گرایش به بازی های آنلاین از موضوعات مهم روانشناختی در دوران کودکی هستند که می توانند بر سازگاری و عملکرد کودکان تأثیرگذار باشند. این پژوهش با هدف بررسی رابطه بین احساس تنهایی و اعتیاد به بازی های آنلاین در کودکان دوره دوم ابتدایی انجام شد. روش پژوهش توصیفی-همبستگی و از نظر هدف، کاربردی است. جامعه آماری شامل کلیه دانش آموزان دختر و پسر پایه چهارم تا ششم ابتدایی شهر اصفهان بود که نمونه ای به حجم ۹۶ نفر به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای مورد استفاده شامل مقیاس احساس تنهایی آشور و همکاران (۱۹۸۴) و پرسشنامه اعتیاد به بازی های رایانه ای وانگ و چانگ (۲۰۰۲) بودند. داده ها با استفاده از روش های آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و آمار استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون) تحلیل شدند. یافته ها نشان داد که بین احساس تنهایی و اعتیاد به بازی های آنلاین در کودکان دوره دوم ابتدایی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، با افزایش احساس تنهایی، سطح اعتیاد به بازی های آنلاین نیز در کودکان افزایش می یابد. بر اساس نتایج به دست آمده می توان نتیجه گرفت که احساس تنهایی می تواند به عنوان یک عامل خطر در گرایش کودکان به استفاده افراطی از بازی های آنلاین عمل کند. لذا توجه به متغیرهای روانی-اجتماعی مانند احساس تنهایی در طراحی برنامه های پیشگیرانه و مداخله ای برای کاهش وابستگی به بازی های آنلاین در کودکان حائز اهمیت است.

واژه های کلیدی: احساس تنهایی، اعتیاد به بازی های آنلاین، کودکان، دوره دوم ابتدایی، سازگاری روانی-اجتماعی

فروپاشی تمایز محرکی و بازنظم‌دهی پاسخ‌های هیجانی در نظام‌های آموزشی: مطالعه کیفی شرطی‌سازی کلاسیک تحت تأثیر محرک‌های متناقض و هم‌زمان

رضا خنار^{۱*}

۱. نویسنده مسئول، دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بهشهر ایمیل: RezaKhenar@gmail.com

چکیده

هدف این پژوهش کیفی، واکاوی سازوکارهای فروپاشی تمایز محرکی و نحوه بازنظم‌دهی پاسخ‌های هیجانی در بستر نظام‌های آموزشی بود؛ به‌ویژه زمانی که فراگیران به‌طور هم‌زمان در معرض محرک‌های متناقض، پیام‌های آموزشی ناهمخوان و نشانه‌های ارزیابانه دچار تعارض قرار می‌گیرند. با بهره‌گیری از رویکردی کیفی و مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته با دانش‌آموزان، معلمان و مدیران، تجربه زیسته مشارکت‌کنندگان درباره شکل‌گیری، تداوم و پیامدهای این وضعیت مورد تحلیل مضمون قرار گرفت. یافته‌ها نشان دادند که مواجهه مستمر با محرک‌های آموزشی متعارض، به تدریج سبب تضعیف توانایی دستگاه رفتاری در تفکیک محرک‌های تقویت‌کننده و تنبیه‌کننده شده و حالت «ابهام محرکی» و «پاسخ‌دهی هیجانی ناپایدار» را به وجود می‌آورد. همچنین، نتایج بیانگر آن بود که افراد، برای بقا و سازگاری روانی در چنین محیطی، به راهبردهای بازنظم‌دهی هیجانی خودکار، اجتنابی یا عقلانی متوسل می‌شوند و این امر گاه به کاهش کارکرد آموزشی و گاه به نوعی سازگاری محافظتی منجر می‌گردد. مجموعه یافته‌ها، ضرورت بازاندیشی در طراحی نشانه‌های آموزشی، کاهش تعارض‌های پیام‌رسانی و تقویت یکپارچگی تجارب یادگیری را برجسته ساخت و نشان داد که بازسازی محیط‌های آموزشی می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در پیشگیری از فرسایش تمایز محرکی و پیامدهای هیجانی آن ایفا کند.

واژه‌های کلیدی: فروپاشی تمایز محرکی، بازنظم‌دهی هیجانی، محرک‌های متناقض، شرطی‌سازی کلاسیک، نظام‌های آموزشی

پیش بینی بیگانگی تحصیلی بر اساس سبک های دلبستگی و سبک فرزند پروری ادراک شده با میانجی گری پایداری تحصیلی

روژینا محمدی^{۱*}

دانش آموخته روانشناسی، واحد امور بین الملل دانشگاه پیام نور تهران، ایران. رایانامه: mohammadirozshina648@gmail.com

چکیده

هدف این پژوهش پیش بینی بیگانگی تحصیلی بر اساس سبک های دلبستگی و سبک فرزندپروری ادراک شده با میانجی گری پایداری تحصیلی در دانشجویان دانشگاه زنجان است. این تحقیق به صورت کاربردی و همبستگی انجام شده و بر روی نمونه ای ۳۰۰ نفری از دانشجویان تحصیلات تکمیلی در سال ۱۴۰۴-۱۴۰۵ صورت گرفته است. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه های معتبر در زمینه های بیگانگی تحصیلی، سبک های دلبستگی، سبک فرزندپروری و پایداری تحصیلی بودند. روایی و پایایی این پرسشنامه ها تأیید شده و داده ها با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف (KS) برای بررسی نرمال بودن توزیع داده ها تحلیل گردید. نتایج پژوهش نشان داد که بیگانگی تحصیلی به طور معناداری تحت تأثیر سبک های دلبستگی و سبک فرزندپروری ادراک شده قرار دارد و پایداری تحصیلی به عنوان یک میانجی در این رابطه عمل می کند. این یافته ها می توانند به طراحان برنامه های آموزشی و مشاوران دانشگاهی کمک کنند تا با درک بهتر عوامل مؤثر بر بیگانگی تحصیلی، راهکارهای مؤثرتری را برای بهبود وضعیت تحصیلی دانشجویان ارائه دهند.

واژه های کلیدی: بیگانگی تحصیلی، سبک های دلبستگی، سبک فرزند پروری ادراک شده، پایداری تحصیلی

نوموفوبیا در عصر هوش مصنوعی: نقش هوش مصنوعی و دستیارهای هوشمند در وابستگی روان شناختی به تلفن همراه

فاطمه جعفری رایینی^۱، نرگس خوش نظر^۲

۱. دانشجوی (کارشناسی ارشد) روانشناسی بالینی، دانشگاه باهنر کرمان. رایانامه: fatjaf1377@gmail.com

۲. کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه باهنر کرمان. رایانامه: Hanuzkhoshnazar@gmail.com

چکیده

نوموفوبیا به عنوان ترس یا اضطراب ناشی از عدم دسترسی به تلفن همراه، یکی از پدیده‌های نوظهور روان شناختی در عصر دیجیتال به شمار می‌رود. در سال‌های اخیر، هم‌زمان با گسترش تلفن‌های هوشمند، فناوری هوش مصنوعی نیز نقش برجسته‌ای در تغییر ماهیت تعامل انسان با تلفن همراه ایفا کرده است. چت‌بات‌ها و دستیارهای هوشمند با فراهم‌سازی تعاملات همدلانه، پاسخ‌دهی فوری و شخصی‌سازی شده، تلفن همراه را از یک ابزار ارتباطی صرف به یک «همراه روان شناختی» تبدیل کرده‌اند. هدف مقاله حاضر، مرور نظام‌مند پژوهش‌های داخلی و خارجی پیرامون نوموفوبیا و تحلیل نقش هوش مصنوعی، به‌ویژه چت‌بات‌ها و دستیارهای هوشمند، در تقویت وابستگی روان شناختی به تلفن همراه است. در این راستا، مطالعات منتخب با تمرکز بر مدل مفهومی ییلدیریم و ابعاد چهارگانه نوموفوبیا شامل ناتوانی در برقراری ارتباط، از دست دادن اتصال، ناتوانی در دسترسی به اطلاعات و از دست دادن راحتی، مورد تحلیل و مقایسه قرار گرفته‌اند. یافته‌های مرور نشان می‌دهد که قابلیت‌هایی همچون شخصی‌سازی تعاملی، پاسخ‌دهی آنی و ایجاد تعاملات شبه اجتماعی توسط سامانه‌های هوش مصنوعی می‌تواند حساسیت افراد نسبت به جدایی از تلفن همراه را افزایش دهد. در پایان، بر ضرورت طراحی اخلاق مدار فناوری‌های هوشمند و انجام پژوهش‌های طولی برای درک عمیق‌تر این پدیده تأکید می‌شود.

واژگان کلیدی: نوموفوبیا، هوش مصنوعی، دستیارهای هوشمند، وابستگی روان شناختی، تلفن همراه

ساخت و اعتباریابی مقیاس خطاهای حافظه کوتاه مدت و بررسی رابطه آن با اضطراب

حمید پورمعینی^{۱*}

*۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روانسنجی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. رایانامه: h.pourmoeini@khu.ac.ir

چکیده

حافظه کوتاه مدت یکی از مؤلفه‌های اساسی کارکردهای شناختی است که نقش مهمی در انجام فعالیت‌های روزمره، تحصیلی و شغلی ایفا می‌کند. بروز خطا در این نوع حافظه می‌تواند به کاهش عملکرد، افزایش اشتباهات و افت کیفیت زندگی منجر شود. اضطراب نیز به عنوان یکی از شایع‌ترین حالات هیجانی، با اختلال در فرایندهای شناختی از جمله توجه و حافظه همراه است. با وجود شواهد نظری و تجربی مبنی بر تأثیر اضطراب بر حافظه کوتاه مدت، تاکنون ابزار روان‌سنجی بومی و معتبری برای سنجش خطاهای حافظه کوتاه مدت در موقعیت‌های واقعی زندگی طراحی و اعتباریابی نشده است. پژوهش حاضر با هدف ساخت و اعتباریابی مقیاس خطاهای حافظه کوتاه مدت و بررسی رابطه آن با اضطراب انجام شد. در این مطالعه، گویه‌های اولیه مقیاس بر اساس مبانی نظری، شواهد تجربی زندگی روزمره و نظر خبرگان تدوین گردید. سپس داده‌ها از یک نمونه در دسترس از افراد بزرگسال جمع‌آوری شد. برای بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی ابزار، از روش‌های روایی محتوا، تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی و شاخص‌های پایایی استفاده شد. همچنین رابطه بین نمرات مقیاس خطاهای حافظه کوتاه مدت و اضطراب مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌ها بیانگر آن بود که مقیاس طراحی شده از روایی و پایایی مطلوبی برخوردار است و بین اضطراب و خطاهای حافظه کوتاه مدت رابطه‌ای مثبت و معنادار وجود دارد. نتایج این پژوهش می‌تواند گامی مؤثر در سنجش دقیق خطاهای شناختی و توسعه کاربردهای پژوهشی و بالینی مرتبط با اضطراب باشد.

واژه‌های کلیدی: خطاهای حافظه کوتاه مدت، اضطراب، حافظه کوتاه مدت

اثربخشی آموزش مهارت‌های تنظیم هیجان بر نشخوارذهنی و خودمهارگری

سیده محدثه میرحسینی شالکوهی^۱، فاطمه پورآقارودبرده^{۲*}، الهام فرزام فر^۳

۱. کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی، گروه روان‌شناسی، موسسه آموزش عالی-غیرانتفاعی راهبرد شمال، رشت، ایران. رایانامه:

mohadeseh.mirhosseyni@yahoo.com

۲. نویسنده مسئول، استادیار، گروه روان‌شناسی، موسسه آموزش عالی-غیرانتفاعی راهبرد شمال، رشت، ایران. رایانامه:

fatemeh.pooragha@rahbordshomal.ac.ir

۳. کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی، گروه روان‌شناسی، موسسه آموزش عالی-غیرانتفاعی راهبرد شمال، رشت، ایران. رایانامه:

elhamfrzmf@gmail.com

چکیده

تنظیم هیجان به عنوان یکی از مهارت‌های مهم در رشد روانی-اجتماعی نوجوانان، نقش مهمی در ارتقای توانمندی‌های روان‌شناختی آن‌ها ایفا می‌کند. هدف پژوهش حاضر، بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های تنظیم هیجان بر نشخوارذهنی و خودمهارگری در نوجوانان دختر بود. پژوهش نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه گواه انجام شد. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان دختر ۱۳ تا ۱۵ ساله مدرسه ناحیه ۲ شهر رشت به تعداد ۴۱۲ نفر در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ بود. ۲۲ نفر از دانش‌آموزان به روش نمونه‌گیری در دسترس و هدفمند، انتخاب شدند و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش (۱۱ نفر) و گواه (۱۱ نفر) قرار گرفتند. برای انتخاب آزمودنی‌ها ابتدا پرسش‌نامه‌های نشخوارذهنی (RRS، نولن-هوکسما و مارو، ۱۹۹۱) و خودمهارگری (SCS، تانجی، ۲۰۰۴) اجرا شد. سپس افراد واجد شرایط به صورت تصادفی در دو گروه قرار گرفتند. گروه آزمایش طی ۸ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای تحت آموزش تنظیم هیجان قرار گرفتند و گروه گواه در انتظار درمان قرار گرفت. داده‌ها با استفاده از تحلیل کوواریانس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج به دست آمده از مقایسه پس‌آزمون دو گروه، حاکی از این است که نمرات پس‌آزمون نشخوارذهنی گروه آزمایش و گواه تفاوت معناداری دارد، اما در خودمهارگری تفاوت معناداری مشاهده نشد. براساس نتایج، آموزش تنظیم هیجان برای کاهش نشخوارذهنی نوجوانان پیشنهاد می‌شود، در حالی که بهبود خودمهارگری نیازمند مداخلات روان‌شناختی تکمیلی است.

واژه‌های کلیدی: آموزش مهارت‌های تنظیم هیجان، خودمهارگری، نشخوارذهنی

نقش نشخوار خود انتقادی، سازگاری هیجانی و تنظیم شناختی هیجان در پیش‌بینی بهزیستی روانشناختی دانشجویان

امیرمحمد توخش^۱، صادق فدائی ده‌چشمه^۲، رضا قاسمی جوبنه^۳*

۱. کارشناسی ارشد مشاوره توانبخشی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره توانبخشی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

۳. نویسنده مسئول: استادیار مشاوره، گروه روان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش نشخوار خود انتقادی، سازگاری هیجانی و تنظیم شناختی هیجان در پیش‌بینی بهزیستی روانشناختی دانشجویان انجام شد. روش این مطالعه توصیفی-همبستگی است و جامعه آماری آن شامل دانشجویان بدون محدودیت سن، جنس و مقطع بود. روش نمونه‌گیری در پژوهش حاضر تصادفی ساده بود. تعداد نمونه در این پژوهش ۱۱۳ نفر دانشجوی بودند و با پرسش‌نامه‌های نشخوار خود انتقادی، سازگاری هیجانی، مقیاس تنظیم شناختی هیجان و بهزیستی روانشناختی اقدام به جمع‌آوری داده‌ها شد. داده‌های به دست آمده با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه در نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۶ تحلیل شدند. یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که ارتباط منفی معناداری بین بهزیستی روانشناختی و نشخوار خود انتقادی و رابطه مثبت معناداری بین بهزیستی روانشناختی با تنظیم شناختی هیجان و سازگاری هیجانی وجود دارد ($P < 0.01$). همچنین نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که متغیرهای پیش‌بین می‌توانند ۴۰ درصد از واریانس بهزیستی روانشناختی در دانشجویان را پیش‌بینی نماید ($P < 0.01$). یافته‌های پژوهش حاضر نشان‌دهنده اهمیت نشخوار خود انتقادی تنظیم شناختی هیجان و سازگاری روانشناختی در شکل‌گیری و تبیین بهزیستی روانشناختی در دانشجویان است.

واژه‌های کلیدی: بهزیستی روانشناختی، نشخوار خود انتقادی، تنظیم شناختی هیجان، سازگاری هیجانی، دانشجویان

تحلیل کیفی جریان بازآموزی هیجانی: نقش محرک‌های خنثی در تولید پاسخ‌های شرطی ثانویه و انتقال میان محیط‌های آموزشی و دیجیتال

رضا خنار^{۱*}

* نویسنده مسئول، دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بهشهر ایمیل: RezaKhenar@gmail.com

چکیده

این پژوهش کیفی با هدف تحلیل جریان بازآموزی هیجانی و بررسی نقش محرک‌های خنثی در تولید پاسخ‌های شرطی ثانویه و انتقال میان محیط‌های آموزشی و دیجیتال انجام شد. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با پانزده شرکت‌کننده شامل دانش‌آموزان و معلمان با تجربه‌های متنوع آموزشی و دیجیتال جمع‌آوری شد و با استفاده از تحلیل تماتیک، کدگذاری باز و محوری، مفاهیم و تم‌های اصلی استخراج گردید. یافته‌ها نشان داد که محرک‌های خنثی، در ابتدا بی‌تأثیر به نظر می‌رسند، اما با مواجهه مکرر و تعامل با محرک‌های اصلی، توانایی ایجاد پاسخ‌های هیجانی ثانویه و انتقال آن‌ها میان محیط‌های حضوری و دیجیتال را دارند. همچنین، بازآموزی هیجانی فرآیندی تدریجی، پویا و چندلایه است که تحت تأثیر ویژگی‌های فردی، تجربه‌های زیسته و ساختار محیط‌های آموزشی شکل می‌گیرد. نتایج این پژوهش تأکید می‌کند که طراحی آموزشی و دیجیتال باید مبتنی بر تحلیل دقیق جریان بازآموزی هیجانی و به‌کارگیری هوشمندانه محرک‌ها باشد تا یادگیری پایدار، انعطاف‌پذیر و مؤثر حاصل شود. یافته‌ها پیامدهای مهمی برای بهبود طراحی محیط‌های یادگیری، تقویت مهارت‌های هیجانی و مدیریت انتقال هیجانی میان محیط‌های آموزشی و دیجیتال دارند.

واژه‌های کلیدی: محرک‌های خنثی، پاسخ‌های شرطی ثانویه، انتقال هیجانی، محیط‌های آموزشی

شرطی سازی کلاسیک انتزاعی در شکل گیری انگیزش و بی انگیزگی تحصیلی: مطالعه کیفی نقش هم زمانی های غیرمستقیم محرک ها و پاسخ های هیجانی

رضا خنار^{۱*}

* نویسنده مسئول، دانشجوی کارشناسی ارشد روان شناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بهشهر ایمیل: RezaKhenar@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش شرطی سازی کلاسیک انتزاعی در شکل گیری انگیزش و بی انگیزگی تحصیلی و تحلیل اثر هم زمانی های غیرمستقیم محرک ها و پاسخ های هیجانی طراحی شد. این مطالعه از نوع کیفی و مبتنی بر تحلیل تجربه زیسته دانش آموزان و معلمان بود و داده ها از طریق مصاحبه های نیمه ساختاریافته و مشاهدات مستقیم جمع آوری شد. نمونه پژوهش شامل پانزده مشارکت کننده با پیشینه های تحصیلی و تجربه تدریس و یادگیری متنوع بود. تحلیل داده ها با استفاده از روش تحلیل مضمون مرحله ای انجام شد و چهار تم اصلی شناسایی گردید: محرک های غیرمستقیم محیطی، پاسخ های هیجانی فردی و گروهی، هم زمانی های غیرمستقیم محرک ها و پاسخ ها، و پیامدهای شرطی سازی انتزاعی بر رفتار تحصیلی. یافته ها نشان داد که محرک های محیطی غیرمستقیم و پاسخ های هیجانی، به ویژه در تعامل هم زمان، اثر تعیین کننده ای بر تقویت یا کاهش انگیزش تحصیلی دارند و یادگیری غیرمستقیم از واکنش های گروهی نقش مهمی در شکل گیری الگوهای انگیزشی پایدار ایفا می کند. این نتایج تأکید می کند که طراحی محیط های آموزشی و مداخلات روانشناختی باید به این فرآیندهای پیچیده توجه ویژه داشته باشد تا مشارکت فعال دانش آموزان تقویت و بی انگیزگی تحصیلی کاهش یابد.

واژه های کلیدی: شرطی سازی کلاسیک انتزاعی، انگیزش تحصیلی، بی انگیزگی تحصیلی

بررسی اثربخشی توانبخشی شناختی رایانه محور بر حافظه فعال و سلامت روان دانش آموزان کم توان ذهنی آموزش پذیر

مستانه نیکوفر^۱، فرهاد نیکوفر*^۲، زهرا آذرخش ریحانی^۳، سماء رجیبی هرسینی^۴

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی کودکان استثنایی، دانشگاه آزاد واحد کرمانشاه، کرمانشاه، ایران. رایانامه: mastaneh.nikoufar@gmail.com

۲. دانشجوی دکترا مدیریت برنامه ریزی تحصیلی، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز، تهران، ایران رایانامه: farhad.nikofar@gmail.com

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز، تهران، ایران. رایانامه: zahraazerakhshi@gmail.com

۴. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی کودکان استثنایی، دانشگاه آزاد واحد کرمانشاه، کرمانشاه، ایران. رایانامه: mastaneh.nikoufar@gmail.com

چکیده

بهبود کارکردهای شناختی و سلامت روان در دانش آموزان کم توان ذهنی آموزش پذیر از اولویتهای نظام آموزش استثنایی است. این پژوهش با هدف تعیین اثربخشی یک برنامه تمرینی رایانه محور ساختاریافته بر حافظه فعال و سلامت روان این دانش آموزان انجام شد. در یک مطالعه نیمه آزمایشی با طرح پیش آزمون-پس آزمون و گروه کنترل، ۳۰ دانش آموز پسر کم توان ذهنی آموزش پذیر از مدارس استثنایی شهر کرمانشاه در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل (هر گروه ۱۵ نفر) گمارش شدند. گروه آزمایش به مدت ۸ هفته و هر هفته دو جلسه ۴۵ دقیقه ای در برنامه تمرینی رایانه محور شرکت کردند. ابزارهای سنجش شامل آزمون فراخنای ارقام و کسلر (برای سنجش حافظه فعال) و پرسشنامه سلامت عمومی ۲۸ (GHQ-28) بود. داده ها با استفاده از تحلیل کوواریانس چندمتغیره تحلیل شدند. نتایج تحلیل کوواریانس چندمتغیره نشان داد که پس از کنترل اثر پیش آزمون، بین دو گروه در نمرات پس آزمون حافظه فعال و سلامت روان تفاوت معناداری وجود دارد. گروه آزمایش بهبود معناداری در نمره حافظه فعال و کاهش معناداری در نمره کل مشکلات سلامت روان (علائم جسمانی، اضطراب، اختلال کارکرد اجتماعی و افسردگی) را نشان داد. برنامه تمرینی رایانه محور می تواند به عنوان یک راهبرد مداخله ای مؤثر برای بهبود حافظه فعال و ارتقای شاخص های سلامت روان در دانش آموزان کم توان ذهنی آموزش پذیر مورد استفاده قرار گیرد.

واژه های کلیدی: مداخله رایانه محور، حافظه فعال، سلامت روان، کم توان ذهنی آموزش پذیر

پیش‌بینی بهزیستی روان‌شناختی بر اساس سرمایه‌های روانی با میانجی‌گری عملکرد خودمختار و ذهن آگاهی

متین تفنگچی^{۱*}، سینا غلامی^۲

۱. (نویسنده مسئول). کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، گروه روان‌شناسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

Matintofangchi19@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد سنجش و اندازه‌گیری (روان‌سنجی)، گروه روان‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

21.sinagholami@gmail.com

چکیده

هدف از پژوهش حاضر پیش‌بینی بهزیستی روان‌شناختی بر اساس سرمایه‌های روانی با میانجی‌گری عملکرد خودمختار و ذهن آگاهی بود. این پژوهش از نوع همبستگی و مبتنی بر روش مدل‌سازی معادلات ساختاری بود. کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج که در نیم‌سال اول سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۵ مشغول به تحصیل بودند، جامعه آماری این مطالعه را تشکیل می‌دادند. با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس، ۲۸۴ نفر از این دانشجویان انتخاب شدند و به فرم آنلاین پرسشنامه بهزیستی روانی ریف (۱۹۸۹)، پرسشنامه سرمایه روان‌شناختی لوتانز و همکاران (۲۰۰۷)، پرسشنامه عملکرد خودمختار وینستین و همکاران (۲۰۱۲) و پرسشنامه ذهن آگاهی برآون و رایان (۲۰۰۷) پاسخ دادند. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و مدل‌سازی معادلات ساختاری انجام شد. داده‌ها در سطح معنی‌داری ۰/۰۵ و با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۲ و نرم افزار AMOS نسخه ۲۲ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. یافته‌ها بیانگر تایید مدل ساختاری پژوهش بود. در واقع بهزیستی روان‌شناختی بر اساس سرمایه‌های روانی و با میانجی‌گری عملکرد خودمختار و ذهن آگاهی پیش‌بینی شد. بر همین اساس؛ توصیه می‌شود که بر ارتقا سرمایه‌های روان‌شناختی افراد توجه ویژه شود، زیرا این مهارت‌ها از طریق افزایش عملکرد خودمختار و ذهن آگاهی، منجر به بهبود بهزیستی روان‌شناختی می‌شوند.

واژه‌های کلیدی: بهزیستی روان‌شناختی، ذهن آگاهی، سرمایه‌های روانی، عملکرد خودمختار

اثربخشی درمان مبتنی بر شفقت بر خوداعتمادی زنان مبتلا به اسکروزیس چندگانه

الهه جعفری فشارکی^۱، زهره رئیسی^{۲*}، محمد سلطانی زاده^۳، مسعود اعتمادی فر^۴، پریناز سادات سجادیان^۵

۱. دانشجوی دکتری روانشناسی، گروه روانشناسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران. elahe.jafarifesharaki@iau.ac.ir

۲. مؤلف مسؤول: دانشیار، گروه روانشناسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران. zohrehraeisi46@iau.ac.ir

۳. استادیار، گروه روانشناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. mohammad.soltanizadeh@pnu.ac.ir

۴. استاد، گروه علوم مغز و اعصاب، واحد علوم پزشکی اصفهان، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. etemadifar.1963@gmail.com

۵. استادیار، گروه روانشناسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران. p.sajjadian@iau.ac.ir

چکیده

اسکروزیس چندگانه یکی از شایع‌ترین بیماری‌های مزمن و ناتوان‌کننده عصبی در بزرگسالان جوان است که ابعاد جسمانی، شناختی و هیجانی بیماران را تحت تأثیر قرار می‌دهد و در کنار نشانه‌های جسمی، با مشکلاتی در تنظیم هیجان و خوداعتمادی همراه است که می‌تواند سازگاری روان‌شناختی و کیفیت زندگی بیماران را کاهش دهد. پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی درمان مبتنی بر شفقت گیلبرت بر خوداعتمادی زنان مبتلا به اسکروزیس چندگانه انجام شد. این مطالعه به روش نیمه‌آزمایشی و با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل اجرا گردید. بدین منظور، ۳۶ زن مبتلا به ام‌اس به شیوه در دسترس انتخاب و به‌طور تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل (هر گروه ۱۸ نفر) جای‌دهی شدند. گروه آزمایش در ۸ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای درمان مبتنی بر شفقت گیلبرت شرکت کرد، در حالی که گروه کنترل مداخله‌ای دریافت نکرد. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه فراهیجان میتمانسگروبر و همکاران (۲۰۰۹) استفاده شد و داده‌ها با روش تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر تحلیل گردید. نتایج نشان داد درمان مبتنی بر شفقت گیلبرت موجب افزایش معنادار خوداعتمادی در گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل شد ($p < 0.05$) و این اثر در مرحله پیگیری سه‌ماهه نیز تداوم داشت. بر اساس یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که درمان مبتنی بر شفقت گیلبرت با تقویت پذیرش، ذهن‌آگاهی و مهارت‌های تنظیم هیجان، رویکردی مؤثر در بهبود خوداعتمادی زنان مبتلا به اسکروزیس چندگانه است و می‌تواند به‌عنوان بخشی از مداخلات روان‌شناختی بیماران مبتلا به بیماری‌های مزمن مورد استفاده قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: درمان مبتنی بر شفقت گیلبرت، خوداعتمادی، اسکروزیس چندگانه

مقایسه شفقت به خود، کمالگرایی، نگرانی از تصویر بدنی در افراد ورزشکار و غیرورزشکار

زهرا السادات موسوی^۱، حمیده ناظمی سجئی^۲*

*۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه اردکان، یزد رایانامه: zara.musavi2202@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه اردکان، یزد رایانامه: hamidehnazemi2003@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف مقایسه شفقت به خود، کمال گرایی و نگرانی از تصویر بدنی در افراد ورزشکار و غیرورزشکار استان یزد انجام شد. این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری شامل کلیه افراد ورزشکار و غیرورزشکار استان یزد در سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۵ بود که از میان آن‌ها ۲۰۰ نفر (۱۰۰ ورزشکار و ۱۰۰ غیرورزشکار) به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها شامل پرسشنامه شفقت به خود نف، پرسشنامه کمال‌گرایی هویت و فلت (۱۹۹۱) و پرسشنامه نگرانی از تصویر بدنی لیتلتون (۲۰۰۵) بود. داده‌ها پس از کدگذاری با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۷ و به روش‌های همبستگی پیرسون، رگرسیون خطی و آزمون t مستقل تحلیل شدند. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد ورزشکار بودن توانست به‌طور معناداری کمال‌گرایی و نگرانی از تصویر بدنی را پیش‌بینی کند، اما تأثیر معناداری بر شفقت به خود نداشت. همچنین نتایج آزمون t مستقل حاکی از وجود تفاوت معنادار بین افراد ورزشکار و غیرورزشکار در متغیرهای کمال‌گرایی و نگرانی از تصویر بدنی بود ($p < 0.05$)، در حالی که تفاوت معناداری در شفقت به خود بین دو گروه مشاهده نشد ($p > 0.05$). یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ورزشکار بودن می‌تواند با افزایش کمال‌گرایی و نگرانی از تصویر بدنی همراه باشد، اما به‌تنهایی نقش تعیین‌کننده‌ای در ارتقای شفقت به خود ندارد. این نتایج بر ضرورت توجه به مداخلات روان‌شناختی، به‌ویژه آموزش مهارت‌های خودمهربانی و کاهش کمال‌گرایی ناسازگار در برنامه‌های ورزشی و سلامت روان تأکید می‌کند.

واژه‌های کلیدی: شفقت به خود، کمال‌گرایی، نگرانی از تصویر بدنی، ورزشکاران، غیرورزشکاران

پیش بینی شفقت به خود براساس ترومای کودکی در زنان مطلقه

زینب غلامی^۱، لیلا مجید پور طهرانی^۲، نفیسه دورودیان^۳^۱. دانشجوی کارشناسی ارشد گروه روانشناسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران Zeynab.gholami135911@gmail.com^۲*(نویسنده مسئول) - استادیار گروه روانشناسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران Leyla.mpt@gmail.com^۳. استادیار گروه روانشناسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران n.doroudian@kiauo.ac.ir

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی پیش بینی شفقت به خود بر اساس ترومای کودکی در زنان مطلقه بود. روش تحقیق حاضر توصیفی- همبستگی از نوع مدلسازی معادلات ساختاری و جامعه آماری پژوهش حاضر شامل تمامی زنان مطلقه شهر کرج در بهار سال ۱۴۰۴ بود. حجم نمونه بر با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۴ نفر محاسبه گردید که به صورت نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزار جمع آوری اطلاعات در این پژوهش شامل سه پرسشنامه اضطراب سلامت سالکوسکیس و وارویک (۲۰۰۲)، ترومای کودکی فرم کوتاه شده برنستاین و همکاران (۲۰۰۳) و شفقت ورزی نف (۱۹۹۳) بود. فرضیات تحقیق با استفاده از مدل یابی معادلات ساختاری و با کمک نرم افزار PLS 3 مورد بررسی قرار گرفتند. بررسی نتایج در کل نشان داد که بین متغیر ترومای کودکی با اضطراب سلامت همبستگی مثبت و با شفقت به خود همبستگی منفی و معنی داری وجود دارد ($p < 0.01$). همچنین نتایج حاکی از معنی داری اثر غیرمستقیم ترومای کودکی از طریق متغیر شفقت به خود بر اضطراب سلامت می باشد ($p < 0.01$) و با توجه به شاخص شمول واریانس متغیر شفقت به خود به عنوان متغیر میانجی در رابطه بین ترومای کودکی و اضطراب سلامت مورد تأیید قرار گرفتند ($VAF > 0.20$). لذا وجود ترومای کودکی در زنان مطلقه باعث افزایش میزان اضطراب سلامت آنها می گردد و شفقت به خود نقش تعدیل کننده در این رابطه دارد.

واژه های کلیدی: شفقت به خود، ترومای کودکی، زنان مطلقه

طراحی مدل شناختی درمانگری کسب و کار مبتنی بر واقعیت افزوده جهت کاهش بار شناختی

شاهین قصیری^{۱*}

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد کارآفرینی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران. رایانامه: shahin.ghoseiri@gmail.com

چکیده

شکست استارت‌آپ‌ها در پارادایم‌های نوین، لزوماً ناشی از فقدان سرمایه نیست، بلکه ریشه در آسیب‌های پنهان فرهنگی و ناتوانی شناختی بنیان‌گذاران در درک صحیح ارزش دارد. پژوهش حاضر با هدف طراحی و اعتبارسنجی مدل «مثلث شناختی ارزش» به‌عنوان ابزاری نوین برای درمانگری کسب و کار و شناسایی شکاف‌های ارزشی انجام شد. روش پژوهش از نوع آمیخته اکتشافی مبتنی بر طراحی بود که در آن، پس از طراحی مدل بر اساس سه ضلع هویت، انصاف و اعتماد، میزان بار شناختی درونی و بیرونی در دو روش آموزش سنتی و آموزش نوین مبتنی بر واقعیت افزوده با استفاده از تحلیل وظیفه شناختی و نظرات خبرگان آموزشی مورد سنجش قرار گرفت. نتایج نشان داد که استفاده از استعاره‌های بصری و فناوری واقعیت افزوده، از طریق کاهش بار شناختی بیرونی و درگیر کردن کانال‌های پردازش دوگانه، منجر به ارتقای کارایی یادگیری در کارآفرینان شد. نتیجه‌گیری می‌شود که گذار به رویکرد درمانگری کسب و کار با بهره‌گیری از فناوری‌های شناختی، ضمن کاهش ابهام ذهنی، به یکپارچگی شناختی و ارتقای سلامت روان سازمانی کمک شایانی می‌نماید.

واژه‌های کلیدی: اختلالات ارزشی، درمانگری کسب و کار، مدل شناختی، واقعیت افزوده، بار شناختی

فرا تحلیل اثربخشی درمان پذیرش و تعهد بر تنظیم هیجان زوجین از سالهای ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۴

رامین تبرائی^۱، پریسا پاکاری^۲*

۱. استادیار گروه روانشناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. Ra.tabarraei@iau.ac.ir

۲. پریسا پاکاری، دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، قم، ایران.

parisapakari.pa.75@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی کمی و نظام‌مند اثربخشی درمان پذیرش و تعهد (ACT) بر تنظیم هیجان زوجین و تلفیق نتایج مطالعات منتشرشده در بازه زمانی سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۴ انجام شد. با توجه به نقش اساسی تنظیم هیجان در کیفیت تعاملات زناشویی، کاهش تعارضات و ارتقای سلامت روان زوجین، و همچنین گسترش کاربرد رویکرد درمان پذیرش و تعهد در حوزه زوج‌درمانی، ضرورت انجام یک فراتحلیل جامع برای دستیابی به برآورد دقیق و معتبر از میزان اثربخشی این مداخله احساس می‌شد. در این راستا، پایگاه‌های اطلاعاتی معتبر داخلی شامل SID، Magiran، CIVILICA، IranDoc و سایر پایگاه‌های تخصصی روان‌شناسی به صورت نظام‌مند جست‌وجو شدند. پس از اعمال ملاک‌های ورود و خروج، ۹ مطالعه واجد شرایط انتخاب و داده‌های مربوط به حجم نمونه، نوع مداخله، ابزارهای سنجش تنظیم هیجان و شاخص‌های آماری استخراج و در کاربرگ فراتحلیل ثبت شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار CMA و بر اساس مدل اثرات تصادفی و مدل اثر ثابت انجام شد. نتایج نشان داد که اندازه اثر ترکیبی درمان پذیرش و تعهد در مدل اثر ثابت برابر با 0.765 و در مدل اثرات تصادفی برابر با 0.782 است که هر دو در سطح $p < 0.001$ معنادار هستند و اثر قوی و بالینی این مداخله را تأیید می‌کنند. شاخص‌های ناهمگنی مطالعات شامل Q کوکران = 15.200 ، درجه آزادی = 8 ، $I^2 = 45.6\%$ و $Tau^2 = 0.132$ ، نشان‌دهنده سطح متوسط ناهمگنی میان مطالعات است، که بر اساس آن استفاده از مدل اثرات تصادفی برای برآورد اندازه اثر ترکیبی مناسب تشخیص داده شد. یافته‌ها حاکی از آن است که ACT با افزایش انعطاف‌پذیری روان‌شناختی، پذیرش هیجانات ناخوشایند، کاهش اجتناب تجربی و تقویت ارزش‌مداری، نقش مؤثری در ارتقای توانایی زوجین برای مدیریت و تنظیم هیجان‌ها ایفا می‌کند. به طور کلی، فراتحلیل حاضر با ارائه شواهد کمی از پژوهش‌های یک دهه اخیر، اثربخشی درمان پذیرش و تعهد را به عنوان مداخله‌ای کارآمد در بهبود تنظیم هیجان زوجین تأیید کرده و می‌تواند مبنای علمی مناسبی برای کاربرد بالینی، طراحی مداخلات زوج‌درمانی و پژوهش‌های آینده فراهم آورد.

واژه‌های کلیدی: تنظیم هیجان، درمان پذیرش و تعهد، زوجین، فراتحلیل

بررسی رابطه کمال گرایی و استرس ادراک شده

مریم السادات میرغفوری بازی^۱، شکوفه متقی^۲*

۱. دانشجوی کارشناسی رشته مشاوره، دانشگاه اردکان، یزد، ایران.

۲. دانشیار گروه آموزشی روانشناسی، دانشگاه اردکان، یزد، ایران. mottaghi@ardakan.ac.ir

چکیده

عوامل روان شناختی مختلف از جمله ویژگی های شخصیتی ورزشکاران و چگونگی ادراک آنان از موقعیت های فشارزا می تواند بر سلامت روان و عملکرد ورزشی آنان تأثیرگذار باشد. از این رو، پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین کمال گرایی و استرس ادراک شده در ورزشکاران جوان انجام شد. روش پژوهش توصیفی-همبستگی و از نظر هدف کاربردی است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه ورزشکاران جوان ۱۸ تا ۳۰ سال بود که نمونه ای به تعداد ۱۰۰ نفر به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه کمال گرایی هیل (۲۰۰۴) و پرسشنامه استرس ادراک شده کوهن (۱۹۸۳) بود. برای تجزیه و تحلیل داده ها از آمار توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) و آمار استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون) استفاده شد. یافته ها نشان داد بین کمال گرایی ناسازگار (نگرانی درباره اشتباهات، واکنش منفی به شکست و فشار والدین) و استرس ادراک شده رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. در مقابل، بین کمال گرایی سازگار (استانداردهای شخصی و سازماندهی) و استرس ادراک شده رابطه معناداری مشاهده نشد. نتایج نشان می دهد کمال گرایی ناسازگار پیش بین مثبت و معنادار استرس ادراک شده در ورزشکاران جوان است.

واژه های کلیدی: کمال گرایی، استرس ادراک شده، ورزشکاران.

اثربخشی معنویت درمانی بر سرمایه روانشناختی، نگرش های ناکارآمد و تنظیم هیجان دانش آموزان دختر افسرده

عاطفه شیرالی^۱، محمد قاسمی پیربلوطی*^۲

۱. کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران.

ایمانامه: at.shirali.97@gmail.com

۲. * نویسنده مسئول، استادیار گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران. ایمانامه: Mgh@iau.ac.ir

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تعیین اثربخشی معنویت درمانی بر سرمایه روانشناختی، نگرش های ناکارآمد و تنظیم هیجان دانش آموزان دختر افسرده انجام شد. روش پژوهش، نیمه آزمایشی با طرح پیش آزمون-پس آزمون با یک گروه کنترل بود. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانش آموزان دختر دوره متوسطه دارای علائم افسردگی شهر شهرکرد در سال ۱۴۰۴-۱۴۰۵ بود. به همین منظور تعداد ۴۰ نفر از دانش آموزان با استفاده از روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل قرار گرفتند. برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه های افسردگی بک، اپستین، براون و استیر (۱۹۹۶)، سرمایه روانشناختی لوتانز و اولیو (۲۰۰۷)، نگرش ناکارآمد وایزمن و بک (۱۹۷۸) و تنظیم هیجان گروس و جان (۲۰۰۳) استفاده شد. گروه آزمایش طی ۱۲ جلسه ۹۰ دقیقه ای تحت آموزش معنویت درمانی گروهی براساس الگوی ریچاردز و برگین (۲۰۰۷) قرار گرفت؛ در حالی که گروه کنترل هیچ آموزشی دریافت نکرد. تجزیه و تحلیل داده های حاصل از این پژوهش با استفاده از تحلیل کوواریانس صورت گرفت. نتایج نشان داد که معنویت درمانی بر سرمایه روانشناختی، نگرش های ناکارآمد و تنظیم هیجان دانش آموزان دختر افسرده تاثیر معنادار داشت ($p < 0.05$). بنابراین از معنویت درمانی می توان به عنوان روش درمانی جهت افزایش سرمایه روانشناختی، کاهش نگرش های ناکارآمد و تنظیم هیجان دانش آموزان دختر افسرده استفاده کرد.

واژه های کلیدی: افسردگی، تنظیم هیجان، سرمایه روانشناختی، معنویت درمانی، نگرش های ناکارآمد

بررسی مروری نظریات اندیشمندان مختلف در تربیت اخلاقی در دوران کودکی

سپهر سلیمانی^{۱*}، هادی پور شافعی^۲

۱. نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی، دانشگاه سراسری بیرجند، بیرجند، ایران. د. رایانامه: soleimanisepehr522@gmail.com

۲. دانشیار، گروه آموزشی علوم تربیتی، دانشگاه سراسری بیرجند، بیرجند، ایران. رایانامه: hpourshafei@birjand.ac.ir

چکیده

دوران کودکی دوره مهمی است که در آن همه مفاهیم درست و نادرست باید توسعه یابد. مطالعات نشان داده است که والدین از زمانی که کودکان ۱۸ تا ۲۴ ماهه است، شروع به پرورش ارزش‌های اخلاقی در کودکان می‌کنند. یکی از مهم‌ترین ابزارهای پرورش ارزش‌های اخلاقی، تربیت اخلاقی است که نقش بسیار مهمی در سلامت روح انسان و سعادت دنیوی و اخروی فرد و جامعه دارد. تربیت اخلاقی کودکان در این دوره در هر سه حوزه شناخت گرایش و رفتار امکان‌پذیر است و عوامل مؤثر در تربیت اخلاقی والدین اطرافیان مربیان و اعضای جامعه می‌توانند کودکان زیر هفت سال را برای کسب فضیلت‌ها و دوری از ردیلت‌ها یاری رسانند و به این وسیله به کودکان کمک کنند تا بر اساس نیازها و ویژگی‌های خود فضایل اخلاقی را انتخاب و بر اساس آن رفتار کنند. در این دوره، لازم است عوامل مؤثر در تربیت اخلاقی به‌ویژه والدین به‌عنوان الگوهای رفتاری کودکان با ارتباط مراقبتی شایسته و نظارت مستمر تلاش نمایند با فراهم‌سازی محیط سالم به کودکان کمک کنند تا با مشاهده تجربه و تمرین و تکرار به‌تدریج با کسب مهارت در چهار حیطه حساسیت اخلاقی، قضاوت، اخلاقی انگیزش اخلاقی و عمل اخلاقی موفق به انجام اعمال شایسته اخلاقی شوند.

واژه‌های کلیدی: تربیت اخلاقی، اندیشمندان مسلمان، اندیشمندان غیرمسلمان

تبیین نقش هوش مصنوعی در ارتقای بهره وری آموزش منابع انسانی: رویکرد توسعه شناختی و بهزیستی روانشناختی

مهدی ندری *

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه تهران، تهران، ایران رایانامه: mahdinadri075@gmail.com

چکیده

در دنیای امروز، سازمان‌ها با چالش جدی مدیریت حجم عظیم اطلاعات و حفظ کارایی نیروی انسانی در محیط‌های یادگیری هوشمند رو برو بودند که این امر لزوم بازنگری در مدل‌های بهره‌وری را نمایان ساخت. پژوهش حاضر با هدف تبیین نقش هوش مصنوعی در ارتقای بهره‌وری آموزشی با تمرکز بر مدیریت بار شناختی و بهزیستی روانشناختی کارکنان انجام شد. طرح پژوهش حاضر از نوع توصیفی تحلیلی با رویکرد سنتز پژوهی است که در آن ۱۰ مقاله به صورت هدفمند انتخاب شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. یافته‌های پژوهش نشان داد که هوش مصنوعی با شخصی سازی مسیرهای یادگیری و حذف داده‌های زائد، منجر به کاهش بار ذهنی و دادن آزادی عمل به کارکنان برای تمرکز بر مسائل پیچیده‌تر گردید. همچنین مشخص گردید که این فناوری با ایجاد محیطی امن برای یادگیری، حس خودکارآمدی و بهزیستی روانشناختی کارکنان را بهبود بخشید و از این طریق بهره‌وری را افزایش داد. در نهایت این نتیجه حاصل شد که بهره‌وری در عصر دیجیتال تنها در سایه ایجاد تعادل بهینه میان قابلیت‌های فنی ماشین و نیازهای شناختی انسان بدست می‌آید.

واژه‌های کلیدی: بارشناختی، بهره‌وری آموزشی، بهزیستی روانشناختی، هوش مصنوعی، منابع انسانی

رابطه سلامت روان و اعتیاد به کار با بهزیستی شغلی با توجه به نقش تعدیل کنندگی رگه تاریک جامعه ستیزی

هادی فرهادی^{۱*}، بهناز نفردستگردی^۲

۱. نویسنده مسئول، گروه روانشناسی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه:

farhadihadi@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد، گروه روانشناسی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. رایانامه:

behnaznafardastgerdi@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تعیین رابطه سلامت روان و اعتیاد به کار با بهزیستی شغلی با توجه به نقش تعدیل کنندگی رگه تاریک جامعه ستیزی انجام شد. پژوهش حاضر توصیفی-همبستگی از نوع تحلیل رگرسیون بود. جامعه آماری این پژوهش کلیه کارکنان سه سازمان خصوصی در شهر اصفهان در سال ۱۴۰۲ به تعداد دو هزار نفر بودند که به روش نمونه گیری در دسترس تعداد ۳۱۰ نفر انتخاب و پرسشنامه را تکمیل کردند. ابزارهای این پژوهش شامل پرسشنامه های بهزیستی شغلی (ژنگ و همکاران، ۲۰۱۵)، سلامت روان (گلدبرگ و میلر، ۱۹۷۳)، اعتیاد به کار (اسپنس و رایبیز، ۱۹۹۲) و رگه تاریک جامعه ستیزی (جنیسون و ویستر، ۲۰۱۰) بود. داده ها با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی تجزیه و تحلیل شدند. یافته ها نشان داد که بین سلامت روان و اعتیاد به کار با بهزیستی شغلی رابطه معناداری وجود دارد ($p < 0.05$). به علاوه، نتایج تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی نشان داد که رگه تاریک جامعه ستیزی در رابطه بین سلامت روان و اعتیاد به کار با بهزیستی شغلی دارای نقش تعدیل کننده می باشد. بنابراین، با توجه به نتایج، به دلیل نقش مهم و برجسته سلامت روان، اعتیاد به کار و رگه تاریک جامعه ستیزی در بهزیستی شغلی کارکنان، توجه به این یافته های مهم باید مد نظر مدیران و سیاستگذاران در سازمان ها قرار بگیرد.

واژه های کلیدی: بهزیستی شغلی، سلامت روان، اعتیاد به کار، رگه تاریک جامعه ستیزی.

بررسی رابطه بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه و میزان تمایل زوجین برای فرزندآوری

ملیکا کریمی^۱، رضوان صالحی^{۲*}

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره مدرسه، دانشگاه اردکان، یزد، ایران. Melikakarimi924@gmail.com

۲. استادیار گروه مشاوره، ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهرکرد، ایران r.salehi@sku.ac.ir

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین تمایل و عدم تمایل به فرزندآوری زوجین با طرحواره‌های آسیب‌زا و ناسازگار اولیه صورت گرفت. جامعه آماری پژوهش شامل دانشجویان متاهل دانشگاه شهرکرد بود، که در سال ۱۴۰۲_۱۴۰۱ مشغول به تحصیل بودند که تعداد ۱۲۰ نفر از آنان با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و به پرسشنامه طرحواره‌های ناسازگار یانگ پاسخ دادند. داده‌های خام با استفاده از نرم افزار اس پی اس و آزمون همبستگی پیرسون و t گروه‌های مستقل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد طرحواره‌های حوزه دیگر جهتمندی در زنانی که تمایل به فرزندآوری دارند به طور معناداری بالاتر از زنانی است که عدم تمایل به فرزندآوری دارند. از طرف دیگر نیز بین عدم تمایل به فرزندآوری و طرحواره‌های چهار حوزه طرد و بریدگی، خودگردانی مختل و گوش به زنگی بیش از حد و محدودیت‌های مختل رابطه معنی داری وجود دارد بدین معنا که ممکن است این زنان تمایل کمتری به فرزندآوری نسبت به زنانی که طرحواره دیگر جهتمندی دارند، داشته باشند. بنابراین، پیشنهاد می‌شود از مداخلات علمی و آموزشی در جهت تعدیل و بررسی طرحواره‌های ناسازگار دانشجویان و متاهلین استفاده گردد تا میزان عدم تمایل به فرزندآوری و به دنبال آن تعارضات اجتماعی و فرهنگی کاهش یابد.

واژه‌های کلیدی: طرحواره، دیگر جهتمندی، طرد و بریدگی، خودگردانی مختل، گوش به زنگی بیش از حد، محدودیت‌های مختل، فرزندآوری، تمایل، عدم تمایل

همجوشی چندوجهی برای تشخیص زودهنگام نارساخوانی: مروری بر پیشرفت‌های معماری‌های تلفیقی

محمد امین جاودان فر^{۱*}، عباس رئیسی^۲

۱. نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری روانشناسی شناختی، پژوهشکده علوم شناختی و مغز، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. رایانامه:

m_javedanfar@sbu.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، گروه آموزش علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، صندوق پستی ۸۸۹-۱۴۶۶۵، تهران، ایران. رایانامه:

Abbas.Reisi.86@gmail.com

چکیده

این مقاله مروری نظام‌مند، تحقیقات مربوط به تشخیص زودهنگام نارساخوانی مبتنی بر هوش مصنوعی را با تمرکز بر پیشرفت‌های فنی در معماری‌های تلفیق چندوجهی، ترکیب می‌کند. هدف این مرور، ارزیابی روش‌های یکپارچه‌سازی داده‌های چندوجهی، معیارسنجی معماری‌های تلفیق، شناسایی سهم کلیدی هر روش داده، تحلیل چالش‌های مجموعه داده‌های ناهمگن و مقایسه رویکردهای یادگیری عمیق سرتاسری در مقابل رویکردهای ترکیبی بود. با تحلیل نظام‌مند، مطالعاتی که داده‌های تصویربرداری عصبی، ردیابی چشمی، دستخط و گفتار را تلفیق می‌کنند، و همچنین مدل‌هایی که از یادگیری عمیق، روش‌های گروهی و مکانیزم‌های توجه استفاده می‌کنند، مورد تأکید قرار گرفت. یافته‌ها نشان می‌دهد که تلفیق چندوجهی به‌طور قابل توجهی دقت تشخیصی را افزایش می‌دهد (غالباً بیش از ۹۰٪)، به‌طوری که روش‌های داده‌ای مانند EEG، ردیابی چشمی و MRI اطلاعات مکملی ارائه می‌دهند. راهبردهای تلفیق میانی و معماری‌های سبک‌وزن، تعادل مناسبی بین عملکرد و کارایی محاسباتی ایجاد می‌کنند، اگرچه تفسیرپذیری مدل‌ها به‌ویژه در مدل‌های عمیق پیچیده، همچنان محدود است. اعتبارسنجی در مجموعه داده‌های ناهمگن و متنوع از نظر فرهنگی، عمومیت‌پذیری امیدوارکننده‌ای را نشان می‌دهد، اما محدودیت‌های ناشی از حجم کم نمونه و سوگیری‌های خاص هر روش را برجسته می‌سازد. این ترکیب‌بندی، بر تعادل بین نوآوری فنی و استقرار عملی تأکید کرده و نیاز به پروتکل‌های استاندارد و هوش مصنوعی تفسیرپذیر را برای بهبود استحکام و پذیرش بالینی نشان می‌دهد. این بینش‌ها، مسیرهای تحقیقاتی آتی را به سوی توسعه ابزارهای مبتنی بر هوش مصنوعی قابل دسترس، تفسیرپذیر و مقیاس‌پذیر برای غربالگری زودهنگام نارساخوانی در بافت‌های آموزشی و بالینی متنوع، هدایت می‌کند.

واژه‌های کلیدی: تشخیص زودهنگام نارساخوانی، تلفیق چندوجهی، معماری‌های تلفیقی، هوش مصنوعی تفسیرپذیر، یادگیری عمیق.

تحلیل پدیدارشناختی چالش‌های معلمان مدارس متوسطه در روابط بین معلم - دانش‌آموز

کاظم برزگر بفرویی^۱، بیتا السادات دهقانی^۲، مریم السادات زارع الحسینی^۳

۱. دانشیار، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه یزد، ایران. رایانامه: K.barzegar@yazd.ac.ir

۲. *دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه یزد، ایران. رایانامه: Dehghani.bitasadat@gmail.co

۳. دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی، دانشگاه یزد، ایران. رایانامه: ms.husseyini83@gmail.com

چکیده

روابط مؤثر معلم-دانش‌آموز از عوامل کلیدی در فرآیند یاددهی-یادگیری و رشد تحصیلی و اجتماعی نوجوانان است، اما معلمان مدارس متوسطه با چالش‌های پیچیده‌ای در برقراری و حفظ این روابط مواجه‌اند که درک عمیق تجارب زیسته آنان را ضروری می‌سازد؛ لذا پژوهش حاضر با هدف شناسایی چالش‌های معلمان مدارس متوسطه در روابط با دانش‌آموزان، انجام شد. رویکرد پژوهش کیفی و روش پژوهش، پدیدارشناسی توصیفی بود. روش نمونه‌گیری، هدفمند ملاکی بود. بر اساس رسیدن به اشباع داده‌ها، حجم نمونه ۶ نفر تعیین گردید. داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته گردآوری و با استفاده از روش کلایزی تحلیل شد. یافته‌ها به شناسایی ۴ مضمون اصلی و ۱۲ مضمون فرعی منجر گردید. نتایج نشان داد، معلمان مدارس متوسطه با چالش‌های ناشی از ویژگی‌های دوره رشدی - روانی نوجوانی شامل «طبیعت چالش‌برانگیز دوره نوجوانی»، «بزرگ‌نمایی مشکلات و رفتارهای تکانشی» و «ضعف در مهارت‌های خودکنترلی و ارتباطی»؛ چالش‌های ناشی از محیط خانواده شامل «انتقال الگوهای خاص رفتاری» و «بی‌احترامی و عدم حمایت خانواده از معلم»؛ چالش‌های تعاملی و رفتاری در فضای کلاس شامل «رفتارهای مخرب رابطه بین معلم و دانش‌آموز»، «غیرقابل آموزش بودن برخی شیوه‌ها» و «ادراکات غلط و حساسیت‌های ایجادکننده تنش» و چالش‌های ساختاری، محیطی و حمایتی شامل «مسائل اعتقادی - اجتماعی»، «شکاف‌های نسلی و هنجارهای گروهی»، «ضعف ساختارهای حمایتی و پشتیبانی از معلم» و «موانع موجود در سیستم آموزشی» مواجه‌اند؛ بنابراین ضروری است سیاست‌گذاران و مدیران آموزشی با طراحی برنامه‌های آموزش مهارت‌های ارتباطی، تقویت نظام‌های حمایتی و همکاری خانواده-مدرسه، به کاهش این چالش‌ها بپردازند.

واژه‌های کلیدی: پدیدارشناسی، دانش‌آموزان، مدرسه، معلمان

مرور تحلیلی بر تاثیر فعاليت های بدنی و فعاليت های هنری بر بهزیستی روانشناختی

حمیده سادات خادمی^{۱*}، آمنه عالی^۲

۱. نویسنده مسئول، استادیار، گروه آموزش و پرورش کودک، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. رایانامه: Hamidehkhademi@atu.ac.ir.
۲. استادیار، گروه آموزش و پرورش کودک، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. رایانامه: amene.aali@gmail.com

چکیده

این مرور نظام‌مند، نقش‌های هم‌افزا و مکمل فعالیت بدنی و هنرهای خلاق را در ارتقای بهزیستی روان‌شناختی بررسی می‌کند؛ بهزیستی روان‌شناختی در اینجا به منزله حالتی از شادی، پریشانی اندک، سلامت روان مثبت و کیفیت زندگی تعریف شده است. با اتکا به ۱۵ منبع ارزیابی و داوری شده، در بازه زمانی ۱۹۸۶ تا ۲۰۲۴، تحلیل حاضر شواهد مربوط به سهم مستقل و نیز مشارکت ترکیبی این مداخلات را تلفیق می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد فعالیت بدنی، از جمله ورزش منظم، به گونه‌ای قوی موجب بهبود خلق، خودپنداره، مدیریت استرس و مهارت‌های مقابله‌ای در جمعیت‌های متنوع می‌شود؛ از بزرگسالان سالم و نوجوانان گرفته تا افرادی با اختلالات روانی نظیر افسردگی، اضطراب، اختلال استرس پس از سانحه. سازوکارهای اثرگذاری فعالیت بدنی شامل تغییرات عصبزیستی همچون افزایش نوروتروفین‌ها، تقویت نوروپلاستی سیته و تنظیم هورمونی است؛ به نحوی که اندازه اثر متوسطی در کاهش افسردگی، اضطراب و پریشانی گزارش شده است. میزان و پایداری آن‌ها به عواملی نظیر انگیزش درونی، شدت فعالیت، وضعیت اجتماعی-اقتصادی و کمال‌گرایی فرد وابسته است؛ به طوری که اثرات در گروه‌های کم‌درآمد و افراد جوان‌تر برجسته‌تر گزارش شده‌اند. در مقابل، هنرهای خلاق (مانند هنردرمانی) می‌توانند آرام‌سازی، خودبیانگری، پیوند اجتماعی و تقویت پاسخ‌های ایمنی را تسهیل کنند و به‌ویژه برای گروه‌های سنی بالا از طریق کاهش انزوای اجتماعی سودمند باشند. با این حال، شواهد مربوط به فعالیت‌های هنری و تاثیر آن همچنان مقدماتی است و به سبب ضعف روش‌شناختی، از استحکام تجربی یافته‌های مرتبط با فعالیت بدنی برخوردار نیست. نقاط همپوشان دو حوزه شامل نقش‌های کمکی در درمان اختلالات روانی و کاهش استرس است که می‌تواند ظرفیت مداخلات یکپارچه را تقویت کند. شکاف‌های موجود نیز بر ضرورت انجام مطالعات متناسب با بافت فرهنگی، ارائه تعریف‌های دقیق‌تر، و اجرای کارآزمایی‌های مقایسه‌ای تأکید دارند. در مجموع، فعالیت بدنی به عنوان یکی از ارکان اصلی ارتقای بهزیستی روان‌شناختی برجسته می‌شود و فعالیت‌های هنری مزایای مکمل بیان‌محور و ارتباطی فراهم می‌کنند؛ از این رو، پژوهش‌های بعدی باید ترکیب‌های کل‌نگرانه‌تری را در چارچوب سلامت عمومی بررسی کنند.

واژه‌های کلیدی: فعالیت‌های بدنی، فعالیت‌های هنری، هنر خلاق، بهزیستی روانشناختی

راهبردهای روانشناختی در مدیریت استرس و اضطراب تحصیلی دانشجویان

مرتضی گلشنی گهراز^{۱*}، ابراهیم طاهری نمهیل^۲

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران

۲. دانشجوی دکتری مدیریت آموزش عالی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی عوامل روانشناختی ایجادکننده استرس و اضطراب تحصیلی و شناسایی راهبردهای روانشناختی مدیریت آن در میان دانشجویان انجام شد. روش تحقیق به صورت ترکیبی از مرور نظام مند و نظریه داده بنیاد طراحی گردید. در بخش مرور نظام مند، ۳۹ سند علمی منتشرشده بین سالهای ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۵ با رویکرد PRISMA تحلیل شدند. در بخش داده بنیاد نیز مصاحبه با ۲۵ استاد روانشناسی شهر اردبیل صورت گرفت. نمونه گیری در هر دو بخش به شیوه هدفمند ملاکی و بر اساس معیار اشباع نظری انجام شد. همچنین تحلیل داده ها بر اساس رویکرد استراس و کوربین (۱۹۹۸) در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی انجام گرفت. یافته ها نشان دادند که استرس و اضطراب تحصیلی تحت تأثیر چهار دسته عامل قرار دارند: عوامل تحصیلی - آموزشی (حجم کاری، امتحانات، فشارهای تحصیلی، روابط با اساتید)، عوامل روان شناختی - فردی (ترس از شکست، عزت نفس پایین، عادات مطالعه ناکارآمد)، عوامل خانوادگی و بین فردی (انتظارات والدین، فشار همسالان، کمبود حمایت اجتماعی)، و عوامل اجتماعی - محیطی (مشکلات مالی، رقابت، فشارهای اجتماعی و محیط دانشگاهی). از دیدگاه اساتید روانشناسی، مؤلفه هایی چون کمال گرایی افراطی، اضطراب آزمون، خودکارآمدی ضعیف، نیاز به تأیید دیگران و آشفتگی شناختی از مهم ترین زمینه های شکل گیری استرس تحصیلی هستند. در مرور نظام مند نیز غربالگری مقالات توسط دو پژوهشگر مستقل انجام شد و ضریب توافق بالا نشان دهنده دقت انتخاب اسناد بود. نتایج نشان داد که راهبردهای روانشناختی مانند تقویت تاب آوری، آموزش مهارت های مقابله ای، اصلاح باورهای ناکارآمد، ارتقای حمایت اجتماعی و توجه به سرمایه روان شناختی می توانند نقش مؤثری در کاهش استرس و اضطراب تحصیلی ایفا کنند.

واژه های کلیدی: استرس و اضطراب تحصیلی، روانشناختی، دانشجویان

پیش بینی تاب آوری در برابر خود کشی بر اساس مولفه های تحمل پریشانی در دانشجویان روانشناسی

پارمیدا کفیتی^۱، مونا تیموری^۲، امین برازنده^{۳*}

۱. دانشجوی کارشناسی روانشناسی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران رایانامه: kofeytiparmida@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی روانشناسی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران رایانامه: monateimouri11@gmail.com

۳* استاد یار، گروه روانشناسی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران رایانامه: aminbarazandeh.psy@iau.ac.ir

چکیده:

دوران دانشجویی می تواند با چالش های متعدد روان شناختی همراه باشد و در این میان، تاب آوری به عنوان یک عامل محافظتی مهم در کاهش پیامدهای منفی آسیب های روانی، به ویژه رفتارهای خودکشی، مطرح می شود. با وجود این، بیشتر مداخلات بر ارتقای تاب آوری عمومی تمرکز داشته و تاب آوری در برابر خودکشی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف پیش بینی تاب آوری در برابر خودکشی بر اساس مؤلفه های تحمل پریشانی هیجانی در دانشجویان روان شناسی انجام شد. این پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان رشته روان شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان) در پاییز سال ۱۴۰۴ بود که از میان آن ها ۱۳۰ نفر به روش نمونه گیری در دسترس و با توجه به رشته و جنسیت انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه تحمل پریشانی هیجانی سیمونز و گاهر (۲۰۰۵) و پرسشنامه تاب آوری در برابر خودکشی عثمان و همکاران (۲۰۰۴) بود. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۶ و از طریق آمار توصیفی، ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه تحلیل شدند. نتایج نشان داد افزایش تحمل پریشانی هیجانی و جذب شدن به هیجانات منفی با افزایش تاب آوری در برابر خودکشی همراه است، در حالی که افزایش ارزیابی ذهنی پریشانی با کاهش تاب آوری در برابر خودکشی رابطه دارد. همچنین مؤلفه های تحمل پریشانی هیجانی توان پیش بینی معنادار تاب آوری در برابر خودکشی را دارند.

واژه های کلیدی: دانشجویان، تاب آوری، خودکشی، تحمل پریشانی

واکاوی عوامل موثر بر شادکامی و بهزیستی در مدارس در قالب عناصر برنامه درسی

مرضیه دهقانی^{۱*}، نگین فخر^۲

۱. عضو هیئت علمی و دانشیار گروه روش ها و برنامه های درسی و آموزشی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه:

Dehghani_m33@ut.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: negin.fakhar@ut.ac.ir

چکیده

با وجود گسترش پژوهش ها در حوزه شادکامی و بهزیستی دانش آموزان، همچنان شکاف های قابل توجهی در شناسایی دقیق مؤلفه های مؤثر بر شادی در محیط های مدرسه ای وجود دارد. از این رو، پژوهش حاضر با هدف شناسایی و تبیین عوامل مؤثر بر ایجاد و ارتقای شادکامی و بهزیستی در مدارس، با رویکردی تحلیلی و با بهره گیری از روش سنتز پژوهی انجام شد. میدان پژوهش شامل مطالعات نظری و تجربی معتبر در حوزه های روان شناسی و علوم تربیتی مرتبط با شادکامی، بهزیستی و مدرسه شاد بود که با روش نمونه گیری هدفمند و ملاک محور انتخاب شدند. داده ها از طریق فیش برداری نظام مند و فرم استخراج داده ها گردآوری و با استفاده از تحلیل محتوای کیفی و سنتز مفهومی تحلیل شدند. یافته ها نشان داد شادکامی و بهزیستی مفاهیمی چندبعدی و وابسته به زمینه های فرهنگی هستند که در چارچوب دو رویکرد کلان لذت گرایانه و سعادت گرایانه تبیین می شوند. نتایج سنتز پژوهش ها حاکی از آن است که عوامل مؤثر بر شادکامی در مدرسه در قالب عناصر برنامه درسی شامل اهداف آموزشی (توسعه هوش عاطفی، تاب آوری و خودمختاری)، محتوای درسی (توجه به رفاه روانی، تنوع و تناسب فرهنگی)، روش های تدریس (یادگیری مشارکتی، محیط حمایتی و تمرکز بر نقاط قوت) و عوامل بیرونی (جو مدرسه، مشارکت خانواده و رهبری آموزشی) قابل شناسایی است. در مجموع، یافته ها نشان می دهد برنامه درسی مدرسه شاد نیازمند رویکردی جامع است که علاوه بر توسعه فردی دانش آموزان، بر تقویت روابط اجتماعی و مشارکت خانواده نیز تأکید داشته باشد.

واژه های کلیدی: برنامه درسی، بهزیستی روانشناختی، شادکامی، مدرسه شاد

ویروس‌های رفتاری در سیستم عامل کسب و کار: پیامدهای تخریبی کارکنان خط مقدم

شاهین قصیری^۱، مهدی جعفرزاده^۲*

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد کارآفرینی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران. رایانامه: shahin.ghoseiri@gmail.com

۲. نویسنده مسئول، استادیار، دانشکده کارآفرینی دانشگاه کارآفرینی، تهران، ایران. رایانامه: jafarzadeh.mahdi@ut.ac.ir

چکیده

در رویکردهای جدید مدیریت، فرهنگ و منابع انسانی نقش «سیستم عامل» سازمان را ایفا می‌کنند. با وجود تمرکز بر تدوین فرهنگ مکتوب و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های فنی، شواهد میدانی در صنعت خدمات پرداخت و بانکداری ایران نشان‌دهنده «گسست هستی‌شناسانه» میان سطوح تصمیم‌گیری و اجراست. این پژوهش با رویکردی انتقادی و روش‌شناسی ترکیبی (کیفی و شبیه‌سازی عامل‌بنیان)، بررسی می‌کند که چگونه فقدان شایستگی‌های رفتاری و بلوغ فرهنگی در کارکنان خط مقدم، اعتبار سازمان را متزلزل می‌سازد. مدل مفهومی بر دواگانگی میان «مدیران کلکسیونی» (استراتژیست‌های نخبه در اتاق‌های فکر) و «کارکنان ویتیرینی» (نیروهای عملیاتی با تعامل مستقیم) بنا شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد خطای استراتژیک در فرآیند جذب، که با عنوان «تله ترجم سمی» معرفی شده، موجب ورود افرادی به لایه ویتیرینی شده که فاقد فیلترهای آداب معاشرت و تاب‌آوری روانی‌اند. در بخش کمی، دینامیک زوال اعتبار سازمان با الگوریتم‌های محاسباتی و شبیه‌سازی عامل‌بنیان (ABM) مدل‌سازی شد. نتایج حاکیست این کارکنان، همانند پروانه‌ای که زودتر از موعد از پیله خارج می‌شود، توان روانی کافی برای مدیریت فشارهای کار عاطفی ندارند. این ضعف در شرایط کمبود منابع به شکل «ویروس رفتاری» فعال شده و با بروز واکنش‌های دفاعی همچون دروغ‌گویی و پرخاشگری، زیرساخت‌های سازمان را تخریب می‌کند. در نهایت، مقاله نتیجه می‌گیرد که عدم هم‌ترازی میان سطح بالای استراتژی در لایه کلکسیونی و سطح پایین فرهنگ در لایه ویتیرینی، به منزله پاشنه آشیل بقای سازمان‌ها در اقتصاد مبتنی بر شهرت است.

واژگان کلیدی: رفتار ضدتولید، بوروکراسی سطح خیابان، کارکنان ویتیرینی، مدیریت ریسک شهرت، تله ترجم سمی.

مداخلات روانشناختی مؤثر بر اضطراب دانش آموزان در مدرسه با رویکرد تلفیقی از درمان های مختلف و شواهدمحور

آمنه عالی^۱، حمیده سادات خادمی^۲

۱. استادیار روانشناسی تربیتی، گروه آموزش و پرورش، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

a.aali@atu.ac.ir

۲. استادیار روانشناسی کودکان استثنائی، گروه آموزش و پرورش، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران،

ایران. hamideh.khademi@gmail.com

چکیده

اضطراب یکی از شایع ترین مشکلات سلامت روان در میان دانش آموزان است که بر عملکرد تحصیلی، بهزیستی کلی و عملکرد روزانه آن ها تأثیر منفی می گذارد. این مقاله مروری بر مداخلات روانشناختی مؤثر برای کاهش اضطراب دانش آموزان در محیط مدرسه تمرکز دارد و رویکردی تلفیقی را بر اساس شواهد علمی اتخاذ می کند. بر اساس بررسی منابع متعدد، درمان شناختی-رفتاری (CBT) به عنوان یک مداخله شواهدمحور برجسته ظاهر می شود که در قالب های فردی، گروهی، از راه دور و خانواده محور قابل اجرا است و در محیط های مدرسه ای کارآمد است. این مداخله نه تنها بر اضطراب کلی، بلکه بر انواع خاص مانند اضطراب امتحان و اضطراب اجتماعی تأثیرگذار است و اثربخشی آن با درمان پذیرش و تعهد (ACT) قابل مقایسه است. یافته های کلیدی نشان می دهد که مداخلات پیشگیری عمومی، انتخابی و نشانه دار، عمدتاً مبتنی بر استراتژی های روانشناختی، در کاهش اختلالات درونی سازی مانند اضطراب در جوانان ۵ تا ۱۸ ساله مؤثر هستند. رویکردهای تلفیقی، مانند ترکیب CBT با عناصر دیجیتال یا حمایت والدین، دسترسی را افزایش می دهند و نرخ ترک درمان را کاهش می دهند. مدارس به عنوان محیط های کلیدی برای ارائه این خدمات عمل می کنند و مداخلات مدرسه محور، به ویژه آن هایی که غربالگری را با درمان های روانشناختی ترکیب می کنند، رویکردی مقرون به صرفه هستند. اهمیت این یافته ها در این است که مداخلات تلفیقی می توانند اضطراب را به طور مؤثر کاهش دهند، عملکرد تحصیلی را بهبود بخشند و بهزیستی دانش آموزان را افزایش دهند. پیامدهای اصلی شامل توصیه به ادغام این رویکردها در برنامه های درسی مدارس است، که می تواند به پیشگیری از مشکلات روانی بلندمدت کمک کند. با این حال، نیاز به تحقیقات بیشتر برای ارزیابی اثرات پایدار و تطبیق فرهنگی برجسته است. در نهایت، برنامه دوستان به عنوان یک مداخله عمومی مبتنی مدرسه محور پیشنهاد شده است.

واژه های کلیدی: مداخلات روانشناختی، اضطراب، دانش آموزان، رویکرد ترکیبی، شواهدمحور

تأثیر آگزرگیم بر عملکرد شناختی و مهارت‌های حرکتی درشت کودکان دبستانی

زهرا تهامی^۱، وحید روح الهی^۲، مهشید زارع زاده^{۳*}۱. کارشناس ارشد رفتار حرکتی دانشگاه شهید باهنر کرمان. tahami.zahra70@gmail.com۲. استادیار، بخش مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی، دانشکده علوم ورزشی دانشگاه شهید باهنر کرمان. rouhollahi.vahid@uk.ac.ir۳. استادیار، بخش مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی، دانشکده علوم ورزشی دانشگاه شهید باهنر کرمان. Mahshidzareezadeh@uk.ac.ir

چکیده

مبتنی بر مطالعات، فعالیت بدنی و رشد حرکتی درشت باعث ارتقا کارکردهای اجرایی شناختی می شود، اما اثر انواع فعالیت بدنی به ویژه فعالیت بدنی مبتنی بر واقعیت مجازی یا آگزرگیم مبهم است. از این رو هدف اثر تمرین حرکات درشت از طریق آگزرگیم بر حل مسئله، بازداری شناختی و حافظه فعال و حرکات درشت بود. طرح تحقیق پیش آزمون-پس آزمون با گروه کنترل بود. ۶۰ دانش آموز پسر دبستانی با میانگین سنی هشت سال به طور درد سترس انتخاب و تصادفی در سه گروه تقسیم شدند. حرکات درشت با TGMD-2 و کارکردهای شناختی توسط نرم افزار کارتهای ویسکانسین، استروپ و حافظه کاری Nback، ارزیابی شدند. گروه اول، تمرینات آگزرگیم را با دستگاه ایکس باکس کینکت و گروه دوم با برنامه حرکتی واقعی SKIP (گودوی و برانتا، ۲۰۰۳) ۱۶ جلسه مهارت‌های حرکتی درشت را تمرین کردند و گروه کنترل فعالیت زنگ ورزش را انجام دادند. تحلیل کواریانس نشان داد که تمرینات مجازی آگزرگیم و واقعی اسکوپ بر حرکات درشت و توانایی شناختی تأثیر معنی دار دارد ($P < 0.05$) ولی بین اثر این دو تفاوت معنی داری نبود ($P > 0.05$). بنابراین، تمرین با واقعیت مجازی می تواند مشابه با تمرین در محیط واقعی آموزشی در شرایط نبود امکانات و مربی، به عنوان روشی امن و جذاب، مهارت‌های حرکتی و شناختی را ارتقا دهد.

واژه‌های کلیدی: آگزرگیم، کارکردهای اجرایی شناختی، مهارت‌های حرکتی درشت، واقعیت مجازی

نقش تاب‌آوری در پیش‌بینی رضایت شغلی

رضا زعیمی*

۱. نویسنده مسئول، دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان، رشت، ایران. رایانامه: reza.zaeimi8@gmail.com

چکیده

رضایت شغلی به عنوان حالت عاطفی مثبت فرد نسبت به شغل، نقش کلیدی در بهره‌وری، تعهد سازمانی و ماندگاری معلمان ایفا می‌کند، اما فشارهای شغلی در حرفه معلمی می‌تواند این سازه را تهدید کند. تاب‌آوری به عنوان منبع شخصیتی محافظتی، می‌تواند رضایت شغلی را تقویت کند. هدف پژوهش حاضر بررسی نقش تاب‌آوری در پیش‌بینی رضایت شغلی معلمان ابتدایی بود. این پژوهش از نوع همبستگی با طرح مقطعی بود. جامعه آماری شامل معلمان ابتدایی آموزش و پرورش بود و نمونه به حجم ۱۰۷ نفر با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شد. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه تاب‌آوری کانر و دیویدسون (۲۰۰۳) و پرسشنامه رضایت شغلی بری فیلد و روث (۱۹۵۱) بودند. داده‌ها با روش‌های آمار توصیفی و استنباطی (همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی ساده) تحلیل شدند. نتایج نشان داد بین تاب‌آوری و رضایت شغلی رابطه مثبت و قوی وجود دارد و تاب‌آوری پیش‌بینی‌کننده مثبت رضایت شغلی است. این یافته‌ها نقش کلیدی تاب‌آوری را در افزایش رضایت شغلی معلمان تأکید می‌کنند و پیشنهاد می‌کنند برنامه‌های آموزشی تقویت تاب‌آوری برای معلمان اجرا شود تا رضایت شغلی و کیفیت آموزش بهبود یابد.

واژگان کلیدی: تاب‌آوری، رضایت شغلی، معلمان، آموزش و پرورش

شناسایی، ارزیابی و اولویت‌بندی صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان مدارس استثنایی و ارائه راهکارهای بهبود

اسماعیل شهریاری^۱، جواد پورکریمی^{۲*}، فاطمه نصرتی^۳، شیرین مجاور^۴

۱. کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: e.shahryari@ut.ac.ir

۲. نویسنده مسئول، دانشیار، گروه مدیریت و برنامه ریزی آموزشی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: jpkarimi@ut.ac.ir

۳. دانشیار، گروه روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: fnosrati@ut.ac.ir

۴. دکترای تخصصی روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: shirin.mojaver@ut.ac.ir

چکیده

پژوهش حاضر، با هدف شناسایی و ارزیابی صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان مدارس استثنایی شهر شیراز با استفاده از روش آمیخته (کمی و کیفی) انجام شد. جامعه آماری بخش کیفی صاحب‌نظران و افراد مجرب حوزه مدارس استثنایی بود و بدین منظور در این بخش از طریق نمونه‌گیری هدفمند به م‌صاحبه نیمه ساختارمند با ۱۲ نفر از صاحب‌نظران، مدیران و معلمان با تجربه پرداخته شد. برای تحلیل م‌صاحبه‌ها از روش تحلیل مضمون استفاده شد و مؤلفه‌های دانش، مهارت‌های ادراکی، مهارت‌های انسانی، مهارت‌های فنی، نگرش و انگیزه، ویژگی‌های اخلاقی و ویژگی‌های روان‌شناختی معلمان مدارس استثنایی مورد شناسایی قرار گرفت. سپس، در بخش کمی به تبیین وضعیت صلاحیت حرفه‌ای آنان پرداخته شد. جامعه آماری بخش کمی را تمامی معلمان مدارس استثنایی شهر شیراز تشکیل دادند که ۵۰۰ نفر بودند؛ با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۲۱۷ نفر از آنان به‌عنوان نمونه انتخاب شدند و به صورت تصادفی مورد مطالعه قرار گرفتند. ابزار مورد استفاده در این بخش پرسشنامه محقق ساخته‌ای بود که براساس مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌های شناسایی شده در مصاحبه تدوین شد. برای تحلیل داده‌های کمی از روش‌های آماری توصیفی و استنباطی استفاده شد، پایایی پرسشنامه‌ها با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۴ محاسبه شد و روایی سازه از طریق تحلیل عاملی تأییدی مورد سنجش قرار گرفت. نتایج تحلیل عاملی تأییدی نشان داد که مؤلفه‌های مذکور به‌درستی صلاحیت حرفه‌ای معلمان مدارس استثنایی را تبیین می‌کنند. همچنین، یافته‌های بخش کمی نشان داد که صلاحیت حرفه‌ای آنان در سطح نسبتاً مطلوبی قرار دارد، اما در متغیرهای جمعیت‌شناختی جنسیت و سطح تحصیلات بین معلمان استثنایی تفاوت معناداری وجود دارد. نتیجه‌گیری می‌شود، معلمان مدارس استثنایی برای دستیابی به سطح مطلوبی از صلاحیت‌های حرفه‌ای در شغل خود نیازمند دریافت آموزش‌هایی هستند که باید برنامه‌ریزی خاصی در این زمینه صورت گیرد و بر اساس نتایج پژوهش‌های مشابه، محتوا و برنامه‌هایی تدوین گردد.

واژه‌های کلیدی: صلاحیت حرفه‌ای، معلمان، مدارس استثنایی

عدالت آموزشی و بهزیستی روان شناختی در آموزش: با تاکید بر رویکرد شایستگی آمارتیا سن

مرضیه عالی *

* نویسنده مسئول، استادیار گروه مبانی فلسفی - اجتماعی تربیت، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: m.aali@ut.ac.ir

چکیده

بهزیستی روان شناختی در دهه‌های اخیر به یکی از مفاهیم محوری در گفتمان‌های سیاست‌گذاری آموزشی در سطح جهانی تبدیل شده و اغلب به عنوان پیش شرط یادگیری مؤثر، مشارکت تحصیلی پایدار و موفقیت آموزشی معرفی می‌شود. با این حال، نحوه مفهوم‌پردازی بهزیستی و نسبت آن با عدالت آموزشی همواره محل مناقشه بوده است؛ چراکه بهزیستی می‌تواند هم در خدمت کاهش نابرابری‌های آموزشی و هم در جهت مدیریت هنجاری احساسات و رفتارهای دانش‌آموزان به کار گرفته شود. این مقاله با بهره‌گیری از تحلیل گفتمان انتقادی و با تکیه بر رویکرد شایستگی آمارتیا سن، به بررسی پیوند میان بهزیستی روان شناختی و عدالت آموزشی در سیاست‌ها و گفتمان‌های آموزش مدرسه‌ای می‌پردازد. یافته‌های تحلیلی نشان می‌دهد که گفتمان‌های مسلط بهزیستی، بسته به چارچوب ایدئولوژیک حاکم، می‌توانند یا در راستای تحقق عدالت آموزشی و شکوفایی انسانی عمل کنند یا به ابزاری برای بازتولید نابرابری‌ها در قالب پروژه‌های سرمایه انسانی بدل شوند. در بخش پایانی، دلالت‌های این تحلیل برای نظام آموزشی ایران و سیاست‌های مرتبط با بهزیستی دانش‌آموزان در راستای عدالت تربیتی مورد بحث قرار می‌گیرد.

واژه‌های کلیدی: بهزیستی روان شناختی، عدالت آموزشی، تحلیل گفتمان انتقادی، رویکرد شایستگی، سیاست آموزشی، آموزش ایران

نقش انعطاف پذیری شناختی در ارتقای بهزیستی روان شناختی دانش آموزان: یک مطالعه مروری

سنا نجفی^۱، بتول زارع^{۲*}

۱. کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: sana.najafi@ut.ac.ir

۲. نویسنده مسئول، کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: batoolzare.1995@ut.ac.ir

چکیده

با توجه به افزایش فشارهای تحصیلی، اجتماعی و هیجانی در دوران مدرسه، توجه به عوامل شناختی مؤثر بر بهزیستی روان شناختی دانش آموزان به عنوان یکی از اولویتهای اساسی نظامهای آموزشی مطرح شده است. در این میان، انعطاف پذیری شناختی به عنوان توانمندی کلیدی در سازگاری با شرایط متغیر، تنظیم هیجان و مدیریت مؤثر چالشهای تحصیلی و روانی، می تواند نقش مهمی در ارتقای بهزیستی روان شناختی دانش آموزان ایفا کند. پژوهش حاضر با هدف تبیین و یکپارچه سازی شواهد موجود درباره نقش و تأثیر انعطاف پذیری شناختی در ارتقای بهزیستی روان شناختی دانش آموزان، به صورت یک مطالعه مروری نظام مند انجام شد. بدین منظور، مقالات پژوهشی منتشر شده به زبان انگلیسی و فارسی در بازه زمانی ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۵ از پایگاههای اطلاعاتی PubMed، Scopus، Web of Science و Google Scholar با استفاده از راهبرد جستجوی هدفمند استخراج شدند. پس از غربالگری اولیه، حذف مقالات تکراری و بررسی ملاکهای ورود و خروج، در نهایت پنج مقاله واجد شرایط برای تحلیل نهایی انتخاب شد. یافتههای مطالعات نشان داد که انعطاف پذیری شناختی با مؤلفههای مختلف بهزیستی روان شناختی از جمله پذیرش خود، تسلط بر محیط، روابط مثبت، هدفمندی در زندگی و کاهش نشانههای هیجانی منفی در دانش آموزان ارتباط معناداری دارد و این رابطه در برخی پژوهشها تحت تأثیر متغیرهایی مانند تنظیم هیجان، خودکارآمدی و راهبردهای مقابله ای قرار می گیرد. با این حال، غلبه طرحهای مقطعی، استفاده از ابزارهای خودگزارشی و کمبود مطالعات مداخله ای از جمله محدودیتهای پژوهشهای موجود است. در مجموع، نتایج این مطالعه بر ضرورت طراحی و اجرای مداخلات آموزشی و روان شناختی مبتنی بر تقویت انعطاف پذیری شناختی در محیطهای مدرسه ای به منظور ارتقای بهزیستی روان شناختی و پیشگیری از مشکلات هیجانی دانش آموزان تأکید دارد.

واژه های کلیدی: انعطاف پذیری شناختی، بهزیستی روان شناختی، سلامت روان، دانش آموزان، مطالعه مروری نظام مند